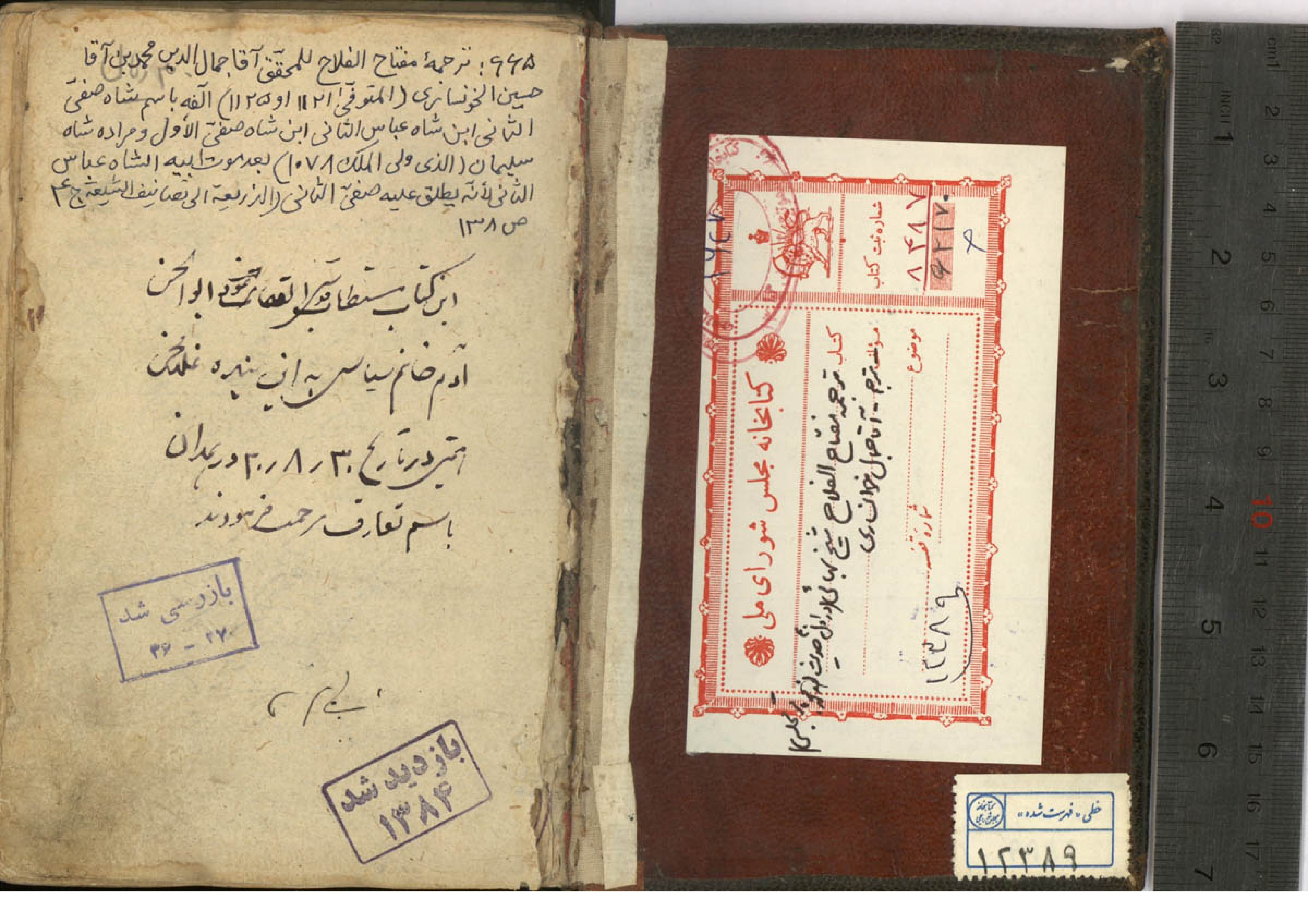
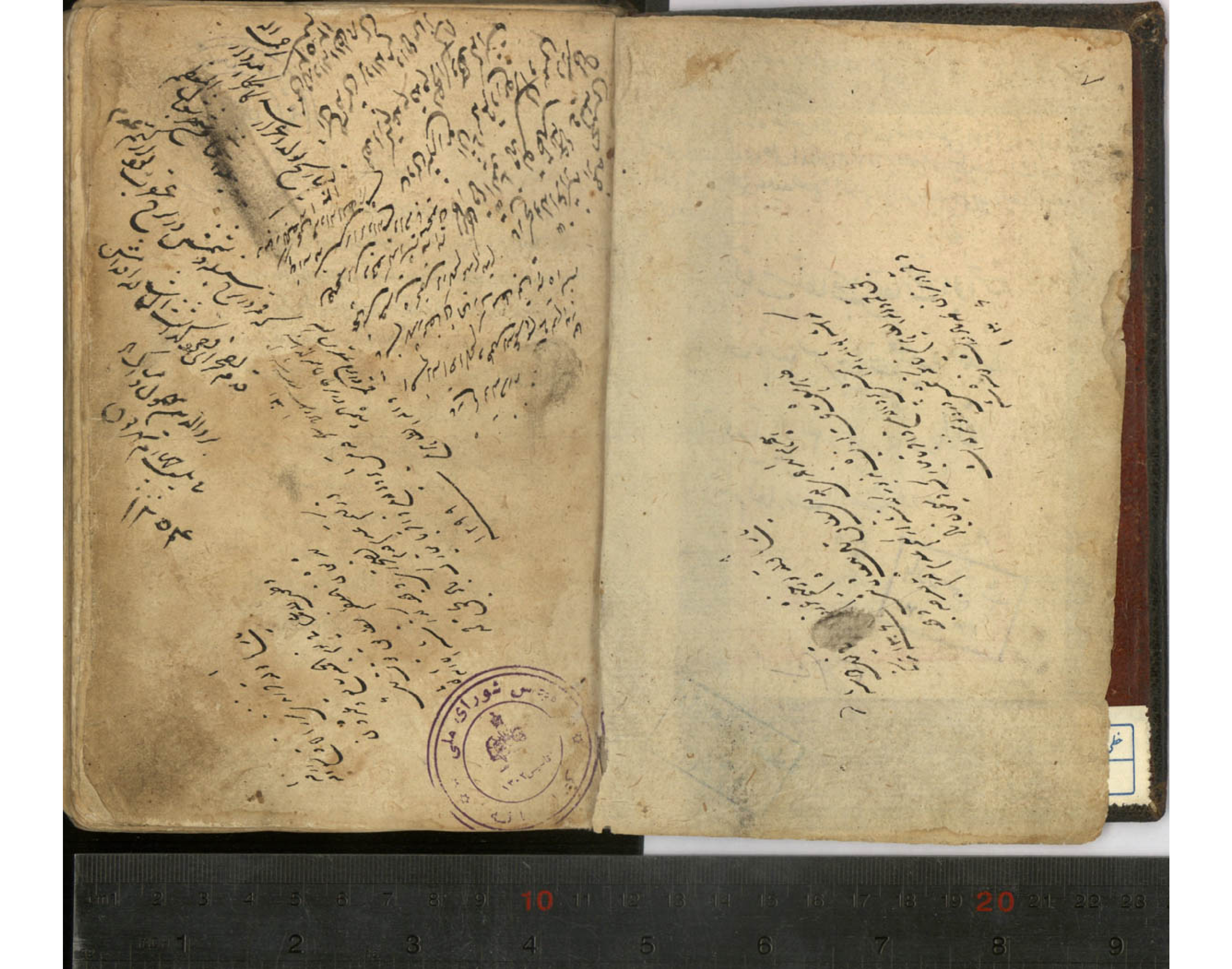


۹۶۵: ترجمهٔ مفتاح الفلاح للمحقق آقا جمال الدین محمد بن آقا حسین الخونساری (المتوفی ۱۱۲۱ او ۱۱۲۵) الفه باسم شاه صفی الثانی ابن شاه عباس الثانی ابن شاه صفی الاول و مراده شاه سلیمان (الذی ولی الملک ۱۰۷۸) بعد موت ابیه الشاه عباس الثانی لانه یطلق علیه صفی الثانی (الذریعة الی تصانیف الشیعة ج ۴ ص ۱۳۸
بازرسی شد
۲۷ - ۴۶
بازدید شد
۱۳۸۴
کتابخانه مجلس شورای ملی
شماره ثبت کتاب
۸۴۸۷
کتاب
موضوع
خطی «فهرست شده»
۱۲۳۸۹


۱۲۵۴
شورای ملی

هو الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

اما بعد چنین گوید اضعف عباد الله الغنی محمد باقر بن مرحوم محمد تقی عفی عنهما
از کتابهای معتبر اخراج کرده تا جمیع مسلمانان و شیعیان از آن بهره
یابند و مجموع این روایات از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست
و ترجمه لغات عربی مختصر التماس آنکه بدعای خیر و فاتحه یاد نمایند حدیث اول
حضرت فاطمه صلوات الله علیها از پدر بزرگوار خود روایت کرده است که
هرکه در شب از خواب بیدار شود و بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ
لَا شَرِیكَ لَهُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ
تمامی گناهانش آمرزیده شود ان شاء الله تعالی حدیث ۲
انس بن مالک از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که
هر بامداد از خواب برخیزد و بگوید بِسْمِ اللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللهِ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ در آن روز شیطان از او دور
گردد حدیث ۳ ایضا انس بن مالک از حضرت رسول صلی الله علیه
وآله روایت کرده که هر که در صبح از خواب برخیزد و ده مرتبه

آیة الکرسی

آیة الکرسی بخواند و بعد از آن وضو گرفته نماز کند او را حق سبحانه و تعالی
او را در آن روز از شر شیطان و جور سلطان نگاه دارد و ثواب
تلاوت تمامی قرآن کرامت فرماید حدیث ۴ ایضا انس
بن مالک از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که بعد از
فراغ از وضو بگوید اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ
و سوره انا انزلناه الا آخر بخواند ثواب هفتاد ساله عبادت
در نامه اعمال او نوشته شود حدیث ۵ ایضا انس بن مالک
از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که در صبح
قبل از وضو هفت مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ و بعد از آن
وضو گرفته نماز کند او را حق سبحانه و تعالی از هشت بهشت بعد از
دنیا باو عطا فرماید حدیث ۶ سعد جناده عوفی رحمه الله
از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که از خواب
بیدار شود و وضو گرفته صد مرتبه سُبْحَانَ اللهِ و صد مرتبه
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ و صد مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ و صد مرتبه اَللهُ اَكْبَرُ
بگوید حق سبحانه و تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد مگر خون ناحق

حدیث ۷ از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت شده که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بعد از فراغ از وضو
بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا
وَلِيُّ اللهِ وَوَصِيُّ رَسُولِهِ حق تعالی بروی او هشت در بهشت
گشاده کند حدیث ۸ حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که آواز مؤذن
بشنود و بگوید مَرْحَبًا بِالْقَائِلِينَ عَدْلًا وَبِالصَّلَاةِ
أَهْلًا حق سبحانه و تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد و صد هزار حسنه
در نامه عمل او نوشته شود و صد هزار سیئه از او محو شود و صد هزار درجه
باو عطا فرماید چون این حدیث تفصیل میکرد بعضی از حضار مجلس حدیث
در پیش خود تعجب میکند بعد از آنکه شب بخواب میرود در خواب باو میگویند
که در این حدیث تعجب میکنی مگر حق تعالی را بخیل میدانی چون است
یک سخن شاعری که در مدح مخلوقی بگوید صد هزار دینار صله میدهد خالق
هرگاه بنده خود را بگفتن این کلمات اینقدر عطا فرماید تعجب دارد

خابدیجی روایت میکند که در مصر بودم مردی فاسقی نزد من تردد ی
داشت چون وفات کرد او را در خواب دیدم احوالش نیکو بود
پرسیدم که حق تعالی با تو چه کرد و ترا بچه عمل بخشید گفت که من عملی
نداشتم مگر آنکه هر وقت که مؤذن اذان میگفتی من هم شنیدم
گفتمی حق سبحانه و تعالی وحی فرموده که اگر در آخر اذان گفته بودی
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ بی حساب داخل بهشت
میشدی حدیث ۹ عبد الله عباس از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله روایت کرده که هر که داخل مسجد شود و بگوید أَعُوذُ بِاللهِ
مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ در آن روز شیطان از او دور گردد
حدیث ۱۰ از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که
هر که بعد از نماز فریضه ده مرتبه بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ هنوز از آن
موضع بیرون نرفته باشد که جمیع گناهانش آمرزیده شود ان شاء الله
حدیث ۱۱ از حضرت امیر المؤمنین که از حضرت رسول صلی الله
روایت کرده که هر که در عقب نماز بامداد آیة الکرسی خواند
تا نماز دیگر در امان حق سبحانه و تعالی باشد حدیث ۱۲

ایضا ابوذر رضی الله عنه از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده
که هر که در عقب نماز فریضه ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند ثواب او
همراه او باشد تا روز قیامت و او را به بهشت رساند و از او جدا
نشود حدیث ۱۳ ایضا ابوذر رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه وآله
روایت کرده است که هر که در غروب آفتاب یکمرتبه لا اله الا
الله والله اکبر بگوید حق سبحانه تعالی چهار یک تن او را از آتش دوزخ
آزاد کند و اگر چهار مرتبه بگوید تمامی بدن او از آتش دوزخ آزاد کند
حدیث ۱۴ عبدالله حبیب از آنحضرت صلی روایت کرده که هر که
در وقت غروب آفتاب نظر بر آفتاب کرده بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان
محمدا عبده ورسوله واشهد ان علیا ولی الله
ووصی رسول الله تا آفتاب بر آمدن دیگر پنجاه ساله گناه او
آمرزیده شود حدیث ۱۵ ابوذر رضی الله عنه از آنحضرت صلی
روایت کرده که هر که در غروب آفتاب بگوید اعوذ بکلمات
الله التامات کلها من شر ما خلق در آن شب گزندی

بوی رسد حدیث ۱۶ از آنحضرت صلی الله علیه وآله مرویست که هر که
این کلمات مداومت نماید سختی جان کندن بر او آسان گردد لا اله
الا الله الحی القیوم سبحان الله رب السموات ورب
العرش العظیم والحمد لله رب العالمین حدیث ۱۷
انس بن مالک از آنحضرت صلی الله علیه روایت کرده که هر که این دو آیه
کریمه را مداومت نماید از شر بدکاران و از جور سلطان در امان باشد
الآیات الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم حدیث ۱۸ ثوبان از آنحضرت صلی الله علیه وآله روایت
کرده که هر که از خبر خوفی ترسی داشته باشد این کلمات بگوید ایمن گردد از خوف
ان لا اله الا الله لا شریک له شیئا حدیث ۱۹ حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر
سختی بعید بگوید بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم حق تعالی آن سختی را از او بردارد و از حضرت
صادق علیه السلام روایتست که فرمود عجب دارم از چهار کس که از چهار چیز

فائده اول اگر دشمنی یا بدی برسد چرا گویند لا اله الا
انت سبحانک انی کنت من الظالمین زیرا که حق سبحانه و تعالی
در عقب این آیه فرموده که فاستجبنا له ونجیناه من الغم
وکذلک ننجی المؤمنین دویم اگر از دشمنی وا عدوی خوف
و هراسی و بیمی داشته باشد چرا گوید حسبنا الله ونعم الوکیل
نعم المولی ونعم النصیر حق سبحانه و تعالی در عقب این فرموده
فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء سیم
اگر از کدورت دشمنی گرفتار باشند چرا گویند افوض امری الی
الله ان الله بصیر بالعباد حق سبحانه و تعالی در عقب او فرموده
که فوقاهم الله سیئات ما مکروا چهارم چیزی را که
دوست دارند و از آفت او برسند چرا گویند ما شاء الله
لا قوة الا بالله حق سبحانه و تعالی در اول این فرموده که اذ دخلت
جنتک قلت ما شاء الله حدیث ۲۰ ابن عباس از حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که چون از دشمنی خوف
و هراسی داشته باشی این دعا بخوان اللهم انا نجعلک فی

نحورهم

نحورهم ونعوذ بک من شرورهم حدیث ۲۰۲ انس بن مالک
از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که چون در کاری اندوهگین
باشی بگو یا حی یا قیوم بک استغیث حدیث ۲۰۳ ابوذر
رضی الله عنه روایت کرده که چون حضرت رسالت صلی الله را اندوهی
میرسید سر مبارک بآسمان کرده میفرمودند سبحان الله العظیم
حدیث ۲۰۴ ابوذر رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت
کرده که هر که بعد از نماز صبح سه مرتبه بگوید استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه حق سبحانه و تعالی
جمیع گناهان او را بیامرزد حدیث ۲۰۵ حضرت امیر المؤمنین ع
روایت کرده که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله از حضرت جبرئیل ع
پرسیدند که تعلیم نماید چیزی که سبب نجات امت باشد از عذاب قبر
حضرت جبرئیل ع تعلیم نمود که امت را امر کن در هر روز جمعه دو رکعت
نماز گذارند در هر رکعت بعد از فاتحه سوره اذا زلزلت سه مرتبه
بخوانند و این هدیه ایست از جانب حق تعالی با امتان تو هر که مداومت
نماید از عذاب قبر نجات یابد حدیث ۲۰۶ حضرت فاطمه ع از پدر

بزرگوار خود روایت کرده که هر که بعد از نماز جمعه هفت مرتبه سوره قل هو الله
احد و معوذتین بخواند از جمیع بلاها در امان حق سبحانه و تعالی باشد
تا جمعه دیگر حدیث ۲۰۷ انس بن مالک از آنحضرت صلی الله علیه و آله
روایت کرده که هر که بعد از نماز جمعه صد مرتبه صلوات بفرستد و بعد از او
هفتاد مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اکْفِنِی بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَاَغْنِنِی
بِفَضْلِكَ وَجُودِكَ وَکَرَمِكَ حق سبحانه و تعالی صد حاجت او را برآورد
سی در دنیا و هفتاد در آخرت و توسعه در معیشت او بهم رسد حدیث ۲۰۸
ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که بعد از نماز
جمعه صد مرتبه سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ بگوید حق سبحانه و تعالی صد هزار
گناه او را و والدین او را ببخشد و اثر آن را بیامرزد حدیث ۲۰۹
ایضا ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که نماز جمعه
کرده از مسجد بیرون آید و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَجَبْتُ دَعْوَتَكَ
وَصَلَّیْتُ فَرِیضَتَكَ وَانْتَشَرْتُ کَمَا اَمَرْتَنِی وَارْزُقْنِی
مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ نه در دنیا و نه در آخرت و نه در وقت مردن
سختی نبیند حدیث ۲۱۰ حضرت امیر المؤمنین ع از آنحضرت صلی الله علیه

و آله

و آله روایت کرده که هر که شب جمعه نماز وتر را در مسجد گذارد تا جمعه دیگر
گناهی برای او ننویسند و اگر بمیرد شهید شود و در بهشت شهری برای او بنا شود
حدیث ۲۱۱ ابوذر رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت
کرده که هر که در هر روز سه مرتبه و در روز جمعه صد مرتبه این صلوات را
بفرستد در زمره آنحضرت صلی الله علیه و آله برانگیخته شده داخل بهشت
گردد صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَصَلَوَاتُ مَلَائِکَتِهِ وَاَنْبِیَائِهِ
وَرُسُلِهِ وَجَمِیعِ خَلْقِهِ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ
الْمُرْسَلِینَ وَخَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَالسَّلَامُ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ
وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ حدیث ۲۱۲ از آنحضرت صلی الله علیه
و آله مرویست که هر که بعد از نماز جمعه تا غروب آفتاب یَا اَللّٰهُ
یَا رَحْمٰنُ بسیار بگوید هر حاجت که از حق سبحانه و تعالی بخواهد روا شود
حدیث ۲۱۳ انس بن مالک از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت
کرده که هر که هر روز ده مرتبه لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
بگوید از جمیع گناهان پاک شود حدیث ۲۱۴ حضرت فاطمه
از پدر بزرگوار خود صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که هر روز

بیست یکمرتبه بگوید اللّٰهم بارك لي في الموت وفيما بعد الموت
بحساب داخل بهشت میشود در آنحضرت پیغمبر باید که از پدر بزرگوار خود
پرسیدم که آیا کسی بحساب داخل بهشت میشود فرمودند که هر که این کلمات
باین عدد هر روز بگوید حدیث ۵ ۳۰ انس بن مالک از آنحضرت
صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که در وقت خواب سر بر بالین گذارد
سه مرتبه بگوید لا اله الا الله احدا صمدا فردا ولا قوة
الا بالله او را عذاب قبر نباشد و حق سبحانه و تعالی در روز قیامت
فرشته بر او موکل سازد که او را از صراط بگذراند حدیث ۶ ۳۰
ایضا انس بن مالک از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده
که هر که در وقت خواب آیه کریمه شهد الله را تا آخر بخواند و بعد از آن
بگوید و نحن علی ذلك من الشاهدين حق تعالی در آن شب هفتاد هزار
ملک بر او موکل سازد تا روز قیامت آمرزش او را بخواهند حدیث ۷ ۳۰
از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله مرویست که هر که بعد از نماز فریضه [illegible] آیه
شریفه شهد الله را تا آخر آیه بخواند چون در روز قیامت آن شخص را
بحشر آورند حق تعالی فرماید بنده مرا نزد من امانتی است و کسی سزاوارتر از من

بوفاء عهد

بوفاء عهد پس بنده مرا به بهشت برید می گویند که شخصی آیه شهد الله را تا آخر بعد از نماز
همه وقت میخوانده و بعد از و میگفته که بارخدایا این امانت من است نزد حضرت تو تا روز
در وقت حاجت باز دهی چون آن مرد را وفات رسید چند روز زبانش بند میشود در حالت
نزع زبانش گشاده آیه شهد الله را میخوانده و کرر میکرده تا باین کلمه وفات میکند [illegible]
در آنوقت آواز داده که ودیعتك رددناه الیك یعنی امانتی که نزد ما بود
بتو دادیم حدیث ۸ ۳۰ ابن عباس از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده که
هر که از خواب بیدار شود و بگوید لا اله الا انت سبحانك انی کنت
من الظالمین از گناهان بیرون رود مثل مار که از پوست در آید حدیث ۹
۳۰ از آنحضرت صلی الله علیه و آله روایت شده که شخصی را دردی عارض میشود که نزدیک
بهلاکت بود بخدمت آنحضرت صلی الله علیه و آله آمده احوال خود را عرض میکند حضرت
پیغمبر باید که دست راست بر موضع درد بگذارد و سه مرتبه بگو اعوذ بقدرة الله
و قوته من شر ما اخاف و احذره آن شخص چنین کرد حق تعالی
او را از آن درد نجات بخشید

الحمد لله رب العالمین
کاتب الحروف [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

مفتاح فتوح دنیا و عقبی مقدمهٔ سنجاح آخرت داود حمد و ثنای بارگاه کبریایی که حمایت
کرده را کلید خزاین فضل و احسان و مفتاح ابواب طول و امتنان ساخته هر که در
شبستان شب زنده داری عبادتش مصباح دعای فروخت صبح اجابتش پیش از
صبح دمید و هر که در زاویهٔ اطاعتش مناجات صبحگاهی برخواست نخستین چهرهٔ مقصود
خویش دید صحیفهٔ اعمال داعیان درگاهش آیات امان از زلات و حب درود و
دعوات حاجت سایلان بارگاهش واضح و لایح در آغاز رحیمی که بیت کرمش همه
آمرزگنه کاران خرمن خرمن بذر و عطیه درهم سوزد عزیزی که به دستگیری لطفش
پیر دعای مظلومان صد جوشن و خفتان بر هم دوزد بجز از آن کیمیای اکبر مطلب
کرسی نشیند و یک اشاره حرف البحر جیاد کرده ستمکاران آب رساند سیمی
زری بخشیده که بحضرت آن جوشن داودی سوده و جوشن را تعویذی کرده
از سیف مصری آن گزندی رسد در سلک منتج اعدای این علوی مصری قایم
مقام ذوالفقار حیدری گرداند و در حفظ ارباب ایمان و یقین حرز یمانی
ساو مستند سکندری تعالی شانه و عظم احسانه و وسیلهٔ وصول مطالب دارین
و ذریعهٔ حصول نشاتین صلوة و درود رسول و حبیب الکریم که نخستین مرتبهٔ مجد و

دانش و بی فصل و لی دا اولین پایه قرب و منزلتش قاب قوسین او ادنی طایر بلند پرواز
همتش آشیان بر سدرة المنتهی و کیت خوش خرام نقشش میدان ولسوف یعطیک
رنگ فرضی برگزیده ابن آفتاب برکت دعای اجابت قرینش کالشمس او انجم و در شبستان
انگشت فارس برج میلاد و سعادت بنیادش کالنار علی علم تسبیح حصباء کف
معجزنمایی از معجزات ظاهرهٔ اوست که بیک زبان زیاده از ریگ بیابانست و ملازمت
با فرق فرقدان سایی از آیات باهرهٔ اوست که بر اعراق فزون از قطرات باران
شکستن طاق کسری هنگام طلوع کوکب سعادت انجام اعت استهلال بود و ظاهر و تنگنای قبرها
بدر منیر که باشاره سرانگشت معجزنمایش مانند آفتاب تابان شق شده بود و قرآن
آب دریا در شب میلاد و همیت پر استقصه بود لایح از معجزات صافیه که از چشمه چشمگاهی
افزون از محیط و عمان روان گردید روح الامین که مرغ خیل همه روحانیانست اگر
بسعادت ملازمتش بالد چه عجب پر و بال داده خدمت اوست و سلاطین که مسجود ملکی
کروبیانست اگر شرف ثنای همایش نازد چه شگفت از خاک بر داشته تربت او در روز
ابرار شفاعتش کمترین گناهی ابر از ستا جان مرا سر که فرد ختاکه دعوی عشقش بمیحکه
قضا نسبیل رسیده و در روز دیوان عدالتش عبادت صد ساله بی ولای آل اطهار
کرو منوی کر بجز آی آن نقیه دوام متقیه با غلال و سلاسل گردید صلوات الله
علیهم اجمعین الی یوم الدین و بعد بر دانایان حقایق دانای هوشمند
پرتو هدایت ایزدانی همراهی خضر عنایت سبحانی بسرچشمهٔ حیوان تحقیق و ایقان رسیده
جمال شاهد حقایق اشیا را که در آینه سکندری ظهور جلوه گر یافته محجوب و
مخفی نخواهد بود که علت غائی و غرض اصلی از ابداع انسان و اختراع این طاق ارکان
و خلاصه از وجود عالم امکان بر وفق طغرای غرای ما خلقت الجن و الانس الا

لیعبدون مواظبت بر طاعات و اشتغال بعبادات است تا اینکه هر کس در خور استعداد
و طاقت که در تتبع آنکتاب نماید و بازای استحقاق و قابلیت که اهل اقتباس
و ناپیدا نماید از رحمت بی منتها و سیحی نعمتهای لاتعد و لاتحصی گردیده و در زمره
خود رحمات عدن بعضها فوق بعض قرار گیرند و چون از کتب مصنفه درین باب
کتاب مفتاح الفلاح که تقریر حضرت شیخ محقق و نحریر مدقق وحید زمانه و علامه اوانه
الشیخ بهاء الملة والدین محمد العاملی علیه الرحمه بطبع لطیفه الخفی و الجلی در صلوات و ادعیه شبانروزی
تالیف فرموده کتابیست جلیل القدر و عزیز المنال عظیم الشان عدیم المثال قبائی که
پیشه و نحرف بر قامت توصیف آن نارسا جامه طویل الذیل الفاظ در برابر نقش
کوتاه **شعر** ففی کل سطر منه روض من المنی ❊ و فی کل سطر منه عقد من الدرر ❊ لیکن
چون بزبان عربی سمت تحریر یافته و جمعی که لغت فارسی مانوس و مالوف بوده آنها
از آن چندان تمتع و بهره میسر نیست بخاطر فاتر این بنده محتاج بعفو ربی جمال الدین
محمد بن حسین خوانساری رسید که آنرا بزبان فارسی ترجمه نماید تا همگی طوایف انام
از خواص و عوام از آن محظوظ و بهره مند گردند بنابر آن اقدام بر آن نموده
هرچه کلام شیخ ره بود ترجمه نموده و بترجمه آن اکتفا نموده و ادعیه را نقل کرده و ترجمه
آنرا در تحت آن قلمی نموده و هرجا که احتیاج بتوضیحی بود خواه از فقرات دعا و
خواه از ترجمه شیخ در حاشیه توضیح آن نموده و همچنین آنچه مسایل خلافی درین کتاب
مذکور شده نقل اقوال علما در آنها و ترجیح هر طرف که باعتقاد فقیر ترجیح داشته
در حاشیه قلمی شده و آنچه شیخ ره در توضیح بعضی فقرات ادعیه قلمی نموده اند
بعضی بعبارته ترجمه شده و پیش از آن ش رقم شده و بعضی دیگر مضمون
آن در ضمن بعضی حواشی از شیخ نقل شده و سخنان دیگر با آن الحاق شده و از

کلام

سخنان شیخ چیزی از این دو قسم بیرون نرفته مگر قلیلی از — که ترک شده
ذکر آنها را چندان مناسب این ترجمه و آنچه غرض از وضع آن بود ندیده است و همچنین جا
که در کلمات شیخ باعتقاد فقیر خللی بوده در حواشی آن اشاره نموده مگر بعضی مواضع که
ذکر آن مناسب این ترجمه نبوده و آنچه حواشی این فقرات است از آن رقم شده و
بحمد الله سبحانه این نسخه بر وفق مدعا پیرایه اختتام در بر کرده زینت افزای انجمن
ارباب عرفان و خرمن بخش چمن اصحاب ایقان گردیده فحمدا له ثم حمدا له و از آنجا که از عادت
قدیمه و رسمی کهن ارباب دانش و بینش بملاحظه احوال خویش ظاهر و روشن که هرکس را
تمنای آنکه آنچه عزیز داشته اند و تحفه شمرده بجناب برگزیده دوران و فرمان فرمای زمان
و اتحاف نماید چنانکه حکایات مور و اعرابی و آب شور بر همه آشکار و افواه کرده
مشهور است این قلیل البضاعت را نیز هوای آن بر سر افتاده که این کمترین تحفه منظور نظر
الیفات [illegible] پایه سریر گردون نظیر سلطان زمان و شهنشاه دوران یعنی جهان
گیتی ستان انجم سپاه گردون بارگاه شهریار عادل باذل [illegible] که در حقش بادی
مرکبش شهباز بلند پرواز سخن صد باره بال که اشته و کمیت خوشخرام قلم هر قدم چون
نقش [illegible] پرچم [illegible] که مستجمع عوالم لفظ و معنی است از برای توصیف این بیابان بی
پایان بهانه قلم عصای قوه در بر داشته و دو پیره طعنه که مستجمع بکار نظم و سرانیست
بهمه هر شعبه این بحر بیکران سفینها ساخته **بیت** شهی عالم پناه آسمان تخت ❊
جهانگیر جهانبخش جوان بخت ❊ هم آغوش شده از وی دین و دولت ❊ بهم [illegible] از
عدالتش ملک و ملت ❊ همه روی زمین زیر نگینش ❊ فلک فیروزه انگشترینش ❊ بقصر
جلالتش چون طاق بستند ❊ در بار و طاق کسری را شکستند ❊ فلک حیران از فراوانش
قیامت محو بوش لشکر است ❊ جبهه بر خاک درگاهش مالیدن سرافتخار بر فرق [illegible]

سودن • سجده بر در آستان فلک پاسبانش کردن سر بر زمین و آسمان فرو نیاوردن
حلقهٔ اخلاصش در گوش کردن خود را بزیور سعادت آراستن • غاشیهٔ دولتش بر دوش
کشیدن دوش را بدوش دولت جاودانی رفتن • اگر نعل کرانش حلقه در گوش هلال
کند جا دارد • و اگر شمهٔ از ایوانش لب بر لب جام خورشید گذارد و میرسد • قره با بزم
سلطنت و جهانبانی غرهٔ ناصیهٔ عظمت و کشورستانی • نخل بند چمن سعادت و
اقبال نهال برومند گلشن دولت و اجلال • دیباچهٔ دفتر وجود • نسیم گلستان عدل و
انصاف شعله نشان جور و اعتساف • موشح آئین نصفت و معدلت • مرکز دوائر
رافت و رحمت • خلف الصدق خاندان خلافت • دره التاج دودمان ولایت
باده نوشش تقربات ربانی • صدرنشین محفل عنایات یزدانی • سلطان شاه صفی
الثانی لازال محفوفا با ... والابتداء السبحانیه کرده • و چون در شریعت غرای
حشمت و رفعت بیضای سروری و رفعت قبول هدایا لازم و متحتم • و ملاحظهٔ لیاقت
و شایستگی آن نکوهیده و ناشایست • یقین این هدیه مقبول نظران کرده و الاشکوه
کرده به نوازشش گوشهٔ چشم التفاتی کلاه گوشهٔ افتخار را از اطلس چرخ طراز اعتبار خواهم
یافت اکنون هنگام شروع است در ترجمهٔ کتاب • والله ولی التوفیق فی کل باب •

بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی

سپاس خدای را که دلالت کرده ما را بجادهٔ نجات • و هدایت فرموده ما را بسوی
آنچه واجب میگرداند بلندی درجات را • و درود برا اشرف فرزندان آدم افضل اهل
زمین و آسمان محمد و آل او • آنانکه بدوستی ایشان قبول میشود نمازها • و بر گناهان ایشان
مستجاب میگردد دعاها • **و بعد** پس مخفی نیست که کمترین بندگان از روی عمل و
بیشترین ایشان از روی لغزش محمد مشتهر به بهاء الدین عاملی توفیق خدا او را رفیق دارد و

او از جهت فزونی اخلاص از آنکه بیرون رود او امر از دست او • و میگوید که به تحقیق التماس
کردند از من جمعی از برادران دینی و دوستان یقینی تألیف مختصری که مشتمل باشد
بر آنچه اخبار رسیده در اهل دیانت را از اتیان بآن در هر روز و شب از واجبات عبادات
و مندوب آنها و پسندیده آداب و مرغوب آنها اقتصار کننده در اعمال
بر آنچه قلیل المؤنة و کثیر المعونة باشد پس اجابت کردم مسئول ایشان را و بجا
آوردم مرغوب ایشان را تعالی مامول ایشان را و نامیدم آنرا مفتاح الفلاح سؤال کننده
از خدای سبحانه اینکه نفع بخشد بآن طالبان را و اینکه گرداند آنرا بهترین ذخیرها از
برای روز جزا و ترتیب دادم این را بر شش باب توکل کننده بر الهام کننده صواب

باب اول در آنچه کرده میشود در میانهٔ طلوع صبح تا طلوع آفتاب
باب دوم در آنچه کرده میشود در میانهٔ طلوع آفتاب تا پیشین
باب سیم در آنچه کرده میشود در میانهٔ پیشین تا غروب آفتاب
باب چهارم در آنچه کرده میشود در میانهٔ غروب تا وقت خواب
باب پنجم در آنچه کرده میشود در میانهٔ وقت خواب تا نصف شب
باب ششم در آنچه کرده میشود در میانهٔ نصف شب تا طلوع صبح

باب اول در آنچه کرده میشود در میانهٔ طلوع صبح تا طلوع آفتاب
و این مشتمل است بر مقدمه و چند فصل **مقدمه** روایات بسیار از اصحاب عصمت صلوات الله
علیهم در فضیلت این وقت نقل شده و آنرا ساعت غفلت میگویند چنانکه میانهٔ غروب
آفتاب و برطرف شدن شفق را نیز ساعت غفلت میگویند و مراد از آن آنست که آدمی در این
وقت بیدار باشد چه خواب درین وقت شوم است روایت کرده است رئیس المحدثین ابن
بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام [illegible] علیه السلام هر کسی که خواب صبح ... است

منع میکنند روزی را و زرد میکنند رنگ را و شیر میدهد آنرا و این خواب بدشوم است
بدرستی که خدای تبارک و تعالی قسمت میفرماید روزیها را در میانه طلوع صبح تا طلوع
آفتاب پس حذر کنید شما از خواب درین وقت و روایت کرده است نیز در کتاب
مذکور از امام ابی الحسن الرضا علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی فالمقسمات امرا که آنحضرت
فرمود که ملایکه قسمت میکنند روزیهای بنی آدم را در میانه طلوع فجر تا طلوع آفتاب پس هر که بخوابد در
میانه این وقت میخوابد از روزی خود و روایت شده است که نماز صبح نوشته میشود
در عملهای روز و عملهای شب هر دو و روایت کرده است ثقة الاسلام محمد بن یعقوب
کلینی در کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ان قران الفجر کان
مشهودا که آنحضرت فرمود یعنی نماز صبح حاضر میشوند آنرا ملایکه روز و ملایکه شب پس
هرگاه بگذارد بنده نماز صبح را وقت طلوع صبح ثبت میشود از برای او دو مرتبه
ثبت میکنند آنرا ملایکه شب و ملایکه روز و درین مقام اشکالی هست و آن آنست که روایت
کرده اند جمعی از علمای ما از حضرت صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که مردی از
نصاری پرسید از پدر من حضرت باقر علیه السلام از ساعتی که نیست از ساعات
شب و نه از ساعات روز پس آنحضرت فرمود که آن ساعتیست که میانه طلوع صبح است تا
طلوع آفتاب و پوشیده نیست که این منافات دارد با آنچه نقل کرده اند اصحاب
و بران اجماع کرده اند که نماز صبح از نماز روز است و آنکه مخالفت کرده درین باب
سلیمان بن مهران اعمش است آنچه روایت کرده است رئیس محدثین در کتاب فقیه از حضرت
ابی جعفر علیه السلام که آنحضرت فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز میکرد در روز و صبح فریضه
تا آنکه زوال آفتاب میشد و حکمت خاصی از این اشکال آنکه روایت شده است که
آنشخص که از حضرت امام محمد باقر علیه السلام سوال کرد کشیشی بوده از علمای نصاری سوال

کرده از آنحضرت مسئله بسیار که معروف بوده در میان اکابر علمای ایشان و این مسئله
از جمله آنها بوده پس شاید که امام علیه السلام جواب فرموده باشد او را از آنچه او را و قوم او
اعتقاد داده باشند و این منافات ندارد با آنکه روز در شرع مقدس عبارت باشد از آنچه
میانه طلوع صبح باشد تا طلوع آفتاب و اما آنچه استدلال کرده است ابن اعمش از
قول پیغمبر صلی الله علیه و آله که نماز روز عجماست پس گفته اند جواب از آن علمای ما قدس الله ارواحهم
بانکه آن از باب غالب کرده این اکثر است بر باقی و آنکه آنحضرت کرده اند در است نماز
صبح را از نماز شب جهة مبالغه در تغلیس یا پس تحقیق که روایت کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله
تغلیس میفرمودند بنماز صبح حتی آنکه هرگاه فارغ میشدند زنان که بر میگشتند زنان را آن
شناخته نمیشدند بسبب تاریکی و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه که یحیی بن اکثم
سوال کرد از حضرت ابی الحسن اول علیه السلام از نماز صبح که چرا جهر میکنند در آن قراءت را
و حال آنکه آن نماز روز است پس آنحضرت فرمود که جهة آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله تغلیس میفرمودند
تا آن پس نزدیک میکردند آنرا از شب و بآنچه ذکر کردیم ظاهر میشود جواب از آنچه استدلال
کرده اند بآن از جانب اعمش یا نکه ظاهر آنست که مراد امام علیه السلام نفی نماز سنی است
رد بر سنیان که نماز چاشت را سنت میدانند **تبصره** قصوری نیست در تحقیق صبح
اول و دوم بنقل کلامی درین مقام که ذکر کرده است آنرا علامه جمال الملة والحق والدین
در کتاب منتهی المطلب و آن اینست که بدانکه روشنی روز از روشنی آفتاب
روشن میشود و آفتاب بر هر چیزی که تیره باشد فی نفسه و کثیف باشد فی ذاته مانند زمین
و ماه و اجزای زمین خواه متصل باشد بزمین و خواه جدا باشد از آن و هر چیزی که روشن
میشود بسبب آفتاب پس می افتد سایه از آن بطرف دیگران و به تحقیق تقدیر کرده است
خدای تعالی بحکمت لطیف خود که بدین اقتضا دور زمین پس هرگاه آفتاب به



زوزمین باشد می افتد سایه زمین بالای زمین بر شکل مخروطی احاطه میکند هوای که
روشن شده بروشنی آفتاب بهر اطراف این مخروط پس روشن میشود اطراف آن
سایه مخروطی بروشنی آن هوای روشن لیکن روشنی هوا چون ضعیف است بسبب
انکه بالذات نیست و از دیگری کسب شده نفوذ نمیکند بسیار در اجزای آن مخروط بلکه
هرچند دور میشود از روشنی زیاده میشود ضعف آن پس هرگاه بوده باشیم در وسط
آن مخروط خواهیم بود در تاریکی سخت پس چون نزدیک شود آفتاب بافق شرقی
میل میکند آن سایه مخروط از بالای سر بطرف مغرب می افتد و نزدیک میشود بچشم
آن اجزای که در اطراف سایه روشن شده بوده بروشنی هوای که از افتاب روشن
شده بود و درین وقت اندک قوتی میگیرد روشنی آن اجزا پس ادراک میکنیم آنرا
بجهت نزدیک بصبح و همچنین هرچند زیاده میشود نزدیکی افتاب بافق زیاده میشود دیدنی
اطراف سایه ببصره تا وقتی که طلوع میکند آفتاب اول مرتبه که ظاهر میشود روشنی باریک
صبح باریک و بلند است مانند ستون و آنرا صبح کاذب میگویند و شبیه است بدم گرگ
بسبب باریکی و بلندی که دارد و صبح اول نیز میگویند باعتبار انکه قبل از صبح دوم است
که مذکور خواهد شد و آنرا کاذب از آن میگویند که افق در آن وقت تاریک است و بالای
ازان روشن شده و پس اگر راست بگفت که روشنی آفتاب بایستی که آنچه نزدیک
باشد بآفتاب که آن افق است روشن باشد نه آنچه دور است ازان که بالای افق باشد
و این روشنی صبح کاذب ضعیف و باریکست و در آن باقیست روی بیرون بتاریکی
خود بسبب باریکی که خود دارد و بعد ازین زیاده میشود آن روشنی تا اینکه میرود و بطرف
طول و عرض پهن میشود و در عرض افق بشکل نصف دایره و این صبح دوم است و آنرا
صادق میگویند باعتبار انکه راست خبر داده است از صبح و ظاهر کرده است

صبح را از برای توفیت کلام علما طلبند که از خدای تعالی مقام اوراه و بدانکه تعلق وقت
بطلوع صبح اول کرفیلی از عبادات مثل دخول وقت فضیلت نماز و نیست چه فضل اوقات
آن میانه صبح اول و دوم است چنانکه روایت کرده شیخ علامه شیخ ابوجعفر طوسی
در کتاب تهذیب بسند صحیح از اسمعیل بن سعد اشعری که گفت سوال کردم از حضرت
ابوالحسن الرضا علیه السلام از ساعتهای وتر آنحضرت علیه السلام فرمود که دوستترین آنها بمن
میان صبح اولست و روایت شده است که مردی سوال کرد از حضرت امیرالمؤمنین
علی ابن ابی طالب علیه السلام از وتر در اول شب پس آنحضرت جواب نفرمود و چون
میانه صبح اول و دوم شد بیرون آمد آنحضرت علیه السلام بسوی مسجد و سر برمنبر فرمود که کجاست
آنکسی که سوال کرد از وتر خوب ساعتی است از برای وتر این ساعت بعد ازان
برخواست آنحضرت و وتر گذارد و اما صبح دوم پس عبادات متعلق بان بسیار است
پس هرگاه تحقیق کردی یا فالِقَهُ مِن حَیثُ لا اَری وَ
طلوع آنرا پس بخوان ای شکافنده صبح از انجا که نمی بینم و
مُخرِجَهُ مِن حَیثُ اَری صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِه
بیرون آورنده آن ازانجا که می بینم رحمت بفرست بر محمد و آل او
وَاجعَل اَوَّلَ یَومِنا هذا صَلاحاً وَ
و بگردان اول روز ما را این روز صلاحی و
اَوسَطَهُ فَلاحاً وَ آخِرَهُ نَجاحاً و بخوان نیز آنچه روایت
میان آنرا نجاتی و آخر آنرا فیروزی کرده است آنرا
رئیس محدثین در فقیه از حضرت جعفر صادق علیه السلام که اَللّهُمَّ اِنّی
آنحضرت فرمود که حضرت نوح هر صبح و شام میخواندند خداوندا بدرستی که من



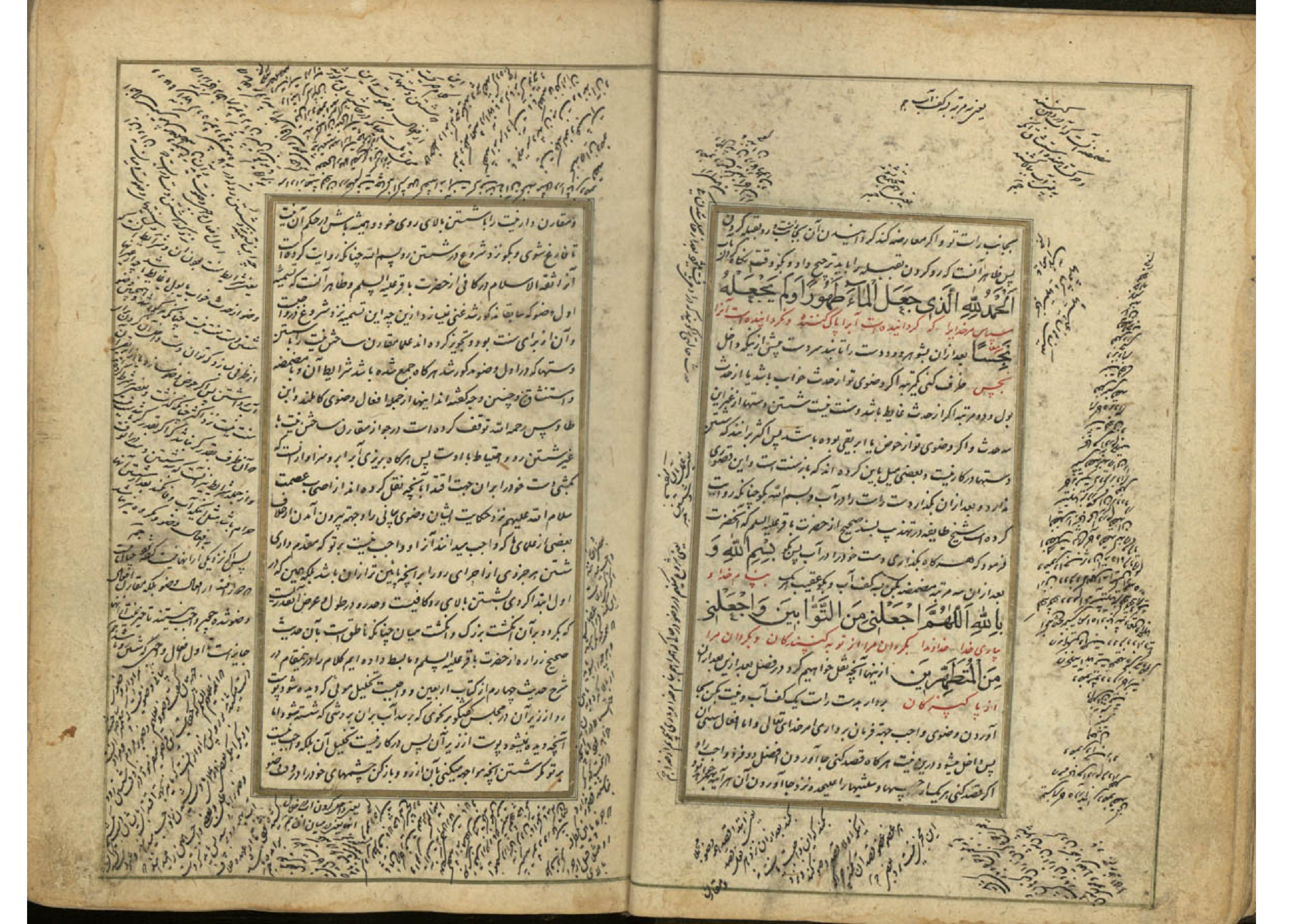
اُشهِدُكَ اَنَّهُ ما اَصبَحَ بي مِن نِعمَةٍ وَ
گواه میگیرم ترا که هرچه داخل شده در صبح با من از نعمتی و
عافِيَةٍ في دينٍ اَو دُنيا فَمِنكَ وَحدَكَ
عافیتی در دین یا دنیا پس از جانب تست در حالتی که نیست
لا شَريكَ لَكَ لَكَ الحَمدُ وَلَكَ الشُّكرُ
شریکی از برای تو از برای تست سپاس و از برای تست شکر
بِها عَلَيَّ حَتّى تَرضى وَبَعدَ الرِّضا
بسبب آنها بر من تا اینکه راضی شوی و بعد از رضا
این را در صبح ده مرتبه و در شام ده مرتبه پس بسبب این نامیده شده عبد
شکور یعنی بنده بسیار شکر کننده و بخوان نیز آنچه روایت کرده است ثقة
الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت ابی عبدالله که هر کسی که ...
سُبحانَ المَلِكِ القُدّوسِ و بعد از آن میگفته اللّهُمَّ اِنّي
تسبیح میکنم تسبیح پادشاه بسیار پاکیزه خداوندا بدرستی که من
اَعوذُ بِكَ مِن زَوالِ نِعمَتِكَ وَمِن تَحويلِ
پناه میگیرم بتو از زایل شدن نعمت و از گردیدن
عافِيَتِكَ وَمِن فُجاءَةِ نِقمَتِكَ وَمِن دَرَكِ
عافیت تو و از ناگاه رسیدن عقاب تو و از یافتن
الشَّقاءِ وَمِن شَرِّ ما سَبَقَ فِي اللَّيلِ وَالنَّهارِ
بدبختی و از شر آنچه پیشی گرفته است در شب و روز
اللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ بِعِزَّةِ مُلكِكَ وَ
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بعزت پادشاهی تو و

بِشِدَّةِ قُوَّتِكَ وَبِعِظَمِ سُلطانِكَ وَ
بشدت قوت تو و بزرگی سلطنت تو و
بِقُدرَتِكَ عَلى خَلقِكَ اَن تَفعَلَ بي كَذا وَكَذا
بتوانائی تو بر خلق تو اینکه بکنی با من فلان و فلان
وارد شده دعای که خوانده میشود نزد طلوع صبح و روایت کرده است
آنرا در کافی بسند صحیح از حضرت باقر علیه السلام که آنحضرت فرمود که گذشت رسول
خدا صلی الله علیه و آله بر مردی که میکاشت درخت در باغی که از برای او بود پس آنحضرت
در آنجا توقف فرمود و فرمود که آیا راه ننمایم ترا بر درختی که ثابت تر باشد بیخ
آن و زودتر باشد هنگام چیدن میوه آن و نیکوتر باشد میوه آن و باقی تر باشد
گفت آن مرد بلی راه بنما مرا ای رسول خدا پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله که هرگاه
داخل صبح شوی و داخل شام شوی پس بگو پس بدرستی که از برای تست اگر
سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَكبَرُ
تسبیح میکنم تسبیح خدا و سپاس مر خدا راست و نیست خدائی که خدا و خدا بزرگتر است
بگوئی این را بعوض هر تسبیحی ده درخت در بهشت از انواع میوه و اینها از جمله
باقیات صالحاتند حضرت باقر علیه السلام فرمود که پس گفت آن مرد پس بدرستی
که من گواه میگیرم ترا ای رسول خدا که این باغ من صدقه است قبض کرده شده
فقرای مسلمانان که اهل صدقه باشند پس خدای تعالی فرستاد این آیه را فاما
من اعطی و اتقی و صدق بالحسنی فسنیسره للیسری و روایت کرده است سید جلیل
جمال عارفین رضی الدین علی بن طاوس قدس الله روحه از حضرت باقر
که آنحضرت فرمود که هر که صبح کند و بر او انگشتری باشد که نگین آن عقیق باشد و

آن را دو دست راست بانگشت کرده باشد پس صبح کند پیش از آنکه به چیزی کسی را
پس گرداند نگین آن را از طرف باطن کف و بخواند سوره انا انزلناه فی لیلة
القدر تا آخر و بعد از ان بگوید آمَنْتُ بِاللهِ وَحْدَهُ لَا
نگهدارد او را خدای تعالی از آن روز ایمان آوردم بخدا در حالتی که شریک نیست
شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَ
شریکی برای او و کفر آوردم بجبت و طاغوت و
آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ
ایمان آوردم به پنهان آل محمد و آشکار ایشان و ظاهر ایشان
وَبَاطِنِهِمْ وَأَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ از شر آنچه فرود می آید از
و باطن ایشان و اول ایشان و آخر ایشان آسمان و آنچه بالا میرود از آن
و آنچه فرو میرود در زمین و آنچه بیرون می آید از ان و بوده باشد در پناه
خدای تعالی و سایه او تا آنکه داخل شام شود و از آنچه خوانده میشود از
صبح و عافیت که روایت شده أَسْتَوْدِعُ اللهَ الْعَلِيَّ
از حضرت صادق علیه السلم طلب نگهداری میکنم از خدای بلند مرتبه
الْأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي
بلندتر جلیل بزرگ دین مرا و نفس مرا و اهل مرا
وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَ
و مال مرا و فرزندان مرا و برادران مومن مرا و
جَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ
همه آنچه را روزی من کرده پروردگار من و همه آنچه را اهتمام دارم بشان

أَسْتَوْدِعُ اللهَ الْمَخُوفَ الْمَرْهُوبَ الْمُتَضَعْضِعَ
طلب نگهداری میکنم از خدای که ترسیده شده و بیم داشته شده و فروتنی کننده
لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي
از برای بزرگی او هر چیزی دین مرا و نفس مرا و اهل مرا
وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَ
و مال مرا و فرزندان مرا و برادران مومن مرا و
جَمِيعَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ
همه آنچه روزی کرده است پروردگار من همه آنچه را اهتمام دارم در امر او
و بخواند این را سه مرتبه

فصل پس اگر نزد طلوع صبح با وضو باشی پس شتاب بکن
وضو تا آنکه در وقت اذان صبح با طهارت باشی و هر آینه ذکر میکنیم ما در اینجا
کیفیت وضوی کامل را پس میگوییم که هرگاه اراده وضو داشته باشی ابتدا کن
پیش از آن بمسواک و باید که مالیده شود مسواک بر عرض دندانها نه بر طول آنها
و مجزیست انگشت بعوض مسواک روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب از
حضرت صادق علیه السلم که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که مسواک کردن بانگشت
شست و انگشت شهادت مسواک کردنست و سنت است رو کردن بقبله در
حال وضو و اکثر علمای ما قدس الله ارواحهم ذکر کرده اند این را و بعضی ذکر کرده اند
این را و سنت ساخته اند با آنچه روایت شده است از ائمه علیهم السلم که بهترین
مجالس مجلسی است که برو باشد رو در آن بجانب قبله پس اگر وضو میسازی
از ظرفی که ممکنست کف آب برداشتن از ان بگذار آن را بجانب راست خود و اگر
وضو میسازی از نهری یا حوضی مثلا پس سزاوار آنست که چنانچه ...



بجانب راست تو و اگر معارضه کند کردن هر دو دست آن بکیاست برو و غسل کردن
پس ظاهر آنست که رو کردن بقبله را باید ترجیح داد و بگوید وقت نگاه کردن
الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله
سپاس مر خدایرا که گردانیده است آب را پاک کننده و نگردانیده است آنرا
نجسا بعد از آن بشو هر دو دست را تا بند هر دست پیش از آنکه داخل
نجس ظرف کنی یکمرتبه اگر وضوی تو از حدث خواب باشد یا از حدث
بول و دو مرتبه اگر از حدث غایط باشد و سنت نیست شستن دستها از غیر این
سه حدث و اگر وضوی تو از حوض یا ابریقی بوده باشد پس اکثر برآنند که شستن
دستها در کار نیست و بعضی میل باین کرده اند که باز سنت است و این وضوی
نادر و بعد از آن بگذار دست راست را در آب و بسم الله بگو چنانکه روایت
کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت باقر علیه السلم که آنحضرت
فرمود که هر گاه بگذاری دست خود را در آب پس بگو بسم الله و
بعد از آن سه مرتبه مضمضه بکن به یک کف آب و بگو عقیب آن بنام خدا و
بالله اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی
بیاری خدا خداوندا بگردان مرا از توبه کنندگان و بگردان مرا
من المتطهرین ازینها آنچه نقل خواهیم کرد در فصل بعد از این بعد از آن
از پاکیزگان بردار بدست راست یک کف آب و نیت بکن بجا
آوردن وضوی واجب جهة فرمان برداری مر خدای تعالی را و افعال سنتی این
پس داخل میشود در این نیت هر گاه قصد کنی بجا آوردن فعل دو فرد واجب را او
اگر قصد کنی هر یکیرا سنتها و مستحبها را علیحده نزد بجا آوردن آن هر آینه بهتر بود

و مقارن داری نیت را با شستن بالای روی خود و همیشه باش در حکم آن نیت
تا فارغ شوی و بگو نزد شروع در شستن رو بسم الله چنانکه روایت کرده است
آنرا ثقة الاسلام در کافی از حضرت باقر علیه السلم و ظاهر آنست که تسمیه
اول وضو که سابق مذکور شد غنی نمیسازد ازین چه این تسمیه نزد شروع در رو است
و آن از برای سنت بود و تجویز کرده اند علما مقارن ساختن نیت را با شستن
دستها که در اول وضو مذکور شد هر گاه جمع شده باشد شرایط آن و بعضی
از استنشاق و چنین وجه گفته اند اینها از جمله افعال وضوی کامله و ابن
طاوس رحمه الله توقف کرده است در جواز مقارن ساختن نیت با
غیر شستن رو و احتیاط با اوست پس هر گاه بریزی آب برابر و سر او از آنکه
کمتر است خود را بر آن جهت اقتدا بآنچه نقل کرده اند از اصحاب عصمت
سلام الله علیهم نزد حکایت ایشان وضوی پیغمبر را و جهة بیرون آمدن از خلاف
بعضی از علمای ما که واجب میدانند آنرا و واجب نیست بر تو که مقدم داری
شستن هر جزوی از اجزای رو را بر آنچه پایین تر از آن باشد بلکه همین که از
اول ابتدا کردی بشستن بالای رو کافیست و حد رو در طول و عرض آن قدریست
که بگیرد و بر آن انگشت بزرگ و انگشت میان چنانکه ناطق است بآن حدیث
صحیح زراره از حضرت باقر علیه السلم و ما بسط داده ایم کلام را در این مقام در
شرح حدیث چهارم از کتاب اربعین و واجب است تخلیل موی که دیده شود و پوست
رو از زیر آن در مجلس گفتگو بنحوی که برسد آب بر آن پوستی که شسته شود و اما
آنچه دیده نشود و پوست از زیر آن پس در کار نیست تخلیل آن بلکه واجب است
بر تو که شستن آنچه مواجه میکنی با آن از رو و باز کن چشمهای خود را در وقت وضو



و تحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود
باز کنید چشمهای خود را نزد وضو شاید که نبیند آتش جهنم را و اکثر علمای ما ذکر
کرده اند این را در سنتهای وضو و گاه باشد که گمان شود که سبب [illegible]
ایشان این را آنست که نقل کرده است شیخ اجماع علما را بر اینکه سنت نیست رسانیدن
آب وضو باندرون چشمها و شیخ ما شیخ شهید در ذکری گفته که منافات نیست
میان این دو امر زیرا که چشم باز کردن لازم ندارد رسانیدن آب را باندرون
چشمها و این سخن خوبست و دور نیست که مترتب شود ثواب بر دیدن آنچه
می آورد آنرا در وضو بنده از افعال وضو **تتمه** پس هرگاه فارغ شوی از
شستن رو پس بردار یک کف آب بدست چپ چنانکه کرده است حضرت باقر
علیه السلام نزد بیان وضوی پیغمبر صلی الله علیه و آله و بشو بآن دست راست را
در حالی که ابتدا کنی از مرفق و بکشی دست را بر آن تا سرهای انگشتان چنانکه گذشت
در رو و [illegible] واجب است در اینجا تخلیل مو هرچند پوشیده باشد زیر خود را
ابتدا بکن در شستن ظاهر ذراع و زن ابتدا بکند بباطن آن بعد از آن بردار یک
کف دیگر و بشو دست چپ را نیز مثل دست راست و باید که بوده باشد شستن هر
یک از دو دستها یکمرتبه نه بیشتر چنانکه محقق ثقة الاسلام است در کافی و رئیس
محدثین در فقیه و ما بسط داده ایم کلام را در این باب در کتاب مشرق الشمسین و در
کتاب حبل المتین بعد از آن مسح کن پوست سر خود را یا موی آنرا که در برابر
کشیدن از جلو پیش سر بمقدار سه انگشت مضموم بتری دست راست و بقیه آن
تری مسح کن پشت پای راست خود را از سر انگشتان تا کعب یعنی مفصل ساق
و قدم و مجزی نیست مسح تا پایین تر از آن و تحقیق که ما بیان کرده ایم این را در این

دو کتاب مذکور با آنچه زیاده بر آن نباشد بعد از آن مسح کن پشت پای چپ خود را
بتری دست چپ و باید که مسح سر و پاها بکف دست باشد نه بپشت آن و اگر بجهت ضرورتی
و ناچار است کشیدن کف بر محل مسح پس کافی نیست که داشتن کف [illegible]
کشیدن آن و سزاوار است مسح کنی پاها را بتمام کف چنانکه روایت کرده است
شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی که گفت سوال
کردم از حضرت ابوالحسن رضا علیه السلام از مسح بر پاها چگونه است آن پس گذاشته
کف مبارک بر انگشتان بعد از آن مسح کرد تا کعبها پس گفتم من که اگر مردی
بکند باو انگشت از انگشتان خود همچنین تا کعبها آنحضرت فرمودند مگر تمام
کف و باید که بوده باشد افعال وضوی تو پی در پی بی فاصله میان آنها در عادت
کرده شود و در آنها ترتیب مذکور حتی در مسح پاها نیز چنانکه [illegible] از بعضی
علمای ماست و روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از
حضرت صادق علیه السلام که فرمودند که مسح بکن بر پاها و ابتدا بکن بطرف راست
و سزاوار آنست که خوانده شود نزد هر فعلی از شستنها و مسحها دعائی که وظیفه
آنست چنانکه تفصیل خواهد آمد در فصل آینده ان شاء الله پس هرگاه فارغ شوی
از وضو بگو این را که روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
سپاس مر خدای را که پروردگار عالمیان است
و بعد از آن بگو اللهم اجعلنی من التوابین و
خداوندا بگردان مرا از توبه کنندگان و
اجعلنی من المتطهرین اللهم انی اسئلک
بگردان مرا از پاکیزگان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا



تَمَامَ الْوُضُوءِ وَتَمَامَ الصَّلٰوةِ وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ
تمام بودن وضوء و تمام بودن نماز و تمام بودن رحمت تو
وَالْجَنَّةَ و بدانکه اکثر فقها و جمیع دعاها که مذکور شد سنت است و افعال
و بهشت واجبی همین ده چیز است نیت در حالی که حکم آن باقی باشد تا آخر
وضو و مسحهای مسح لیکن بشرط آنکه متصل باشد مسحهای آخر از سر تا کعبها ترتیب
پی در پی بودن و مباشرت این افعال را بنفس خود مگر به ضرورتی و سزاوار است
ترک تمندل از وضو پس روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت
صادق علیه السلام که فرموده‌اند که هرکه وضو بسازد و تمندل کند خواهد بود از برای
او یک حسنه و اگر وضو بسازد و تمندل نکند تا آنکه خشک شود آب وضوی او خواهد
بود از برای او سی حسنه و ظاهر آنست که عمدا خشک کردن با آفتاب یا آتش مثلا
حکم تمندل دارد و قصور ندارد وضو ساختن در مسجد از غیر حدث بول و غائط
اما ازین دو حدث مکروه است چنانکه روایت کرده است آنرا ثقة الاسلام در
کافی بسند صحیح **فصل** روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی و رئیس
محدثین در فقیه و شیخ طایفه در تهذیب از عبد الرحمن بن کثیر هاشمی از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام که فرموده‌اند که در اثنای آنکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روزی
نشسته بود با پسر خود محمد بن حنفیه رضی الله عنه ناگاه آنحضرت فرمودند با وای محمد
بیاور از برای من ظرفی از آب که وضو بسازم برای نماز پس آورد محمد آب برای
آنحضرت پس آنحضرت علیه السلام ریخت آب را بدست راست بر دست چپ پس فرمودند
بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا
بنام خدا و سپاس مر خدای را که گردانیده است آب را پاک کننده و

وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرموده‌اند که
و نگردانیده است آنرا نجس بعد از آن آنحضرت استنجا کردند و فرمودند
اللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَ
خداوندا بازدار از فسح مرا از حرام عفیف گردان آنرا و بپوشان عورت مرا
حَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ بعد از آن مضمضه کردند و فرمودند اللّٰهُمَّ لَقِّنِّي
حرام گردان بر آتش خداوندا بفهمان من
حُجَّتِي يَوْمَ أَلْقَاكَ وَأَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ
حجت مرا روزی که ملاقات کنم ترا و روان گردان زبان مرا بذکر تو
بعد از آن استنشاق کردند و فرمودند اللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ
خداوندا حرام مگردان بر من بوی بهشت را
وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشَمُّ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَطِيبَهَا
و بگردان مرا از آنها که می‌بویند بوی آنرا و نسیم خوش آنرا و طیب آنرا
بعد از آن شستند روی مبارک خود را و فرمودند اللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ
خداوندا سفید گردان روی مرا روزی که سیاه می‌شود
فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ
در آن روها و سیاه مگردان روی مرا روزی که سفید می‌شود
فِيهِ الْوُجُوهُ بعد از آن شستند دست راست خود را و فرمودند اللّٰهُمَّ أَعْطِنِي
در آن روها خداوندا بده
كِتَابِي بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ فِي الْجِنَانِ بِيَسَارِي وَ
کتاب مرا بدست راست من و همیشه بودن در بهشت را بدست چپ من و



حاسِبْنی حِسابًا یَسیرًا و بعد از ان شسته دست اللّهم
حساب کن مرا حسابی اندک — چپ خود را و فرموده خداوند
لا تُعْطِنی کِتابی بِشِمالی وَلا تَجْعَلْها
کتاب مرا بدست چپ من و مگردان آن را
مَغْلُولَةً اِلی عُنُقی وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعاتِ
غل کرده شده در گردن من و پناه میگیرم بتو از جامهای بریده شده
النِّیرانِ بعد از ان مسح کرده اللّهم غَشِّنی رَحْمَتَكَ
از آتشها — سر خود را و فرموده خداوندا بپوشان من رحمت خود
وَبَرَکاتِكَ بعد از ان مسح کرده اللّهم ثَبِّتْنی عَلَی الصِّراطِ
و برکتهای خود را — پایها خود را و فرموده خداوندا ثابت گردان بر صراط
یَوْمَ تَزِلُّ فیهِ الاَقْدامُ وَاجْعَلْ سَعْیی فیما
روزی که میلغزد در ان قدمها و بگردان سعی مرا در آنچه
یُرْضیكَ عَنّی بعد از ان بالا کرده سر مبارک خود را و نگاه کرده بجهة
راضی گرداند ترا از من — فرموده هر که وضو بسازد مثل این کهشتم خلق کند
خدای تعالی از برای او از هر قطره فرشته که تقدیس کند او را و تسبیح کند او را
و تکبیر کند او را پس بنویسد خدای تعالی از برای او ثواب آنرا تا روز قیامت و
بدانکه در میان نسخهای کافی و تهذیب و فقیه اندک خلافی هست در بعضی الفاظ
این دعاها و من آنچه نقل کرده ام درین کتاب بروشی است که شیخ ره در تهذیب
نقل کرده و نسخهٔ تهذیب که در نزد منست نسخه معتمدیست بخط پدرم شیخ زین الدین
طاب ثراه و خوانده است آنرا بر شیخ شهید قدس الله روحه و در آخر آن خط اجازه

بخط او نور الله مرقده **فصل** پس هرگاه فارغ شدی از وضو متوجه شو بجانب
مسجد روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که
که برود بسوی مسجد نمیگذارد پای خود را بر هیچ تری و خشکی مگر اینکه تسبیح کند
برای او زمین تا زمین هفتم و مراد آنست که بخوانی نزد بیرون آمدن از خانه خود
بِسْمِ اللهِ الَّذی خَلَقَنی فَهُوَ یَهْدینِ وَالَّذی
بنام خدای که آفریده است مرا پس او راه مینماید مرا و آنکه
هُوَ یُطْعِمُنی وَیَسْقینِ وَاِذا مَرِضْتُ فَهُوَ
او اطعام میکند مرا و آب میدهد مرا و هرگاه بیمار شوم پس او
یَشْفینِ وَالَّذی یُمیتُنی ثُمَّ یُحْیینِ وَالَّذی
شفا میدهد مرا و آنکه می میراند مرا پس از ان زنده میکند مرا و آنکه
اَطْمَعُ اَنْ یَغْفِرَ لی خَطیئَتی یَوْمَ الدّینِ رَبِّ
طمع دارم که بیامرزد از برای من گناهان مرا در روز جزا ای پروردگار من
هَبْ لی حُکْمًا وَاَلْحِقْنی بِالصّالِحینَ وَاجْعَلْ لی
ببخش من حکمی و ملحق گردان مرا بصالحان و بگردان برای من
لِسانَ صِدْقٍ فِی الْآخِرینَ وَاجْعَلْنی مِنْ وَرَثَةِ
زبان راستی در آیندگان و بگردان مرا از میراث برندگان
جَنَّةِ النَّعیمِ وَاغْفِرْ لِاَبی پس شیخ روایت کرده است
بهشت پرنعمت را و بیامرز پدر مرا — [illegible]
از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که وضو بسازد پس بیرون رود بسوی مسجد بگوید
در وقتی که بیرون میرود از خانه خود بسم الله الذی خلقنی فهو یهدین تا آخر آیه

راه‌های تعالی بصواب و ایمان و هرگاه بگوید والذی هو یطعمنی ویسقین اطعام کند
خدای تعالی او را از طعام بهشت و بیاشامد او را از شراب بهشت و هرگاه بگوید
واذا مرضت فهو یشفین بگرداند خدای تعالی این را کفاره گناهان او و هرگاه بگوید
والذی یمیتنی ثم یحیین بمیراند او را خدای تعالی مردن شهیدان و زنده گرداند
او را زنده شدن نیکبختان و هرگاه بگوید والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم الدین
بیامرزد خدای تعالی از برای او خطاهای او را تمام هرچند بیشتر باشد از کف دریا و
هرگاه بگوید رب هب لی حکما والحقنی بالصالحین ببخشد خدای تعالی او را حکم و علم
ملحق گرداند او را بصالح هر که پیش از او بوده و صالح هر که بعد از او بوده باشد و هر
گاه بگوید واجعل لی لسان صدق فی الآخرین بنویسد خدای تعالی از برای او در ورق
سفیدی اینکه فلان بن فلان از جمله راست گویانست و هرگاه بگوید واجعلنی من ورثة
جنة النعیم عطا کند خدای تعالی او را منزلها در بهشت نعیم و هرگاه بگوید واغفر لابی
بیامرزد خدای تعالی پدر و مادر او را و هرگاه خواهی که داخل مسجد شوی پس ملاحظه کن
نعلین خود را و پیش گذار بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وَ
پای راست را و بگو بنام خدا و بخدا و از خدا و
اِلَی اللهِ وَخَیْرُ الْأَسْمَاءِ کُلِّهَا لِلّٰهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی
بسوی خدا و بهترین نامها و تمام آنها برای خداست توکل کردم بر
اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی
خدا نیست حرکتی و نه قوتی مگر بخدا خدایا رحمت بفرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِی أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ
محمد و آل محمد و بگشای برای من درهای رحمت خود و توبه خود

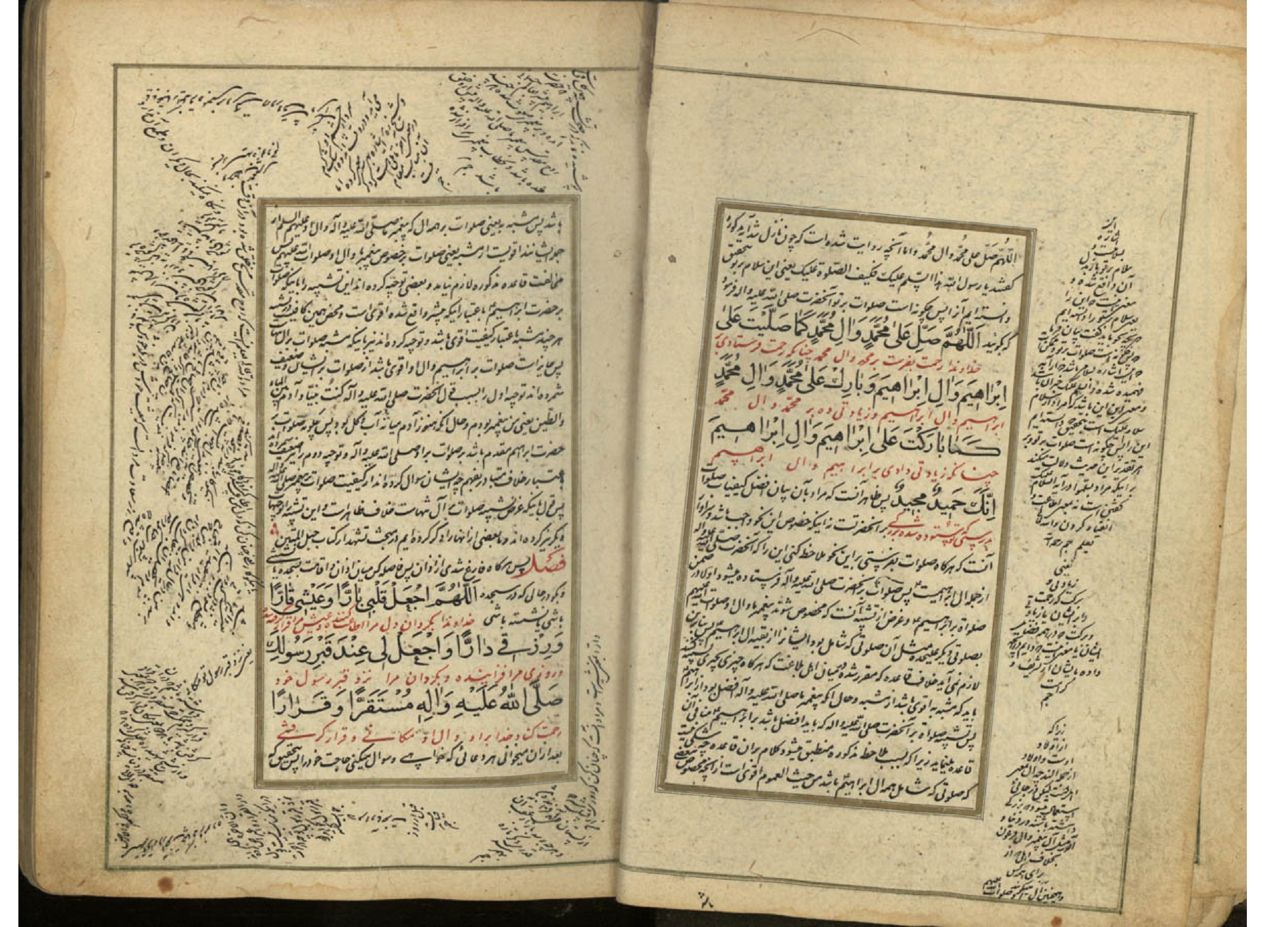
وَأَغْلِقْ عَنِّی أَبْوَابَ مَعْصِیَتِكَ وَاجْعَلْنِی مِنْ
و ببند از من درهای نافرمانی تو و بگردان مرا از
زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِكَ وَمِمَّنْ یُنَاجِیكَ
زیارت کنندگان تو و عمارت کنندگان سجده‌گاههای تو و از آنها که راز گویند با تو
فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنَ الَّذِینَ هُمْ فِی صَلَوٰتِهِمْ
در شب و روز و از آن جمعی که ایشان در نماز خود
خَاشِعُونَ وَادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ وَ
زاری کننده‌اند و دور کن از من شیطان رانده شده را و
جُنُودَ إِبْلِیسَ أَجْمَعِینَ پس هرگاه خواهی بکنی نعلین خود را پس بکن
لشکرهای شیطان را تمام از پای چپ پیش از راست بعکس پوشیدن
و اگر بوده باشد نعلین تو عربی و ممکن باشد ترا که بکنی آنها را پس بکن آنها را چه نماز
در آنها سنت است اما بشرط آنکه پاک باشند و بجهتی که روایت کرده است شیخ
طایفه در تهذیب بسند صحیح از معاویة بن عمار که گفت دیدم ابا عبدالله علیه السلام
که نماز میکرد در نعلین خود زیاده از یکبار و دیدم آنحضرت را که بکند آنها را هرگز
و روایت کرده است از عبدالرحمن بن ابی عبدالله از حضرت ابی عبدالله
علیه السلام که فرمود که هرگاه نماز کنی پس نماز کن در نعلین خود هرگاه بوده باشند
پاک پس درستی که میگویند این سنت است و قول آنحضرت پس درستی که میگویند
تا آخر ظاهرا مراد او آن است که هرگاه نماز کردی تو در نعلین خود معلوم میشود
شیعه را که نماز در اینها از سنت است و قایل میشوند باین چه این راوی از جمله
اعیان اصحاب حضرت صادق علیه السلام است که اعتقاد بوده باقوال و افعال

اول کم مراد جانماز گستردن باشد و جاروب کردن و فرش انداختن و چراغ روشن کردن دوم آنکه بسیار در آنها باشد و مشغول باشد در آنها بعبادت و خالی گردانیدن آنها از عمل دنیوی و صنعتها جم



ایشان بعد از من اذان گوید پس بدرستی که اذان صبح از مستحبات است حتی اینکه سید
مرتضی ره قایل شده است بوجوب آن بر مردان و موافقت کرده است با او ابن
ابی عقیل و زیاده کرده بر او اینکه قایل شده به بطلان نماز صبح بسبب ترک
اذان و صورت اذان اینست الله اکبر چهار مرتبه و هر یک از شهادتین و حی علی
الصلوة و حی علی الفلاح و حی علی خیر العمل و الله اکبر و لا اله الا الله دو مرتبه
باید گفت و باید که ایستاده باشی در حال اذان و رو بقبله کنی و آواز بلند و از روی
تانی بگوئی و بگذاری دو انگشت خود را در گوشهای خود و وقف کنی بر هر یک از این
هیجده فصل و التفات نکنی براست و چپ و حرف نزنی در اثنای آن و صلوات
بفرست بر پیغمبر صلی الله علیه و آله نزد ذکر آنحضرت پس بتحقیق روایت کرده است
رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح از حضرت ابی جعفر علیه السلام که فرمود صلوات بفرست
بر پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه ذکر کنی او را یا ذکر کند او را ذکر کننده نزد تو در اذان
و غیر آن و پوشیده نماند که ظاهر این حدیث دلالت میکند بر وجوب صلوات بر آنحضرت
بر هر ذکر کننده و یا شنونده هرگاه نام ذکر کند او را یا بشنود ذکر او را صلی الله علیه و آله
بعضی از اهل سنت رفته اند بوجوب صلوة بر آنحضرت در تمام عمر یک مرتبه و بعضی در هر
مجلسی یک مرتبه و بعضی در هر مرتبه که ذکر او بشود و این مذهب رئیس محدثین است قدس الله
روحه و اما آنچه مذهب اکثر است از عدم وجوب صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه و آله در تشهد
اول در نماز پس مراد او آنست که جزء نماز نیست و باعتبار آن واجب نیست
اینکه باعتبار اینکه نام آنحضرت مذکور شده هم واجب نیست پس منافاتی نیست میان
کلام بهائی اعلی الله درجته و بتحقیق موافقت کرده است با او صاحب کنز العرفان
در وجوب صلوة هرگاه ذکر شود آنحضرت و این قول صحیح تر است و جمعی که استدلال

میکنند بر این بقول خدای تعالی لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا
یعنی مگردانید خواندن رسول را در میان خودتان مثل خواندن بعضی از شما بعضی دیگر را
بعلم و به آنچه روایت شده است از آنحضرت صلی الله علیه و آله که فرمود که هر کس ذکر کرده
شده ام من نزد او پس صلوة نفرستاده است بر من پس داخل شده است آتش پس
دور گردانیده است خدای تعالی او را و به آنچه روایت شده است که سوال کرده شد
آنحضرت صلی الله علیه و آله از قول خدای تعالی ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا
ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما یعنی بدرستی که خدا و ملائکه او صلوات میفرستند
بر پیغمبر ای جماعتی که ایمان آورده اید صلوة بفرستید بر او و درود بفرستید درود فرستادنی
و انقیاد [illegible] پس آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود که این از علم مکنونست و اگر اینکه نه این بود که
شما سوال کرده اید از آن خبر نمیکردم شما را بآن بدرستی که موکل کرده است خدای تعالی
بمن دو فرشته پس ذکر کرده نمیشوم من نزد هیچ مسلمانی که صلوات بفرستد بر من مگر اینکه گویند
مر او را آن دو فرشته بیامرزد خدا ترا و بگویند خدا و فرشتگان او آمین و ذکر کرده
نمیشوم نزد هیچ مسلمانی که صلوات نفرستد بر من مگر اینکه بگویند مر او را آن دو فرشته
نیامرزد خدای تعالی ترا و بگویند خدای تعالی و فرشتگان او آمین و پوشیده نماند
که ظاهر قول حضرت باقر علیه السلام در حدیث اول که هرگاه ذکر کنی تو او را یا ذکر کند
ذکر کننده اقتضا میکند وجوب صلوات را خواه مذکور شود آنحضرت صلی الله علیه و آله
بنام مبارک یا بلقب یا بکنیت و محتمل است که مذکور شدن آنحضرت صلی الله علیه و آله به
ضمیری باشد که راجع باو باشد نیز چنین باشد و اطلاع نیافته ام در کلام علمای [illegible]
از روی احوط در این باب بر چیزی و احتیاط موجب آنست که ما گفتیم که در همه صورتهای
مذکوره صلوات فرستاده شود و بدانکه ظاهر تر آنست که قدر واجب ادا میشود بگفتن



اللهم صل علی محمد و آل محمد و اما آنچه روایت شده است که چون نازل شد آیه کریمه
گفتند یا رسول الله دانستیم علیک فکیف الصلوة علیک یعنی این سلام بر تو تحقیق
دانستیم از این پس چگونه است صلوات بر تو آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود
که بگویید اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی بر
ابراهیم و آل ابراهیم و بارک علی محمد و آل محمد
ابراهیم و آل ابراهیم و زیادتی ده بر محمد و آل محمد
کما بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم
چنانکه زیادتی دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم
انک حمید مجید پس ظاهر آنست که مراد بآن بیان افضل کیفیات صلوات
بر آنحضرت است نه اینکه خصوص این نحو واجب شده و مراد
آنست که هرگاه صلوات بفرستی باین نحو ملاحظه کنی این را که آنحضرت صلی الله علیه و آله
از جمله آل ابراهیم است پس صلوات بر آنحضرت صلی الله علیه و آله فرستاده میشود و اول در ضمن
صلوة بر ابراهیم و غرض از تشبیه آنست که مخصوص شود پیغمبر ما و آل او بصلوات ابراهیم
بصلوتی دیگر علیحده مثل آن صلوتی که شامل بود ایشانرا از بقیه آل ابراهیم پس بنابراین
لازم نمی آید خلاف قاعده که مقرر شده میان اهل بلاغت که هرگاه چیزی بچیزی تشبیه کنند
باید که مشبه به اقوی باشد از مشبه و حال آنکه پیغمبر ما صلی الله علیه و آله افضل بود از ابراهیم
پس تشبیه صلوة بر آنحضرت صلی الله علیه و آله که باید افضل باشد بر ابراهیم مناسب آن
قاعده نمینماید زیرا که بسبب ملاحظه مذکوره منطبق میشود کلام بر آن قاعده چه شکی نیست
که صلوتی که شامل همه آل ابراهیم باشد من حیث العموم اقوی است از آنچه مخصوص

باشد پس شبه بعینی صلوات بر همه آل که پیغمبر ما صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام
جزو ایشانند اقویست از مشبه یعنی صلوات بر خصوص پیغمبر ما و آل او و صلوات علیهم
مخالفت قاعده مذکوره لازم نیاید و بعضی توجیه کرده اند این تشبیه را باینکه صلوات
بر حضرت ابراهیم باعتبار اینکه پیشتر واقع شده اقوی است و محض همین کافیست در تشبیه
هر چند مشبه باعتبار کیفیت اقوی باشد و توجیه کرده اند نیز باینکه مشبه صلوات بر آل است
پس حاصل اینست صلوات بر ابراهیم و آل او اقوی باشد از صلوات بر ایشان و ضعیف
شمرده اند توجیه اول را بسبب قول آنحضرت صلی الله علیه و آله کنت نبیا و آدم بین الماء
والطین یعنی من پیغمبر بودم و حال آنکه هنوز آدم میانه آب و گل بود پس چگونه صلوات بر
حضرت ابراهیم مقدم باشد بر صلوات بر احمد صلی الله علیه و آله و توجیه دوم را ضعیف
دانسته اند باعتبار خلاف متبادر بفهم چه ایشان سؤال کرده اند از کیفیت صلوات پیغمبر صلی الله علیه و آله
پس قول اینکه غرض تشبیه صلوات آل است بغایت خلاف ظاهر است و این تشبیه را وجوه
دیگر ذکر کرده اند و ما بعضی از آنها را ذکر کرده ایم در بحث تشهد از کتاب حبل المتین
فصل پس هرگاه فارغ شدی از اذان پس نماز بگذار میان اذان و اقامت بسجده یا
دیگر در حالی که در سجده ای اللهم اجعل قلبی بارا و عیشی قارا
باشی نشسته باشی خداوندا بگردان دل مرا اطاعت کننده و عیش مرا قرار دهنده
و رزقی دارا و اجعل لی عند قبر رسولک
و روزی مرا فزاینده و بگردان مرا نزد قبر رسول خود
صلی الله علیه و آله مستقرا و قرارا
رحمت کند خدا بر او و آل او مکانی و قرارگاهی
بعد از آن میخوانی هر دعائی که خواهی و سؤال میکنی حاجت خود را پس تحقیق که



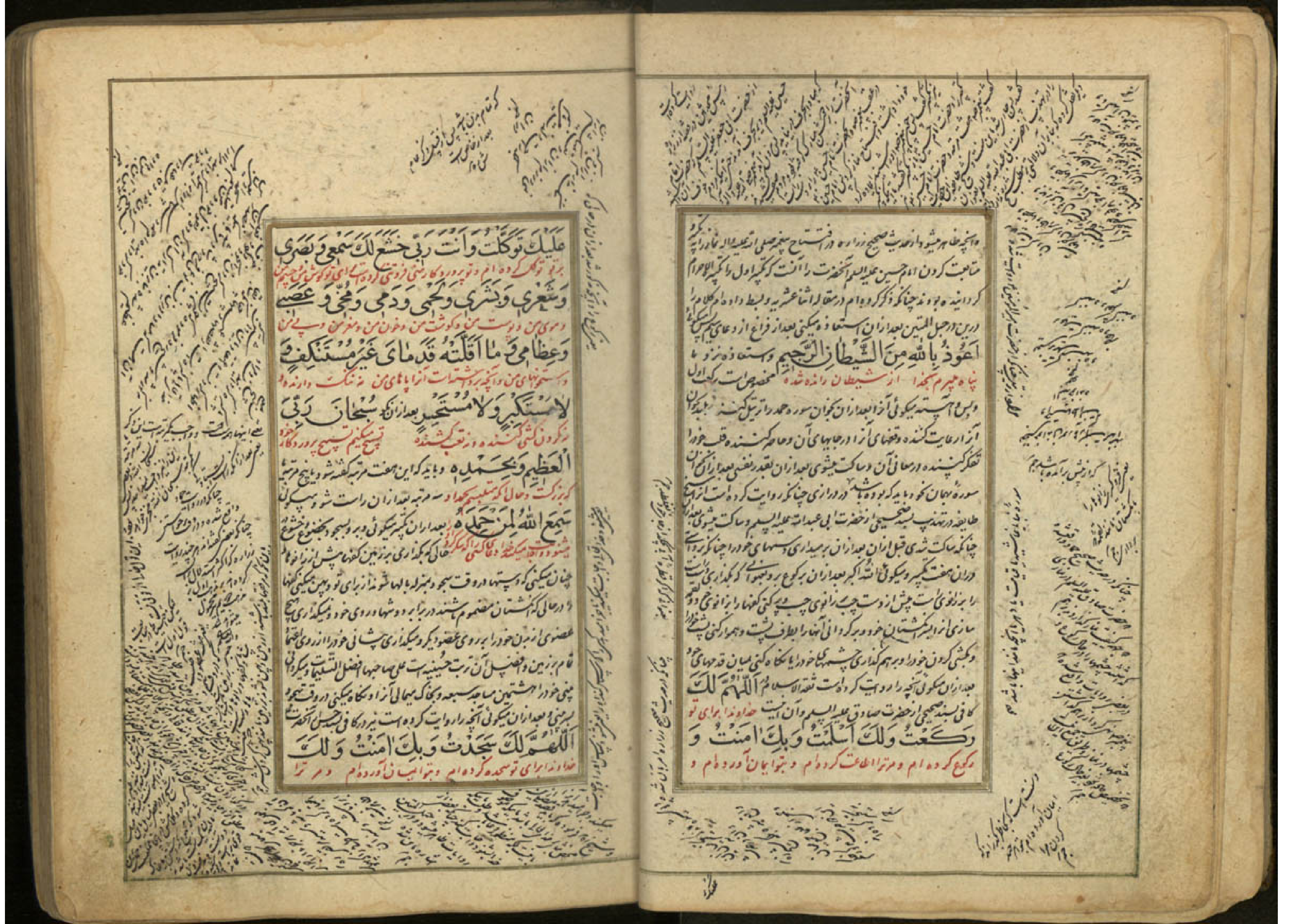
روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه وآله که دعا میان اذان و اقامت رد کرده
نمیشود و بعد از آن بر میخیزی جهت اقامت و فصول آن همه دو تا دو تاست مگر لا اله
الا الله که در آخر اقامت یکبار گفته میشود و زیاده میشود بعد از حی علی خیر العمل قد
قامت الصلوة دو مرتبه و بجا می آوری در آن جمیع آداب اذان را مگر تأنی و
گذاشتن انگشتها در گوشها و بلند کردن آواز بلکه باید که در اقامت آهسته تر باشد و
تاکید طهارت و ایستادن در حال اقامت بیشتر است از حال اذان حتی اینکه
واجب دانسته است سید مرتضی و میگوئی هرگاه فارغ شوی از اقامت در حالی که
بغیر اللهم الیک توجهت ومرضاتک طلبت و
خداوندا بسوی تو متوجه شده‌ام و خشنودی ترا طلب کرده‌ام
ثوابک ابتغیت وبک آمنت وعلیک توکلت
ثواب ترا خواسته‌ام و بتو ایمان آورده‌ام و بر تو توکل کرده‌ام
اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح قلبی لذکرک
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگشا دل مرا برای ذکر خود
وثبتنی علی دینک ولا تزغ قلبی بعد اذ
و ثابت دار مرا بر دین خود و میل مده دل مرا بعد از آنکه
هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة انک
راه نمودی مرا و ببخش مرا از جانب خود رحمتی بدرستیکه توئی
انت الوهاب و باید که باشی در نماز با وقار و خشوع و بگذاری دستهای
تو بسیار بخشنده — خود را بر روی رانها مقابل زانوها و بکشی انگشتان
قدمهای خود را بقدر سه انگشت گشاده از یکدیگر تا یک شبر و نگاه کنی بموضع سجود خود

و بلند کنی نگاه خود را بطرف آسمان و در آوری بخاطر خود که این نماز کیست که
میکنی از نماز بعد از آن قصد کنی ادای نماز صبح واجب جهت فرمان برداری او
و مقارن دار نیت را بیکی از هفت تکبیر که در اول نماز گفته میشود و بلند کن در هر یک
از این تکبیرها دستهای خود را بنوعی که کف دستها بطرف قبله باشد و انگشتان
بیکدیگر چسبیده باشند غیر شستها که آنها باید گشاده باشد و برسانی کف دستها
را برابر گوشهای خود و ابتدا میکنی بتکبیر نزد ابتدای دست برداشتن و تمام
از آنرا در تمام شدن آن و بدانکه بعضی از علمای متاخرین اطناب نموده اند در باب
نیت و دراز کرده اند عنان کلام را در آن و در احادیث ائمه علیهم السلام خبری
از آن نیست بلکه مستفاد از تتبع آنچه وارد شده است از ایشان علیهم السلام در باب وضو و
باقی عبادات که تعلیم کرده اند آنها را بشیعه خود اینست که امر نیت سهلتر از آنکه
آن غنی است از بیان و قرار گرفته است در خاطر جمیع عقلای وقت صادر شدن فعلی
هشیاری از ایشان و از برای اینست که قدمای فقهای رضی الله عنهم متعرض بحث آن
نشده اند و خوض کرده اند در آن که جماعتی از متاخرین و رانده اند کلام را در آن بجائی
که موهم اینست که مرکب است نیت از اجزای بسیار و این باعث دشواری آن شده است
بسیاری از مردم و کشانده است ایشان را بوسواس و نیست نیت در حقیقت مگر قصد
بسیطی بواقع ساختن فعل معین از برای علت غائی آن و نیست ترکیبی در فعل معنوی
این قصه نزدیک نیست که جدا شود از آن عاقلی نزد هر فعلی که بجا آورد حتی اینکه گفته اند
بعضی از علما که اگر تکلیف میکرد ما را خدای تعالی بواقع ساختن فعل معین بی نیت
تکلیف میکرده بود بچیزی که طاقت آن نبود و حاضر کردن فعل معنوی در ذهن بعنوان
که تمیز دهد آنرا از غیر آن و قصد بجا آوردن آن جهت فرمان برداری امر خدای تعالی در نماز



اللهم انت الملك
الحق لا اله الا انت سبحانك اني ظلمت
نفسي فاغفر لي ذنبي انه لا يغفر الذنوب
الا انت لبيك وسعديك والخير في
يديك والشر ليس اليك والمهدي من
هديت لا ملجأ منك الا اليك سبحانك و
حنانيك تباركت وتعاليت سبحانك رب

البيت وجهت وجهي للذي فطر
السموات والارض عالم الغيب والشهادة
حنيفا مسلما وما انا من المشركين ان
صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب
العالمين لا شريك له وبذلك امرت وانا
من المسلمين وجهت وجهي
للذي فطر السموات والارض على ملة
ابراهيم ودين محمد ومنهاج علي حنيفا مسلما



و آنچه ظاهر میشود از حدیث صحیح زراره در استفتاح پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز را به تکبیر و
متابعت کردن امام حسین علیه السلم آنحضرت را آنست که تکبیر اول را تکبیر الاحرام
گردانیده بوده چنانکه ذکر کرده ام در مقاله اثنا عشریه و بسط داده ام کلام را
درین در حبل المتین بعد از آن استعاذه میکنی بعد از فراغ از دعای تکبیر
اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ و استعاذه نزد
پناه میبرم بخدا از شیطان رانده شده مخصوص است برکعت اول
و بسم الله را آهسته میگوئی آنرا بعد از آن بخوان سوره حمد را ترتیل کننده یعنی
آنرا رعایت کننده وقفهای آنرا در جاهای آن و عالم کننده قلب خود را
تفکر کننده در معانی آن و ساکت میشوی بعد از آن بقدر نفسی بعد از آن
سوره بخوان نیکو و باید که بوده باشد در درازی چنانکه روایت کرده است ابو جعفر
طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت ابی عبدالله علیه السلم و ساکت میشوی بعد از آن
چنانکه ساکت شدی قبل از آن بعد از آن برمیداری دستهای خود را چنانکه کرده
در آن هفت تکبیر و میگوئی الله اکبر بعد از آن برکوع میروی و میگذاری دست
را بر زانوی راست پیش از دست چپ بر زانوی چپ و پر میکنی کفها را از زانو
سازی از دو سر انگشتان خود و برمیگردانی آنها را بطرف پشت و هموار کنی پشت را
و میکشی گردن خود را و بر هم گذاری چشمها را یا نگاه میکنی میان قدمهای خود
بعد از آن میگوئی آنچه را روایت کرده است ثقة الاسلام اَللّٰهُمَّ لَکَ
کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلم و آن اینست خداوندا برای تو
رَکَعْتُ وَ لَکَ اَسْلَمْتُ وَ بِکَ آمَنْتُ وَ
رکوع کرده ام و مر ترا اطاعت کرده ام و بتو ایمان آورده ام و

عَلَیکَ تَوَکَّلْتُ وَ اَنْتَ رَبّی خَشَعَ لَکَ سَمْعی وَ بَصَری
بر تو توکل کرده ام و تو پروردگار منی فروتنی کرده برای تو گوش من و چشم من
وَ شَعْری وَ بَشَری وَ لَحْمی وَ دَمی وَ مُخّی وَ عَصَبی
و موی من و پوست من و گوشت من و خون من و مغز من و پی من
وَ عِظامی وَ ما اَقَلَّتْهُ قَدَماىَ غَیرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ
و استخوانهای من و آنچه برداشته است آنرا پاهای من نه ننگ دارنده و
لا مُسْتَکْبِرٍ وَ لا مُسْتَحْسِرٍ بعد از آن که سُبْحانَ رَبِّیَ
نه گردن کشی کننده و نه تعب کشنده تسبیح میکنم تسبیح پروردگار خود
الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ و باید که این هفت مرتبه گفته شود یا پنج مرتبه
که بزرگست و حال آنکه مشتغلم بحمد او یا سه مرتبه بعد از آن راست شو و میگوئی
سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بعد از آن تکبیر میگوئی و بسجود میروی بخضوع و خشوع
شنود خدا دعای کسی را که حمد کرد او را در حالی که بگذاری بر زمین کفها را پیش از زانوها
چنان میکنی که دستها در وقت سجود به منزله لبها نمونه از برای تو و پهن میکنی کفها
را در حالی که انگشتان مضموم باشند در برابر رو و شانهها و روی خود و میگذاری هیچ
عضوی از بدن خود را بر روی عضو دیگر و میگذاری پیشانی خود را از روی اهتمام
تمام بر زمین و فضیلت آن تربت حسینیه است علی صاحبها افضل التحیات و میگذاری
بینی خود را هشتمین مساجد سبعه و نگاه کن میان آنها و نگاه میکنی در وقت سجود
بر بینی و بعد از آن میگوئی آنچه را روایت کرده است نیز در کافی در حسن الحکم
اَللّٰهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ وَ بِکَ آمَنْتُ وَ لَکَ
خداوندا برای تو سجده کرده ام و بتو ایمان آورده ام و مر ترا



اسلمت وعلیک توکلت وانت ربی سجد
اطاعت کرده‌ام و بر تو توکل کرده‌ام و تو پروردگار منی سجده کرده است
وجهی للذی خلقه وشق سمعه وبصره
روی من از برای کسی که آفریده است او را و شکافته است گوش او را و چشم او را
الحمد لله رب العالمین تبارک الله احسن
سپاس مر خدای را که پروردگار عالمیانست مقدس است خدا که بهترین
الخالقین بعد از آن گوید سبحان ربی الاعلی وبحمده
آفرینندگانست تسبیح میکنم تسبیح پروردگار خود که بلند است و بحمد او مشغولم
و باید که بوده باشد چنانکه در رکوع مذکور شد و بعد از آن سر خود را بردارد و تکبیر بگوید
و می‌نشیند ترک کنند و بگوید استغفر الله ربی واتوب الیه
بعد از آن بگوید آنچه روایت طلب آمرزش میکنم از خدا که پروردگار منست و توبه میکنم بسوی او
کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از آنحضرت علیه السلام
اللهم اغفر لی وارحمنی واجبرنی وادفع عنی
خداوندا بیامرز مرا و رحم کن مرا و اصلاح کن شکستگی مرا و دفع کن از من
انی لما انزلت الی من خیر فقیر تبارک الله
بدرستیکه من هر آنچه بفرستی بسوی من از خیر محتاجم مقدس است خدای
رب العالمین و بعد از آن تکبیر میگوید و بسجده دوم میرود مثل سجده
پروردگار عالمیان اول پس بردارد سر خود را و می‌نشیند بعنوان تورک
این را جلسه استراحت میگویند و انکار آن از این جهت که واجب دانسته آن را
سید مرتضی رضی الله عنه و دعوی اجماع براین کرده بعد از آن برخیزد بگوید که به

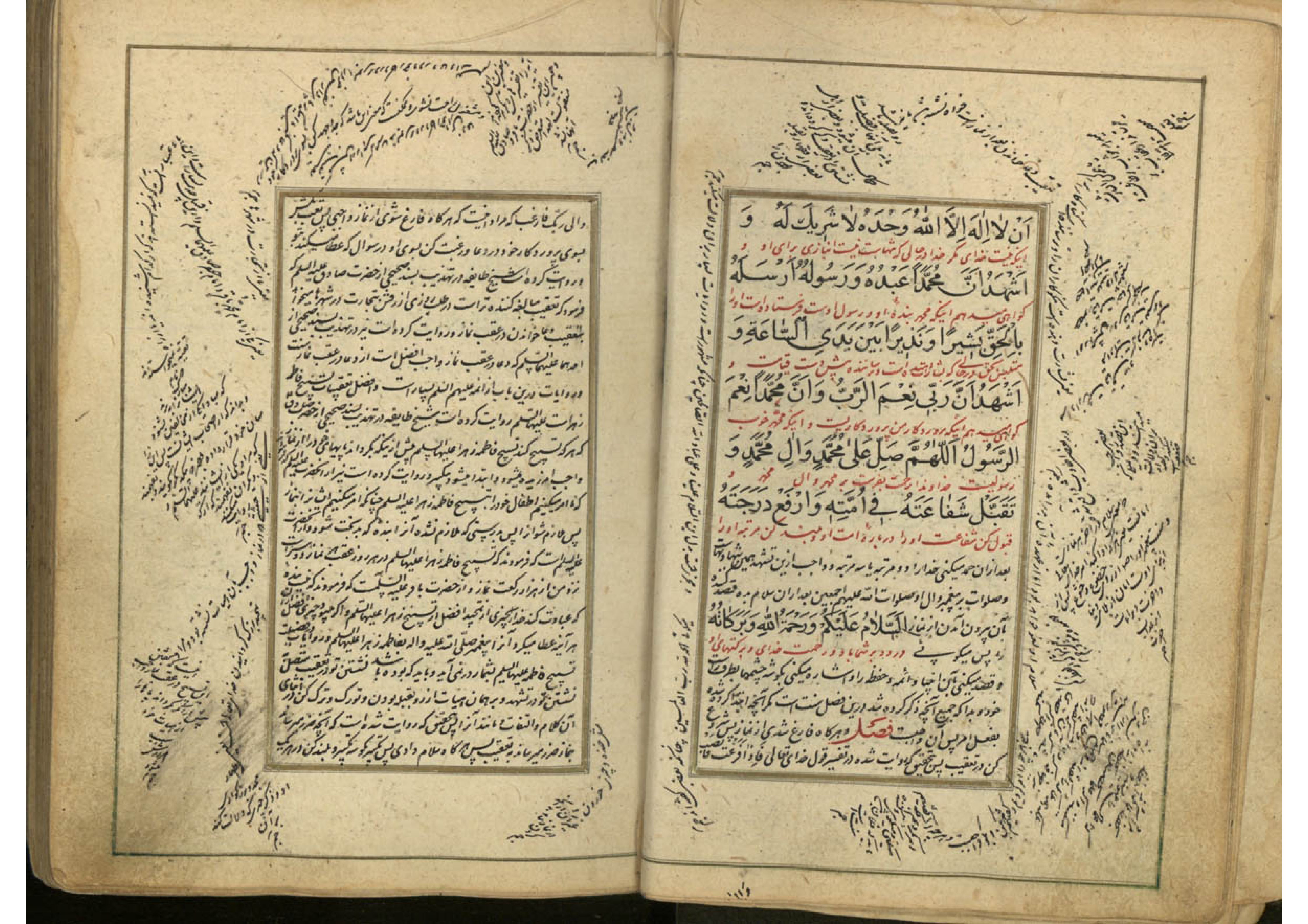
داری زانو ها را پیش از دستها و اعتماد کنی در وقت برخاستن بر دستها و بگوید
بحول الله تعالی وقوته اقوم واقعد وارکع و
بحول خدای تعالی و قوت او برمیخیزم و می‌نشینم و رکوع میکنم و
اسجد پس بگاه ایستادن بخوان حمد و سوره چنانکه گذشت در رکعت اول
سجده میکنم و باید که بوده باشد سوره قل هو الله احد بعد از آن ساکت شود اندکی
پس تکبیر بگوید از برای قنوت و قنوت بکند بکلمات فرج و دعا اگر بلند کنی دستها
در برابر روی خود و بگردانی کف دستها بطرف آسمان و بهم گذاری انگشتها را بغیر از ابهامها
پس بگوید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله
نیست خدائی مگر خدای بردبار و بخشنده نیست خدائی مگر خدای
العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و
بلند مرتبه بزرگ پاکست خدای پروردگار آسمانهای هفتگانه و
رب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب
پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار
العرش العظیم والحمد لله رب العالمین این کلمات فرج
عرش بزرگ و سپاس مر خدای که پروردگار عالمیانست نحوی که روایت کرده است
ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت باقر علیه السلام و در بعضی کتابهای دعا
و السموات السبع بعد از و ما فیهن زیاده شده و در بعضی و ما فوقهن بعد از و ما تحتهن
بعضی و هو رب العرش العظیم و نیافته‌ام این زیادتیها در آنچه مطلع شده‌ام از
کتابهای معتبر احادیث و اللهم اغفر لنا وارحمنا و
بگوید بعد از کلمات فرج خداوندا بیامرز ما را و رحم کن ما را و



عافنا واعف عنا في الدنيا والآخرة انك
عافیت ده ما را و عفو کن از ما در دنیا و آخرت بدرستی که تو
على كل شيء قدير و بگوئی بعد از فراغ از اللهم
بر همه چیز توانائی کلمات فرج و این است دعا خداوندا
اليك شخصت الابصار ونقلت الاقدام و
بسوی تو گشوده شده است دیدها و حرکت داده شده است پاها و
رفعت الايدي ومدت الاعناق وانت
بلند کرده شده است دستها و کشیده شده است گردنها و تو
دعيت بالالسن واليك سرهم ونجواهم في
خوانده شده به زبانها و بسوی توست سرهای ایشان و رازهای ایشان در
الاعمال ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق و
کردارها خداوندا حکم کن میان ما و میان قوم ما بحق و
انت خير الفاتحين اللهم انا نشكوا
تو بهترین حکم کنندگانی خداوندا بدرستی که ما شکوه میکنیم
اليك غيبة امامنا وقلة عددنا وكثرة
بسوی تو از غیبت امام ما و کمی عدد ما و بسیاری
عدونا وتظاهر الاعداء علينا ووقوع
دشمنان ما و تظاهر دشمنان بر ما و در رسیدن
الفتن بنا ففرج ذلك اللهم بعدل تظهره
فتنها بما پس برطرف کن از ما خداوندا بعدلی که ظاهر کنی آن را

وامام حق تعرفه اله الحق امين رب العالمين
و امام حقی که بشناسیم او را الهی حق مستجاب کن دعای ما را ای پروردگار عالمیان
بعد از آن بگوئی اللهم من كان اصبح وله ثقة او
خداوندا هر که صبح کننده بود و باشد از برای او اعتمادی یا
رجاء غيرك فانت ثقتي ورجائي يا اجود
امیدی غیر تو پس تو اعتماد منی و امید منی ای بخشنده ترین
من سئل ويا ارحم من استرحم ارحم
کسی که سوال کرده شده و ای رحیم ترین کسی که طلب رحم کرده شده رحم کن
ضعفي ومسكنتي وقلة حيلتي وامنن على
ضعف مرا و درویشی مرا و کمی چاره مرا و منت گذار بر من
بالجنة وفك رقبتي من النار وعافني في
به بهشت و رها کردن گردن مرا از آتش و عافیت ده مرا در
نفسي وفي جميع اموري برحمتك يا ارحم الراحمين
نفس من و در همه امرهای من برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و هرگاه خواهد طول دهد قنوت را پس اضافه کند این هرچه را خواهد از قنوتها
که ذکر میکنیم آنها را در باب ششم ان شاء الله تعالی و بعد از آن تکبیری
دیگر بگوید و رکوع کن و سجود کن دو سجده چنانکه قبل ازین گذشت بعد از آن
بنشین از برای تشهد و ترک کند نگاه کننده [illegible] و بعد از آن بگوید
بسم الله وبالله وخير الاسماء لله اشهد
بنام خدا و بخدا و بهترین نامها از برای خداست گواهی میدهم



أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ
اینکه نیست خدائی مگر خدا در حالی که شهادت نیست انبازی برای او و
أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ
گواهی میدهم اینکه محمد بنده او و رسول او است فرستاده است او را
بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ وَ
براستی بشارت دهنده است و ترساننده پیش روی قیامت و
أَشْهَدُ أَنَّ رَبِّي نِعْمَ الرَّبُّ وَأَنَّ مُحَمَّدًا نِعْمَ
گواهی میدهم اینکه پروردگار من پروردگاری خوبیست و اینکه محمد خوب
الرَّسُولُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
رسولیست خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و
تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ
قبول کن شفاعت او را در باره امت او و بلند کن مرتبه او را
بعد از ان حمد میکنی خدا را دو مرتبه یا سه مرتبه و واجب این تشهد همین شهادتین است
و صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم اجمعین بعد از ان سلام میدهی قصد کرده
آن بیرون آمدن از نماز السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
را پس میگوئی درود بر شما باد و رحمت خدای و برکتهای او
و قصد میکنی بان جماعت ائمه و حفظه را و اشاره میکنی بگوشه چشم بطرف راست
خود و بدانکه جمیع آنچه ذکر کرده شد درین فصل سنت است مگر آنچه اجمالا ذکر کرده شده
فصل در بیان آن و هست **فصل** و هرگاه فارغ شدی از نماز پس شروع
کن در تعقیب پس تحقیق که روایت شده در تفسیر قول خدای تعالی فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ که مراد اینست که هرگاه فارغ شوی از نماز واجبی پس تعب بکش
بسوی پروردگار خود در دعا و رغبت کن بسوی او در سوال که عطا میکند تو را
و روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که
فرمود که تعقیب مبالغه کننده تر است در طلب روزی از رفتن بتجارت در شهرها و مراد
بتعقیب دعا خواندن در عقب نماز و روایت کرده است نیز در تهذیب بسند صحیح از
احدهما علیهما السلام که دعا در عقب نماز واجب افضل است از دعا در عقب نماز سنت
و روایات درین باب از ائمه علیهم السلام بسیار است و افضل تعقیبات تسبیح فاطمه
زهرا است علیها السلام روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق
که هر که تسبیح کند تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام پیش از آنکه بگرداند پاهای خود را از نماز
واجب آمرزیده میشود و ابتدا میشود به تکبیر و روایت کرده است نیز از آنحضرت علیه السلام
که ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا علیها السلام چنانکه امر میکنیم ایشان را بنماز
پس ملازم شو آنرا پس بدرستی که ملازم نشده آنرا بنده که بدبخت شود و وارد است از حضرت
علیه السلام است که فرموده که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام در هر روز در عقب هر نماز دوست تر است
نزد من از هزار رکعت نماز و از حضرت باقر علیه السلام است که فرموده که نیست چیزی
که عبادت کنند خدا را بچیزی از تحمید افضل از تسبیح زهرا علیها السلام و اگر میبود چیزی افضل
هر آینه عطا میکرد آنرا پیغمبر صلی الله علیه و آله بفاطمه زهرا علیها السلام و در وقت خواندن
تسبیح فاطمه علیها السلام شمار در نمی آید و باید که بوده باشد نشستن تو در تعقیب متصل
نشستن تو در تشهد و بر همان هیات از رو بقبله بودن و تورک و ترک کن از اشیای
آن کلام و التفات مانند آنرا پس تحقیق که روایت شده است که آنچه ضرر میرساند
بنماز ضرر میرساند بتعقیب پس هرگاه سلام دادی پس تکبیر گو سه تکبیر و بلند کن دو دست را

دستها را به برابر روی خود بعنوان گرفته ودستها بطرف روی تو باشد
کف آنها بطرف قبله و این تکبیره اول تعقیب است بعد از آن بگوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ
نیست خدای مگر خدا خدایست یکتا و ما برای او مطیع گردنده گانیم
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ
نیست خدای مگر خدا پرستش نمیکنیم مگر او را در حالی که خالص کرده ایم برای او
الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
دین را و هر چند ناخوش دارند مشرکان نیست خدای مگر خدا
رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْاَوَّلِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
پروردگار ما و پروردگار پدران پیشینان ما نیست خدای مگر خدا
وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَ
تنهاست تنهاست بجا آورده است وعده خود را و یاری کرده است بنده خود را و
هَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
گریزانیده است گروههای دشمنان پس مر او راست پادشاهی و برای اوست ستایش
وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي
و او بر همه چیز بغایت تواناست طلب آمرزش میکنم از خدای که
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اللّٰهُمَّ
نیست خدای مگر او همیشه زنده بخود برپاست و توبه میکنم بسوی او خداوندا
اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ
هدایت کن مرا از نزد خود و بریز بر من از فضل خود

وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ
و پراکنده کن بر من از رحمت خود و فرود آر بر من از برکتهای خود
سُبْحَانَكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا
تسبیح میکنیم ترا نیست خدای مگر تو بیامرز برای من گناهان مرا تمام همه
جَمِيعًا فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا اِلَّا
همه پس براستی که نمی بخشد گناهان را تمام آنها را همه مگر
اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَحَاطَ بِهِ
تو خداوندا براستی که من سوال میکنم ترا از هر خیری که فرو گرفته است او را
عِلْمُكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحَاطَ بِهِ
علم تو و پناه می آورم بتو از هر شری که فرو گرفته است او را
عِلْمُكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي
علم تو خداوندا براستی که من سوال میکنم عافیت تو در
اُمُورِي كُلِّهَا وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا
کارهای من تمام آنها و پناه می برم بتو از رسوایی دنیا
وَعَذَابِ الْاٰخِرَةِ وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ
و عذاب آخرت و پناه می آورم بذات کریم تو
عِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا
و عزت تو که طلب کرده نمیشود و قدرت تو که ابا نمیکند از آن
شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ
چیزی از شر دنیا و آخرت و از شر

الا وجاع كلها ولا حول ولا قوة الا بالله
دردها تمام آنچه و نیست قدرتی و نه قوتی مگر بخدای
العلی العظیم توكلت على الحی الذی لا یموت
بلند مرتبه بزرگ توکل کردم بر زنده دائمی که نمی‌میرد و
والحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یكن له
وسپاس از برای خدائیست که فرا نگرفته است فرزندی و نیست از برای او
شریك فی الملك ولم یكن له ولی من
شریکی در پادشاهی و نیست از برای او دوستی از
الذل وكبره تكبیرا بعد از ان تسبیح سكینی تسبیح فاطمه
خواری و تعظیم کن او را تعظیم کردنی زهرا علیها السلم و بعد از ان
میكوئی این را و این مخصوص لا اله الا الله وحده لا
بتعقیب نماز صبح است نیست خدائی مگر خدا شهادت نیست
شریك له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت
شریکی از برای او برای اوست پادشاهی برای اوست سپاس زنده میکند و میمیراند
ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت بیده الخیر
و می‌میراند و زنده میکند و اوست زنده دائم که نمی‌میرد بدست اوست خیر
وهو على كل شیء قدیر ده مرتبه و این نیز مخصوص تعقیب صبح است
و او بر همه چیز توانا است
سبحان الله العظیم وبحمده ولا حول ولا
تسبیح میکنم خدای بزرگ را و متلبسم بحمد او و نیست قدرتی و نه

یعنی کسی راحت خود فرا نگیرد از خواری یعنی بسبب [illegible] خواری داشته باشد و خواهد که او راحت خود فرا گیرد و از برای اینکه دفع کند از و آن خواری را [illegible] مراد نیست که نیست او را یاری کننده از خواری یعنی بسبب کسی کننده ندارد چو خواری ندارد و یا اینکه حاجت او از اهل خواری نیست چه هر که حاجت [illegible] عزت است جم

یعنی تعظیم کردنی که مساوی آن و نزدیک بان نباشد هیچ تعظیمی چنانکه بعضی گفته‌اند جم

روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که خدا عافیت میدهد باین کلمات از کوری و جنون و جذام و فقر و [illegible] جم

قوة الا بالله العلی العظیم صد مرتبه ما شاء الله
قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ آنچه خواست خدا
كان لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم صد مرتبه
میباشد نیست قدرتی و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ
استغفر الله ربی واتوب الیه صد مرتبه استجیر
طلب آمرزش میکنم از خدائی که پروردگار منست و توبه میکنم بسوی او و پناه میبرم
بالله من النار واسئله الجنة صد مرتبه اللهم
بخدا از آتش و سوال میکنم از او بهشت خداوندا
صل على محمد وال محمد وعجل فرجهم ده مرتبه اشهد
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و تعجیل کن راحت ایشان را گواهی میدهم
ان لا اله الا الله وحده لا شریك له الها
که نیست خدائی مگر خدائی که یگانه است نیست شریکی از برای او خدائیست
واحدا احدا صمدا فردا لم یتخذ صاحبة و
یکیست یگانه بی نیاز تنها فرا نگرفته است زنی و
لا ولدا سی مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
نه فرزندی تسبیح میکنم تسبیح خدا و سپاس از برای خداست نیست خدائی مگر
الله والله اكبر و مراد از انکه شمرده شود این ذکرها و تسبیحها
خدا و خدا بزرگتر است
بسبحه از تربت امام حسین علیه السلم پس بتحقیق که
روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیحی از حضرت صاحب الامر
علیه السلم که سبحه فضل چیزی است که تسبیح کرده شود بان و [illegible] تسبیح کننده

یعنی گفته اند که واحد [illegible] یعنی که شریک داشته باشد و بعضی فرق کرده‌اند میان آنها بوجوهی چند که ذکر آنها مناسب این مقام نیست والله تعالی اعلم جم

مراد ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلم جم

روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که اگر کسی این تسبیحها [illegible] فرود آمدن چیزی [illegible] انکس [illegible] غرق شدن و سوختن و آتش [illegible] درچاه و [illegible] و مردن [illegible] بفجات باشد [illegible] نازل شود [illegible] جم

[illegible]



یا مقلب
القلوب والابصار صل علی محمد وآل محمد و
ای گرداننده دلها و دیده‌ها رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و
ثبت قلبی علی دینک ودین نبیک محمد صلی
ثابت گردان دل مرا بر دین خود و دین پیغمبر خود محمد رحمت کناد
الله علیه وآله ولا تزغ قلبی بعد اذ هدیتنی
خدا بر او و آل او و میل مده دل مرا بعد از آنکه راه نمودی مرا
وهب لی من لدنک رحمة انک انت الوهاب
و ببخش مرا از نزد خودت رحمتی بدرستی که توئی تو بسیار بخشنده
اللهم انی اعوذ بک من زوال نعمتک و
خداوندا بدرستی که من پناه می‌آرم به تو از زایل شدن نعمت تو و
تحویل عافیتک ومن فجاءة نقمتک ومن
برگردیدن عافیت تو و از ناگاه رسیدن عقاب تو و از
درک الشقاء ومن شر ما سبق فی الکتاب
دریافتن بدبختی و از شر آنچه پیشی گرفته است در کتاب
اللهم انی اسألک بعزة ملکک وعظم
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بعزت پادشاهی تو و بزرگی
سلطانک وشدة قوتک علی جمیع خلقک
سلطنت تو و شدت قوت تو بر همه آفریدگان تو

ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بی کذا وکذا
اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی با من فلان و فلان
وبعد از آن بگو اعید نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی
پناه میدهم نفس خود را و دین خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزند
واخوانی وما رزقنی ربی وجمیع ما یعنینی امره
و برادران خود را و آنچه روزی کرده است مرا پروردگار من و همه آنچه اهتمام دارم کار او را
بالله الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد و
بخدای یگانه بی نیاز آنکه نزاییده است و زاییده نشده است و
لم یکن له کفوا احد وبرب الفلق من شر ما
نیست مر او را همتا کسی و بپروردگار صبح از شر آنچه
خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر
آفریده است و از شر شب بسیار تاریک هرگاه داخل شوند و از شر
النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا
زنان بادمنده در گرهها و از شر حسودی هرگاه
حسد وبرب الناس ملک الناس اله
حسد برد و به پروردگار آدمیان پادشاه آدمیان معبود
الناس من شر الوسواس الخناس الذی
آدمیان از شر وسوسه کننده پنهان شونده آنکه
یوسوس فی صدور الناس من الجنة والناس
وسوسه میکند در سینه‌های مردم از جنیان و آدمیان



بعد از ان بخوان سوره ... آیة الکرسی

الله لا اله الا هو الحي
خدا است نیست خدائی مگر او همیشه زنده
القيوم لا تاخذه سنة ولا نوم له ما في
بخود برپایست فرا نمیگیرد او را سستی و نه خواب برای اوست آنچه در
السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع
آسمانهاست و آنچه در زمین است کیست آنکه شفاعت کند
عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم و
نزد او مگر باذن او میداند آنچه را پیش ایشانست و
ما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه
آنچه را پس ایشانست و احاطه نمیکنند بچیزی از علم او
الا بما شاء وسع كرسيه السموات و
مگر بآنچه او خواهد و گنجایش دارد کرسی او آسمانها و
الارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي
زمین را و سنگین نمیکند او را نگاهداری آنها و او است بلند مرتبه
العظيم لا اكراه في الدين قد تبين
بزرگ نیست اکراهی و جبری در دین بتحقیق ظاهر و جدا شده
الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت
رشد از گمراهی پس هر که کفر بیاورد به شیطان
ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة
و ایمان بیاورد بخدا پس بتحقیق که دست زده است بدستگیره

الوثقى لا انفصام لها والله سميع عليم الله
محکم که نیست شکستی مر آنرا و خدا شنونده و داناست خدا
ولي الذين امنوا يخرجهم من الظلمات الى
صاحب کسانی است که ایمان آورده اند بیرون می آورد ایشانرا از تاریکیها بسوی
النور والذين كفروا اولياؤهم
نور و آنانکه کفر آورده اند دوستان ایشان
الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات
شیاطینند بیرون می آورند ایشانرا از نور بسوی تاریکیها
اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
آن گروه صاحبان آتشند ایشان در آن جاوید بوده
شهد الله انه لا اله الا هو والملئكة و
گواهی داده است خدا که نیست خدائی مگر او و فرشتگان و
اولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز
خداوندان علم در حالی که بپا دارنده است عدل را نیست خدائی مگر او غلبه کننده
الحكيم ان الدين عند الله الاسلام وما
صواب کار است بدرستی که دین حق نزد خدا اسلام است و اختلاف
اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما
نکردند آنانکه داده شده اند کتاب را مگر بعد از آنکه
جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بايات الله
آمد ایشانرا علم از روی سرکشی در میان ایشان و هر که کافر شود بآیتهای



إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ آيه ملك قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ
الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ
تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ
الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي
النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ
الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ
بِغَيْرِ حِسَابٍ آيه سخره إِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ
عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ
الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ

الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا
رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا
وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللّٰهِ قَرِيبٌ
مِنَ الْمُحْسِنِينَ آخر كهف قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا
لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ
رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ
مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ
فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا
وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا وادل والصلوة



بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَ
بنام خدای بخشاینده بسیار مهربان قسم بگروه هائی که صف زده‌اند پس
الزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا اِنَّ اِلٰهَكُمْ
رانده‌اند راندنی پس خوانده‌اند ذکر را بدرستیکه پروردگار
لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
هر آینه یکیست پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه در میان آنهاست
وَرَبُّ الْمَشَارِقِ اِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا
و پروردگار مشرقهاست بدرستیکه ما زینت دادیم آسمان نزدیک را
بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ
بزینت ستاره‌ها و حفظی از هر شیطان
مَارِدٍ لَا يَسَّمَّعُونَ اِلَى الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَيُقْذَفُونَ
سرکشی نمیشنوند و گوش نمی آرند بسوی گروه بلند مرتبه و رانده میشوند
مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ
از همه جانبی راندنی و از برای ایشانست عذاب دایم شدیدی
اِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ
مگر آنکه ربود ربودنی پس از پی در آید شهاب درخشان
سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا
پاکست پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه
يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
وصف میکنند کفار و درود بر رسولان و سپاس از برای خدای پروردگار

الْعَالَمِينَ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنِ
عالمیانست ای گروه جن و انس اگر
اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوا مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
میتوانید که بیرون روید از اطراف آسمانها و زمین
فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ اِلَّا بِسُلْطَانٍ فَبِاَيِّ اٰلَاءِ
پس بیرون روید بیرون نمیروید مگر بقوتی پس بکدام یک از نعمتهای
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ
پروردگار خود تکذیب میکنید شما فرستاده میشود بر شما زبانه از
نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ لَوْ
آتش و دودی پس باز نمیدارید اگر
اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خَاشِعًا
میفرستادیم این قرآن را بر کوهی هرآینه میدیدی آنرا زاری کننده
مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ
شکافته شده از ترس خدای و این مثلها
نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ
میزنیم ما آنها را از برای مردمان شاید ایشان تفکر کنند اوست
اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
خدای که نیست خدای مگر او دانای غیب و شهادت
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
اوست رحمن رحیم اوست خدای که نیست خدای مگر او



الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز

پادشاه بسیار پاکیزه سلام امان دهنده حفظ کننده غالب

الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون

جبار متکبر پاکست خدا از آنچه شریک میکنند او را

هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء

اوست خدای آفریننده تقدیر کننده صورت بخشنده و از برای اوست نامهای

الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو

نیکو تسبیح میکند او را آنچه در آسمانها و زمین است و اوست

العزيز الحكيم

غالب صواب کار

اللهم اني اسئلك باسمك المكنون المخزون

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق نام پنهان کرده شده و خزانه کرده شده

الطهر الطاهر المبارك واسئلك باسمك

پاکیزه پاک مبارک و سوال میکنم ترا بحق نام

العظيم وسلطانك القديم يا واهب العطايا يا

بزرگ تو و پادشاهی قدیم تو ای بخشنده عطاها ای

مطلق الاسارى يا فكاك الرقاب من النار

رها کننده اسیرها ای خلاص کننده گردنها از آتش

اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعتق

سوال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه آزاد کنی

رقبتي من النار وان تخرجني من الدنيا امنا و

گردن مرا از آتش و اینکه بیرون بری مرا از دنیا ایمن و

تدخلني الجنة سالما وان تجعل دعائي اوله

داخل کنی مرا بهشت سالم و اینکه بگردانی دعای مرا اول آنرا

فلاحا واوسطه نجاحا وآخره صلاحا انك

بهتری و میان آنرا فیروزی و آخر آنرا اصلاحی بدرستی که توئی

انت علام الغيوب اللهم اني

تو دانای غیبها خداوندا بدرستیکه من

اصبحت اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد

داخل صباح شدم حال که گواه میگیرم ترا و بس است تو برای گواهی و گواه میگیرم

ملائكتك وحملة عرشك وسكان سمواتك

فرشتگان ترا و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای ترا

وارضك وانبيائك ورسلك والصالحين

و زمین ترا و پیغمبران ترا و رسولان ترا و صالحان

من عبادك وجميع خلقك فاشهد لي وكفى

از بندگان ترا و همه آفریدگان ترا پس گواه شو برای من و بس است

بك شهيدا اني اشهد انك انت الله وحدك

تو برای گواهی بدرستیکه من گواهی میدهم که بدرستیکه توئی تو خدای تنها

لا شريك لك وان محمدا صلى الله عليه وآله

نیست انبازی برای تو و اینکه محمد رحمت کند خدا بر او و آل او

عبدك ورسولك وانّ كلّ معبود مما دونك
بنده تو و رسول تست و اینکه هر عبادت کرده شده از پایین
عرشك الى قرار ارضك السابعة السفلى
عرش تو تا قرارگاه زمین تو هفتمین پایین
باطل مضمحلّ ما عدا وجهك الكريم
باطل و مضمحلست غیر از ذات تو کریم
فانّه اعزّ واكرم واجلّ واعظم من
پس بدرستی که او عزیزترست و گرامی‌تر و جلیل‌تر و بزرگترست از
ان يصف الواصفون كنه جلاله او
اینکه وصف کنند وصف کنندگان کنه عظمت او را یا
تهتدى القلوب الى كنه عظمته يا من فاق
اینکه راه یابند دلها به نهایت بزرگی او ای آنکه بالا رفت
مدح المادحين فخر مدحه وعدا وصف
از مدح مدح کنندگان فخر مدح او و تجاوز کرده است از وصف
الواصفين مآثر حمده وجلّ عن مقالة
وصف کنندگان کرمهای حمد او و بلندست از گفتن
الناطقين تعظيم شانه صلّ على محمّد وآل محمّد
حرف زنندگان تعظیم شان او رحمت بفرست بر محمد و آل محمد
وافعل بنا ما انت اهله يا اهل التقوى و
و بکن با ما آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری و

یعنی سزاوار آنکه مردم از او بپرهیزند و امر پرسش کند مردم را و خوف داشته باشند ازو جم

اهل المغفرة (بعد از آن بگو) سبحان الله كلّما سبّح الله
سزاوار آمرزش تسبیح میکنم تسبیح خدا هرگاه تسبیح کند خدا را
شئ وكما يحبّ الله ان يسبّح وكما هو اهله وكما
چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا اینکه تسبیح کرده شود و چنانکه او سزاوارست و چنانکه
ينبغى لكرم وجهه وعزّ جلاله والحمد لله كلّما
سزاوارست از برای کرمی ذات او و غلبه بزرگی او و ستایش مر خدای راست هرگاه
حمد الله شئ وكما يحبّ الله ان يحمد وكما
حمد کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا اینکه حمد کرده شود و چنانکه
هو اهله وكما ينبغى لكرم وجهه وعزّ
او سزاوارست و چنانکه سزاوارست از برای کرمی ذات او و غلبه
جلاله ولا اله الّا الله كلّما هلّل الله شئ
بزرگی او و نیست خدایی مگر خدا هرگاه تهلیل کند خدا را چیزی
وكما يحبّ الله ان يهلّل وكما هو اهله
و چنانکه دوست میدارد خدا اینکه تهلیل کرده شود و چنانکه او سزاوارست
وكما ينبغى لكرم وجهه وعزّ جلاله و
و چنانکه سزاوارست از برای کرمی ذات او و غلبه بزرگی او و
الله اكبر كلّما كبّر الله شئ وكما يحبّ الله ان
خدا بزرگترست هرگاه تکبیر کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا اینکه
يكبّر وكما هو اهله وكما ينبغى لكرم وجهه
تکبیر کرده شود و چنانکه او سزاوارست و چنانکه سزاوارست از برای کرمی ذات او

تهلیل لا اله الا الله گفتن است جم



وعز جلاله سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله
وعزیز بزرگی او تسبیح میکنم تسبیح خدا و سپاس مر خدا را و نیست خدایی مگر خدا
والله اکبر علی کل نعمة انعم بها علی وعلی
و خدا بزرگتر است بر هر نعمتی که انعام کرده است آن بر من و بر
کل احد من خلقه ممن کان او یکون الی یوم
هر احدی از آفریده گان خود از آنها که بوده اند و خواهند بود تا روز
القیمة اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد
قیامت خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد
وال محمد واسئلک خیر ما ارجو وخیر ما لا
و آل محمد و سوال میکنم ترا خیر آنچه امید دارم و خیر آنچه امید
ارجو واعوذ بک من شر ما احذر ومن شر
ندارم و پناه می آورم بتو از شر آنچه خوف دارم و از شر
ما لا احذر بسم الله خیر
آنچه خوف ندارم بنام خدا بهترین
الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم
نامها بنام خدا پروردگار زمین و آسمان بنام
الله الذی لا یضر مع اسمه سم ولا داء بسم الله
خدا که ضرر نمیرساند با نام او سمی و نه دردی بنام خدا
اصبحت وعلی الله توکلت بسم الله علی قلبی و
داخل صباح شدم و بر خدا توکل کردم بنام خدا بر دل من و

نفسی بسم الله علی دینی وعقلی بسم الله علی اهلی ومالی
نفس من بنام خدا بر دین من و عقل من بنام خدا بر اهل من و مال من
بسم الله علی ما اعطانی ربی بسم الله الذی لا یضر
بنام خدا بر آنچه عطا کرده است پروردگار من بنام خدا که ضرر نمیرساند
مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو
با اسم او چیزی در زمین و نه در آسمان و اوست
السمیع العلیم الله الله ربی حقا لا اشرک به
شنونده دانا خداست خدا پروردگار من حقا شریک نمیکنم با او
شیئا الله اکبر الله اکبر الله اکبر الله
چیزی خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا
اعز واجل مما اخاف واحذر عز جارک
غالب تر است و بزرگتر از آنچه میترسم و خوف دارم عزیز است همسایه تو
وجل ثناؤک وتقدست اسماؤک ولا
و بزرگ است ثنای تو و پاکیزه است نامهای تو و نیست
اله غیرک اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی
خدایی غیر از تو خداوندا بدرستی که من پناه می آورم بتو از شر نفس خود
ومن شر کل سلطان شدید ومن شر کل
و از شر هر پادشاه سختی و از شر
شیطان مرید ومن شر کل جبار عنید ومن
شیطان سرکشی و از شر هر جبر کننده عنیدی و از



شر قضاء السوء ومن شر كل دابة انت
آخذ بناصيتها انك على صراط مستقيم و
انت على كل شيء حفيظ ان وليي الله الذي
نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين فان
تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم فسيكفيكهم الله
وهو السميع العليم ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم وصلى الله على خير خلقه محمد وآله
الطاهرين بعد ازان بگوئی واین نیز بسم الله وصلى
الله على محمد وآله وافوض امري الى الله ان

الله بصير بالعباد فوقه الله سيئات ما مكروا
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين
فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
ننجي المؤمنين حسبنا الله ونعم الوكيل فانقلبوا
بنعمة من الله وفضل لم يمسسهم سوء ما شاء
الله لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا
ما شاء الناس ما شاء الله وان كره
الناس حسبي الرب من المربوبين حسبي الخالق
من المخلوقين حسبي الرازق من المرزوقين حسبي
الذي لم يزل حسبي حسبي من كان مذ كنت

حَسْبِي حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
بسنده من بذات مرا خدا نيست خدائی مگر او بر او توکل کردم
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ بعد ازان بگوید اَللّٰهُمَّ اَصْبَحَ
و اوست پروردگار عرش بزرگ خداوندا صبح کرد
ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَاَصْبَحَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً
ظلم من پناه جوینده به درگذشتن تو و صبح شده گناهان من پناه جوینده
بِمَغْفِرَتِكَ وَاَصْبَحَ خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِاَمَانِكَ وَاَصْبَحَ
با مرزش تو و صبح شده ترس من پناه جوینده بامان تو و صبح
فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ وَاَصْبَحَ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا
درویشی من پناه جوینده به توانگری تو و صبح شده خواری من پناه جوینده
بِعِزِّكَ وَاَصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيرًا بِقُوَّتِكَ وَاَصْبَحَ
بعزت تو و صبح شده ضعف من پناه جوینده بقوت تو و صبح شده
وَجْهِيَ الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا كَائِنًا
ذات فانی من پناه جوینده بذات باقی تو ای موجود
قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا كَائِنًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا
پیش از هر چیز و ای موجود بعد از همه چیز و ای
مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
موجود کننده هر چیز رحمت بفرست بر محمد و ال محمد و
اجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي
بگردان از برای من از کار من گشادگی و بیرون شدن و روزی ده مرا

مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ
از جایی که گمان دارم و از جایی که گمان ندارم
بعد ازان بگوید هفت مرتبه در حالی که گرفته باشی ریش خود را یَا رَبَّ مُحَمَّدٍ
دست راست و گشوده باشی کف دست چپ را بسوی آسمان ای پروردگار محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ
و ال محمد رحمت بفرست بر محمد و ال محمد و تعجیل کن
فَرَجَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و هفت مرتبه يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
راحت محمد و ال محمد را ای پروردگار محمد و ال محمد
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
رحمت بفرست بر محمد و ال محمد و ازاد گردان مرا از آتش
پس بگوید يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ
ای خدا ای بسیار بخشنده ای مهربان ای زنده ای نگهدارنده
بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيثُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ
برحمت تو طلب فریادرسی میکنم خداوندا تو اعتماد منی در هر اندوهی
وَاَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَاَنْتَ لِي فِي كُلِّ اَمْرٍ
و تو امید منی در هر سختی و تو از برای منی در هر امری
نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا وَ
که فرود آید بمن اعتمادی و تهیه پس بیامرز برای من گناهان مرا تمام آنها
اكْشِفْ هَمِّي وَفَرِّجْ غَمِّي اَللّٰهُمَّ اَغْنِنِي بِحَلَالِكَ
زایل کن اندوه مرا و برطرف کن غم مرا خداوندا بی نیاز گردان مرا بحلال



التفات كن بطرف وحيّا كما الله من كاتبين والسّلام

اُكتبا رحمكما الله نبيّ الله اشهد ان لا اله

الّا الله وحده لا شريك له واشهد انّ محمّدا

عبده ورسوله واشهد انّ السّاعة اتية

لا ريب فيها وانّ الله يبعث من في القبور على

ذلك احيى وعليه اموت وعليه ابعث ان

شاء الله اقرئ محمّدا صلّى الله عليه واله منّي

السّلام اللّهمّ صلّ على محمّد وال محمّد

في النّهار اذا تجلّى وصلّ على محمّد وال محمّد في

اللّيل اذا يغشى وصلّ على محمّد وال محمّد في

الاخرة والاولى وصلّ على محمّد وال محمّد ما

لاح الجديدان وصلّ على محمّد وال محمّد ما اطّرد

الخافقان وصلّ على محمّد وال محمّد ما حدى

الحاديان وصلّ على محمّد وال محمّد ما عسعس

ليل وما ادلهمّ ظلام وما تنفّس صبح وما

اضاء فجر اللّهمّ اجعل محمّدا خطيب وفد

المؤمنين اليك والمكسوّ حلل الامان

اذا وقف بين يديك والنّاطق اذا خرست

الالسن بالثّناء عليك اللّهمّ اعل منزلته و

ارفع درجته واظهر حجّته وتقبّل شفاعته

وابعثه المقام المحمود الذي وعدته و

وبفرست او را بمنزل پسندیده که وعده کرده او را و

اغفر له ما احدث المحدثون من امته

بیامرز از برای او آنچه احداث کرده اند احداث کنندگان از امت او

بعده اللهم اني اسئلك موجبات رحمتك

بعد از او خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا از واجب کننده های رحمت تو

وعزائم مغفرتك والغنيمة من كل بر

وحتم کننده های آمرزش ترا وغنیمت بردن از همه احسان

والسلامة من كل اثم واسئلك الفوز با

و سلامتی از هر گناهی و سوال میکنم ترا فیروزی

لجنة والنجاة من النار اللهم صل على محمد و

بهشت و خلاصی از آتش خداوندا رحمت کن بر محمد و

آل محمد واجعل لي في صلوتي ودعائي بركة

آل محمد و بگردان از برای من در نماز من و دعای من برکتی که

تطهر بها قلبي وتؤمن بها روعي وتكشف

پاک گردانی بآن دل مرا و ایمنی دهی بآن خوف مرا و دفع کنی

بها كربي وتغفر بها ذنبي وتصلح بها امري

بآن اندوه مرا و بیامرزی بآن گناه مرا و اصلاح کنی بآن امر مرا

وتغني بها فقري وتذهب بها ضري و

و توانگر گردانی بآن درویشی مرا و ببری بآن بدحالی مرا و

تفرج بها همي وتسلي بها غمي وتشفي بها

زایل کنی بآن هم مرا و تسلی فرمائی بآن غم مرا و شفا دهی بآن

سقمي وتؤمن بها خوفي وتجلو بها حزني و

بیماری مرا و ایمن گردانی بآن ترس مرا و برطرف کنی بآن اندوه مرا

تقضي بها ديني وتجمع بها شملي وتبيض بها

و ادا کنی بآن قرض مرا و جمع کنی بآن پراکندگی مرا و سفید گردانی بآن

وجهي واجعل ما عندك خيرا لي

روی مرا و بگردان آنچه نزد تست خیر از برای من

اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه غيرك و

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا از برای اندوهی که گشاینده نیست آنرا غیر تو و

لرحمة لا تنال الا منك ولحاجة لا يقضيها

برای رحمتی که رسیده نمیشود مگر از جانب تو و برای حاجتی که بر نمی آورد آنرا

الا انت يا كريم اللهم كما كان من شانك

مگر تو ای صاحب بسیار خیر خداوندا چنانکه بود از امر تو

ما اردتني به من ذكرك والهمتنيه من

آنچه اراده کرده بودی مرا بآن از یاد آوری تو و در دل من انداخته آنرا از

شكرك ودعائك فليكن من شانك الاجابة

شکر تو و خواندن تو پس بوده باشد از امر تو اجابت کردن

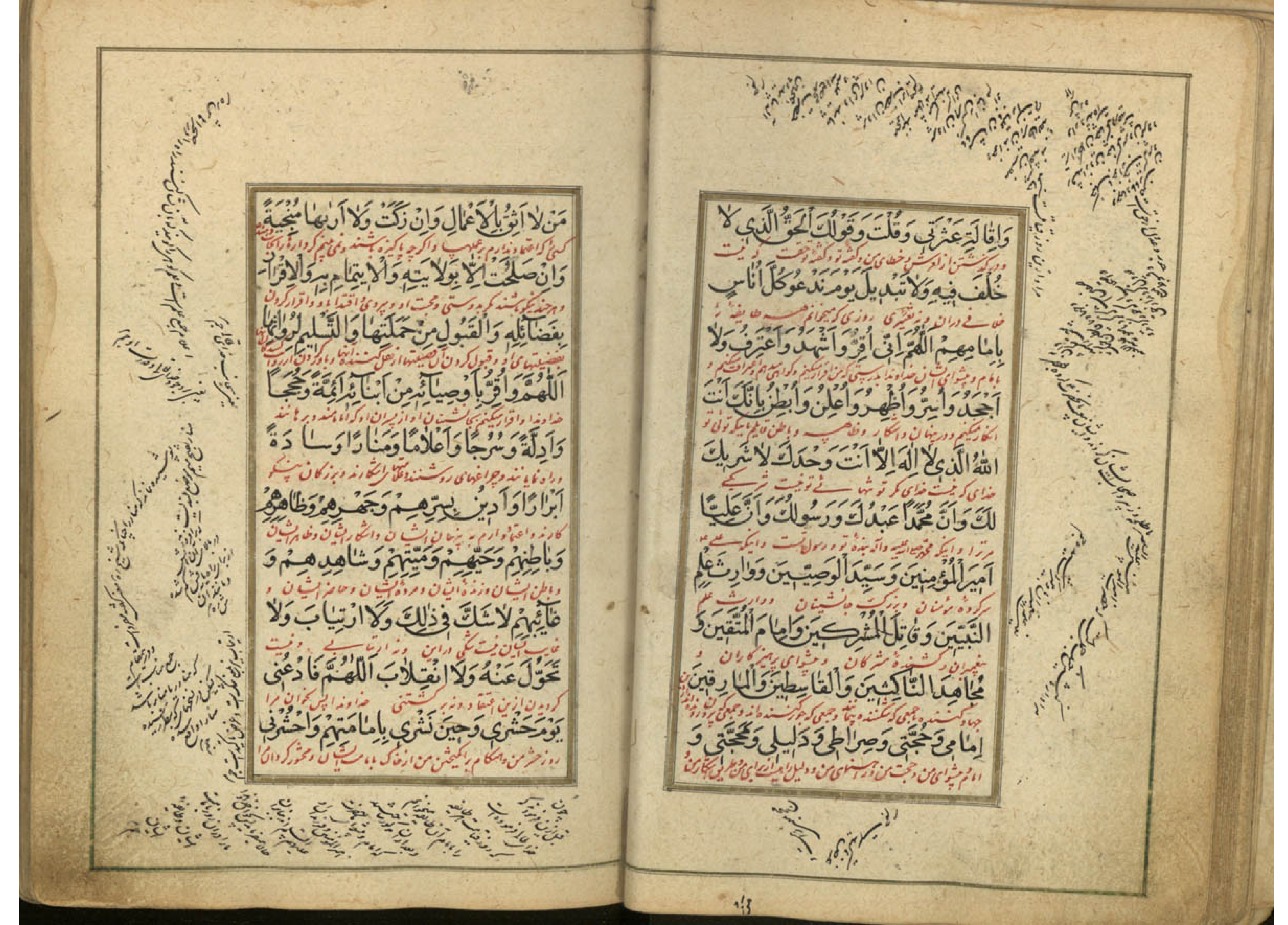
لي فيما دعوتك والنجاة مما فزعت اليك

مرا در آنچه خوانده ام ترا و نجات از آنچه پناه آورده ام بسوی تو



مِنْهُ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ
فَإِنَّ رَحْمَتَكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسَعَنِي لِأَنَّهَا
وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلْتَسَعْنِي رَحْمَتُكَ يَا
مَوْلَايَ إِلٰهِي إِنَّ ذُنُوبِي وَ
كَثْرَتَهَا قَدْ غَبَّرَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَجَبَتْنِي عَنِ
اسْتِيهَالِ رَحْمَتِكَ وَبَاعَدَتْنِي عَنِ اسْتِيجَابِ
مَغْفِرَتِكَ وَلَوْلَا تَعَلُّقِي بِآلَائِكَ وَتَمَسُّكِي بِا
لرَّجَاءِ لِمَا وَعَدْتَ أَمْثَالِي مِنَ الْمُسْرِفِينَ وَ
أَشْبَاهِي مِنَ الْخَاطِئِينَ بِقَوْلِكَ يَا عِبَادِيَ
الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ

اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَحَذَّرْتَ الْقَانِطِينَ مِنْ
رَحْمَتِكَ فَقُلْتَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا
الضَّالُّونَ ثُمَّ نَدَبْتَنَا بِرَحْمَتِكَ إِلَىٰ دُعَائِكَ
فَقُلْتَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ
عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ إِلٰهِي
لَقَدْ كَانَ ذُلُّ الْإِيَاسِ عَلَيَّ مُشْتَمِلًا وَالْقُنُوطُ
مِنْ رَحْمَتِكَ بِي مُلْتَحِفًا إِلٰهِي قَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ
ظَنَّهُ بِكَ ثَوَابًا اللّٰهُمَّ وَقَدْ أَسْبَلَ دَمْعِي حُسْنُ
الظَّنِّ بِكَ فِي عِتْقِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتَغَمُّدِ زَلَلِي



وَإِقَالَةِ عَثْرَتِي وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ الَّذِي لَا
خُلْفَ فِيهِ وَلَا تَبْدِيلَ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ
بِإِمَامِهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أُقِرُّ وَأَشْهَدُ وَأَعْتَرِفُ وَلَا
أَجْحَدُ وَأُسِرُّ وَأُظْهِرُ وَأُعْلِنُ وَأُبْطِنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ
اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ
لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ عَلِيّاً
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَوَارِثُ عِلْمِ
النَّبِيِّينَ وَقَاتِلُ الْمُشْرِكِينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ
مُجَاهِدُ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ
إِمَامِي وَحُجَّتِي وَصِرَاطِي وَدَلِيلِي وَمَحَجَّتِي وَ

مَنْ لَا أَثِقُ بِالْأَعْمَالِ وَإِنْ زَكَتْ وَلَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً
وَإِنْ صَلَحَتْ إِلَّا بِوِلَايَتِهِ وَالْائْتِمَامِ بِهِ وَالْإِقْرَارِ
بِفَضَائِلِهِ وَالْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا وَالتَّسْلِيمِ لِرُوَاتِهَا
اللَّهُمَّ وَأُقِرُّ بِأَوْصِيَائِهِ مِنْ أَبْنَائِهِ أَئِمَّةً وَحُجَجاً
وَأَدِلَّةً وَسُرُجاً وَأَعْلَاماً وَمَنَاراً وَسَادَةً
وَأَبْرَاراً وَأَدِينُ بِسِرِّهِمْ وَجَهْرِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ
وَبَاطِنِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَ
غَائِبِهِمْ لَا شَكَّ فِي ذَلِكَ وَلَا ارْتِيَابَ وَلَا
تَحَوُّلَ عَنْهُ وَلَا انْقِلَابَ اللَّهُمَّ فَادْعُنِي
يَوْمَ حَشْرِي وَحِينَ نَشْرِي بِإِمَامَتِهِمْ وَاحْشُرْنِي

فی زمرتهم واکتبنی فی اصحابهم وانقذنی

در طایفهٔ ایشان و بنویس مرا در شمار اصحاب ایشان و برهان مرا

بهم یا مولای من حر النیران فانک ان اعفیتنی

بسبب ایشان ای خدای من از گرمی آتش جهنم پس بدرستی که تو اگر عافیت دهی

منها کنت من الفائزین اللهم وقد اصبحت

از آتش هستم من از جملهٔ ظفر یافتگان خداوندا و تحقیق که صبح کرده ام

فی یومی هذا لا ثقة لی ولا مفزع ولا ملجأ

در این روز خود و حال آنکه اعتمادی نیست مرا و نه گریزگاهی و نه پناهی

غیر من توسلت بهم الیک من آل رسولک علی

مگر کسانی که وسیله جسته ام بایشان بسوی تو از آل رسول تو علی

وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر

و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر

وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن ومحمد صلواتک

و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد رحمتهای تو باد

علیهم اجمعین اللهم فاجعلهم حصنی من

بر ایشان همگی خداوندا پس بگردان ایشان را حصار من از

المکاره ومعقلی من المخاوف ونجنی بهم

مکروهات و پناه من از آنچه خوف از آن باشد و رهایی ده مرا بسبب ایشان از

من کل عدو طاغ وفاسق باغ ومن شر ما

از هر دشمنی از حد تجاوز کننده و فاسق ستمکار و از شر آنچه

اعرف وما انکر وما استتر علی وما ابصر ومن

می شناسم آن را و آنچه نمی شناسم و آنچه پوشیده است بر من و آنچه می بینم و از

شر کل دابة ربی آخذ بناصیتها ان ربی

شر هر جانوری که پروردگار من گیرنده است ناصیهٔ آن را بدرستی که پروردگار من

علی صراط مستقیم اللهم بوسیلتی الیک بهم

بر راه راست است خداوندا بحق توسل جستن من بسوی تو بایشان

وتقربی بمحبتهم افتح علی ابواب رحمتک و

و نزدیکی جستن من بدوستی ایشان بگشای بر من درهای رحمت خود را و

مغفرتک وحببنی الی خلقک وجنبنی

آمرزش خود را و دوست گردان مرا بسوی خلق خود و دور گردان مرا

عداوتهم وبغضهم انک علی کل شیء قدیر

از دشمنی ایشان و کینهٔ ایشان بدرستی که تو بر همه چیز توانایی

اللهم ولکل متوسل ثواب ولکل ذی شفاعة

خداوندا و از برای هر وسیله جوینده ثوابی است و از برای هر صاحب شفاعتی

حق فاسئلک بمن جعلتهم الیک سببی وقدمتهم

حقی است پس سؤال میکنم ترا بآنکه گردانیده ام ایشان را بسوی تو سبب خود و مقدم داشتم ایشان را

امام طلبتی ان تعرفنی برکة یومی هذا وشهری هذا وعامی

پیش مطلب خود خداوندا که بشناسانی مرا برکت این روز و این ماه و این

هذا اللهم فهم معولی فی شدتی ورخائی

سال خداوندا پس ایشان اند محل اعتماد من در سختی من و در فراخی من

وَعَافِيَتِي وَبَلَائِي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَظَعْنِي وَ

و عافیت من و بلای من و خواب من و بیداری من و سفر من و

إِقَامَتِي وَعُسْرِي وَيُسْرِي وَصَبَاحِي وَمَسَائِي

و اقامت من و دشواری من و آسانی من و صباح من و شام من

وَمُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ اللَّهُمَّ فَلَا تُخْلِنِي بِهِمْ مِنْ

و مکان من و مقام من خداوندا پس خالی مگردان مرا بحرمت ایشان از

نِعْمَتِكَ وَلَا تُخَيِّبْنِي بِهِمْ مِنْ نَائِلِكَ وَلَا تَقْطَعْ

نعمت خود و ...

رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَفْتِنِّي بِإِغْلَاقِ أَبْوَابِ

امید مرا از رحمت خود و گرفتار مکن مرا به بستن درهای

الْأَرْزَاقِ وَانْسِدَادِ مَسَالِكِهَا وَارْتِتَاجِ

روزیها و بند کردن راههای آن و بستن

مَذَاهِبِهَا وَافْتَحْ لِي مِنْ لَدُنْكَ فَتْحًا يَسِيرًا وَ

طریقهای آن و بگشا برای من از نزد خود گشایش آسان و

اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ ضَنْكٍ مَخْرَجًا وَإِلَى كُلِّ

بگردان از برای من از هر تنگی بدر روی و بسوی همه

سَعَةٍ مَنْهَجًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

گشایشی راهی برحمت تو ای رحیمترین رحم کنندگان

اللَّهُمَّ اجْعَلِ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ مُخْتَلِفَيْنِ عَلَيَّ

خداوندا بگردان شب و روز را گردنده بر من



بِرَحْمَتِكَ وَمُعَافَاتِكَ وَمَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَ

برحمت خود و عافیت دادن تو و نعمت تو و فضل تو و

لَا تُفْقِرْنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا

محتاج مگردان مرا بسوی کسی از خلق خود برحمت خود ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

رحیمترین رحم کنندگان بدرستی که تو بر همه چیز توانایی

وَبِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ وبعد از آن میگوئی اللَّهُمَّ إِنِّي

و بهمه چیز فرا رسنده خداوندا بدرستی که من

أَسْأَلُكَ يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ وَيَا مَلْجَأَ

سوال میکنم ترا ای دریابنده گریزندگان و ای پناه

الْخَائِفِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا

ترسندگان و ای فریادرس فریاد خواهان و ای

غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُنْتَهَى غَايَةِ السَّائِلِينَ

غیاث مستغیثان و ای منتهای غایت سوال کنندگان

وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و ای اجابت کننده دعای بیچارگان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

يَا اللهُ يَا رَبَّاهُ يَا عَزِيزُ يَا حَلِيمُ يَا غَفُورُ يَا

ای خدای ای پروردگار ای غالب ای بردبار ای آمرزنده ای

رَحِيمُ يَا قَاهِرُ يَا عَلِيمُ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا

مهربان ای قهرکننده ای دانا ای شنوا ای بینا ای



لطيف يا خبير يا قهار يا جبار يا رحمن يا
ای لطف کننده ای خبیر ای قهر کننده ای جبر کننده ای بخشنده ای
منان يا سبوح يا قدوس يا مبدئ يا معيد
پر نعمت ای پاکیزه ای بسیار منزه ای ابتدا کننده ای عود فرماینده
يا باعث يا وارث يا فارج الهم يا كاشف الغم
ای برانگیزاننده ای میراث برنده ای فرج کننده اندوه ای زائل کننده غم
يا منزل الحق يا قائل الصدق يا ذا البلاء الجميل
ای نازل کننده حق ای قول کننده راستی ای صاحب آزمایش نیکو
والطول العظيم يا معروفا بالاحسان يا
و نعمت بزرگ ای شناخته شده باحسان ای
موصوفا بالامتنان يا من قصرت عن وصفه
وصف کرده شده بنعمت دادن ای آنکه کوتاهست از وصف کردن او
ألسن الواصفين وانقطعت عنه أفكار
زبانهای وصف کنندگان و بریده شده است از او فکرهای
المتفكرين يا شاهد النجوى يا كاشف الغم
فکر کنندگان ای دانای راز ای زائل کننده غم
ودافع البلوى يا نعم النصير والمولى يا
و دفع کننده بلاها ای خوب یاری کننده و پروردگار ای
منعم يا مفضل يا محسن يا مجمل يا من لا
نعمت دهنده ای فضل کننده ای احسان کننده ای نیکوئی کننده ای کسی که

يشغله صغير عن كبير ولا حقير عن خطير يا
مشغول نمیسازد او را کوچکی از بزرگی و نه حقیری از شریفی ای
من بدأ بالنعمة قبل استحقاقها وبالفضيلة
کسی که ابتدا کرده است بنعمت پیش از استحقاق آن و به تفضل
قبل استجابها يا أحق من عبد وحمد ورجي
پیش از استجابت آن ای سزاوارترین کسی که پرستیده شده و ستایش کرده شده و امید
واعتمد أسألك بكل اسم مقدس مطهر
و اعتماد کرده شده سؤال میکنم ترا بحق هر نام پاکیزه کرده شده پاک کرده شده
مكنون اخترته لنفسك وكل ثناء عال
پنهان کرده شده که برگزیده آنرا از برای خود و هر ثنای بلندی
رفيع كريم رضيت به مدحة لك و
رفیع نیکو که راضی شده تو بآن از برای مدح کردن مرترا و
بحق كل ملك قربت منزلته عندك وبحق
بحق هر فرشته که نزدیک گردانیده منزلت او را نزد خود و بحق
كل نبي أرسلته إلى عبادك وبحق كل شيء
هر پیغمبری که فرستاده او را بسوی بندگان خود و بحق هر چیزی
جعلته مصدقا لرسلك وكل كتاب فصلته
گردانیده او را تصدیق کننده از برای رسولان خود و هر کتابی که تفصیل داده
وأحكمته وشرعته وكل دعاء سمعته
و محکم گردانیده آنرا و شریعت قرار داده آنرا و هر دعائی که شنیده آنرا



فَاَجَبْتَهُ وَعَمِلَ رَغْبَتَهُ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ مَنْ
برآورده کردی او را و عمل کرد بآنچه رغبت کرد و سوال میکنم ترا بحق هر که
عَظَّمْتَ حَقَّهُ وَاَعْلَيْتَ قَدْرَهُ وَعَرَّفْتَنَا
بزرگ گردانیدی حق او را و بلند گردانیدی قدر او را و شناسانیدی ما را
اَمْرَهُ وَمَنْ لَمْ تُعَرِّفْنَا مَقَامَهُ وَلَمْ تُظْهِرْ لَنَا
شان او را که نشناسانیدی ما را مقام او را و ظاهر نکردی از برای ما
شَاْنَهُ مِمَّنْ خَلَقْتَهُ مِنْ اَوَّلِ مَا ابْتَدَاْتَ
شان او را از آنکه خلق کرده او را از اول آنچه ابتدا کرده
بِهِ مِنْ خَلْقِكَ وَمِمَّنْ تَخْلُقُهُ اِلَى انْقِضَاءِ
آن از خلق خود و از آنکه خلق خواهی کرد تا انقضای
الدَّهْرِ وَاَسْئَلُكَ بِتَوْحِيدِكَ الَّذِى فَطَرْتَ
روزگار و سوال میکنم ترا بحق یگانه دانستن تو که خلق کرده
عَلَيْهِ الْعُقُولَ وَاَخَذْتَ بِهِ الْمَوَاثِيقَ وَ
بر آن عقلها را و فرا گرفته بآن عهدها و
اَرْسَلْتَ بِهِ الرُّسُلَ وَجَعَلْتَهُ اَوَّلَ فُرُوضِكَ
فرستاده بآن رسولان را و گردانیده آنرا اول واجبهای خود
وَنِهَايَةَ طَاعَتِكَ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِجُودِكَ
و نهایت طاعت خود و متوجه میشوم بسوی تو ببخشش تو
وَمَجْدِكَ وَكَرَمِكَ وَعِزِّكَ وَجَلَالِكَ وَ
و بزرگی تو و کرم تو و غلبه تو و عظمت تو و

عَفْوِكَ وَامْتِنَانِكَ وَتَطَوُّلِكَ وَاَسْئَلُكَ يَا اَللّٰهُ
عفو تو و منت گذاشتن و تفضل کردن تو و سوال میکنم ترا ای خدای
يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ وَاَرْغَبُ
ای خدای ای خدای ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار و رغبت میکنم
اِلَيْكَ خَاصًّا وَعَامًّا وَاَوَّلًا وَاٰخِرًا بِحَبِيبِكَ وَ
بسوی تو در خاص و عام و اول و آخر بحق دوست تو و
رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَاَشْرَفِ
رسول تو محمد بزرگ رسولان و شریفترین
الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَبِالرِّسَالَةِ الَّتِى اَدَّاهَا
گذشتگان و آیندگان و برسالتی که ادا کرد آنرا
وَالْعِبَادَةِ الَّتِى اجْتَهَدَ فِيهَا وَالْمِحْنَةِ الَّتِى صَبَرَ
و عبادتی که صرف طاعت کرد در آن و محنتی که صبر کرد
عَلَيْهَا وَالْمَغْفِرَةِ الَّتِى دَعَا اِلَيْهَا وَالدِّيَانَةِ الَّتِى
بر آن و مغفرتی که خواند بسوی آن و دیانتی که
حَضَّ عَلَيْهَا مُنْذُ وَقْتِ رِسَالَتِكَ اِيَّاهُ اِلَى
تحریص کرد بر آن از وقت فرستادن تو او را تا وفات
اَنْ تَوَفَّيْتَهُ وَبِمَا بَيْنَ ذٰلِكَ مِنْ اَقْوَالِهِ الْحَكِيمَةِ
کردن تو او را و بآنچه درمیان آن واقع شد از اقوال محکم او
وَاَفْعَالِهِ الْكَرِيمَةِ وَمَقَامَاتِهِ الْمَشْهُودَةِ
و افعال نیکوی او و مقامهای حاضر کرده شده



وساعاته المعدودة ان تصلّي عليه كما وعدته
من نفسك وتعطيه افضل ما امّل من ثوابك
وتزلف لديك منزلته وتعلي عندك
درجته وتبعثه المقام المحمود وتورده
حوض الكرم والجود وعلى آله الطيّبين
الاطهار المنتجبين الابرار وعلى جبرئيل و
ميكائيل والملائكة المقرّبين وعلى جميع
الانبياء والمرسلين والشهداء والصالحين
اللهمّ انّي اصبحت لا املك لنفسي ضرّا و
لا نفعا ولا موتا ولا حيوة قد انقطعت

وسائلي وذهبت مسائلي وذلّ ناصري واسلمني
اهلي وولدي اللهمّ وقد اكدى الطلب و
اعيت الحيل الّا عندك وانقطعت الطرق و
ضاقت المذاهب الّا اليك ودرست الآمال
وانقطع الرجاء الّا منك وكذب الظنّ واخلفت
العداة الّا عدتك اللهمّ انّ مناهل الرجاء
لفضلك مترعة وابواب الدعاء لمن دعاك
مفتّحة والاستعانة لمن استعان بك مباحة
والاستغاثة لمن استغاث بك موجودة و
انت لداعيك بموضع اجابة وللصارخ

إِلَيْكَ وَلِيُّ الإِغَاثَةِ وَلِلْقَاصِدِ إِلَيْكَ قَرِيبُ

بسوی تو متوسل فریاد رسیدن و از برای قصد کننده بسوی تو قریب

الْمَسَافَةِ وَأَنْتَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ

المسافتی و تو پوشیده نمیشوی از خلق خود مگر اینکه

تَحْجُبَهُمُ الأَعْمَالُ السَّيِّئَةُ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ

بپوشاند ایشان را کردارهای زشت و تحقیق میدانم اینکه

أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ وَإِخْلَاصُ

بهترین توشه رحلت کننده بسوی تو عزم اراده است و خلوص

نِيَّةٍ وَقَدْ دَعَوْتُكَ بِعَزْمِ إِرَادَتِي وَإِخْلَاصِ

نیت و تحقیق که خوانده ام من ترا بعزم اراده خود و اخلاص

طَوِيَّتِي وَصَادِقِ نِيَّتِي فَهَا أَنَا ذَا مِسْكِينُكَ

طویت خود و صادق نیت خود پس اکنون من این مسکین توام

بَائِسُكَ أَسِيرُكَ فَقِيرُكَ سَائِلُكَ مُنِيخٌ بِفِنَائِكَ

محتاج توام اسیر توام فقیر توام سوال کننده توام اناخت کننده ام بدرگاه

قَارِعُ بَابِ رَجَائِكَ وَأَنْتَ أَوْلَى بِنَصْرِ الْوَاثِقِ

کوبنده ام در امید ترا و تو اولی و سزاوار یاری کردن اعتماد کننده

بِكَ وَأَحَقُّ بِرِعَايَةِ الْمُنْقَطِعِ إِلَيْكَ سِرِّي لَكَ

بتو و احق برعایت کردن بریده شده بسوی تو سر من برای تو

مَكْشُوفٌ وَأَنَا إِلَيْكَ مَلْهُوفٌ إِذَا أَوْحَشَتْنِي

ظاهر است و من بسوی تو ملهوفم هرگاه بوحشت اندازد مرا

یعنی ملهوف
یعنی مظلوم است
که مضطر باشد و حیرت
خورده و طلب فریادرسی کند حم

فنا در لغت فضای که در پیش خانه باشد
میگویند و درگاه که ترجمه شده برای مناسبت
حم

الْغُرْبَةُ آنَسَنِي ذِكْرُكَ وَإِذَا صُبَّتْ عَلَيَّ الأُمُورُ

غریبی انس میدهد مرا یاد آوری تو و هرگاه ریخته شود بر من امور

اسْتَجَرْتُ بِكَ وَإِذَا تَلَاحَكَتْ عَلَيَّ الشَّدَائِدُ

پناه میبرم بتو و هرگاه داخل شوند بر من سختیها

أَمَّلْتُكَ وَأَيْنَ يَذْهَبُ بِي يَا رَبِّ عَنْكَ وَ

امید دارم ترا و کجا برده میشوم من ای پروردگار من از تو و

أَزِمَّةُ الأُمُورِ كُلِّهَا بِيَدِكَ صَادِرَةٌ عَنْ

حال آنکه عنانهای امورها تمام آنها بدست تست صادرند از

قَضَائِكَ مُذْعِنَةٌ بِالْخُضُوعِ لِقُدْرَتِكَ فَقِيرَةٌ

قضای تو فروتنی میکنند بخضوع کردن مر قدرت ترا فقیرند

إِلَى عَفْوِكَ ذَاتُ فَاقَةٍ إِلَى رَحْمَتِكَ وَقَدْ مَسَّنِي

بسوی عفو تو صاحب حاجتند بسوی رحمت تو و بتحقیق که رسیده

الْفَقْرُ وَنَالَنِي الضُّرُّ وَشَمِلَتْنِي الْخَصَاصَةُ وَ

بمن فقر و رسیده است بمن ملال و فرو گرفته است مرا احتیاج و

عَرَتْنِي الْحَاجَةُ وَتَوَسَّمْتُ بِالذِّلَّةِ وَعَلَتْنِي

شامل من شده است حاجت و نشان کرده شده ام بخواری و غلبه کرده است بر من

الْمَسْكَنَةُ وَحَقَّتْ عَلَيَّ الْكَلِمَةُ وَأَحَاطَتْ

درویشی و سزاوار است بر من کلمه عذاب و احاطه کرده است

بِيَ الْخَطِيئَةُ وَهٰذَا الْوَقْتُ الَّذِي وَعَدْتَ

بمن گناه و این وقتی است که وعده کرده

اولیائك فیه الاجابة فامسح ما بی بیمینك
الشافیة وانظر الی بعینك الراحمة وادخلنی
فی رحمتك الواسعة واقبل علی بوجهك ذی
الجلال والاکرام فانك اذا اقبلت به علی
اسیر فککته وعلی ضال هدیته وعلی
حائر آویته وعلی ضعیف قویته وعلی
خائف امنته اللهم انك انعمت علی فلم
اشکر وابتلیتنی فلم اصبر فلم یوجب
عجزی عن الصبر علی بلائك کشف ضرك و
انزال رحمتك فیا من قل عند بلائه صبری

فعافانی وعند نعمائه شکری فاعطانی اسئلك
المزید من فضلك والایزاع لشکرك و
الاغتداء بنعمائك فی اعفی العافیة واسبغ
النعمة انك علی کل شیء قدیر اللهم لا
تخلنی من یدك ولا تترکنی لقاء العدوك و
لا لعدوی ولا توحشنی من لطائفك الخفیة
وکفایتك الجمیلة هذا مقام العائذ بك
اللائذ بعفوك المستجیر بعز جلالك قد
رای اعلام قدرتك فاره آثار رحمتك اللهم
تولنی ولا تتر تغنینی بها عن سواها واعطنی



عطيّةً لا احتاج الى غيرك معها فانها ليست
عطائی که محتاج نباشم بغیر تو با وجود آن پس رسی که آن نیست
ببدعٍ من ولايتك ولا بنكرٍ من عطيّتك
غریب از نه و کردن تو و یاری تو و نشناخته شده از بخشش تو
ارفع الصّرعة وانعش السّقطة وتجاوز عن
بلند افتادن را و بر خیزان لغزیدن را و بگذر از
الزّلّة واقبل التوبة وارحم الهفوة وانج
لغزش و قبول کن توبه را و رحم کن لغزش را و نجات ده
من الورطة واقل العثرة يا منتهى الرّغبة
از هلاک و فسخ کن لغزیدن را ای منتهی رغبت
وغياث الكربة ووليّ النّعمة وصاحبي في
و فریاد رس اندوه و صاحب نعمت و یار در
الكربة ورحمن الدّنيا والآخرة خذ
غم و بخشاینده دنیا و آخرت بگیر
بيدي من دحض المزلّة فقد كبوت و
دست مرا از محل لغزیدن پس بتحقیق که افتاده ام برو و
ثبّتني على الصّراط المستقيم والا غويت يا
ثابت دار مرا بر راه راست و اگر نه گمراه خواهم بود ای
هادي الطّريق يا فارج المضيق يا جاري اللّصيق
نشان دهنده راه ای گشاینده تنگی ای همسایه در پهلوی من

يا ركني الوثيق احلل عنّي المضيق واكفني شرّ ما
ای رکن محکم من بگشای از من تنگی را و کفایت کن برای من شر آنچه
اطيق وشرّ ما لا اطيق يا اهل التقوى والمغفرة
طاقت آن دارم و شر آنچه طاقت آن ندارم ای اهل پرهیزکاری و آمرزش
والعزّة والقدرة والآلاء والعظمة يا ارحم
و عزت و توانائی و نعمتها و بزرگی ای رحم کننده ترین
الرّاحمين واكرم النّاظرين وربّ العالمين
رحم کنندگان و گرامی ترین نظر کنندگان و پروردگار عالمیان
لا تقطع منك رجائي ولا تخيّب دعائي ولا
مبر از خود امید مرا و نومید مگردان دعای مرا و
تجهد بلائي ولا تسئ قضائي ولا تجعل النّار
سخت مگردان بلای مرا و ناخوش مگردان قضای مرا و مگردان آتش را
مأواي واجعل الجنّة مثواي واعطني من
جایگاه من و گردان بهشت را مقام من و عطا کن مرا از
الدّنيا مناي وبلّغني من الآخرة حسنة و
دنیا آرزوهای مرا و برسان مرا از آخرت نیکوئی و
قني عذاب النّار انّك على كلّ شيء قدير
نگاهدار مرا از عذاب آتش بدرستی که تو بر همه چیز قادری توانا
وبكلّ شيء محيط بعد از آن بخوان دعای صباح سید العابدین
و بهمه چیز فرا رسنده علیه السلام را و آن از دعاهای صحیفه کامله است



الحمد لله الذي خلق الليل والنهار بقوته ومیز
بينهما بقدرته وجعل لكل واحد منهما
حدا محدودا وامدا موقوتا يولج كل واحد
منهما في صاحبه ويولج صاحبه فيه
بتقدير منه للعباد فيما يغذوهم به و
ينشئهم عليه فخلق لهم الليل ليسكنوا
فيه من حركات التعب ونهضات النصب
وجعله لهم لباسا ليلبسوا من راحته و
منامه فيكون ذلك لهم جماما وقوة
ولينالوا به لذة وشهوة وخلق لهم النهار

مبصرا ليبتغوا فيه من فضله وليتسببوا
الى رزقه ويسرحوا في ارضه طلبا لما
فيه نيل العاجل من دنياهم ودرك الآجل
في اخراهم بكل ذلك يصلح شانهم و
يبلو اخبارهم وينظر كيف هم في
اوقات طاعته ومنازل فروضه ومواقع
احكامه ليجزي الذين احسنوا بالحسنى اللهم
فلك الحمد على ما فلقت لنا من الاصباح و
متعتنا به من ضوء النهار وبصرتنا به من
مطالب الاقوات ووقيتنا فيه من طوارق

الذين اساءوا بما عملوا و يجزي



الآفاق أصبحنا وأصبحت الأشياء كلّها
بجملتها لك سماؤها وأرضها وما بثثت
في كل واحد منهما ساكنه ومتحركه و
مقيمه وشاخصه وما علا في الهواء و
ما كنّ تحت الثرى أصبحنا في قبضتك
يحوينا ملكك وسلطانك وتضمّنا
مشيّتك ونتصرف عن أمرك ونتقلب
في تدبيرك ليس لنا من الأمر إلا ما
قضيت ولا من الخير إلا ما أعطيت و
هذا يوم حادث جديد وهو علينا

شاهد عتيد إن أحسنّا ودّعنا بحمد وإن
أسأنا فارقنا بذمّ اللهم صلّ على محمد وآله
وارزقنا حسن مصاحبته واعصمنا من سوء
مفارقته بارتكاب جريرة أو اقتراف
صغيرة أو كبيرة وأجزل لنا فيه من
الحسنات وأخلنا فيه من السيئات و
املأ لنا ما بين طرفيه حمداً وشكراً و
أجراً وذخراً وفضلاً وإحساناً اللهم يسّر
على الكرام الكاتبين مؤونتنا واملأ لنا
من حسناتنا صحائفنا ولا تخزنا عندهم

بسوء اعمالنا اللهم اجعل لنا في كل ساعة
به بد کردارهای ما خداوندا بگردان از برای ما در هر ساعتی
من ساعاته حظا من عبادتك ونصيبا
از ساعات این روز بهره از پرستش خود و نصیبی
من شكرك وشاهد صدق من ملائكتك
از شکرگزاری خود و گواه راستی از فرشتگان خود
اللهم صل على محمد وآله واحفظنا فيه
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و نگاه دار ما را در این روز
من بين ايدينا ومن خلفنا وعن ايماننا
از پیش روی ما و از پی سر ما و از جانبهای راست ما
وعن شمائلنا ومن جميع نواحينا حفظا
و از جانبهای چپ ما و از همه جانبهای ما نگاه داشتنی
عاصما من معصيتك هاديا الى طاعتك
نگاه دارنده از معصیت تو راه نماینده باشد بسوی طاعت تو
مستعملا لمحبتك اللهم صل على محمد و
فرموده شده باشد برای دوستی تو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و
آله ووفقنا في يومنا هذا وليلتنا هذه
آل او و توفیق ده ما را در این روز ما و این شب
وفي جميع ايامنا وليالينا لاستعمال الخير و
و در همه روزهای ما و شبهای ما از برای کردن کار خیر و

هجران الشر وشكر النعم واتباع
دوری کردن شر و شکرگزاری نعمت و پیروی کردن
السنن ومجانبة البدع والامر بالمعروف
طریقهای پیغمبر و ترک کردن بدعتها و امر کردن بکارهای نیکو
والنهي عن المنكر وحياطة الاسلام و
و نهی کردن از کارهای ناشایست و محافظت کردن مسلمانی و
انتقاص الباطل واذلاله ونصرة الحق
کم کردن باطل و خوار کردن آن و یاری دادن حق
واعزازه وارشاد الضال ومعاونة
و گرامی کردن آن و راه نمودن گمراه و یاری کردن
الضعيف وادراك اللهيف اللهم صل على
ضعیف و دریافتن ستمدیده خداوندا رحمت بفرست
محمد وآله واجعله ايمن يوم عهدناه
محمد و آل او و بگردان این روز را مبارکترین روزی که دریافته ایم
وافضل صاحب صحبناه وخير وقت
و کاملترین مصاحبی که صحبت داشته ایم او و بهترین وقتی که
ظللنا فيه واجعلنا من ارضى من مر
بسر برده ایم در آن و بگردان ما را از خشنودترین کسی که گذشت
عليه الليل والنهار من جملة خلقك
بر او شب و روز از جمله آفریدگان تو



أَنْ تُكْرِمَهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ وَأَقْوَمَهُمْ

بگرامی کننده‌ترین ایشان مر آنچه عطا کرده از نعمتهای خود و پاینده‌ترین ایشان

بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ وَأَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَّرْتَ

در گرویدن آنچه مشروع ساخته از شریعتهای خود و بازایستاده‌ترین ایشان از آنچه

مِنْ نَهْيِكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَكَفَىٰ بِكَ

از نهی خود خداوندا بدرستی که من گواه میگیرم ترا و بس است ترا

شَهِيدًا وَأُشْهِدُ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ وَمَنْ

گواه و گواه میگیرم آسمان ترا و زمین ترا و هر که را

أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ

ساکن گردانیده در آنها از فرشتگان تو و باقی آفریدهای تو

فِي يَوْمِي هٰذَا وَسَاعَتِي هٰذِهِ وَلَيْلَتِي هٰذِهِ وَ

در این روز من و در این ساعت من و در این شب من و

مُسْتَقَرِّي هٰذَا أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي

درین جایگاه من بدرستیکه من گواهی میدهم که توئی تو خدائی که

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ

نیست خدای بجز تو بپای دارنده بانصاف عادل در حکم

رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ مَالِكُ الْمُلْكِ رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ

بسیار مهربان ببندگان مالک پادشاهی رحم کننده بخلق

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخِيَرَتُكَ مِنْ

و اینکه محمد بنده تو و رسول تو و برگزیده تست از

خَلْقِكَ حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَكَ فَأَدَّاهَا وَأَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ

میان خلق تو تکلیف کردی او را ببرداشتن پیغام خود پس رسانید آنرا و امر کردی او را

لِأُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ كَأَتَمِّ

امت خود پس نصیحت کرد ایشان را خداوندا پس رحمت بفرست بر او مانند تمامترین

مَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَآتِهِ أَفْضَلَ مَا

آنچه رحمت فرستاده بر کسی از خلق خود و برسان باو فاضلترین آنچه

آتَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ وَاجْزِهِ عَنَّا أَفْضَلَ وَ

رسانیده بکسی از بندگان خود و پاداش ده او را از جانب ما فاضلتر و

أَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِكَ عَنْ أُمَّتِهِ

گرامی‌تر از آنچه پاداش داده کسی را از پیغمبران خود از جانب امت او

إِنَّكَ أَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيمِ الْغَافِرُ لِلْعَظِيمِ وَأَنْتَ

بدرستیکه توئی تو عطا کننده نعمت بزرگ آمرزنده گناه بزرگ و تو

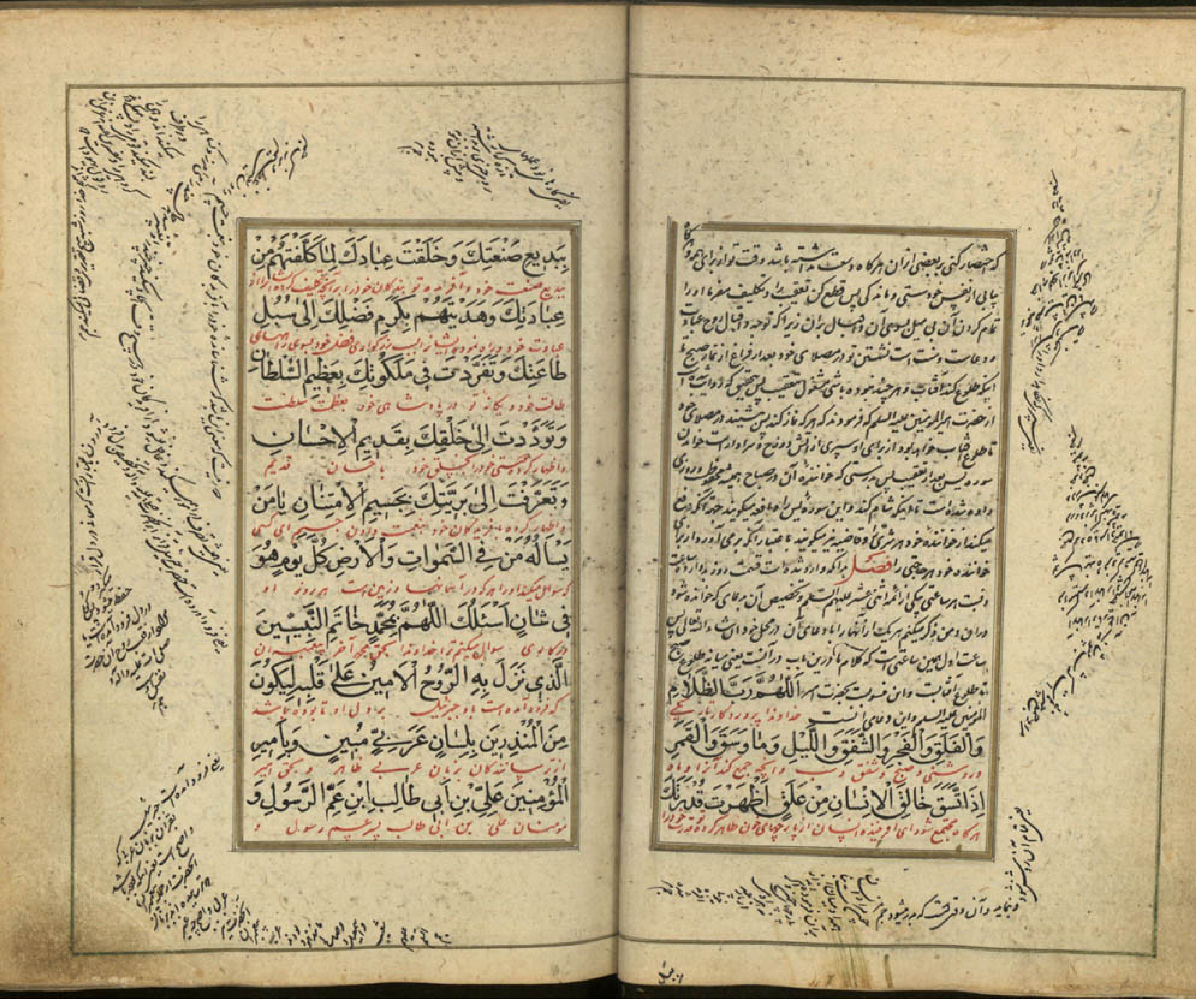
أَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيمٍ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا

مهربانتری از هر مهربانی و رحمت کند خدا بر بزرگ ما و پیغمبر ما

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَنْجَبِينَ

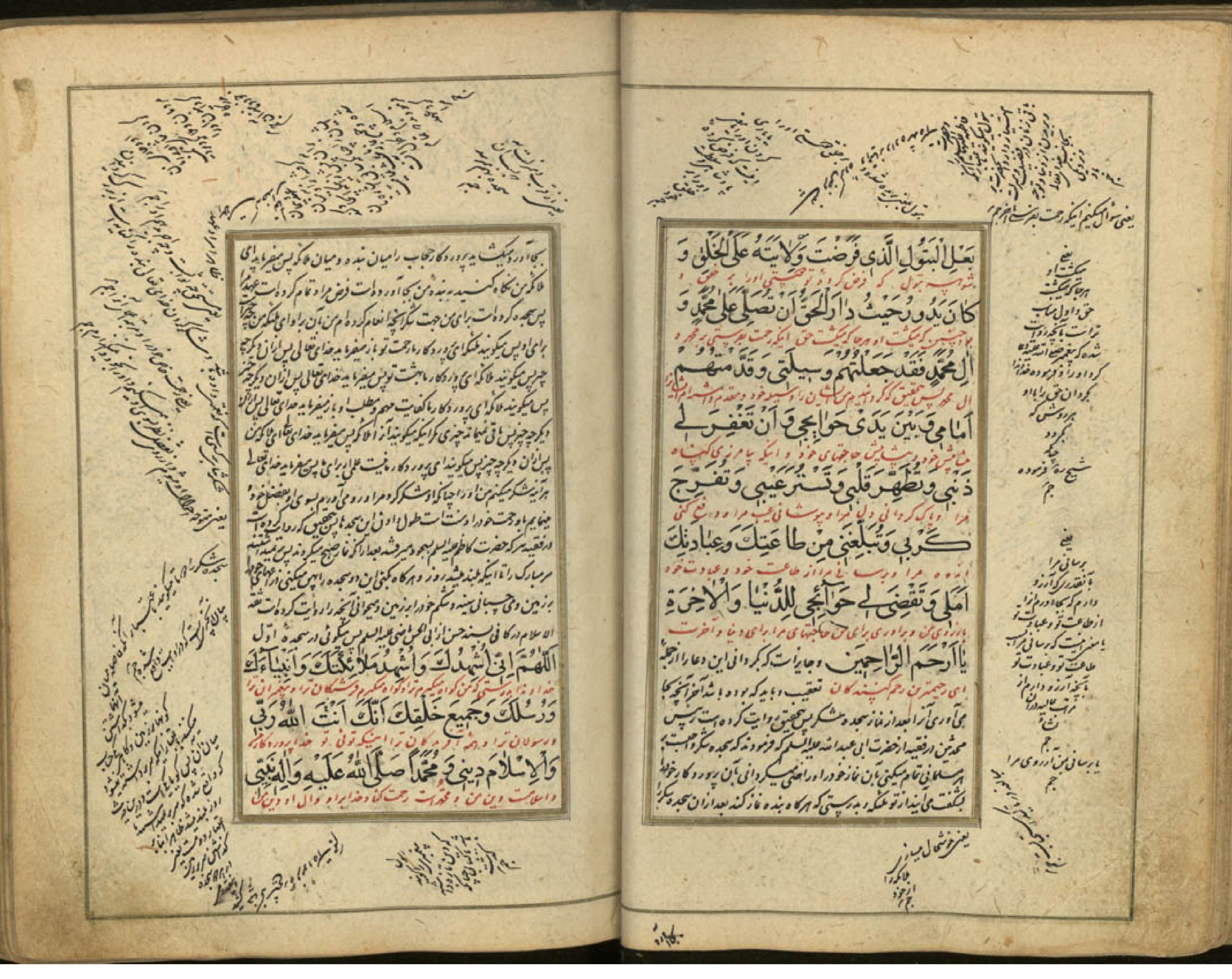
محمد و آل او که پاکیزگانند و خیر و گرامیترین مردمانند

و دعاها و ذکرها که وارد شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم در
تعقیب نمازها خصوصا در تعقیب نماز صبح بسیار است جدا و ما اکتفا کردیم باین قدر
جهت اختصار والله ولی الاعانة والتوفیق و دعاها آنچه ذکر کردیم از ادعیه تعقیب
ماخوذ است از روایات متعدده و مجتمع نشده اند در روایات واحدی پس آنچه



که چهار رکعتی بعضی از آن هرگاه دو سنت آشسته باشد وقت تواند برای هر دو
پای از نفس خود بستی و اندکی پس قطع کن تعقیبات و تکلیف مغرب او را
تمام کردن آن با میل بسوی آن و اقبال بر آن زیرا که توجه و اقبال بروح عبادت
و عادت و سنت است نشستن تو در مصلای خود بعد از فراغ از نماز صبح
اینکه طلوع کند آفتاب و هر چند بوده باشی مشغول تعقیبات چنانچه که روایت است
از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرموده که هر که نماز کند پس بنشیند در مصلای خود
تا طلوع آفتاب خواهد بود از برای او سپری از آتش دوزخ و مراد از است خواندن
سوره یس بعد از تعقیبات چنانچه که خواننده آن در صباح همیشه محفوظ و روزی
داده شده است تا اینکه شام کند و این سوره یس را دافعه میگویند چه اکثر دفع
میکند از خواننده خود هر شری را و قاضیه نیز میگویند باعتبار اینکه بر می آورد از برای
خواننده خود هر حاجتی را **فصل** بدانکه وارد شده است قسمت روز دوازده ساعت
و نسبت هر ساعتی بیکی از ائمه اثنی عشر علیهم السلام و تخصیص آن دعای که خوانده شود
در آن و من ذکر میکنم هر یک از آنها را با دعای آن در محل خود انشاء الله تعالی پس
ساعت اول همین ساعتی است که کلام ما در این باب در آنست یعنی میانه طلوع صبح
تا طلوع آفتاب و آن منسوب بحضرت امیر اللهم رب الظلام
المؤمنین علیه السلام و این دعای آنست خداوندا پروردگار تاریکی
والفلق والفجر والشفق والليل وما وسق والقمر
و روشنی و صبح و شفق و شب و آنچه جمع کرد آنرا و ماه
اذا اتسق خالق الانسان من علق اظهرت قدرتك
هرگاه مجتمع شود ای آفریننده انسان از خون بسته چنانچه ظاهر کردی قدرت خود را

ببديع صنعتك وخلقت عبادك لما كلفتهم من
بدیع صنعت خود و آفریده تو بندگان خود را برای آنچه تکلیف کرده ایشان را از
عباداتك وهديتهم بكريم فضلك الى سبل
عبادت خود و راه نموده ایشان را به بزرگواری فضل خود بسوی راههای
طاعتك وتفردت في ملكوتك بعظيم السلطان
طاعت خود و یگانه تو در پادشاهی خود بعظمت سلطنت
وتوددت الى خلقك بقديم الاحسان
و اظهار کردی دوستی خود را بخلق خود باحسان قدیم
وتعرفت الى بريتك بجسيم الامتنان يا من
و اظهار کرده بخود بندگان خود بنعمت دادن جسیم ای کسی
يسأله من في السموات والارض كل يوم هو
که سوال میکنند او را هر که در آسمانها و زمین است هر روز او
في شأن اسألك اللهم بمحمد خاتم النبيين
در کاری سوال میکنم ترا خداوندا بحق محمد آخر پیغمبران
الذي نزل به الروح الامين على قلبه ليكون
که فرود آمده است او جبرئیل بر دل او تا بوده باشد
من المنذرين بلسان عربي مبين وبامير
از ترسانندگان بزبان عربی ظاهر و بحق امیر
المؤمنين علي بن ابي طالب ابن عم الرسول و
مومنان علی بن ابی طالب پسر عم رسول و



بِعَلِيٍّ الْبَتُولِ الَّذِي فَرَضْتَ وِلَايَتَهُ عَلَى الْخَلْقِ وَ
شوهر بتول که فرض کردی تو دوستی او را بر خلق و
كَانَ يَدُورُ حَيْثُ دَارَ الْحَقُّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
بود چنین که میگشت او هر جا که میگشت حق اینکه رحمت بفرستی بر محمد و
آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتُهُمْ وَسِيلَتِي وَقَدَّمْتُهُمْ
آل محمد پس بتحقیق که گردانیدم ایشان را وسیله خود و مقدم داشتم ایشان را
أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَأَنْ تَغْفِرَ لِي
پیش خود و پیش پیش حاجتهای خود و اینکه بیامرزی گناه
ذَنْبِي وَتُطَهِّرَ قَلْبِي وَتَسْتُرَ عَيْبِي وَتُفَرِّجَ
مرا و پاک گردانی دل مرا و بپوشانی عیب مرا و دفع کنی
كَرْبِي وَتُبَلِّغَنِي مِنْ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ
اندوه مرا و برسانی مرا از طاعت خود و عبادت خود
أَمَلِي وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
بآرزوی من و برآوری برای من حاجتهای مرا برای دنیا و آخرت
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و جایز است که بگردانی این دعا را از جمله
ای رحیمترین رحم کنندگان تعقیب و باید که بوده باشد آخر آنچه بجا
میآوری آنرا بعد از نماز سجده شکر پس بتحقیق روایت کرده است پس
محمد بن ... در فقیه از حضرت ابی عبد الله علیه السلم که فرموده که سجده شکر واجب بر
هر مسلمانی تمام میکنی بآن نماز خود را و راضی میگردانی بآن پروردگار خود را
بشگفت می آید از تو ملائکه و بدرستی که هرگاه بنده نماز کند بعد از آن سجده شکر

بجا آورد میگشاید پروردگار حجاب را میان بنده و میان ملائکه پس میفرماید ای
ملائکه من نگاه کنید به بنده من بجا آورده است فرض مرا و تمام کرده است عهد مرا
پس سجده کرده است برای من جهت شکر آنچه انعام کرده ام من بآن براو ای ملائکه من چه چیز است
برای او پس میگویند ملائکه ای پروردگار رحمت تو باز میفرماید خدای تعالی پس از آن دیگر چه
چیز پس میگویند ملائکه ای پروردگار بهشت تو پس میفرماید خدای تعالی پس از آن دیگر چه چیز
پس میگویند ملائکه ای پروردگار کفایت مهم و مطلب او باز میفرماید خدای تعالی پس از آن
دیگر چه چیز پس باقی نمیماند چیزی که اینکه میگویند آنرا ملائکه پس میفرماید خدای تعالی ای ملائکه من
پس از آن دیگر چه چیز پس میگویند ای پروردگار معرفت علی ابرای او پس میفرماید خدای تعالی
بر آینه شکر میکنم من او را چنانکه او شکر کرده مرا و رو می آورم بسوی او بفضل خود و
مینمایم باو رحمت خود را و ثابت است طول دادن این سجده پس بتحقیق که روایت کرده است
در فقیه مرکه حضرت کاظم علیه السلم بسجده میرفت بعد از آنکه نماز صبح میکرد پس بر نمیداشت
سر مبارک را تا اینکه بلند میشد روز و هر گاه بکنی این دو سجده را پس میچسبانی ذراعها را
بزمین و می چسبانی سینه و شکم خود را بزمین و میخوانی آنچه را روایت کرده است ثقة
الاسلام در کافی بسند حسن از ابی الحسن علیه السلام پس میگوئی در سجده اول
اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَاءَكَ
خداوندا بدرستی که من گواه میگیرم ترا گواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا
وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي
و رسولان ترا و همه آفریدگان ترا اینکه توئی تو خدا پروردگار من
وَالْإِسْلَامَ دِينِي وَمُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّي
و اسلام است دین من و محمد است رحمت کند خدا بر او و آل او پیغمبر من



وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا
وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَمُحَمَّدًا
سَلَامُ اللهِ عَلَيْهِمْ اَئِمَّتِي بِهِمْ اَتَوَلَّى وَمِنْ اَعْدَائِهِمْ
اَتَبَرَّأُ بعد از آن میگوئی سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَنْشُدُكَ دَمَ
الْمَظْلُومِ بعد از آن میگوئی اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَنْشُدُكَ بِاِيوَائِكَ
عَلَى نَفْسِكَ لِاَوْلِيَائِكَ لَتُظْفِرَنَّهُمْ بِعَدُوِّكَ
وَعَدُوِّهِمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفِظِينَ
مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بعد از آن میگوئی سه مرتبه
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ بعد از آن میگذاری کف دست راست را بر زمین و میگوئی
يَا كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ

الْاَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَيَا بَارِئَ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ
كَانَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى
الْمُسْتَحْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بعد از آن میگذاری کف چپ خود را بر زمین و میگوئی سه مرتبه
يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ
عِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي بعد از آن بگو يَا حَنَّانُ
يَا مَنَّانُ يَا كَاشِفَ الْكُرَبِ الْعِظَامِ بعد از آن میآیی بسجده دوم و میگوئی
صد مرتبه شکراً شکراً بعد از آن سوال میکنی حاجت خود را و در روایت است که حضرت
که میفرموده در سجده شکر و در حزین وَعَصَيْتُكَ رَبِّ
بِلِسَانِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَاَخْرَسْتَنِي وَ
عَصَيْتُكَ بِبَصَرِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ

لا کمهتنی و عصیتک بسمعی و لو شئت و
چرا آنکه کور میکردی مرا و عصیان کردم ترا بگوش خود و اگر میخواستی قسم
عزتک لاصممتنی و عصیتک بیدی و لو شئت
بعزت تو هر آینه کر میکردی مرا و عصیان کردم ترا بدست خود و اگر میخواستی
و عزتک لکنعتنی و عصیتک برجلی و لو
قسم بعزت تو هر آینه شل میکردی مرا و عصیان کردم ترا بپای خود و اگر
شئت و عزتک لجذمتنی و عصیتک بفرجی و
میخواستی قسم بعزت تو هر آینه جذامی میکردی مرا و عصیان کردم ترا بفرج خود
لو شئت و عزتک لعقمتنی و عصیتک بجمیع
اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه عقیم میکردی مرا و عصیان کردم ترا بجمیع
جوارحی التی انعمت بها علی و لیس هذا جزاؤک
اعضای خود که انعام کرده با نها بر من و نیست این جزای تو
منی بعد از آن بگوید العفو العفو هزار مرتبه بعد از آن بسجده
از من گونه راست خود را بر زمین نهد بگوید و ...
بؤت الیک بذنبی عملت سوءا و ظلمت نفسی فا
اقرار کرده ام بسوی تو بگناه خود کرده ام بدی و ستم کرده ام بنفس خود
غفر لی فانه لا یغفر الذنوب غیرک مولای
پس بیامرز برای من پس بدرستی که نمی آمرزد گناهان را غیر تو ای پروردگار من
بعد از آن بسجده شده بگوید ارحم من اساء و اقترف
خود را بزمین ... رحم کن کسی را که بد کرده باشد و اکتساب گناه کرده باشد

و استکان و اعترف دیگری ... بردارد ... اللهم
و فروتنی کرده باشد و اعتراف کرده باشد خود را از سجده ... شکر خداوندا
لک الحمد کما خلقتنی و لم اک شیئا مذکورا
مر تراست سپاس چنانکه آفریدی مرا و نبودم من چیزی یاد کرده شده
رب اعنی علی اهوال الدنیا و بوائق الدهر و
ای پروردگار من یاری کن مرا بر هولهای دنیا و مصیبتهای روزگار و
نکبات الزمان و مصیبات اللیالی و الایام و
نکبتهای زمان و مصیبتهای شبها و روزها و
اکفنی شر ما یعمل الظالمون فی الارض و فی سفری
کفایت کن از من شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین و در سفر من
فاصحبنی و فی اهلی فاخلفنی و فی ما رزقتنی فبارک
پس رفیق من باش و در اهل من پس خلیفه من باش و در آنچه روزی کرده مرا برکت ده
لی و فی نفسی لک فذللنی و فی اعین الناس فعظمنی
برای من و در نفس من برای تو پس ذلیل گردان مرا و در دیدهای مردم پس بزرگ گردان
و الیک فحببنی و بذنوبی فلا تفضحنی و بعملی
و بسوی تو دوست گردان مرا و بگناهان من پس رسوا مکن مرا و بعمل
فلا تبسلنی و بسریرتی فلا تخزنی و من شر الجن
پس هلاک مکن مرا و بسریرت من پس خوار مکن مرا و از شر جن
و الانس فسلمنی و لمحاسن الاخلاق فوفقنی و
و انس پس سالم دار مرا و از برای اخلاق پسندیده پس توفیق ده مرا

یعنی رفیق من باش در سفر من و در میان نفرهای اهل من ... جم

یعنی چنان کن که من در نفس خود خوار ... و در درگاه و نظر مردم بزرگ باشم



مِن مساوي الأخلاق فجنّبني إلى من تكلني يا

از اخلاق بد که چیست پس بگردان مرا بسوی که وا میگذاری مرا ای

ربّ المستضعفين وأنت ربّي إلى عدوٍّ ملّكته

پروردگار ضعیف شمردگان و تو پروردگار منی بسوی دشمنی که گردانیده او را مالک

أمري أم إلى بعيدٍ فيتجهّمني فإن لم تكن

امر من یا بسوی دوری که پس عبوس کند در روی من پس اگر نباشی تو

غضبت عليّ يا ربّ فلا أبالي غير أنّ عافيتك

غضبناک بر من ای پروردگار من پس پروا ندارم اما از اینکه عافیت تو

أوسع لي وأحبّ إليّ أعوذ بنور وجهك الذي

فراخ‌تر است برای من و محبوب‌تر است بسوی من پناه می‌آورم بنور روی تو که

أشرقت به السماوات والأرض وكشفت به الظلمة

روشن شده است به آن آسمانها و زمین و دفع شده است به آن تاریکی

وصلح عليه أمر الأوّلين والآخرين أن تحلّ

و بصلاح آمده بر آن امر گذشتگان و آیندگان از اینکه فرود آید

عليّ غضبك وينزل بي سخطك لك الحمد

بر من غضب تو و نازل شود بمن سخط تو از برای تست سپاس

حتّى ترضى وبعد الرضا ولا حول ولا قوّة

تا اینکه خوشنود شوی و بعد از خوشنود شدن و نیست گردیدنی از معصیت و نه قوت بر طاعت

إلّا بك

باب دوم

در آنچه کرده میشود میانه طلوع آفتاب تا پیش تحقیق

مگر به تو که گذشت در اواخر باب اول اینکه وارد شده است قسمت روز از

ساعت و اینکه از برای هر یک از ائمه اثنا عشر علیهم السلام ساعتیست و از برای هر ساعت دعائی که مخصوص به آنست پس ساعت اول که آن میانه طلوع صبح تا طلوع آفتاب از حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام است و ذکر کردیم دعای آنرا در جلو اعمال آن وقت پس جا آینه ذکر میکنیم در این مقام آنچه مخصوص این وقت پس میگوییم که ساعت دوم از طلوع آفتاب است تا برطرف شدن سرخی آن و این از حضرت امام حسن علیه السلام است و میخوانی در آن ساعت این دعا را

اللّهمّ يا خالق السماوات والأرض ومالك

خداوندا ای آفریننده آسمانها و زمین و مالک

البسط والقبض ومدبّر الإبرام والنقض ومن لا

گشادن و درهم کشیدن و تدبیر کننده محکم کردن و خراب کردن و کسی که

يجيب المضطرّ إذا دعاه ويكشف السوء يا مالك

اجابت میکند بیچاره را هرگاه بخواند او را و برطرف میکند ناخوشی را ای خداوند چیرگی

يا جبّار يا واحد يا قهّار يا عزيز يا غفّار يا من لا

ای جبر کننده ای یگانه ای بسیار قهر کننده ای غالب ای بسیار بخشنده ای کسی که

تدركه الأبصار وهو يدرك الأبصار يا

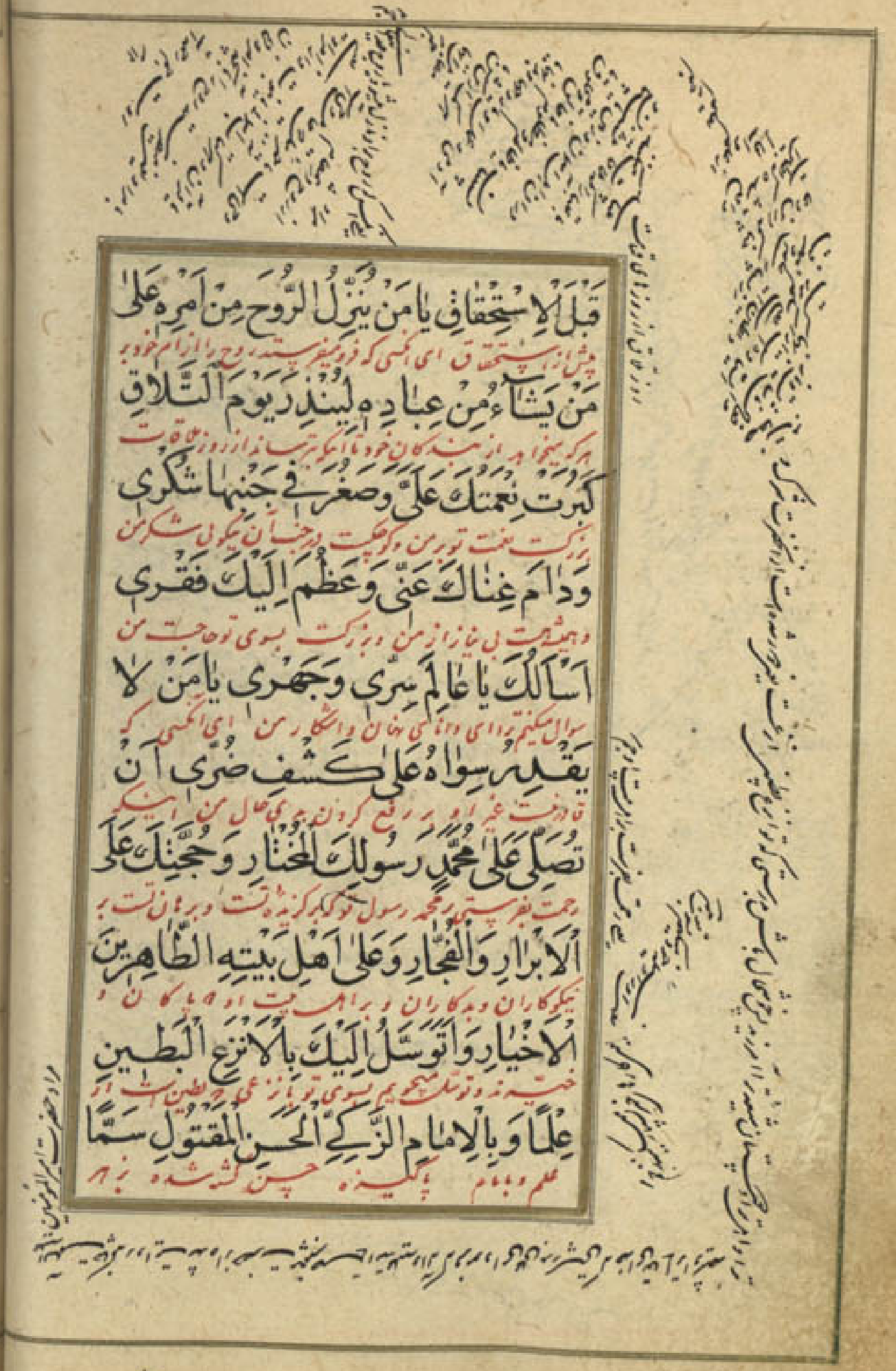
ادراک نمیکند او را دیدها و او ادراک میکند دیدها را ای

من لا يمسك خشية الإنفاق ولا يقتّر خوف

آنکه امساک نمیکند از ترس نفقه دادن و کم نمیکند از خوف

الإملاق يا كريم يا رزّاق يا مبتدئاً بالنعم

فقیر شدن ای بزرگوار ای بسیار روزی دهنده ای ابتدا کننده بنعمتها



قبل الاستحقاق يا من ينزل الروح من امره على

پیش از استحقاق ای کسی که فرو میفرستد روح را از امر خود بر

من يشاء من عباده لينذر يوم التلاق

هر که بخواهد از بندگان خود تا بترساند از روز ملاقات

كبرت نعمتك علي وصغر في جنبها شكري

بزرگ است نعمت تو بر من و کوچک است در جنب آن شکر من

ودام غناك عني وعظم اليك فقري

و همیشه است بی نیازی از من و بزرگ است بسوی تو حاجت من

اسألك يا عالم سري وجهري يا من لا

سوال میکنم ترا ای داننده نهان و آشکار من ای کسی که

يقدر سواه على كشف ضري ان

قادر نیست غیر او بر رفع کردن بدی حال من اینکه

تصلي على محمد رسولك المختار وحجتك على

رحمت فرستی بر محمد رسول تو که برگزیده است و برهان تست بر

الابرار والفجار وعلى اهل بيته الطاهرين

نیکوکاران و بدکاران و بر اهل بیت او که پاکان و

الاخيار واتوسل اليك بالانزع البطين

خیرانند و توسل میجویم بسوی تو بانزع بطین از

علما وبالامام الزكي الحسن المقتول سما

علم و بامام پاکیزه حسن کشته شده به زهر

فقد استشفعت بهم اليك وقدمتهم امامي

پس بتحقیق که شفاعت میجویم بایشان بسوی تو و مقدم داشتم ایشان را پیش روی خود

بين يدي حوائجي ان تزيدني من لدنك علما

پیش پیش حاجتهای خود اینکه زیاده کنی مرا از نزد خود علمی

وتهب لي حكما وتجبر كسري وتشرح

و ببخشی برای من حکم و اصلاح کنی شکستگی مرا و بگشائی

بالتقوى صدري وترحمني اذا انقطع من

به پرهیزکاری سینه مرا و رحم کنی مرا هرگاه بریده شود از

الدنيا اثري وتذكرني اذا نسي ذكري

دنیا نشان من و یاد کنی مرا هرگاه فراموش شود یاد من

برحمتك يا ارحم الراحمين وا ساعت سيم كه

رحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان از طرف شدن

آفتاب تا بلند شدن روز از حضرت امام اللهم رب

حسین است علیه السلام میخوانی در آن این دعا را خداوندا ای پروردگار

الارباب ومسبب الاسباب ومالك الرقاب

پروردگاران و سبب سازنده سببها و مالک گردنها

ومسخر السحاب ومسهل الصعاب يا حليم يا

و تسخیر کننده ابر و آسان کننده دشوارها ای بردبار ای

تواب يا كريم يا وهاب يا مفتح الابواب

بسیار توبه قبول کننده ای بزرگوار ای بسیار بخشنده ای گشاینده درها

یا مَن حیثُ ما دُعِیَ أجابَ یا مَن لیسَ لَهُ حاجِبٌ

ای کسی که هر جا خوانده شده جواب داده ای کسی که نیست از برای او حاجبی

وَلا بَوّابٌ یا مَن لیسَ لِخَزائِنِهِ قُفلٌ وَلا

و نه دربانی ای کسی که نیست از برای خزانهای او قفلی و نه

بابٌ یا مَن لا یُرخی عَلَیهِ سِترٌ وَلا یُضرَبُ

دری ای کسی که او پوشیده نمیشود بر او پرده و زده نمیشود

دونَهُ حِجابٌ یا مَن یَرزُقُ مَن یَشاءُ بِغَیرِ

نزد او حجابی ای کسی که روزی میدهد هر که را میخواهد بی حساب

یا غافِرَ الذَّنبِ وَقابِلَ التَّوبِ شَدیدَ العِقابِ

ای بخشنده گناه و قبول کننده توبه صاحب عقاب سخت

اللّهُمَّ انقَطَعَ الرَّجاءُ إلّا مِن فَضلِکَ وَخابَ

خداوندا بریده شده است آرزو مگر از فضل تو و نومید شده است

الأمَلُ إلّا مِن کَرَمِکَ فَأسئَلُکَ بِمُحَمَّدٍ

امید مگر از کرم تو پس سوال میکنم ترا بحق محمد

رَسولِکَ وَبِعَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ صَفِیِّکَ وَبا

رسول تو و بحق علی بن ابی طالب برگزیده تو و بحق

لحُسَینِ الإمامِ التَّقِیِّ الَّذی اشتَری نَفسَهُ

حسین امام پرهیزکار که فروخته است نفس خود را

ابتِغاءَ مَرضاتِکَ وَجاهَدَ النّاکِثینَ عَن صِراطِ

جهت طلب کردن رضای تو و جهاد کرده است با عدول کنندگان از راه

طاعَتِکَ فَقَتَلوهُ ساغِباً ظَمآناً وَهَتَکوا

طاعت تو پس کشتند او را گرسنه و تشنه و دریدند پرده

حُرمَتَهُ بَغیاً وَعُدواناً وَحَمَلوا رَأسَهُ فی

حرمت او را از روی تعدی و ظلم و بردند سر او را در

الآفاقِ وَأحَلّوهُ مَحَلَّ أهلِ العِنادِ وَالشِّقاقِ

اطراف و فرود آوردند او را محل اهل عناد و شقاق

اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَدِّد عَلَی الباغی

خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و تازه گردان بر ستمکار

عَلَیهِ مُخزِیاتِ لَعنِکَ وَانتِقامِکَ وَمُردِیاتِ

بر او رسوا کننده های لعن خود و انتقام خود و هلاک کننده های

سَخَطِکَ وَنَکالِکَ اللّهُمَّ إنّی أسألُکَ بِمُحَمَّدٍ وَ

غضب خود و عقوبت خود را خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بحق محمد و

آلِهِ وَأستَشفِعُ بِهِم إلَیکَ وَأُقَدِّمُهُم أمامی وَ

آل او و شفاعت میجویم بایشان بسوی تو و مقدم میدارم ایشان را پیش

بَینَ یَدَی حَوائِجی أن لا تَقطَعَ رَجائی مِن

پیش حاجتهای خود اینکه نبری آرزوی مرا از

امتِنانِکَ وَلا تُخَیِّبَ تَأمیلی فی إحسانِکَ وَ

انعام تو و نومید نگردانی امید مرا در احسان تو و

نَوالِکَ وَلا تَهتِکَ السِّترَ المَسدولَ عَلَیَّ مِن

عطای تو و ندری پرده را که پوشیده شده است بر من از

جهتك ولا تغيّر عني عوائد طَولك ونعمك و

جانب تو و تغیر مده از من صلهای فضل و نعمتهای خود و

وفّقني لما يقرّبني اليك واصرفني عمّا يباعدني

توفیق ده مرا بر آنچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو و گردان از من آنچه دور گرداند مرا

عنك واعطني من الخير افضل مما ارجو واكفني

از تو و عطا کن مرا از خیر فاضلتر از آنچه امید دارم و کفایت کن مرا

من الشرّ ما اخاف واحذر برحمتك يا ارحم

از شر آنچه می ترسم و خوف دارم برحمت تو ای رحیمترین

الراحمين

رحم کنندگان

اللهمّ انت الملك المليك المالك وكل شيء

خداوندا توئی پادشاه و صاحب ملک و مالک امور و هر چیزی

سوى وجهك الكريم هالك سخّرت بقدرتك

غیر ذات بزرگوار تو هلاک شونده اند رام کرده بقدرت خود

النجوم السوالك وامطرت بقدرتك الغيوم

ستارهای رونده را و بباران آورده بقدرت خود ابرهای

السوافك وعلمت ما في البرّ والبحر وما تسقط

ریزنده را و دانسته آنچه را در صحرا و دریاست و آنچه می افتد

من ورقة في الظلمات الحوالك يا سميع يا بصير

از برگی در تاریکیهای بسیار سیاه ای شنوا ای بینا



يا برّ يا شكور يا غفور يا رحيم يا من يعلم

ای نیکوکار ای بسیار جزا دهنده ای بسیار بخشنده ای مهربان ای کسی که میداند

خائنة الاعين وما تخفي الصدور يا من له

نگاه دزدیده چشمها را و آنچه نهان میدارند در سینها ای کسی که از برای اوست

الحمد في الاولى والآخرة وهو الحكيم الخبير

سپاس در دنیا و آخرت و اوست بس حکیم دانا

اسئلك سؤال البائس الحسير واتضرّع اليك

سؤال میکنم ترا سؤال کردن بسیار محتاج درمانده و زاری میکنم بسوی تو

تضرّع الضارع الكسير واتوكّل عليك توكّل

زاری کردن خوار شده شکسته و توکل میکنم بر تو توکل کردن

الخاشع المستجير واقف ببابك وقوف المؤمّل

زاری کننده زنهار جوینده و می ایستم در درگاه تو ایستادن امیدوار

الفقير واتوسّل اليك بالبشير النذير والسراج

محتاج و متوسل میشوم بسوی تو به بشارت دهنده ترساننده و چراغ

المنير محمّد خاتم النبيين وابن عمّه امير

روشن محمد خاتم پیغمبران و پسر عم او امیر

المؤمنين وبالامام علي بن الحسين زين

مؤمنان و بامام علی بن الحسین زینت

العابدين وامام المتّقين المخفي للصدقات و

عبادت کنندگان و پیشوای پرهیزکاران پنهان دهنده تصدقات و

الخاشع في الصلوات والدائب المجتهد في

خشوع کننده در نمازها و تعب کشنده و جهد کننده در

المجاهدات الساجد ذي الثفنات أن

جهدها سجده کننده صاحب پینه‌ها اینکه

تصلي على محمد وآل محمد فقد توسلت بهم

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس تحقیق که متوسل شده‌ام بایشان

إليك وقدمتهم أمامي وبين يدي

بسوی تو و مقدم داشتم ایشانرا پیش خود و پیش

حوائجي وأن تعصمني من مواقعة معاصيك

حاجتهای خود و اینکه نگاه داری مرا از مکاره معاصی تو

وترشدني إلى موافقة ما يرضيك و

و براه نمائی مرا بسوی موافقت آنچه راضی گرداند ترا و

تجعلني ممن يؤمن بك ويتقيك ويخافك

بگردانی مرا از آنکه ایمان دارد بتو و می‌پرهیزد از تو و میترسد از تو

ويرجيك ويراقبك ويستحييك ويتقرب

و امیدوار ... و شرم میدارد از تو و نزدیکی میجوید

إليك بموالاة من يواليك ويتحبب

بسوی تو بدوست گرفتن کسی که دوست میگیرد ترا و اظهار دوستی

إليك بمعاداة من يعاديك ويعترف

بسوی تو بدشمنی کردن با کسی که دشمنی میکند با تو و اعتراف میکند

لديك بعظيم نعمك وأياديك برحمتك يا

نزدیک تو ببزرگی نعمتهای تو و جاهای تو برحمت تو ای

أرحم الراحمين و در اکثر نسخه‌های دعا اختلاف

رحیم‌ترین رحم کنندگان بسیار دارد و زیادتی و نقصان و آنچه

آورده‌ام من آنرا ازین کتاب آنست که وثوق دارم بآن و من الله ولی التوفیق

فصل در آنچه سزاوارست که کرده شود در اول و در تصدق بهرچه میسر شود هر چند چیزی حقیری باشد روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که صبحگاه بجهید بصدقه پس بدرستی که بلا تجاوز نمیکند از آن و روایت کرده است نیز در کافی از آنحضرت علیه السلام که فرمود که صبحگاه بجهید بصدقه و رغبت کنید در آن پس نیست مؤمنی که تصدق کند بصدقه که اراده کند بآن آنچه را نزد خداست جهت اینکه دفع کند خدا از او بسبب آن صدقه شر آنچه فرود آید از آسمان بسوی زمین در آن روز مگر اینکه نگاه دارد او را خدای تعالی از شر آنچه فرود می‌آید در آن روز و از آنچه کرده میشود در اول روز مسح کردن بگلاب پس در حدیث از اصحاب عصمت سلام الله علیهم وارد شده که هر که مسح کند روی خود را بگلاب نمیرسد او را در آن روز احتیاجی و نه فقری و باید که مسح کرده شود در دستها و صلوات فرستاده شود بر پیغمبر و از آنچه کرده میشود در اول روز در اغلب اوقات مندیل پیچیدنست و پوشیدن جامها و موزه و نعل پس ما ذکر میکنیم بعضی از آداب آنها و دعاهای آنها را پس میگوئیم اما مندیل پیچیدن پس تحقیق که روایت شده که سزاوار آنست که گفته شود نزد پیچیدن آن این دعا



اللّهمّ سوّمني بسيماء الايمان وتوّجني

خداوندا نشان کن مرا بنشان ایمان و تاج ده مرا

بتاج الكرامة وقلّدني حبل الاسلام

بتاج گرامی بودن و برگردن من انداز ریسمان اسلام را

ولا تخلع ربقة الايمان من عنقي

و بیرون مکن ربقه ایمان را از گردن من

و منديل پیچیده در حالی گذشته باشی و هرگاه منديل پیچیدی پس تحت‌الحنک کن بمندیل خود و بدانکه تحت‌الحنک سنت مؤکده است روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هر که عمامه پیچد و نگرداند عمامه را از زیر حنک خود پس برسد او را دردی که نباشد برای او دوائی پس ملامت نکند مگر نفس خود را و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که فرموده من در تعجب میکنم از کسی که شروع کند در حاجت خود و حال آنکه بر وضو باشد چگونه برنیاید حاجت او و من در تعجب میکنم از کسی که شروع کند در حاجت خود و حال آنکه گردانیده باشد عمامه را از زیر حنک خود چگونه بر نمی‌آید حاجت او و احادیث در ترغیب تحت‌الحنک بسیار است و تحقیق که منعقد شده است اجماع شیعه بر آن و عجب از مخالفین ما که چگونه انکار میکنند آن را با آنکه روایت کرده‌اند در کتابهای خود از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که نهی فرموده است از اقتعاط و امر کرده است بتلحی گفته است در کتاب صحاح اقتعاط بستن عمامه است بر سر بی گردانیدن از زیر حنک و در حدیث واقع شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرده است از اقتعاط و امر کرده است بتلحی تمام شد کلام صحاح و تلحی گردانیدن عمامه است از زیر

لحیین و بدانکه استحباب تحت‌الحنک عام است در جمیع اوقات و حالات و مخصوص نیست بحال نماز و هر چند نماز در آن افضل است بلکه آن سنتی است بر خود خواه نماز کرده شود و در آن یا نه و نیست استحباب آن از برای نماز چنانکه ظاهر میشود از کلام بعضی از علمای ما و نیافته‌ام من از آن احادیثی که در کتب اصول نقل شده چیزی را که دلالت کند بر استحباب آن از برای نماز بلکه احادیثی که در این باب واقع شده همه عام است و تحقیق که تصریح کرده است باین علامه حلی رحمه الله در کتاب منتهی المطلب چنین آورده است احادیثی را که دلالت میکند بر اینکه تحت‌الحنک سنتی است فی نفسه بعد از آن فرموده که تحقیق ظاهر شد باین احادیث استحباب تحت‌الحنک مطلقا خواه بوده باشد در نماز یا غیر آن تمام شد کلام او و پس سزاوار آنست که هرگاه تحت‌الحنک کنی نزد اراده نماز قصد کنی استحباب آن را فی النفسه مانند اکثر مستحبات نه اینکه مستحبات از برای غیر خود یعنی نماز مانند وضو مثلا بودن تحت‌الحنک شرط در زیادتی ثواب نماز فی نفسه مگر اینکه قصد کنی استحباب آن را از برای نماز و این ظاهر است وامّا آداب پوشیدن جامه پس سزاوار کوتاه کردن جامه است پس بتحقیق که نقل شده است در تفسیر قول خدای تعالی و ثیابک فطهّر که مراد نیست که جامه خود را کوتاه کن و سزاوار آنست که کوتاه کنی آستین از سرهای انگشتان و جامه بلند مکن جامه صوف را و پوشش جامه شهرت و بپوشی در نماز جامه سفید و تحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که مکروه است سیاهی کرده در هر چیز مگر موزه و عمامه و عبا وامّا دعا نزد پوشیدن جامه پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که گفت هرگاه نو بپوشی جامه

اللّهمّ اجعله ثوب يمن وبركة اللّهمّ ارزقني

خداوندا بگردان این جامه را جامه یمن و برکت خداوندا روزی کن مرا

فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَالْعَمَلَ
در آن شکر نعمت تو و نیکوئی عبادت تو و عمل
بِطَاعَتِكَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَسْتُرُ
بطاعت تو سپاس مر خدای را که روزی کرد مرا آنچه بپوشانم
بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ و در روایت آمده
بآن عورت خود را و زینت کنم بآن در میان مردم از حضرت امیر علیه السلام
که گفته میشود نزد اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَتَقْوَىٰ
پوشیدن جامه خداوندا بگردان این جامه را جامه یمن و پرهیزکاری
وَبَرَكَةٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ
و برکت خداوندا روزی کن مرا در آن نیکوئی عبادت تو
وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَأَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
و عمل بطاعت تو و بجا آوردن شکر نعمت تو سپاس مر خدای را
الَّذِي كَسَانِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ
که پوشانید مرا آنچه پنهان میکنم بآن عورت خود را و زینت میکنم
بِهِ فِي النَّاسِ و در روایت شده است که گفته میشود اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ
بآن در میان مردم نزد پوشیدن زیر جامه این دعا خداوندا بپوشان
عَوْرَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي وَأَعِفَّ فَرْجِي وَلَا تَجْعَلْ
عورت مرا و ایمن گردان ترس مرا و پرهیزکار گردان فرج مرا و مگردان
لِلشَّيْطَانِ فِي ذٰلِكَ نَصِيبًا وَلَا لَهُ إِلَىٰ ذٰلِكَ وُصُولًا
برای شیطان در آن بهره و نه از برای او بسوی آن رسیدن

فَيَضَعَ لِيَ الْمَكَائِدَ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ
پس قرار دهد برای من کیدها و برانگیزاند مرا برای ارتکاب
مَحَارِمِكَ و مراد از آیت که پوشیده نشود زیر جامه رو بقبله و الا آنکه دین
چیزهای حرام سوره و نعلین پس آنکه پوشیده در حالی که نشسته باشد و پوشیده
نعلین راست را پیش از پای چپ و موزه کندن میکند بعکس این در حالی که
ایستاده باشد و میگوید نزد پوشیدن هر یک از موزه و نعلین این دعا را
بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
بنام خدای و یاری خدا خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و
وَطِّئْ قَدَمَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا
هموار گردان پاهای مرا در دنیا و آخرت و ثابت گردان آنها را
عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ و میگوید نزد کندن آنها
بر صراط روزی که میلغزد در آن پاها
بِسْمِ اللّٰهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَوْقِي
بنام خدا سپاس مر خدای را که روزی کرد مرا آنچه حفظ کنم
بِهِ قَدَمَيَّ مِنَ الْأَذَىٰ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلَىٰ
بآن پاهای خود را از آزار خداوندا ثابت گردان آنها را بر
صِرَاطِكَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ
صراط تو و ملغزان آنها را از صراط خود که درست است
و در روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام کراهت پوشیدن موزه
سرخ در حضر نه سفر و در روایت شده است نیز از آنحضرت علیه السلام که فرموده

از جمله شست موزه سیاه و نعل زرد و گرگره شمرده اند آنحضرت علیه السلم و پوشیدن
نعل سیاه و نعل زرد و کره شمرده اند آنحضرت علیه السلم پوشیدن نعل سیاه و
روایت شده از آنحضرت علیه السلم که هر که بپوشد نعل زرد کهنه نمیکند آن را تا
اینکه بهره برساند مال و همچنین از آنحضرت است علیه السلم که هر که بپوشد نعل زرد خواهد بود
در سرور و شادی تا کهنه کند آن را **فصل** در آنچه جاری شده است عادت به آن
در اثنای این وقت یعنی میانه طلوع آفتاب و زوال اکل و شرب پس در اینجا
ذکر میکنیم پاره از آداب آنها را و دعاهای آنها را که روایت شده است از
اصحاب عصمت سلام الله علیهم پس میگوییم که هرگاه خواهی چیزی بخوری پس بنشین
بر جانب چپ خود و بنشین مربع پس به درستی که آن نشستنی است که دوست
میدارد آن را خدای تعالی و دشمن میگرداند صاحب آن را چنانکه روایت شده است از
حضرت امیر المؤمنین علیه السلم و هرگاه دراز کنی دست خود را جهت اکل پس بگو
بسم الله والحمد لله رب العالمین پس تحقیق که روایت
بنام خدا و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان شده است از حضرت
صادق علیه السلم که فرمود هرگاه خواهد چیزی بخورد پس [illegible] کند دست خود را
بگوید بسم الله والحمد لله رب العالمین می آمرزد خدای تعالی او را پیش از آنکه
برسد لقمه به دهن او و روایت شده است استحباب تسمیه بر هر رنگی و وارد
شده استحباب آن بر ظرفی که پوشیده باشد و هر چند از یک رنگ باشد و هر که
فراموش کند تسمیه را بر هر رنگی پس بگوید بسم الله علی اوله وآخره
روایت کرده است این را شیخ [illegible] بنام خدا از اول این تا آخر این
و از آنچه سزاوار است که گفته شود نزد شروع در اکل و شرب این دعا است

شده
خانه خود را
مربع از چهار چهار زانو
از حدیث مذکور
چهار زانو نشستن
بر روی پای

یعنی کسی که فراموش کرده باشد و آنکه
فراموش میکند تسمیه را در هر رنگ پس
اول طعام بگوید مراد نیست که هرگاه
فراموش کند بر هر رنگ در بعضی
بعد از آن که یاد کند
بگوید

الحمد لله الذی یطعم ولا یطعم ویجیر ولا یجار
سپاس مر خدا را که اطعام میکند و کسی اطعام نمیکند او را و زینهار میدهد و کسی زینهار نمیدهد
علیه ویستغنی ویفتقر الیه اللهم لك الحمد علی ما
بر او و بی نیاز است او و محتاج اند به سوی او خداوندا از برای تست سپاس بر آنچه
رزقتنا من طعام وادام فی یسر وعافیة من غیر
روزی کردی ما را از طعام و نان خورش در آسانی و عافیت بی
کد منا ولا مشقة بسم الله خیر الاسماء بسم الله
کدی از ما و نه مشقتی بنام خدا بهترین نامها بنام خدا
رب الارض والسماء بسم الله الذی لا یضر
پروردگار زمین و آسمان بنام خدا که ضرر نمیرساند
مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء وهو
با نام او چیزی در زمین و نه در آسمان و اوست
السمیع العلیم اللهم اسعدنی فی مطعمی هذا
شنونده دانا خداوندا نیکبخت گردان مرا در این طعام من
بخیره واعذنی من شره وامتعنی بنفعه و
بخیر آن و پناه ده مرا از شر آن و بهره مند گردان مرا به نفع آن و
سلمنی من ضره و سزاوار است که بوده باشد اول آنچه بخوری و آخر او
سلامت دار مرا از ضرر آن نمک است پس و یکی از هفتاد و دو نوع مرض و هر که بخورد و هر روز
هفتاد و دو نوع مرض بیمار نشود مگر بیماری که در آن بمیرد و شروع
خود را پیش از طعام و بعد از آن هر چند بوده باشد چیزی خوردن تو نمک است

و روایت کرده است زنبس محدثین در فضیلت از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که
بشوید دست خود را پیش از طعام و بعد از آن تعیش کند در فراخی و عافیت و دور
شود از بلای که در بدن او باشد و همچنین که روایت شده است از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام که این زیاد میکند عمر را و جلا میدهد چشم را و ابتدا کن تو اگر
تو صاحب طعام باشی بشستن اول بعد از آن بشوید بعد از تو کسی که بر طرف
راست تو باشد در شستن دوم میشوی تو آخر همه و ابتدا میکنند کسی که بر طرف
چپ تو باشد و روایت شده است ابتدا در شستن دوم بهر که در طرف است
در باشد خواه آزاد باشد یا بنده و پاک مکن دست خود را بمندیل بعد از شستن اول
و پاک کن آنرا با آن بعد از شستن دوم بعد از آنکه مالیده باشی تری آن بچشمهای
خود و پاک مکن آنرا بمندیل هرگاه در آن اثر طعام باشد تا اینکه بمکی آنرا و گوارا
کن حمد خدای تعالی را در اثنای اکل و ابتدا کن باکل پیش از حاضران اگر بوده باشی تو
صاحب طعام و فرا گیر دست خود را بعد از ایشان و مراد از نیست چیزی خوردن
دست چپ نه آشامیدن بآن و نه چیزی خوردن بدو انگشت و هرگاه حاضر شود
نان پس انتظار مکش چیز دیگر را بخور از آن و مگذار نه زیر کاسه و مبر نان را بکارد
و ابتدا کن بنمک و ختم کن بآن و روایت شده است ختم بسرکه نیز و سنت است حاضر
کردن سبزی تازه بر مایده و مجوز گوشت در یک روز دو مرتبه و مگذار در هر سه روز و
مکروه است ترک آن چهل روز و خالی مکن تمام گوشت استخوان را بلکه بگذار از آن
بقیه پس همچنین که روایت شده است که از برای جن در استخوان بهره است و اگر
هر که بگذارد از آن میرود از خانه او آنچه بهتر از آن باشد و سنت است طول دادن نشستن
بر مایده و اگر بوده باشی تو صاحب طعام پس همچنین که روایت کرده است ثقة الاسلام

در کافی بسند حسن از زراره که گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که
فرمودند که سه چیز است که هر گاه چاشنی آنرا امر و خواهد بود آنها زیادتی در
عمر او و بقای نعمت برای او پس گفتم من که چیست آنها فرمود طول دادن در رکوع
و سجود در نماز و طول دادن نشستن بر طعام هرگاه چیزی بخورد و بر مایده
خود و بجا آوردن چپ نه بسوی آل آن و بگو بعد از فراغ از اکل آنچه روایت شده است از حضرت صادق

الحمد لله الذی اطعمنا فی جائعین وسقانا

سپاس مر خدای را که اطعام کرد ما را در میان گرسنگان و سیراب کرد ما را

فی ظامئین وکسانا فی عارین وهدانا فی

در میان تشنگان و رخت پوشانید ما را در میان برهنگان و راه نمود ما را در میان

ضالین وحملنا فی راجلین وآوانا فی

گمراهان و سوار کرد ما را در میانه پیادگان و جا داد ما را در میانه

ضاحین واخدمنا فی عانین وفضلنا علی

آفتاب نشستگان و خدمتکار داد ما را در میانه تعب کشندگان و زیادتی داد ما را بر

کثیر من العالمین و اما آنچه مشهور شده است از خواندن سوره قریش

بسیاری از عالمیان — بعد از طعام پس اطلاع نیافتم من برای آن بر

حدیث و مراد از است که بشویند حاضران دستهای خود را همه در یک طشت و
نریزند تا پر شود و سنت است خلال کردن و مکروه است ساختن خلال از
برگ خرما و از نی و ریحان و سوره و انار و مراد از است بیرون انداختن آنچه
بیرون آید از میان دندانها بخلال و فرو بردن آنچه بیرون آید بزبان و مراد از
کرده باشد آنچه میخوری تو موافق آنچه میخواهند آنرا عیال تو نه آنچه میخواهی آنرا

تو نه است از پس تحقیق که روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت
صادق علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که مؤمن میخورد بخواهش اهل
خود و منافق میخورد اهل او بخواهش او و از آداب اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
آشامیدن آب این است که بگوئی نزد آشامیدن آب سپاس مر خدای را
مُنْزِلِ الْمَاۤءِ مِنَ السَّمَاۤءِ وَمُصَرِّفِ الْاَمْرِ كَيْفَ
که فرود آورنده آبست از آسمان و تغییر دهنده امرست هر نحوه
يَشَاۤءُ بِسْمِ اللّٰهِ خَيْرِ الْاَسْمَاۤءِ و بعد از آشامیدن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
میخواهد بنام خدا بهترین نامها بگوئی سپاس مر خدای را
الَّذِيْ سَقَانِيْ مَاۤءً عَذْبًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ مِلْحًا اُجَاجًا
که آب داد مرا آب گوارا و نگردانید آنرا شور تلخ
بِذُنُوْبِيْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ سَقَانِيْ فَاَرْوَانِيْ وَ
بسبب گناهان من سپاس مر خدای را که آب داد مرا پس سیراب کرد مرا و
اَعْطَانِيْ فَاَرْضَانِيْ وَعَافَانِيْ وَكَفَانِيْ اَللّٰهُمَّ
عطا کرد مرا پس خشنود کرد مرا و عافیت داد مرا و بس کننده است مرا خداوندا
اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ تَسْقِيْهِ فِي الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ
بگردان مرا از آنها که آب میدهی او را در قیامت از حوض محمد
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَتُسْعِدُهٗ بِمُرَافَقَتِهٖ
رحمت کند خدا بر او و آل او و نیکبخت میگردانی او را برفیق بودن با آنحضرت
بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ و سنت است آشامیدن آب بمصه
برحمت تو ای رحیم‌ترین رحم کنندگان عبا پس تحقیق که روایت شده است

اجاج یعنی تلخ و شور است و مراد از تلخ تمام تغیر نیست ذکر شور یا آنکه دو مرتبه ذکر شده جهت تاکید جم

و کفایت امور من کرده است جم

عباً کرکر کردن آب را کشیدن و نفس نفس بخلاف آنست یعنی آشامیدن بجوزد جم

از پیغمبر صلی الله علیه و آله که آشامیدن آب عبا موروث کباد است و مراد از آن است که
یکباره بیاشامی آبرا بدست خود و به یک نفس و حمد کنی خدای تعالی را بعد از هر نفسی و سؤال کرده
شده است حضرت صادق علیه السلام از آشامیدن بیک نفس پس فرمودند که اگر آن کس
که آب میدهد ترا بنده تو باشد پس بیاشام به سه نفس و اگر آزاد باشد پس بیاشام بیک نفس
و بتحقیق روایت شده است که هر که بیاشامد آب پس باز گیرد آنرا و حمد کند خدا را تا آنکه
این را سه مرتبه واجب میشود از برای او بهشت و مراد از آن است اجتناب کردن از آشامیدن
آب از طرف دسته و از جانبی که شکسته باشد و بسیار مخور آب پس تحقیق که روایت
شده است از حضرت صادق علیه السلام که پرهیز از بسیار خوردن آب پس بدرستی که آن ماده
هر کوفتیست و روایت شده است که هر که بیاشامد آب پس یاد کند حضرت امام حسین
را و لعن کند کشنده او را می نویسد خدای تعالی از برای او صد هزار حسنه و محو میکند
از برای او صد هزار گناه و بلند میکند از برای او صد هزار درجه و چنان است که آزاد
کرده باشد صد هزار بنده **باب سیم** در آنچه کرده میشود میانه زوال آفتاب و
غروب آفتاب و درین مقدمه است و چند فصل **مقدمه** روایت کرده است رئیس المحدثین
در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده که هر گاه زوال آفتاب میشود گشوده میشود درهای
آسمان و درهای بهشت و مستجاب میشود دعا پس خوشا کسی که بالا برده شود برای او عمل
صالحی و روایت کرده است نیز از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده که آفتاب
نزد زوال حلقه ایست که داخل میشود در آن پس هرگاه داخل شود در آن زایل میشود آفتاب
پس تسبیح میکند هر چیز که پایین عرش است بحمد پروردگار من عز و جل و این ساعتیست که صلوات
میفرستد بر من پروردگار من جل جلاله و فرض کرده است بر من و بر امت من در آن نماز را و
فرموده است اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوْكِ الشَّمْسِ اِلٰى غَسَقِ اللَّيْلِ یعنی بپای دار نماز را نزد زوال آفتاب

تا نصف شب ان شاء الله تعالی میمیرم و این ساعتیست که بر می‌آید و در آن جهنم را و درهای آسمان
نیست مؤمنی که برو اتفاق افتاده باشد این ساعت را اینکه بوده باشد در سجده کننده
یا رکوع کننده و یا ایستاده مگر اینکه حرام گرداند خدای تعالی بدن او را بر آتش تصحیح
سزاوار است بر خواستن بسوی نماز در اول وقت خواه نماز واجب باشد یا سنت
مگر آنچه استثنا شده و پیش رستگی که فضل اول وقت بر آخران مثل فضل آخرت
بر دنیا چنانکه روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که اول وقت خشنودی خدای
تعالی است و آخران عفو خدا و ظاهر است که این فضیلت در یافته میشود و مشغول شدن
در اول وقت بمقدمات نماز مانند طهارت یا پوشیدنی و در مکی چنانکه گفته است شیخ
شیخ شهید رحمه الله و موقوف نیست دریافتن آن بر داخل شدن در نماز اول وقت
و اما آنچه در بعضی روایات مذکور شده ظاهرش خلاف اینست چنانکه روایت شده
از ائمه علیهم السلام که توقیر و تعظیم کرده است نماز را کسی که تاخیر کرده باشد طهارت را
تا اینکه داخل شود وقت نماز پس باید شمام بن در آن چیست که اعتقاد باشد بر آن
و بر تقدیر آن مرجح عمل بآن در عمل آنچه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن
از حضرت صادق علیه السلام که هر که بشنود چیزی از ثواب خیری پس بکند آنرا خواهد بود
از برای او اجر آن و هر چند نبوده باشد حدیث چنانکه رسیده باو پس آن معارض میکند
ما را چه آن دلالت میکند بر اینکه در میان آن مثل طهارت میان اول وقت نماز
منافی توقیر است نه اینکه منافی دریافتن فضیلت وقت زیرا که امر دیگر است غیر
توقیر نماز پس بهتر کن و سزاوار است انتظار کشیدن نماز و مشرف شدن بسوی وقت
آن چنانکه روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله انتظار میکشیدند داخل شدن وقت
نماز را و میفرمودند ای بلال یعنی داخل کن بر ما راحت را ای بلال اعلام کردن

داخل شدن وقت چنانکه فرموده است پیغمبر صلی الله علیه و آله قرة عین من در نماز است
و اول زوال شروع کردن سایه است در زیادتی بعد از کم شدن آن بعد از بر طرف شدن
پس برابر سستی که هر چند زیاده میشود بلندی آفتاب زیاده میشود و کم شدن سایه آن
تا اینکه بر گاه برسد آفتاب بانچه نهایت بلندی آنست در آن روز برسد سایه بانچه
نهایت کم شدن آنست در آن روز یا بالکلیه بر طرف میشود و این نزد رسیدن
آفتابست بدایره نصف النهار یعنی منتصف ما بین مشرق و مغرب و معلوم است
که اوضاع آفتاب نسبت بساکنان اقالیم مختلف است پس نسبت بساکنان بعضی اقالیم
چنان باشد در وقت زوال در طرف جنوب از سمت الراس ایشان و نسبت ببعضی در
طرف شمال و نسبت ببعضی مقابل سر ایشان میافتد پس در آن دو موضع اول بر طرف
نمیشود سایه در منتصف روز بلکه میماند در این وقت در انتهای کوتاهی آن بقیه از سایه
کشیده شده بطرف شمال یا جنوب و در این دو حال شروع سایه در زیادتی اول وقت است
و در موضع سیم بر طرف میشود سایه بالکلیه و اول ظاهر شدن آن اول وقت است
و سایه شاخص پیش از زوال ظل میگویند و بعد از آن فیء و فیء بمعنی رجوع است
بعد از زوال رجوع میکند بقدر هیچ مقداری که داشت پیش از زوال تا اینکه گردد فیء
یعنی سایه که حادث میشود بعد از زوال مساوی شاخص وقت فضیلت عصر تا اینکه
گردد فیء دو برابر شاخص و سنت است برای نوافل تاخیر کردن هر یک از فریضه ظهر و
عصر از اول وقت آن بمقدار اینکه بگذاری در آن نافله آنرا و کسی که نافله میکند رو پیش
سزاوار نیست از برای او تاخیر از اول وقت فضیلت و مشهور اینست که وقت نافله
ظهر و آخر اصره او وا میگویند از زوال تا اینکه گردد فیء دو قدم یعنی بقدر
دو سبع شاخص چه غالب اینست که قامت هر شخص بقدر هفت قدم است بقدم خود او

و وقت نافلهٔ عصر و آن هشت رکعت است بعد از فارغ شدن از ظهر است تا اینکه بگردد فی چهار
قدم و بعضی از علما برآنند که تا یکمثل وقت این نافلها کشیده و وقت فضیلت
فریضها نیز پیش از نافلهٔ ظهر تا اینکه بگردد فی شش قدم و نافلهٔ عصر تا اینکه بگردد دو مثل
آن و این قول دور نیست و در روایات معتبره دلالت بر آن هست بلکه در بعضی
احادیث واقع شده و آنچه دلالت میکند ظاهراً بر آنچه زیاده از این توسعه است چنانچه
روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
که فرموده نافله بمنزلهٔ هدیه است هرگاه آورده شود قبول کرده میشود پس مقدم
دار هرچه را خواهی و موخر دار هرچه را خواهی و لیکن ندیدهام کسی از علمای ما را که
عمل کرده باشد بآنچه مستفاد میشود از اطلاق این روایت از توسعه در تقدیم و تاخیر
و گویا مراد تقدیم اول وقت و تاخیر قضا و الله اعلم و مشهور میان علمای ما تفسیر است
و معلوم نیست که جایز نیست که اعتماد کنند بر ظن بداخل شدن وقت مگر با عدم قدرت
بر تحصیل علم پس جایز نیست در آن اعتماد بر خبر یک عادل و نه بر اذان شهر مگر با عجز از
علم و ظاهر کلام محقق در معتبر اینست که جایز است اعتماد بر اذان یک عادل یا خبر دو
عادل یا اذان ایشان پس ظاهر جواز اعتماد بر اینست و هرچند قادر باشد بر علم
زیرا که علم شرعی حاصل است بآن و مراد اینست از برای کسی که اعتماد داشته باشد
بشناختن نوافل و اهتمام به ادراک فضیلت اول وقت اینکه اراده کرده باشد
در صحن خانهٔ خود یا بر روی بام خود چوب راستی که نصب کرده شده باشد
بنحوی که به هیچ طرف میل نکرده باشد و قسمت کرده شده باشد به هفت حصه پس
هرگاه برسد سایه بنهایت نقصان و ابتدا کند در زیادتی یا در حادث شدن
پس شروع کند در نافلهٔ ظهر اگر کسی است که توفیق داده است خدای تعالی او را برای

مقدم دار هرچه خواهی و موخر دار هرچه خواهی جم

این محل تامل است بلکه در خصوص بعضی از نمازها ... [illegible]

بجا آوردن نوافل بجا آوردن ظهر در اول وقت آن اگر محروم است از این سعادت و
تنقیص کند نافله را پس هرگاه دیگر دو سبع شاخص شد فی آن بنا بر خلاف مشهور
برای نافله که ادا و بیرون رفتن وقت نافله پس اگر در این وقت هنوز تمام نکرده باشد
یک رکعت را ترک کند نافله را و مشغول شود بفریضه و اگر تمام کرده است یک رکعت را
و تمامی رکعت باین میشود که فارغ شده باشد از دو سجده دوم و هرچند به همه آن شروع
سر را از آن پس مقدم دارد آن هفت رکعت باقی را بر فریضه و ظاهر آنست که
شش رکعت باقی در این هنگام ادا است زیرا که هشت رکعت در حکم یکنماز است
بعد از آن میگذارد نماز ظهر را و تنقیص میکند سایه را بعد از آن پس اگر رسیده باشد بچهار
سبع شاخص دو برابر آن بنابر آنچه گذشت از خلاف پس شروع میکند در نافلهٔ عصر و اگر
رسیده باشد بآن معلوم میشود بیرون رفتن وقت آن و خواهد بود حال آن در ترک
آن و مقدم داشتن بر فریضه مثل حال نافلهٔ ظهر چنانکه گذشت و آنچه مذکور شد در غیر روز
جمعه است و در جمعه زیاده میشود بر این دو هشت رکعت چهار دیگر و میگذارد روز
جمعه شش رکعت را پیش از زوال در حالی که منبسط گردیده باشد آفتاب
که شش رکعت باشد در وقت پهن شدن آفتاب شش اگر در وقت بلند شدن آن
و شش دیگر در وقت راست ایستادن آن و میگذارد دو رکعت باقی را بعد از زوال

فصل آنچه بجا می آوری بعد از مشخص شدن زوال اینست که بجا آوری آنچه وارد است
کرده است شیخ ... [illegible] که حضرت بآن تعلیم کرده است آنرا بمحمد بن مسلم
و فرموده است باو که محافظت کن بر این چنانکه محافظت میکنی بر چشمهای خود و آن اینست
سُبْحانَ اللهِ وَلا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ
پاکست خداوند خدائی نیست مگر خدا و سپاس مر خدایرا که فرا

یعنی در حوالی ظهر که نزدیک بزوال است جم

یعنی هرگاه که ... اراده وقت ... جم



يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ
نگرفت فرزندی و نیست از برای او شریکی در پادشاهی و نیست
يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا بعد از آن
از برای او حمایتی از خواری و تعظیم کن او را تعظیم کردنی
وضو بعد از آن شروع میکنی در نافلهٔ زوال پس نیت میکنی دو رکعت اول و میگوئی
آن هفت تکبیر را با دعاهای آنها بنحوی که گذشت ذکر آن در باب اول بعد از آن
میگوئی اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و میخوانی بعد از فاتحه در رکعت اول سورهٔ توحید و
در رکعت دوم جحد چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن بعد از آن
سلام میدهی میگوئی آن سه تکبیر را که بعد از نماز است چنانکه گذشت و تسبیح
تسبیح زهرا علیها السلام را
اللَّهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ
و بعد از آن میگوئی
خداوندا بدرستی که من ضعیفم پس قوی گردان در رضای خود
ضَعْفِي وَخُذْ إِلَى الْخَيْرِ بِنَاصِيَتِي وَاجْعَلِ الْإِيمَانَ
ضعف مرا و بکش بسوی خیر ناصیهٔ مرا و بگردان ایمان را
مُنْتَهَى رِضَايَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي وَبَلِّغْنِي
منتهای رضای من و برکت ده برای من در آنچه قسمت کرده برای من و برسان مرا
بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي أَرْجُو مِنْكَ وَاجْعَلْ لِي
برحمت خود همه آنچه امید دارم از تو و بگردان از برای من
وُدًّا وَسُرُورًا لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَهْدًا عِنْدَكَ
دوستی و سروری از برای مؤمنان و پیمانی نزد خود
و بعد از آن میگذاری دو رکعت دیگر بهمان نحو بغیر شش تکبیر که اول نماز گفته میشود

با دعاهای آنها بعد از آن دو رکعت دیگر مثل آنها و میخوانی بعد از هر یکی از آنها
تعقیب و دعاهایی که مذکور شد و بعد از آنکه تمام کردی شش رکعت را با
آن به تکبیری و اذان میگوئی از برای ظهر و [illegible] بعد از اذان و اقامت دو رکعت
[illegible] این دو رکعت [illegible] بعد از آن اقامت میگوئی و میگوئی بعد از آن
اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلَاةِ
خداوندا ای پروردگار این دعوت تمام و نماز
الْقَائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةَ
برپا ایستاده برسان محمد را رحمت کند خدا بر او و آل او درجه
وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ بِاللهِ أَسْتَفْتِحُ وَ
و منزلت و زیادتی و فضیلت بخدا ابتدا میکنم و
بِاللهِ أَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَتَوَجَّهُ
بخدا طلب فیروزی میکنم و بمحمد رحمت کند خدا بر او و آل او رو می آورم
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا بایشان نزد خود
وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ
روشناس در دنیا و آخرت و از جملهٔ مقربان
بعد از آن مشغول شو بنماز ظهر و رعایت کن جمیع آنچه را رعایت کردی در نافلهٔ صبح
از اعمال و آداب [illegible] قرائت را بغیر بسم الله الرحمن الرحیم و میخوانی در رکعت اول
سوره سبح اسم ربک الاعلی و والشمس و آنچه شبیه اینها باشد در درازی چنانکه روایت
کرده است شیخ طایفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح در خبر



بعد از تشهد اول که بنده آنچه را میخواهد و برخواستن برای رکعت دوم
حمد را یا تسبیحات اربعه را سه مرتبه ضم کند و با آنها استغفاری بعد از آن تکبیر گوید
رکوع برود و دستها را چنانکه گذشت در رکوع بکن و سجود بکن چنانکه
گذشت بعد از آن برخیزد و بجا آرد رکعت دیگر بر همان نحو بعد از آن تشهد بگوید
و سلام بده بعد از آن سه تکبیر را که در تعقیب صبح مذکور شد بگوید بعد از آن بگوید
لا اله الا الله الها واحدا و نحن له مسلمون تا آخر دعا چنانکه گذشت در تعقیب
بعد از آن تسبیح بگوید تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلم و بخواند هر چه خواهد
از دعاهائی که پیش از این ذکر کردیم در تعقیب نماز صبح غیر ذکرهائی که مخصوص تعقیب صبح است
و دعائی که متضمن ذکر دخول در صبح است یا من اظهر الجمیل و
مثل آن سه دعای آخر و بعد از آن بگوید ای کسی که ظاهر کرده است نیکوئی را و
وستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتك
و پوشانیده است زشتی را ای کسی که نگیرد بسبب معصیت و ندرد
الستر یا کریم الصفح یا عظیم المن یا حسن
پرده را ای گرامی در گذشتن ای بزرگ نعمت ای نیکو
التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین
تجاوز ای واسع مغفرت ای گشاینده دستها
بالرحمة یا سامع کل نجوی و یا منتهی کل
برحمت ای شنونده هر راز و ای منتهای هر
شکوی یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا
شکایت ای ابتدا کننده به نعمت پیش از استحقاق آنها ای

ربّاه یا ربّاه یا ربّاه یا سیّداه یا سیّداه
پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای سید ای سید
یا سیّداه یا غایة رغبتاه یا ذا الجلال
ای سید ای نهایت آرزو ای صاحب بزرگی
والاکرام اسئلك بحق محمد وعلی وفاطمة
و گرامی داشتن سؤال میکنم ترا بحق محمد و علی و فاطمه
والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی و
و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و
علی ومحمد وعلی والحسن ومحمد صاحب الزمان
علی و محمد و علی و حسن و محمد صاحب زمان
سلام الله علیهم اجمعین ان تصلی علی محمد و
درود خدا بر ایشان باد همه اینکه رحمت فرستی بر محمد و
آل محمد وان تکشف کربی وتغفر ذنبی وتنفس
آل محمد و اینکه برطرف کنی اندوه مرا و بیامرزی گناه مرا و
همی وتفرج غمی وتصلح شانی فی دینی و
هم مرا و رفع کنی غم مرا و اصلاح کنی حال مرا در دین من و
دنیای وان تدخلنی الجنة ولا تشوه خلقی
دنیای من و اینکه داخل کنی مرا به بهشت و زشت نگردانی اندام مرا
بالنار وان تفعل بی ما انت اهله ولا
بسبب آتش و اینکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی و مکن

سید کسی را گویند که بزرگ و عظیم الشأن باشد

که کنایت از داخل آتش گردانیدن چه دخول آتش لازم دارد زشت شدن اندام را



تفعل بي ما انا اهله برحمتك يا ارحم الراحمين

يا سامع كل صوت ويا جامع كل فوت

يا بارئ النفوس بعد الموت يا باعث يا وارث

يا اله الالهة يا جبار الجبابرة يا ملك الدنيا

والاخرة يا رب الارباب يا ملك الملوك

يا بطاش يا ذا البطش الشديد يا مبدئ يا معيد

يا فعالا لما يريد يا محصي عدد الانفاس و

نقل الاقدام يا من السر عنده علانية

اسئلك بحق خيرتك من خلقك وبحقهم

الذي اوجبت لهم على نفسك ان تصلي

على محمد واهل بيته وان تمن علي الساعة

بفكاك رقبتي من النار وان تنجز لوليك

وابن نبيك الداعي اليك باذنك وامينك

في ارضك وعينك في عبادك وحجتك

على خلقك عليه صلواتك وبركاتك وعده

اللهم ايده بنصرك وانصر عبدك وقو

اصحابه وصبرهم واجعل لهم من لدنك

سلطانا نصيرا وعجل فرجه وامكنه من

اعدائك واعداء رسولك يا ارحم الراحمين

اللهم رب السموات السبع ورب



الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وما
زمینهای هفت و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و آنچه
تحتهن ورب العرش العظيم ورب جبرئيل
زیر آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار جبرئیل
وميكائيل واسرافيل ورب السبع المثاني
و میکائیل و اسرافیل و پروردگار سوره فاتحه
والقرآن العظيم ورب محمد خاتم النبيين
و قرآن عظیم و پروردگار محمد خاتم پیغمبران
صل على محمد وآله واسئلك باسمك الاعظم
رحمت بفرست بر محمد و آل او و سوال میکنم ترا بحق نام عظیم تو
الذي به تقوم السموات والارض وبه
که بآن بر پا ایستاده است آسمانها و زمین و بآن
تحيي الموتى وترزق الاحياء وتفرق بين
زنده میکنی مردهها را و روزی میدهی زندهها را و پراکنده میکنی میان
الجميع وتجمع بين المتفرق وبه احصيت عدد
فراهم آمده و جمع میکنی میان پراکنده شده و بآن شمرده عدد
الاجال ووزن الجبال وكيل البحار
اجلها و وزن کوهها و کیل دریاها
اسئلك يا من هو كذلك ان تصلي على محمد
سوال میکنم ترا ای کسی که او چنین است اینکه رحمت بفرستی بر محمد

وآل محمد وان تفعل بي كذا وكذا
و آل محمد و اینکه بکنی با من فلان و فلان
بعد از آن سوال بکنی حاجت خود را بعد از آن سجده بکنی دو سجده شکر را
و بگوئی در آنها و بعد از آنها آنچه گذشت در باب اول **فصل** بعد از آنکه فارغ
شدی از آنچه تعلق بنماز ظهر دارد و برخیزی بنافله عصر و تکبیرة الاحرام بگوئی جهر دو
رکعت اول یا آن شش تکبیر دیگر زیرا که سنت نیست گفتن آنها در هیچ نافله مگر
در چهار جای اول نافله زوال و اول نافله مغرب و وتیره و یک رکعت آخر وتر
و میخوانی در نافله عصر آنچه خواهی از سورهها و بهتر آنست که بخوانی در آن و در غیر
آن سورههائی را که ترغیب واقع شده است در آنها از ائمه هدی علیهم السلام و چنانچه
یکی از آنها آنچه بیرون نرود وقت بخواندن آن و تحقیق که روایت شده است
از حضرت باقر علیه السلام که هر که بخواند سوره صف را در نمازهای واجبی و سنتی
خود بدارد خدای تعالی او را در یک صف با ملائکه خود و پیغمبران مرسل خود و هم
از آنحضرت است علیه السلام که هر که مداومت کند بسوره ق در نمازهای واجبی و سنتی
فراخ گرداند خدای تعالی برای او روزی او را و بدهد نامه اعمال او را بدست راست او
و حساب کند او را حسابی اندک و هم از آنحضرت است علیه السلام که بسیار بکنید تلاوت
سوره الحاقه را در نمازهای واجب و سنت زیرا که این از جمله ایمان بخدای تعالی
و رسول اوست صلی الله علیه و آله و بر گرفته نمیشود از خواننده آن ایمان
تا آنکه بمیرد و بعد از فارغ شدن دو رکعت اول بگوئی
اللهم انه لا اله الا انت الحي القيوم العلي
خداوندا بدرستی که نیست خدائی مگر تو زنده بخود پا بلند مرتبه



العظيم الحليم الكريم الخالق الرازق المحيي

بزرگ بردبار جوانمرد آفریننده روزی دهنده زنده کننده

المميت البدئ البديع لك الحمد ولك المن ولك

میراننده ابتدا کننده نوپدید آورنده از برای تست سپاس از برای تست منت و از برای

الكرم ولك الجود ولك الامر وحدك لا شريك

تست کرم و از برای تست جود و از برای تست امر تنهائی تو نیست شریکی از

لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد

برای تو ای یگانه ای یکتا ای بی نیاز ای کسی که زاینده نیست و زائیده نشده

ولم يكن له كفوا احد ولم يتخذ صاحبة

و نیست مراورا همتا کسی و فرا نگرفته است جفتی

ولا ولدا صل على محمد وآله وافعل بي كذا وكذا

و نه فرزندی رحمت بفرست بر محمد و آل او و بکن با من فلان و فلان

بعد از ان میگذاری دو رکعت دیگر و میگوئی بعد از نماز اللهم رب السموات السبع الخ

آن بعد از ان میگذاری دو رکعت دیگر و میگوئی بعد از آن

اللهم اني ادعوك بما دعاك به عبدك يونس

خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا بانچه خوانده است ترا بان بنده تو یونس در

اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه

حالی که رفت غضبناک پس دانست اینکه تنگ نمیگیریم بر او

فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت

پس ندا کرد در ظلمات که نیست خدائی مگر تو

سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت

پاکی یاد میکنم ترا بدرستی که من بودم از ستمکاران پس اجابت کردی

له ونجيته من الغم فانه دعاك وهو عبدك

از برای او و نجات دادی او را از غم پس بدرستی که او خواند ترا و او بنده تو بود

وانا ادعوك وانا عبدك وسألك وهو

و من میخوانم ترا و من بنده توام و سوال کرد ترا و او

عبدك وانا اسألك وانا عبدك ان تصلي

بنده تو بود و من سوال میکنم ترا و من بنده توام اینکه رحمت بفرستی

على محمد وآل محمد وان تستجيب لي كما استجبت

بر محمد و آل محمد و اینکه اجابت کنی برای من چنانکه اجابت کردی

له وادعوك بما دعاك به عبدك ايوب

برای او و من میخوانم ترا بانچه خواند ترا بان بنده تو ایوب

اذ مسه الضر فدعاك اني مسني الضر وانت

وقتی که رسیده بود او را بدحالی پس خواند ترا بدرستی که رسیده مرا بدحالی و تو

ارحم الراحمين فاستجبت له وكشفت ما به

رحیم ترین رحم کنندگانی پس اجابت کردی برای او و دفع کردی آنچه با او بود

من ضر واتيته اهله ومثلهم معهم فانه

از بدحالی و دادی باو اهل او را و مثل ایشان را با ایشان پس بدرستی که او

دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا

خواند ترا و او بنده تو بود و من میخوانم ترا و من

عَبْدُكَ وَسَأَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَ

بنده تو ترا و سوال کرد ترا و او بنده تو بود و من سوال میکنم ترا و

أَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

من بنده توام اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ لِي

راحت کنی از من چنانکه راحت کردی او و اینکه اجابت کنی از برای من

كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ

چنانکه اجابت کردی او را و میخوانم ترا بآنچه خواند ترا بآن یوسف

إِذْ فُرِّقَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَهْلِهِ وَإِذْ هُوَ فِي السِّجْنِ

در وقتی که جدا کردی میانه او و میانه اهل او و هنگامی که او در زندان بود

فَإِنْ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا

پس چنانکه او خواند ترا و او بنده تو بود و من میخوانم ترا و من

عَبْدُكَ وَسَأَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَسْأَلُكَ

بنده توام و سوال کرد ترا و او بنده تو بود و من سوال میکنم ترا

وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

و من بنده توام اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ

راحت دهی مرا چنانکه راحت دادی او را و اینکه اجابت کنی از برای

لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ

من چنانکه اجابت کردی او را پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن

أنا

بِي كَذَا وَكَذَا و ذکر میکنی حاجت خود را و بعد از آن میگذاری دو رکعت

من فلان و فلان آخر را و میگوئی بعد از نهایا من اظهر الجمیل و ستر القبیح

آخر آن و بعد از فارغ شدن از این اذان میگوئی از برای نماز عصر و فاصله میکنی

میان اذان و اقامت بسجده و دعا میکنی بآنچه گذشت در صبح و ظهر بعد از آن مشغول

بنماز عصر رعایت کننده جمیع آن آدابرا که سابقا مذکور شده و میخوانی در رکعت اول

سوره اذا جاء نصر الله والفتح یا سوره الهیکم التکاثر و مانند آنها در کوتاهی چنانکه

روایت کرده است آنرا شیخ طایفه در تهذیب از حضرت صادق بسند صحیح

بعد از فارغ شدن از نماز تعقیب بگو آنچه تعقیب کردی آن در ظهر مگر آنچه مخصوص

بظهر است و میگوئی بعد از آن آنچه مخصوص است اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا

تعقیب نماز عصر است و آن این است طلب آمرزش میکنم از خدای که نیست

إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ذَا الْجَلَالِ

خدای مگر او همیشه زنده بخود برپا بخشنده مهربان صاحب بزرگی

وَالْإِكْرَامِ وَأَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ

و کرامت و سوال میکنم او را اینکه قبول کند توبه مرا توبه بنده

ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بَائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لَا

خوار فروتنی کننده محتاج سخت محتاج بیچاره محتاج زنهار جوینده

يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيٰوةً

مالک نیست از برای خود ضرری و نه نفعی را و نه مردنی و نه زندگی و

وَلَا نُشُورًا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا

نه برانگیختن را خداوندا بدرستی که من پناه می‌آورم بتو از نفسی که

یعنی قدرت ندارد برآنکه بعد از مردن خود بخود برانگیخته شود بلکه خدا او را برمی‌انگیزاند

لاتشبع ومن قلب لایخشع ومن علم لاینفع ومن

سیر نشود و از دلی که فروتنی نکند و از علمی که نفع ندهد و از

صلوة لاترفع ومن دعاء لایسمع اللهم انی

نمازی که بالا برده نشود و از دعائی که شنیده نشود خداوندا بدرستی که من

اسئلک الیسر بعد العسر والفرج بعد الکرب

سؤال میکنم از تو آسانی بعد از دشواری و راحت بعد از اندوه

والرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة

و رفاهیت بعد از سختی خداوندا آنچه با ماست از نعمت

فمنک وحدک لا اله الا انت استغفرک و

پس از جانب تست تنهائی نیست خدائی مگر تو طلب آمرزش میکنیم از تو و

اتوب الیک و سنت است استغفار بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه و

توبه میکنیم بسوی تو قرائت سوره قدر ده مرتبه پس بتحقیق که روایت شده است

از حضرت صادق علیه السلم که فرموده که هر که بعد از نماز عصر استغفار کند هفتاد

مرتبه بیامرزد خدای تعالی هفتصد گناه او را و از حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلم که

فرموده که هر که بخواند انا انزلناه فی لیلة القدر ده مرتبه بعد از نماز عصر گذارد

آن از برای او برمثل اعمال آن روز و بعد از آن دو سجده شکر کن و بخوان در آنها

آنچه را پیش گذشت و باید که بروده اللهم انی وجهت وجهی

آخر آنچه میخوانی اینکه بگوئی خداوندا بدرستی که من گردانیدم روی خود را

الیک واقبلت بدعائی علیک راجیا اجابتک

بسوی تو و رو آورده ام بدعای خود بر تو امیدوار اجابت ترا

طامعا فی مغفرتک طالبا ما وایت به علی

طمع دارنده در آمرزش تو طلب کننده آنچه را عهد کرده بآن بر

نفسک متنجزا وعدک اذ تقول ادعونی

نفس خود سؤال کننده وفا آوردن وعده خود را آنگاه که میگوئی بخوانید مرا

استجب لکم فصل علی محمد وآل محمد واقبل الی

اجابت کنم برای شما پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رو کن بسوی من

بوجهک وارحمنی واستجب دعائی یا اله العالمین

بروی خود و رحم کن مرا و اجابت کن دعای مرا ای پروردگار عالمیان

فصل بتحقیق که گذشت که روز قسمت شده بدوازده ساعت و هر یک از آنها

منسوبست بیکی از ائمه اثنا عشر علیهم السلم و از برای هر یک از آنها دعائیست که

مخصوص بآنست و بتحقیق که ما ذکر کردیم دعاهای چهار ساعت که منسوبند بچهار امام

و میگوئیم در تتمیم مرام که ساعت پنجم پس آن از زوال آفتابست تا گذشتن مقدار

چهار رکعت و این از حضرت باقرست علیه السلم و این دعای آنست و

بهتر آنست که بخوانی این را بعد از رکعت دوم از نافله زوال

اللهم انت الله الذی لا اله الا هو الحی

خداوندا توئی خدائی که نیست خدائی مگر او همیشه زنده

القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم هو الذی

بخود برپا فرا نمیگیرد او را پینکی و نه خواب اوست آنکه

لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن

نیست خدائی مگر او دانای پنهان و حاضر اوست بخشاینده



الرَّحِيمِ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ
مهربان اوست اول و آخر و ظاهر و باطن
وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَاعِلُ
و او بهمه چیزها داناست شکافنده صبح و گرداننده
اللَّيْلِ سَكَناً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَاناً ذَلِكَ تَقْدِيرُ
شب چیزیرا که آرام کرده و آفتاب و ماه را حسابی اینست تقدیر
الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ يَا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا شَاهِداً
غالب و دانا ای غالبی که مغلوب نشود و ای حاضری
لَا يَغِيبُ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي لَا إِلَهَ
که غایب نشود ای نزدیک ای اجابت کننده اینست خدای پروردگار من نیست
إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ أَتَذَلَّلُ
مگر او برو توکل کرده ام و بسوی او بازگشت میکنم فروتنی میکنم
إِلَيْكَ تَذَلُّلَ الطَّالِبِينَ وَأَخْضَعُ بَيْنَ يَدَيْكَ
بسوی تو فروتنی کردن طلب کنندگان و خواری میکنم در پیش تو
خُضُوعَ الرَّاغِبِينَ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ الْفَقِيرِ
زاری کردن رغبت کنندگان و سوال میکنم ترا سوال فقیر
الْمِسْكِينِ وَأَدْعُوكَ تَضَرُّعاً وَخِيفَةً إِنَّكَ لَا
بیچاره محتاج و میخوانم ترا زاری کننده و نهان کننده بدرستی که تو
تُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَأَدْعُوكَ خَوْفاً وَطَمَعاً إِنَّ
دوست نمیداری از حد درگذرندگان و میخوانم ترا ترسنده و طمع دارنده بدرستی

رَحْمَتَكَ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِخِيَرَتِكَ
رحمت تو نزدیکست بنیکوکاران و متوسل میشوم بسوی تو به برگزیده تو
وَصَفْوَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ
و اصحاب برگزیده تو از جمیع عالمیان که آورده است صدق را و
صَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّذِيرِ
تصدیق کرده است رسولانرا محمد بنده تو و رسول تو ترساننده
الْمُبِينِ وَبِوَلِيِّكَ وَعَبْدِكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
ظاهر و بدوست تو و بنده تو علی بن ابی طالب
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْإِمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ
امیر مؤمنان و بامام محمد بن علی شکافنده
عُلُومِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالْعَالِمِ بِتَأْوِيلِ
علمهای پیشینیان و پسینیان و دانا بتأویل
الْكِتَابِ الْمُسْتَبِينِ وَأَسْأَلُكَ بِمَكَانِهِمْ عِنْدَكَ
کتاب ظاهر و سوال میکنم ترا بحق منزلت ایشان نزد تو
وَأُقَدِّمُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي أَنْ
در حالیکه مقدم داشته ام ایشانرا پیش خود و پیش حاجتهای خود
تُوزِعَنِي شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنْ نِعَمِكَ وَ
در دل من انداز شکر آنچه نعمت داده بمن از نعمتهای خود و
تَجْعَلَ لِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً مِنْ كُلِّ كَرْبٍ وَ
بگردانی از برای من گشادگی و بیرون رفتن از هر اندوه



غم وترزقنی من حیث احتسب ومن حیث
غم و روزی کنی مرا از انجا که گمان دارم و از انجا که
لا احتسب وتیسر لی من فضلک ما تغنینی
گمان ندارم و میسر کنی برای من از فضل خود آنچه غنی گردانی مرا
به عن کل مطلب واقذف فی قلبی رجاءک
بآن از هر مطلبی و بیفکن در دل من امید ترا
واقطع رجائی ممن سواک حتی لا ارجو الا
و ببر امید مرا از کسی که غیر تست تا اینکه امید نداشته باشم مگر
ایاک انک تجیب الداعی اذا دعاک وتغیث
ترا بدرستی که تو اجابت میکنی خواننده را هرگاه بخواند و فریاد رسی
الملهوف اذا ناداک وانت ارحم الراحمین
ستمدیده را هرگاه آواز کند ترا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی
واما ساعت ششم پس آن از گذشتن مقدار چهار رکعت از زوال
نماز ظهر و این از حضرت صادق است علیه السلم و این دعای آن
نوبت که بخوانی این دعا را بعد از اللهم انت انزلت
رکعت ششم از نماز زوال خداوندا تو فرو فرستاده
الغیث برحمتک وعلمت الغیب بمشیئتک ودبرت
باران را برحمت خود و دانسته غیب را باراده خود و تدبیر کرده
الامور بحکمتک وذللت الصعاب بعزتک
کارها را بحکمت خود و آسان کرده دشوارها را بغلبه خود

واعجزت العقول عن علم کیفیتک وحجبت
و عاجز کرده عقلها را از دانستن چگونگی خود و پوشانیده
الابصار عن ادراک صفتک والاوهام
دیده ها را از دریافتن صفت خود و وهمها را
عن حقیقة معرفتک واضطرت الافهام
از حقیقت شناخت خود و مضطر کرده فهمها را
الی الاقرار بوحدانیتک یا من یرحم العبرة
باقرار بیکانگی خود ای کسی که رحم میکند اشک را
ویقیل العثرة لک العزة والقدرة لا یعزب
و در میگذرد از لغزش را از برای تست غلبه و قدرت پنهان نیست
عنک فی الارض ولا فی السماء مثقال ذرة
از تو در زمین و نه در آسمان همسنگ ذره
اتوسل الیک بالنبی الامی محمد رسولک العربی
توسل میجویم بسوی تو به پیغمبر امی محمد رسول تو عربی
المکی المدنی الهاشمی الذی اخرجتنا به من
مکی مدنی هاشمی آنکه بیرون آوردی ما را بسبب او از
الظلمات الی النور وبامیر المؤمنین علی بن
ظلمات بسوی نور و بامیر مؤمنان علی بن
ابی طالب علیه السلم الذی شرحت بولایته
ابی طالب علیه السلم آنکه وسعت دادی بدوستی او



الصُّدُورِ وَ بِالْإِمَامِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ
سینه‌ها را و بامام جعفر بن محمد راست گو
فِي الْأَخْبَارِ الْمُؤْتَمَنِ عَلَى مَكْنُونِ الْأَسْرَارِ صَلَّى
در خبرها امین بود بر پوشیده سرها رحمت کناد
اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ
خدا براو و بر اهل بیت او در شام و صبح
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِهِمْ وَأَسْتَشْفِعُ بِمَكَانِهِمْ
خداوندا من سوال میکنم ترا بایشان و شفاعت میجویم بمرتبه ایشان
لَدَيْكَ وَأُقَدِّمُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي
نزد تو و مقدم میدارم ایشان را پیش خود و پیش حاجتهای خود
فَأَعْطِنِي الْفَرَجَ الْهَنِيَّ وَالْمَخْرَجَ الْوَحِيَّ وَالصُّنْعَ
پس عطا کن بمن گشایش آسان و بیرون رفتن زود و چاره
الْقَرِيبَ وَالْأَمَانَ مِنَ الْفَزَعِ فِي الْيَوْمِ الْعَصِيبِ
نزدیک و امان از هول در روز سخت
وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مُوبِقَاتِ الذُّنُوبِ وَتَسْتُرَ عَلَيَّ
و اینکه بیامرزی برای من هلاک کننده‌های گناهان را و بپوشانی بر من
فَاضِحَاتِ الْعُيُوبِ فَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ
رسوا کننده‌های عیبها را پس تو پروردگاری و من پرورده شده
وَأَنَا الطَّالِبُ وَأَنْتَ الْمَطْلُوبُ وَأَنْتَ الَّذِي
و من طلب کننده‌ام و تو طلب کرده شده و توئی آنکه

بِذِكْرِكَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَأَنْتَ الَّذِي تَقْذِفُ
بیاد آوری تو آرام میگیرد دلها و توئی آنکه می اندازی
بِالْحَقِّ وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ
حق را و توئی دانای غیبها ای گرامی ترین گرامی تران
وَيَا خَيْرَ الْفَاصِلِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَ
و ای بهترین جدا کنندگان و ای حاکم ترین حکم کنندگان و
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واما عتمه یعنی پس از نماز ظهر است تا که تنفل
ای رحیم ترین رحم کنندگان مقدار چهار رکعت پیش از عصر و این از حضرت
کاظم است بسم الله اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْمَرْجُوُّ إِذَا اشْتَدَّ الْأَمْرُ
این دعای است خداوندا توئی امید داشته شده هرگاه سخت شود کار
وَأَنْتَ الْمَدْعُوُّ إِذَا مَسَّ الضُّرُّ وَمُجِيبُ الْمَلْهُوفِ
و توئی خوانده شده هرگاه برسد بدحالی و اجابت کننده ستم رسیده
الْمُضْطَرِّ وَالْمُنْجِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ لَهُ
بیچاره و نجات دهنده از تاریکیهای بیابان و دریا و کسی که از برای اوست
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ وَالْعَالِمُ بِوَسَاوِسِ الصُّدُورِ وَ
خلق و امر و داناست بوسوسه‌های سینه
الْمُطَّلِعُ عَلَى خَفِيِّ السِّرِّ يَا غَايَةَ كُلِّ نَجْوَى وَ
و آگاه بر پنهان سر ای نهایت هر راز و
مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ
منتهای هر شکایت ای کسی که از برای اوست سپاس در آخرت



والاولى يا من خلق الارض والسموات العلى
الرحمن على العرش استوى له ما في السموات
وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى و
ان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى
الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى اسئلك
بمحمد خاتم النبيين خيرتك من خلقك و
المؤتمن على اداء رسالتك وبامير المؤمنين
علي بن ابي طالب الذي جعلت ولايته مفروضة
مع ولايتك ومحبته مقرونة برضاك و
محبتك وبالامام الكاظم موسى بن جعفر

عليهما السلم الذي سئلك ان تفرغه لعبادتك
وتخليه لطاعتك فاجبت دعوته ان تصلي على
محمد وآله صلوة تقضي بها عني واجب حقوقهم
وترضي بها في اداء فروضهم واتوسل اليك
بهم واستشفع بمنزلتهم وقد قدمتهم امامي
وبين يدي حوائجي ان تجريني على جميل
عوائدك وتمنحني جزيل فوائدك وتاخذ
بسمعي وبصري وناصيتي وقلبي و
عزمتي ولبي الى ما تعينني به على هواك و
تقربني من اسباب رضاك وتوجب لي



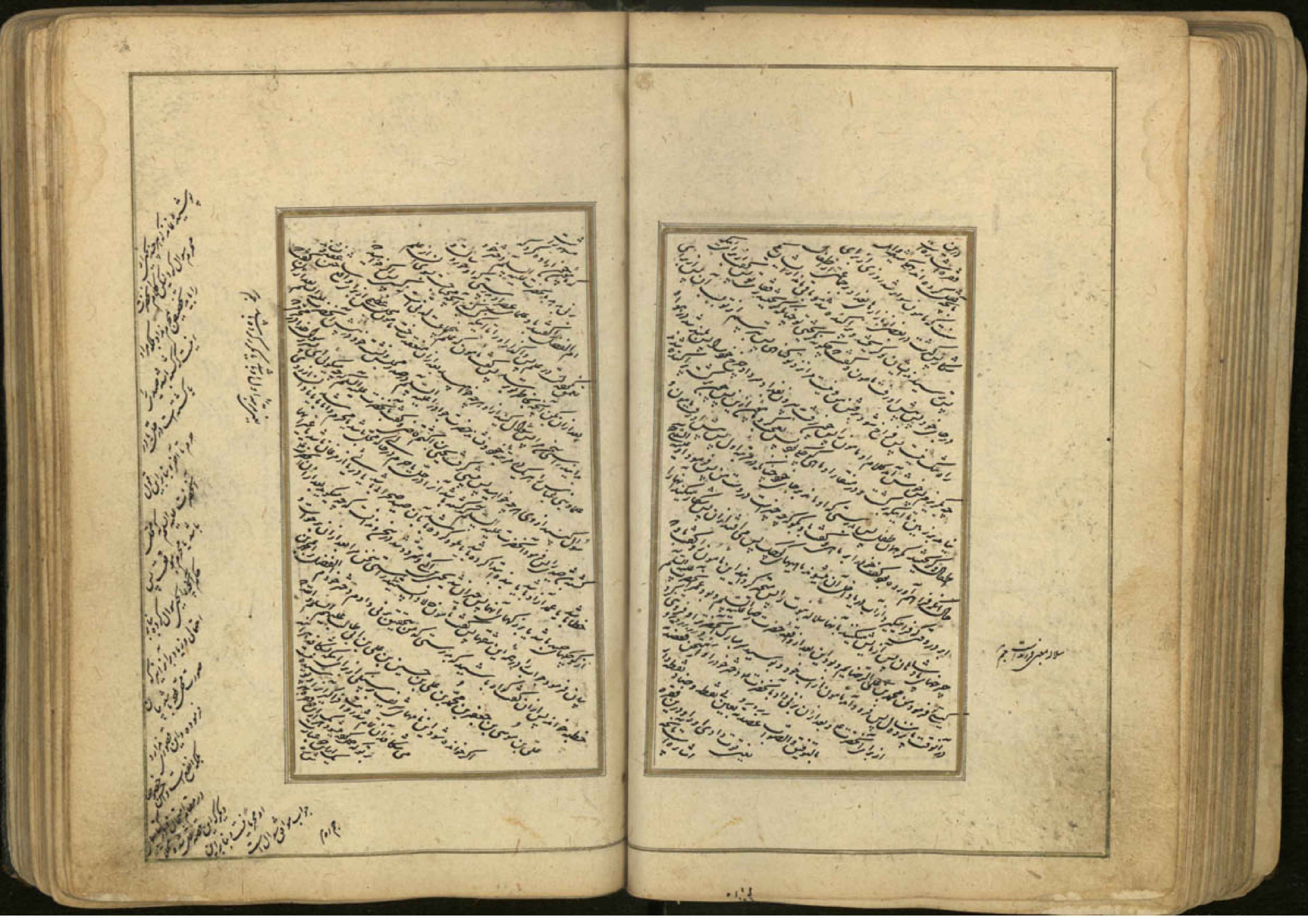
نوافل فضلك وتستديم لي منايح طولك يا
زیادتیهای فضل خود و همیشه داری برای من عطاهای ... خود را ای
ارحم الراحمين و اما ساعت هشتم پس از گذشتن چهار رکعت
رحیم‌ترین رحم کنندگان پیش از عصر تا نماز عصر و این از حضرت امام رضا
صلوات الله علیه اللهم انت الكاشف للملمات و
این دعای است خداوندا تو ای رفع کننده مصیبتها و
الكافي للمهمات والمفرج للكربات و
کفایت کننده مهمها و برطرف کننده اندوهها و
السامع للاصوات والمخرج من الظلمات و
شنونده آوازها و بیرون آورنده از تاریکیها و
المجيب للدعوات الراحم للعبرات جبار
اجابت کننده دعاها رحم کننده مر اشکها را ای ... کننده
الارض والسموات يا ولي يا مولى يا علي يا
زمین و آسمانها ای ولی ای پادشاه ای پروردگار ای بلند مرتبه ای
اعلى يا كريم يا اكرم يا من له الاسم الاعظم
بلند مرتبه‌تر ای بزرگوار ای بزرگوارتر ای کسی که از برای اوست نام بزرگ
يا من علم الانسان ما لم يعلم فاطر السموات
ای کسی که تعلیم کرده است آدمی را آنچه ندانسته آفریننده آسمانها
والارض وهو يطعم ولا يطعم اسألك بمحمد
و زمین و او طعام میکند و اطعام کرده نمیشود سوال میکنم ترا بحق محمد

المصطفى من الخلق المبعوث بالحق وبامير المؤمنين
برگزیده ذات از خلق فرستاده شده بحق و بحق امیر المؤمنین
الذي اوليته فالفيته شاكرا وابتليته
که نعمت دادی ورا پس یافتی ورا شکر کننده و آزمایش کردی او را
فوجدته صابرا وبالامام الرضا علي بن موسى
پس یافتی او را صبر کننده و بحق امام رضا علی بن موسی
الذي وفى بعهدك ووثق بوعدك واعرض
آنکه وفا کرد بعهد تو و اعتماد داشت بوعده تو و رو گردانید
عن الدنيا وقد اقبلت اليه ورغب عن زينتها
از دنیا و حال آنکه رو آورده بود بسوی او و رغبت کرد از زینت دنیا
وقد رغبت فيه ان تصلي على محمد وال محمد
و حال آنکه بتحقیق رغبت کرده ... آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد
فقد توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي و
پس بتحقیق که متوسل شده‌ام بایشان بسوی تو و مقدم داشته‌ام ایشان را پیش خود
بين يدي حوائجي ان تهديني الى سبل مرضاتك
پیش پیش حاجتهای خود آنکه هدایت کنی مرا بسوی راههای خوشنودی تو
وتيسر لي اسباب طاعتك وتوفقني لا
و آسان گردانی برای من اسباب طاعت تو و توفیق دهی مرا برای
بتغاء الزلفة بموالات اولياءك وادراك
طلب کردن نزدیکی بسبب دوست داشتن دوستان تو و دریافتن



الحظوة من معاداة اعدائك وتعيينني على
منزلت بواسطهٔ دشمنی کردن با دشمنان و یاری کنی مرا بر
اداء فروضك واستعمال سننك وتوفقني
جا آوردن فرضهای تو و بکار بردن سنتهای تو و توفیق دهی مرا
على الحجة المؤدية الى العتق من عذابك و
بر جاده‌ای که برساند بسوی آزادی از عذاب تو و
الفوز برحمتك يا ارحم الراحمين
فیروزی برحمت تو ای رحیم‌ترین رحم کنندگان
اللهم يا خالق الانوار
خداوندا ای آفریننده نورها
ومقدر الليل والنهار تعلم ما تحمل كل انثى
و تقدیر کننده شب و روز میدانی آنچه را بار دارد هر ماده
وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء
و آنچه کم میکند رحمها و آنچه زیاد میکنند و همه چیزی
عنده بمقدار اذا تفاقم امر طرح عليك و
نزد او باندازه است هرگاه بزرگ باشد کاری راه چه میشود بر تو
اذا غلقت الابواب قرع باب فضلك واذا
هرگاه بسته شود درها کوبیده میشود درگاه فضل تو و هرگاه
ضاقت الحاجات فزع الى سعة طولك و
تنگ شود همه حاجتها پناه آورده میشود بگشادگی توانگری تو و

اذا انقطع الامل من الخلق اتصل بك واذا وقع
هرگاه بریده شود امید از خلق پیوسته میشود بتو و هرگاه واقع
الياس من الناس وقف الرجاء عليك اسئلك
شود ناامیدی از مردم می ایستد آرزو بر در تو سوال میکنم ترا
بحق النبي الاواب الذي انزلت عليه الكتاب
بحق پیغمبر بسیار بازگشت کننده که فرو فرستاده بر او کتاب
ونصرته على الاحزاب وهديتنا به الى
و یاری دادی او را بر احزاب و هدایت کرده ما را بسبب او بسوی
دار المآب وبامير المؤمنين علي بن ابي طالب
خانه بازگشت و بامیر مؤمنان علی بن ابی طالب
الكريم النصاب المتصدق في المحراب و
که گرامی اصل است تصدق کننده است در محراب و
بالامام الفاضل محمد بن علي عليه السلام
بامام فاضل محمد بن علی علیه السلام
الذي سئل فوفقته لرد الجواب و
که سوال کرده شد پس توفیق دادی او را از برای رد جواب و
امتحن فعضدته بالتوفيق والصواب صلى
آزمایش کرده شد پس یاری کردی او را بتوفیق و صواب رحمت کناد
الله عليه وعلى اهل بيته الاطهار
خدا بر او و بر اهل بیت او که پاکیزگانند



أن تجعل موالاتي لهم عصمة من النار و

اینکه بگردانی دوستی مرا ایشان نگاهداری از آتش و

محجة إلى دار القرار فقد توسلت بهم إليك

جاده بسوی خانه قرار پس بتحقیق که متوسل شدم بایشان بسوی تو

وقدمتهم أمامي وبين يدي حوائجي وأن

و مقدم داشتم ایشان را پیش خود و پیش پیش حاجتهای خود و اینکه

تعصمني من التعرض لمواقف سخطك وتوفقني

نگاهداری مرا از متعرض شدن جایگاه محل غضبت و توفیق دهی مرا

لسلوك سبيل محبتك ومرضاتك يا أرحم

از برای طی کردن راه محبت تو و خشنودی تو ای رحیم ترین

الراحمين

و اما ساعت نهم پس از دو ساعت بعد از نماز عصر [illegible] نزدیکی آفتاب و این از حضرت [illegible] و این دعای [illegible]

رحم کنندگان

اللهم أنت الولي الحميد الغفور الودود

خداوندا توئی پادشاه ستایش کرده شده آمرزنده محبت دارنده

المبدئ المعيد ذو العرش المجيد والبطش

ابتدا کننده عود فرماینده صاحب عرش بزرگ و قهر

الشديد فعال لما يريد يا من هو أقرب إلي

سخت کننده هرانچه را بخواهی ای کسی که او نزدیکتر است بسوی من

من حبل الوريد يا من هو على كل شيء

از حبل ورید ای کسی که او بر همه چیز

شهيد يا من لا يتعاظمه غفران الذنوب و

گواه است ای کسی که بزرگ نمینماید او را بخشیدن گناهان و

لا يكبر عليه الصفح عن العيوب أسألك

عظیم نیست براو درگذشتن از عیبها سوال میکنم ترا

بجلالك وبنور وجهك الذي ملأ أركان

ببزرگی تو و بنور ذات تو که پر کرده است رکنهای

عرشك وبقدرتك التي قدرت بها على

عرش ترا و بقدرت تو که تقدیر کرده با آن بر

خلقك وبرحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك

خلق خود و رحمت تو که گنجایش دارد هر چیز را و بقوت تو

التي ضعف لها كل قوي وبعزتك التي ذل لها

که ضعیف است از برای آن هر صاحب قوتی و بعزت تو که فروتن گردیده از برای آن

كل عزيز وبمشيئتك التي ضعف فيها كل

هر عزیزی و باراده تو که ضعیف است در آن هر

كبير وبرسولك الذي رحمت به العباد و

بزرگی و برسول تو که رحمت کرده باو بندگان را و

هديت به إلى سبل الرشاد وبأمير المؤمنين

هدایت کرده باو بسوی راه رشاد و بامیر مومنان

علي بن أبي طالب أول من آمن برسولك و

علی بن ابی طالب علیه السلام که اول کسی است که ایمان آورد برسول تو و



صَدَقَ وَالَّذِي وَفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ وَتَصَدَّقَ
تصدیق کرده و آنکه وفا کرده است بآنچه عهد کرده است برآن و تصدق داد
وَبِالْإِمَامِ الْبَرِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الَّذِي
و بامام نیکوکار علی بن محمد علیه السلام آنکه
كَفَيْتَهُ حِيلَةَ الْأَعْدَاءِ وَأَرَيْتَهُمْ عَجِيبَ
کفایت کردی او را از حیله دشمنان و نمودی ایشان عجیب
الْآيَةِ إِذْ تَوَسَّلُوا بِهِ فِي الدُّعَاءِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى
معجزه را که متوسل شدند باو در دعا اینکه رحمت فرستی بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ
محمد و آل محمد پس بتحقیق که شفاعت جسته ام بایشان بسوی تو و
قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَأَنْ
مقدم داشته ام ایشانرا پیش خود و پیش پیش حاجتهای خود و اینکه
تَجْعَلَنِي مِنْ كِفَايَتِكَ فِي حِرْزٍ حَرِيزٍ وَمِنْ
گردانی مرا از کفایت خود در پناه محکمی و از
كِلَاءَتِكَ تَحْتَ عِزٍّ عَزِيزٍ وَتُوزِعَنِي شُكْرَ
نگاهبانی خود در زیر عزت عزیزی و در دل من اندازی شکر
آلَائِكَ وَمِنَنِكَ وَتُوَفِّقَنِي لِلْاعْتِرَافِ
نعمتهای ترا و منتهای ترا و توفیق دهی مرا از برای اعتراف کردن
بِأَيَادِيكَ وَنِعَمِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فصل
باحسانهای تو و نعمتهای تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و ادعیه ساعت یازدهم پس از نزدیک غروب آفتاب تا زردی آن
و این از حضرت عسکری علیه السلام و این دعای آن است
اللَّهُمَّ إِنَّكَ مُنَزِّلُ الْقُرْآنِ وَخَالِقُ الْإِنْسِ وَ
خداوندا بدرستی که تو نازل کننده قرآن و آفریننده انس و
الْجَانِّ وَجَاعِلُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ بِحُسْبَانٍ الْمُبْتَدِئُ
جان و گرداننده آفتاب و ماه بحساب ابتدا کننده
بِالطَّوْلِ وَالْامْتِنَانِ وَالْمُبْدِئُ لِلْفَضْلِ وَالْإِحْسَانِ
بنعمت و احسان و آفریننده فضل و احسان
وَضَامِنُ الرِّزْقِ لِجَمِيعِ الْحَيَوَانِ لَكَ الْمَحَامِدُ
و ضامن روزی از برای همه صاحب حیوة از برای تست حمدها
وَالْمَمَادِحُ وَمِنْكَ الْعَوَائِدُ وَالْمَنَائِحُ وَإِلَيْكَ
و مدحها و از تست احسانها و عطاها و بسوی تو
يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ وَأَنْتَ
بالا میرود سخنان نیکو و عمل صالح و توئی
الْعَالِمُ بِمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَالْجَوَارِحُ أَسْأَلُكَ
دانا بآنچه پنهان میکنند سینه ها و عضوهای انسان سوال میکنم ترا
بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسُولِكَ إِلَى الْكَافَّةِ
بحق محمد رحمت کند خدا بر او و آل او رسول تو بسوی همگی خلق تو
وَأَمِينِكَ الْمَبْعُوثِ بِالرَّحْمَةِ وَالرَّأْفَةِ وَبِأَمِيرِ
و امین تو که فرستاده شده بسبب رحمت و مهربانی و بحق امیر

یعنی فرستاده شده بسبب رحمت و مهربانی خدای تعالی بر عالمیان یعنی رحمت که فرستاده شده



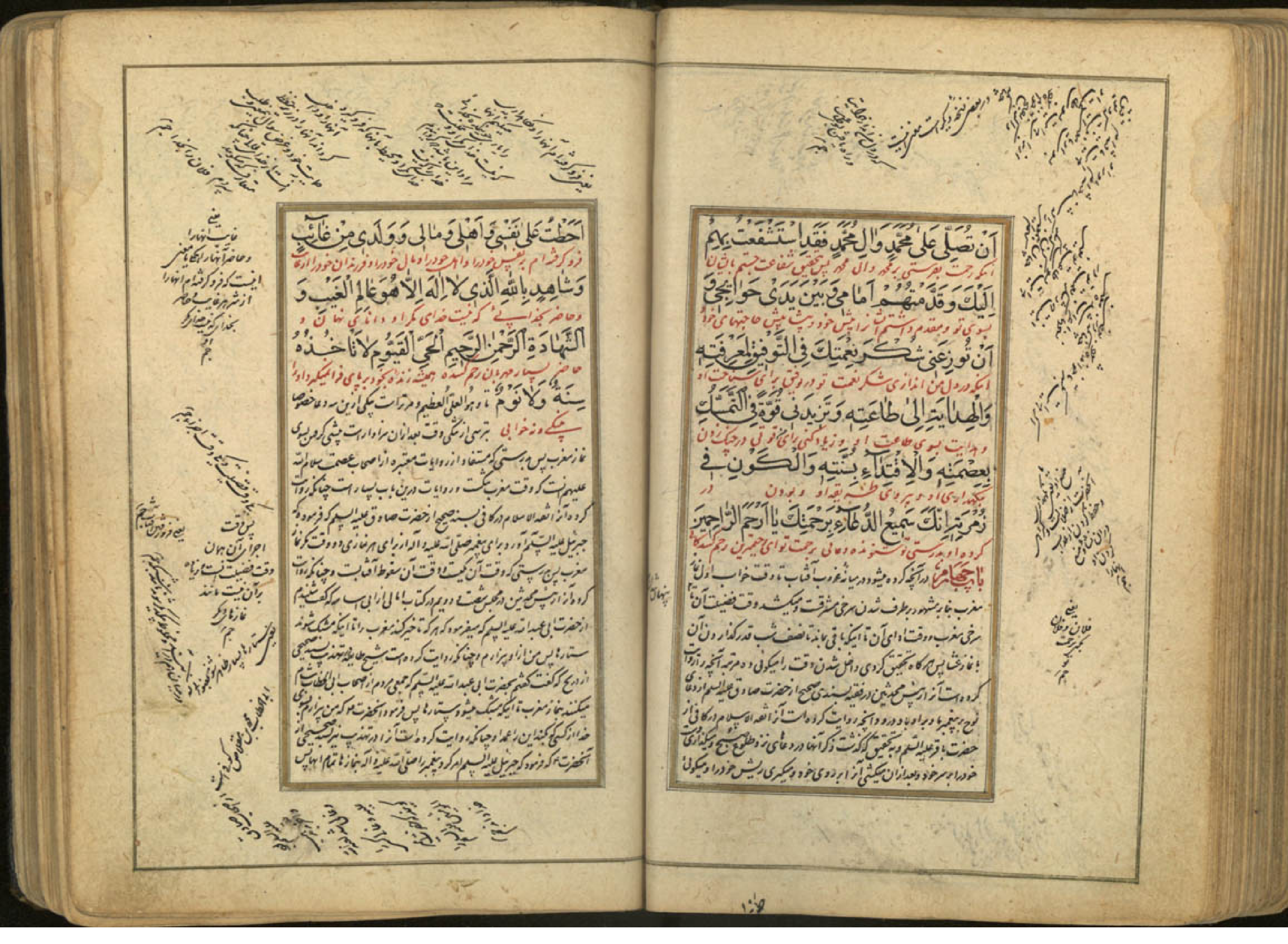
المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام المفترض
مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام که فرض کرده شده
طاعته على القريب والبعيد المؤيد بنصرك
طاعت او بر نزدیک و دور تایید کرده شده بیاری تو
في كل موقف مشهود وبالامام الحسن بن علي
در هر موقف مشهودی و بحق امام حسن بن علی
الذي طرح للسباع فخلصته من مرابضها و
آنکه انداخته شده از برای سباع پس خلاص کردی او را از مرابض آنها
امتحن بالبلاء وآب الصعاب فذللت له
امتحان کرده شده بیماریها و صعب پس رام کردی برای او
مراكبها ان تصلي على محمد وآل محمد فقد
آنها را اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس بتحقیق که
توسلت بهم اليك وقدمتهم امامي و
متوسل شده ام بایشان بسوی تو و مقدم داشته ام ایشان را پیش خود و
بين يدي حوائجي وان ترحمني بالتوفيق لترك
پیش حاجتهای خود و اینکه رحم کنی مرا بتوفیق دادن از برای ترک
معاصيك ما ابقيتني وتعينني على التمسك
عصیان تو چند که باقی داری مرا و یاری کنی بر چنگ زدن
بطاعتك ما احييتني وان تختم لي با
بطاعت تو چند که زنده داری مرا و اینکه ختم کنی از برای من به

لخيرات اذا توفيتني وتفضل علي باليسير
خیرات هرگاه بمیرانی مرا و تفضل کن بر من باسان گرفتن
اذا حاسبتني وتهب لي العفو اذا كاشفتني و
هرگاه حساب کنی مرا و ببخشی برای من عفو هرگاه دور داری پرده از من
لا تكلني الى نفسي فاضل ولا تحوجني الى
و اگذاری مرا بسوی نفس من پس گمراه شوم و محتاج گردان مرا بسوی
غيرك فاذل ولا تحملني ما لا طاقة لي به
غیر تو پس خوار شوم و بار مکن مرا آنچه نباشد طاقت از برای من بآن
فاضعف ولا تبتليني بما لا صبر لي عليه فاعجز
پس ضعیف شوم و مبتلا مکن مرا بآنچه نباشد صبر از برای من بآن پس عاجز شوم
واجرني على جميل عوائدك عندي ولا تواخذني
و جاری دار مرا بر نیکوی احسانهای تو که نزد من است و مگیر مرا
بسوء فعلي ولا تسلط علي من لا يرحمني
ببدی کردار من و مسلط گردان بر من کسی را که رحم نکند
برحمتك يا ارحم الراحمين
برحمت تو ای رحیمترین رحم کنندگان
اللهم يا خالق
السقف المرفوع والمهاد الموضوع ورازق العاصي
سقف بلند کرده شده و بساط پهن کرده شده و روزی دهنده عاصیان



وَالْمُطِيعِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ
و اطاعت کننده که نیست مر او را از غیر او دوستی و نه شفاعت کننده
أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا سُمِّيَتْ عَلَى طَوَارِقِ
سوال میکنم ترا بحق نامهای تو که هرگاه نام برده شوند بر حادثهای
الْعُسْرِ عَادَتْ يُسْرًا وَإِذَا وُضِعَتْ عَلَى الْجِبَالِ كَانَتْ
دشواری بر میگردند بآسانی و هرگاه که گذاشته شوند بر کوهها میگردند
هَبَاءً مَنْثُورًا وَإِذَا رُفِعَتْ إِلَى السَّمَاءِ تَفَتَّحَتْ لَهَا
ریزهای پراکنده شده و هرگاه بالا برده شوند بسوی آسمان گشوده شود از برای آنها
الْمَغَالِقُ وَإِذَا هَبَطَتْ إِلَى ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ
درهای بسته شده و هرگاه پایین برده شوند بسوی تاریکیهای زمین گشاده میشود
لَهَا الْمَضَائِقُ وَإِذَا دُعِيَتْ بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ
از برای آنها تنگیها و هرگاه خوانده شوند بآنها مردها پراکنده شوند
مِنَ اللُّحُودِ وَإِذَا نُودِيَتْ بِهَا الْمَعْدُومَاتُ
از لحدها و هرگاه ندا کرده شوند بآنها معدومات
خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ وَإِذَا ذُكِرَتْ عَلَى
بیرون آیند بسوی وجود و هرگاه یاد کرده شوند بر
الْقُلُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعًا وَإِذَا قَرَعَتِ الْأَسْمَاعَ
دلها بترسند از روی خشوع و هرگاه کوبیده شوند بگوشها
فَاضَتِ الْعُيُونُ دُمُوعًا أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ
روان شوند دیدهها از اشکها سوال میکنم ترا بحق محمد رسول تو

الْمُؤَيَّدِ بِالْمُعْجِزَاتِ الْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ
که تایید کرده شده بمعجزات فرستاده شده بآیات محکم
وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ طَالِبٍ الَّذِي اخْتَرْتَهُ
و بحق امیر مومنان علی بن طالب که اختیار کرده او را
لِمُوَاخَاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ وَاصْطَفَيْتَهُ لِمُصَافَاتِهِ وَ
از برای برادری خود و وصی او و برگزیده او را از برای خالص بودن با او
مُصَاهَرَتِهِ وَبِصَاحِبِ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي
و داماد او و بحق صاحب زمان مهدی که
تَجْمَعُ عَلَى طَاعَتِهِ الْآرَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ وَتُؤَلِّفُ بِهِ
جمع میکنی بر طاعت او رأیهای پراکنده را و الفت میدهی بسبب او
بَيْنَ الْأَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ
میان خواهشهای مختلف و خلاص میکنی باو حقهای
أَوْلِيَائِكَ وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شِرَارِ أَعْدَائِكَ وَ
دوستان خود را و انتقام میگیری باو از بدان دشمنان خود و
تَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَإِحْسَانًا وَتُوَسِّعُ عَلَى الْعِبَادِ
پر میکنی باو زمین را از عدل و احسان و فراخ میکنی روزی بر بندگان
بِظُهُورِهِ فَضْلًا وَامْتِنَانًا وَتُعِيدُ الْحَقَّ إِلَى مَكَانِهِ
بسبب ظهور او فضل و احسان را و عود میدهی حق را بسوی مکان او
عَزِيزًا حَمِيدًا وَتُرْجِعُ الدِّينَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا
عزیز پسندیده شده و بر میگردانی دین را بر دست او تازه نو



أن تصلّي على محمد وآل محمد فقد استشفعت بهم

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس بتحقیق شفاعت جستم بایشان

إليك وقدّمتهم أمامي وبين يدي حوائجي و

بسوی تو و مقدم داشتم ایشانرا پیش خود و پیش پیش حاجتهای خود

أن توزعني شكر نعمتك في التوفيق لمعرفته

اینکه در دل من اندازی شکر نعمت تو در توفیق برای شناخت او

والهداية إلى طاعته وتزيدني قوّة في التمسّك

و هدایت بسوی طاعت او و زیاد کنی برای من قوتی در چنگ زدن

بعصمته والاقتداء بسنّته والكون في

بریسمان او و پیروی طریقه او و بودن در

زمرته إنّك سميع الدعاء برحمتك يا أرحم الراحمين

گروه او بدرستی که تو شنونده دعائی برحمت تو ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

باب چهارم در آنچه کرده میشود در میانه غروب آفتاب تا وقت خواب اول نماز
مغرب بجا آورده میشود در طرف شدن سرخی مشرق و میکشد وقت فضیلت آن تا
سرخی مغرب و وقت ادای آن تا اینکه باقی بماند تا نصف شب قدر گذاردن آن
با نماز عشا پس هرگاه بتحقیق کردی داخل شدن وقت را نیکوست دو مرتبه آنچه روایت
کرده است آنرا رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام از دعای
نوح پیغمبر بر او باد درود و آنچه روایت کرده است آنرا ثقة الاسلام در کافی از
حضرت باقر علیه السلام و بتحقیق گذشت ذکر آنها در دعای نزد طلوع صبح و میگذاری
دو دست خود را بر سر خود و بعد از آن میکشی آنرا بر روی خود و بگیری ریش خود را و میگوئی

أحطت على نفسي وأهلي ومالي وولدي من غائب

فرو گرفتم بنفس خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزندان خود را از غائب

وشاهد بالله الذي لا إله إلّا هو عالم الغيب و

و حاضر بخدایی که نیست خدای مگر او داننده پنهان و

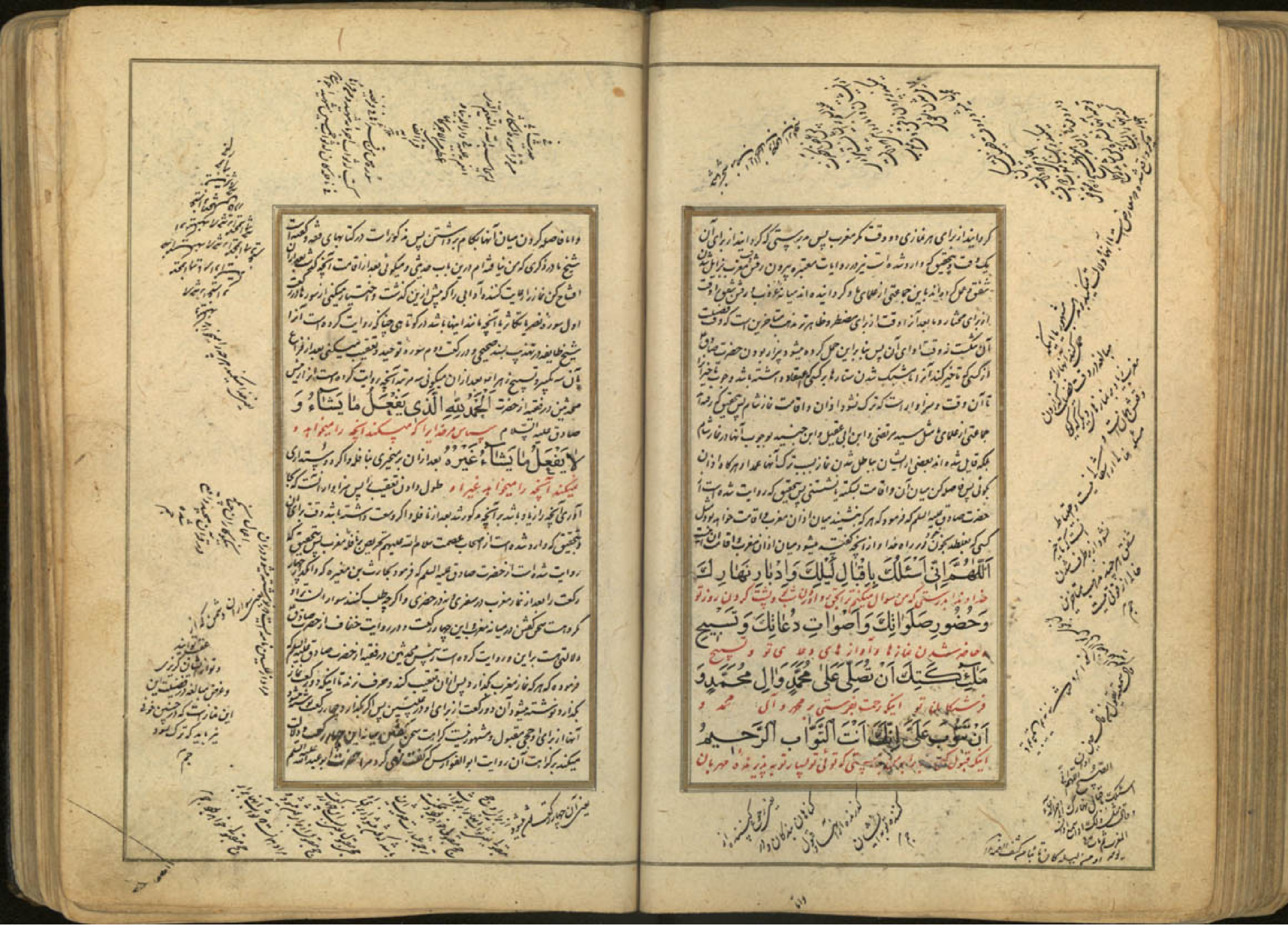
الشهادة الرحمن الرحيم الحيّ القيّوم لا تأخذه

حاضر بسیار مهربان رحم کننده همیشه زنده بخود برپای فرا نمیگیرد او را

سنة ولا نوم تا وهو العلي العظيم و قرائت میکنی این سه دعا خصوصا

پینکی و نه خوابی

بترسی از تنگی وقت بعد از آن بر او وارد است پیشی گرفتن بسوی
نماز مغرب پس بدرستی که مستفاد از روایات معتبره از اصحاب عصمت سلام الله
علیهم آنست که وقت مغرب تنگ است و روایات درین باب بسیار است چنانکه روایت
کرده است آنرا ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که
جبرئیل علیه السلام آورد برای پیغمبر صلی الله علیه و آله از برای هر نمازی دو وقت مگر نماز
مغرب پس بدرستی که وقت آن یکیست و وقت آن سقوط آفتاب و چنانکه روایت
کرده است آنرا رئیس محدثین در مجالس شیخ صدوق و در کتاب امالی از ابی اسامه که گفت شنیدم
از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که میفرمود که هر که تاخیر کند مغرب را تا اینکه مشتبک شوند
ستاره‌ها پس من از او بیزارم و چنانکه روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیحی
از ذریح که گفت گفتم بحضرت ابی عبدالله علیه السلام که جمعی از مردم از اصحاب ابی الخطاب نماز
میکنند نماز مغرب را تا اینکه مشتبک شوند ستاره‌ها پس فرمود آنحضرت که من بیزارم بسوی
خدا از کسی که بکند این را عمداً و چنانکه روایت کرده است آنرا در تهذیب نیز بسند صحیحی از
آنحضرت که فرمود که جبرئیل علیه السلام امر کرد پیغمبر را صلی الله علیه و آله بنماز با تمام اهل پس



گردانیده‌اند برای هر نمازی دو وقت که مغرب پس هر پستی که گردانیده‌اند برای آن
یک وقت چنانچه وارد شده است نیز در روایات معتبره و بیرون رفتن مغرب نیز بزایل شدن
شفق است چنانچه گردانیده‌اند این جماعتی از علمای ما و گردانیده‌اند میانه غروب با رفتن شفق را وقت
از برای مختار و بعد از آن وقت از برای مضطر و ظاهرتر مذهب متأخرین است که وقت فضیلت
آن گذشت نه وقت ادای آن پس بنا بر این حمل کرده میشود بیزار بودن حضرت صادق ع
از کسی که تأخیر کند آنرا تا مشتبک شدن ستاره‌ها بر کسی که اعتقاد داشته باشد وجوب تأخیر را
تا آن وقت و سزاوار است که ترک نشود اذان و اقامت نماز شام پس چنانچه گمان کرده‌اند
جماعتی از علمای ما مثل سید مرتضی و ابن ابی عقیل و ابن جنید وجوب آنها در نماز شام
بلکه قایل شده‌اند بعضی از ایشان بباطل شدن نماز بسبب ترک آنها عمداً و هرگاه اذان
گوید پس فاصله کند میان آن و اقامت بیک نشستن پس چنانچه که روایت شده است از
حضرت صادق علیه السلم که فرمود که هر که بنشیند میان اذان مغرب و اقامت خواهد بود مثل
کسی که متشحط بخون در راه خدا و از آنچه گفته میشود میان اذان مغرب و اقامت این است

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاِقْبالِ لَيْلِكَ وَاِدْبارِ نَهارِكَ
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بآمدن شب تو و پشت کردن روز تو
وَحُضُورِ صَلَواتِكَ وَاَصْواتِ دُعاتِكَ وَتَسْبِيحِ
و حاضر شدن نمازها و آوازهای دعاهای تو و تسبیح
مَلٰئِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
فرشتگان تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و
اَنْ تَتُوبَ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ
اینکه قبول کنی توبه مرا بدرستی که توئی توبه پذیرنده مهربان

و اما فاصله کردن میان آنها بکلام برداشتن پس مذکورات در کتابهای فقه و کلمات
شیخ ما در ذکری که من نیافته‌ام در این باب حدیثی و میگوید بعد از اقامت آنچه گفت شیخ در آن
افتتاح کن نماز را و رعایت کند آدابی را که پیش از این گذشت و مستحب است خواندن یکی از سوره‌ها در رکعت
اول سوره و نصر یا تکاثر یا آنچه مانند اینها باشد در کوتاهی چنانچه روایت کرده است آنرا
شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوم سوره توحید و تعقیب میکند بعد از فراغ
از آن بتکبیر و تسبیح زهرا و بعد از آن میگوید سه مرتبه آنچه روایت کرده است از رئیس
محدثین در فقیه از حضرت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی يَفْعَلُ ما يَشاءُ وَ
صادق علیه السلم سپاس مر خدا را که میکند آنچه را میخواهد و
لا يَفْعَلُ ما يَشاءُ غَيْرُهُ بعد از آن بر میخیزی بنافله و اگر دوست داری
نمیکند آنچه را میخواهد غیر او طول دادن تعقیب پس سزاوار است که بجا
آوری آنچه را زیاده باشد بر آنچه مذکور شد بعد از نافله اگر وسعت داشته باشد وقت و
در تحقیق که وارد شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم تعجیل بعض تعقیب نافله مغرب پس چنانچه که
روایت شده است از حضرت صادق علیه السلم که فرمود بحارث بن مغیره که وا مگذار چهار
رکعت را بعد از نماز مغرب در سفر یا حضر و اگر چه طلب کنند سواران ترا و
گفته است ... در میانه مغرب این چهار رکعت و در روایت خلاف از حضرت صادق
دلالت است بر این و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلم که
فرموده که هر که نماز مغرب بگذارد و پس از آن تعقیب کند و حرف نزند تا اینکه دو رکعت نماز
بگذارد نوشته میشود آن دو رکعت از برای او در علیین پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته میشود
آنها از برای او حج مقبول و مشهور نیست کراهت سخن گفتن میان این چهار رکعت و دلالت
میکند بر کراهت آن روایت ابو الفوارس که گفت نهی کرد مرا حضرت ابو عبد الله علیه السلم



در سخن گفتن میانه چهار رکعتی که بعد از مغرب و همچنین که استدلال کرده است علامه در منتهی
باین روایت بر کراهت سخن گفتن میانه مغرب و این چهار رکعت و موافقت کرده است با
او شیخ ما شیخ شهید در ذکری برای استدلال و این چنانست که می بینی و اول وقت این
چهار رکعت فارغ شدن از نماز شام است و آخر آن بر مذهب مشهور برطرف شدن
شفقت در راه است رسانیده میشود و این چهار رکعت نماز عشاء خواه شروع شده باشد
و خواه نه و بنا باشد که قول شده باشد با نهایا وقت آنها تا آنکه باقی بماند بعد از
پیش از نصف شب بمقدار ادای نماز عشاء و همچنین که میل کرده است باین شیخ در ذکری
لیکن کلام علما در این باب شامل است در منتهی دلالت میکند بر اتفاق علمای ما بر آنکه آخر وقت آن
برطرف شدن شفقت پس معلوم نیست بنابراین از مشهور و هرگاه فوت شود وقت
آنها پس خوب است قضای آنها مانند باقی نوافل شبانروزی پس از حضرت صادق
روایت شده که فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که بدرستی که خدای تعالی مباهات
میکند به بنده که قضا کند نماز شب را در روز میگوید ای ملائکه من نگاه کنید بسوی بنده من
قضا میکند آنچه را واجب نگردانیده ام بر او گواه میگیرم شما را بدرستی که من آمرزیدم او را
و همچنین روایت شده از ائمه علیهم السلام در تفسیر قول خدای تعالی والذین هم علی صلوتهم دائمون
یعنی و آنکه ایشان بر نماز خود مداومت میکنند و الله تعالی یعلم که مراد و خیر که مداومت
میکنند بر نماز سنت اگر فوت شود از ایشان در شب قضا میکنند آن را در روز و اگر فوت
شود از ایشان در روز قضا میکنند آن را در شب و سزاوار است نزد شروع در آنها که
افتتاح کنی رکعت اول را آن هفت تکبیر با دعای آنها که گذشت و بخوانی بعد از حمد سوره
... و در رکعت دوم سوره قدر و اگر خواهی بخوانی در رکعت اول سوره حمد و
دوم سوره توحید و اگر اکتفا کنی بحمد تنها جایز است ترا چنانکه در باقی نافله های شبانروز

و سزاوار است بلند کردن قرائت در آنها و در جمیع اللّهمّ انّک تری
نوافل شب میگوئی بعد از فراغ از دو رکعت اول خداوندا بدرستی که تو می بینی
ولا تُرى وانت بالمنظر الاعلى وانّ اليك الرجعى
و دیده نمیشوی و تو بر منظر بلند تری و بدرستی که بسوی تست رجوع
والمنتهى وانّ لك المماتَ والمحيا وانّ لك الآخرة
و منتهی و بدرستی که برای تست میرانیدن و زنده کردن و بدرستی که برای تست آخرت
والاولى اللّهمّ انّا نعوذ بك من ان نذلّ ونخزى
و دنیا خداوندا بدرستی که ما پناه می آوریم بتو از آنکه خوار شویم و رسوا شویم
وان نأتي ما عنه نهيت اللّهمّ انّي اسئلك ان تصلّي
و از آنکه بجا آوریم آنچه را از آن نهی کرده خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا که رحمت کنی
على محمّد وآل محمّد واسئلك الجنّة برحمتك واستعيذ
بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم ترا بهشت برحمت تو و پناه می آورم
بك من النار بقدرتك واسئلك من الحور العين
بتو از آتش بقدرت تو و سؤال میکنم ترا از حور عین
بعزّتك وان تجعل اوسع رزقي عند كبر سنّي
بعزت تو و اینکه بگردانی فراخترین روزی مرا نزد پیری من
واحسن عملي عند اقتراب اجلي واطل في طاعتك
و نیکوترین عمل مرا نزد رسیدن اجل من و دراز گردان در طاعت تو
وما يقرّب منك ويحظي عندك ويزلف لديك
و آنچه نزدیک گرداند از تو و بهره مند گرداند نزد تو و نزدیک گرداند بسوی تو

عُمْرِي وَأَحْسِنْ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مَعْرِفَتِي
عمر مرا و نیکو گردان در همه احوال من و امور من معرفت مرا
وَلَا تَكِلْنِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ
و وامگذار مرا بسوی کسی از خلق تو و احسان کن بر من
بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَابْدَأْ
به برآوردن همه حاجتهای من از برای دنیا و آخرت و ابتدا کن
بِوَالِدَيَّ وَوُلْدِي وَجَمِيعِ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ فِي
به پدر و مادر من و فرزندان من و همه برادران مؤمن من در
جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
همه آنچه سؤال کردم ترا از برای خود برحمت تو ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان تتمه
و بعد از آنکه فارغ شدی از آنچه مستحب است بعد دو رکعت اول از نافله مغرب شب جمعه دو رکعت آخر و میخوانی در رکعت اول از آن بعد از سوره حمد اول سوره حدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ
تسبیح کرده است از برای خدا آنچه در آسمانها و زمین است و اوست غالب
الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ
دانا از برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میگرداند و میمیراند و
هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَ
اوست بر همه چیزی توانا اوست اول و آخر و

الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ هُوَ
ظاهر و باطن و او بهمه چیز داناست اوست
الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
آنکه آفریده است آسمانها و زمین را در شش روز
ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا
پس مستولی شده است بر عرش میداند آنچه را فرو میرود در زمین و آنچه
يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا
بیرون می آید از آن و آنچه را فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن
وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
و او با شماست هرجا که بوده باشید و خدا بآنچه میکنید
بَصِيرٌ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ
بیناست از برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا
تُرْجَعُ الْأُمُورُ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ
برمیگردد همه امرها داخل میکند شب را در روز و در می آورد روز را
فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
و میخوانی در رکعت دوم آخر سوره حشر
در شب و او داناست بآنچه در سینه‌هاست
لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا
اگر میفرستادیم این قرآن را بر کوهی هرآینه میدیدی او را زاری کننده
مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ
شکافته شده از ترس خدا و این مثلها

تضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله

میزنیم آن را برای مردمان تا شاید ایشان تفکر کنند اوست خدای

الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن

که نیست خدای مگر او دانای غیب و آشکار اوست بسیار مهربان

الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس

رحم کننده اوست خدای که نیست خدای مگر او اوست پادشاه پاکیزه

السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر

سلام امان دهنده حفظ کننده غالب جبار متکبر

سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ

پاک است خدا از آنچه شریک میگردانند اوست خدای آفریننده پدید آرنده

المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات

صورت بخشنده برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکنند او را آنچه در آسمانها

والارض وهو العزيز الحكيم

و زمین است و اوست غالب صواب کار

اللهم اني اسئلك بوجهك الكريم واسمك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق ذات کریم تو و نام

العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد

بزرگ تو و پادشاهی قدیم تو اینکه رحمت فرستی بر محمد

وآل محمد وان تغفر لي ذنبي العظيم انه لا يغفر

و آل محمد و اینکه بیامرزی از برای من گناه مرا که بزرگ است بدرستیکه نمی آمرزد



العظيم الا العظيم پس چون فارغ شدی ازین چهار رکعت

گناه بزرگ را مگر خدای بزرگ

نیت ازکان کردانیدن تعقیب بعضی از آنچه گذشت در تعقیب صبح از آنچه خوانده میشود در صبح و شام چنانکه آگاه گردیدم ترا در آنجا

فصل اگر وسعت داشته باشد وقت تو پس بخوان بعد از نماز مغرب این دعا را

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد

بنام خدای بسیار رحم کننده مهربان خداوندا رحمت بفرست بر محمد

البشير النذير السراج المنير الطهر الطاهر

بشارت دهنده ترساننده چراغ روشن پاکیزه پاک

خاتم انبيائك وسيد اصفيائك وخالص

خاتم پیغمبران تو و بزرگ برگزیدگان تو و خالص

اخلائك ذي المقام المحمود والمنهل المشهود

دوستان تو صاحب جایگاه پسندیده و منهل مشهود

والحوض المورود اللهم صل على محمد كما

و حوض مورود خداوندا رحمت بفرست بر محمد چنانکه

بلغ رسالتك وجاهد في سبيلك ونصح لامته

رسانید پیغام ترا و جهاد کرد در راه تو و نصیحت کرد مر امت خود را

حتى اتاه اليقين وصل على آله الطاهرين

تا آنکه آمد او را یقین و رحمت بفرست بر آل او که پاکیزگان

الاخيار الاتقياء الابرار الذين انتجبتهم

برگزیدگان پرهیزکاران نیکوکارانند آنانکه برگزیده ایشان را



لنفسك واصطفيتهم من خلقك وائتمنتهم
از برای نفس خود و اختیار کرده ایشان را از خلق خود و امین گردانیده ایشان را
على وحيك وجعلتهم خزان علمك وتراجمة
بر وحی خود و گردانیده ایشان را خزانه داران علم خود و ترجمانهای
وحيك وأعلام نورك وحفظة سرك و
وحی خود و علمهای نور خود و نگاهداران سر خود و
أذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا
زایل گردانیده از ایشان رجس را و پاک گردانیده ایشان را پاک گردانیدنی
اللهم انفعنا بحبهم واحشرنا في زمرتهم وتحت
خداوندا آسوده ده ما را به حب ایشان و حشر کن ما را در گروه ایشان و زیر
لوائهم ولا تفرق بيننا وبينهم واجعلني بهم
علم ایشان و جدا مکن میان ما و میان ایشان و بگردان مرا به سبب ایشان
عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن
نزد خود روشناس در دنیا و آخرت و از
المقربين الذين لا خوف عليهم ولا هم
مقربان آنانکه نیست خوفی بر ایشان و نه ایشان
يحزنون الحمد لله الذي أذهب النهار بقدرته
اندوهناک میشوند سپاس مر خدای را که برد روز را بقدرت خود
وجاء بالليل برحمته خلقا جديدا وجعله
و آورد شب را برحمت خود آفریده تازه و گردانید آن را

لباسا وسكنا وجعل الليل والنهار
لباسی و آرامگاهی و گردانید شب و روز را
آيتين لنعلم بهما عدد السنين والحساب
دو علامت تا آنکه دانیم به آنها عدد سالها و حساب را
الحمد لله على إقبال الليل وإدبار النهار
سپاس مر خدای را بر آوردن شب و پشت گردانیدن روز
اللهم صل على محمد وآله وأصلح لي ديني الذي
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و صلاح کن از برای من دین مرا که
هو عصمة أمري وأصلح لي آخرتي التي إليها
او است نگاهدارنده امر من و صلاح کن از برای من آخرت مرا که بسوی آن است
منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي من كل خير
بازگشت من و بگردان زندگی را زیادت از برای من از هر خیر
واجعل الموت راحة لي من كل سوء واكفني
و بگردان مرگ را راحتی از برای من از هر ناخوشی و کارگذاری کن
أمر دنياي وآخرتي بما كفيت به أولياءك
کار دنیای مرا و آخرت مرا بآنچه کارگذاری کرده به آن دوستان خود را
وحزبك من عبادك الصالحين واصرف
و گروه خود را از بندگان تو که صالحند و بگردان
عني شرهما ووفقني لما يرضيك عني يا كريم
از من شر دنیا و آخرت را و توفیق ده مرا برای آنکه خوشنود گرداند ترا از من ای کریم



امسينا والملك لله الواحد القهار وما في الليل

وجمیع شام کردیم و پادشاهی مر خدای یگانه قهار است و آنچه در شب

والنهار اللهم اني وهذا الليل والنهار

و روز است خداوندا بدرستی که من و این شب و روز

خلقان من خلقك فاعصمني فيهما بقوتك

آفریده ایم از آفریدگان تو پس نگاهدار مرا در آنها بقوت خود

ولا ترهما جراة مني على معاصيك ولا ركوبا

و منما آنها را جراتی از من بر معاصی تو و نه مرتکب شدن

لمحارمك واجعل عملي فيهما مقبولا وسعيي

بر حرامهای ترا و بگردان عمل مرا در آنها قبول کرده شده و سعی مرا

مشكورا وسهل لي ما اخاف عسره واقض

جزا داده شده و آسان کن برای من آنچه را میترسم دشواری آنرا و حکم کن

لي فيه بالحسنى وامني مكرك ولا تهتك

برای من در آن نیکوئی و ایمن گردان مرا از مکر خود و مدر

عني سترك ولا تنسني ذكرك ولا تحل

از من پرده خود را و فراموش گردان مرا یاد آوری تو و مانع مشو

بيني وبين حولك وقوتك ولا تلجئني الى

میان من و میان حول و قوت خود و محتاج مساز مرا بسوی

نفسي طرفة عين ابدا ولا الى احد من خلقك

نفس من یک چشم بر هم زدن هرگز و نه بسوی احدی از آفریدگان تو

يا كريم اللهم صل على محمد وال محمد وافتح قلبي

ای بزرگوار خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگشا دل مرا

لذكرك حتى اعي وحيك واتبع امرك و

از برای ذکر تو تا آنکه حفظ کنم وحی ترا و پیروی کنم امر ترا و

اجتنب نهيك اللهم صل على محمد واله ولا

اجتناب کنم نهی ترا خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و

تصرف عني وجهك ولا تمنعني فضلك ولا

مگردان از من روی خود را و منع مکن فضل خود را و

تحرمني عفوك واجعلني اوالي اولياءك و

محروم مکن مرا از عفو خود و بگردان مرا که دوست دارم دوستان ترا و

اعادي اعداءك وارزقني الرهبة منك والرغبة

دشمن باشم دشمنان ترا و روزی کن مرا ترس از تو و رغبت

اليك والتسليم لامرك والتصديق بكتابك

بسوی تو و اطاعت مر امر ترا و تصدیق کردن بکتاب تو

واتباع سنة نبيك صلى الله عليه واله اللهم

و پیروی طریقه پیغمبر تو رحمت کند خدا بر او و آل او خداوندا

اني اعوذ بك من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع و

بدرستی که من پناه میبرم بتو از نفسی که قناعت نکند و از شکمی که سیر نشود و

عين لا تدمع وقلب لا يخشع وصلوة لا ترفع

چشمی که گریه نکند و دلی که فروتنی نکند و نمازی که بالا برده نشود

وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ

و عملی که نفع نکند و دعائی که شنیده نشود و پناه میگیرم بتو از

سُوءِ الْقَضَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَشَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ

بدی قضا و دریافتن بدبختی و شماتت دشمنان

وَجَهْدِ الْبَلَاءِ وَعَمَلٍ لَا يُرْضَى وَاَعُوذُ بِكَ

و مشقت بلا و عملی که پسندیده نشود و پناه میگیرم بتو

مِنَ الْفَقْرِ وَالْكُفْرِ وَالْغَدْرِ وَضِيقِ الصَّدْرِ

از پریشانی و کفر و بی وفائی و تنگی سینه

وَسُوءِ الْاَمْرِ وَمِنْ بَلَاءٍ لَيْسَ لِي بِهِ صَبْرٌ وَمِنَ

و بدی حال و از بلای که نبوده باشد مرا صبر بر آن و از

الدَّاءِ الْعُضَالِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ

درد سخت و غلبه مردان و نومیدی بازگشت

وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالدِّينِ

و بدی نگریستن در نفس و اهل و مال و دین

وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعَايَنَةِ مَلَكِ الْمَوْتِ وَاَعُوذُ

و فرزند و نزد معاینه ملک الموت و پناه میآورم

بِاللهِ مِنْ اِنْسَانٍ سُوءٍ وَجَارٍ سُوءٍ وَقَرِينٍ

بخدا از آدم ناخوش و همسایه ناخوش و مصاحب

سُوءٍ وَسَاعَةٍ سُوءٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ

ناخوش و ساعت ناخوش و از شر آنچه فرو میرود در زمین

وَيَوْمِ سُوءٍ

و روز ناخوش

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ

و آنچه بیرون میآید از آن و آنچه فرود میآید از آسمان و آنچه بالا میرود

فِيهَا وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِلَّا طَارِقًا

در آن و از شر حادثهای شب و روز مگر حادثه

يَطْرُقُ بِخَيْرٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي

که حادث شود بخیر و از شر هر جنبنده پروردگار من

آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

گیرنده است ناصیه آنرا بدرستی که پروردگار من بر راه راست است

فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

پس زود باشد که کفایت کند ایشان را خدا و اوست شنوا و دانا

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلوٰةً كَانَتْ

ستایش خدای را که ادا کرد از من نمازی را که هست

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا بعد از ان اَللّٰهُمَّ

بر مومنان فرض وقت قرار داده شده میگوئی خداوندا

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق محمد و آل محمد اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ

وال محمد

وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي

و اینکه گردانی روشنی را در دیده من و بینائی را در

دِينِي وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالْاِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ

دین من و یقین را در دل من و اخلاص را در عمل من و

الکَرامَةَ فی نَفْسی وَالسَّعَةَ فی رِزْقی وَالشُّکْرَ
بزرگواری را در نفس من و فراخی را در روزی من و شکر
لَکَ اَبَداً ما اَبْقَیْتَنی بعد از ان دو سجده شکر میکنی و میگوئی در اینها
از برای تو مادام که باقی داری مرا و بعد از اینها آنچه گذشت و اوفق آنچه مجرب است
که بگوئی در هر یک از اینها شکراً شکراً و چنین که روایت شده است کردن اینها
بعد از نماز مغرب و در بعضی روایات پیش از ان بعد از انکه فارغ شدی از نماز
میخیزی برای دو رکعت ساعت غفلت وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ
پس میخوانی در رکعت اول بعد از سوره حمد و یونس در حالی که رفت
مُغاضِباً فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَیْهِ فَنادی فِی
غضبناک پس دانست اینکه تنگ نمیکنیم بر او پس ندا کرد در
الظُّلُماتِ اَنْ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی
ظلمات اینکه نیست خدائی مگر تو پاکی میکنم ترا بدرستی که من
کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ
بودم از ستمکاران پس اجابت کردیم برای او و نجات دادیم او را از
الْغَمِّ وَکَذلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ و در رکعت و
غم و همچنین نجات میدهیم مومنان را دوم بعد از حمد و
عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَیْبِ لا یَعْلَمُها اِلّا هُوَ وَیَعْلَمُ ما
نزد او است کلیدهای خزانهای غیب نمیداند آنها را مگر او و میداند آنچه
فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلّا یَعْلَمُها
در خشکی و دریا است و نمی افتد برگی از درخت مگر آنکه میداند آنرا

وَلا حَبَّةٍ فی ظُلُماتِ الْاَرْضِ وَلا رَطْبٍ وَلا یابِسٍ
و نه دانه در تاریکیهای زمین و نه تری و نه خشکی
اِلّا فی کِتابٍ مُبینٍ بعد از ان قنوت اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
مگر اینکه در کتابیست هویدا میخوانی پس میگوئی خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا
بِمَفاتِحِ الْغَیْبِ الَّتی لا یَعْلَمُها اِلّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّیَ
بحق خزانهای غیب که نمیداند آنها را مگر تو اینکه رحمت بفرستی
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا
بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی با من فلان و فلان
پس میگوئی اَللّهُمَّ اَنْتَ وَلِیُّ نِعْمَتی وَالْقادِرُ عَلی طَلِبَتی
خداوندا توئی صاحب نعمت من و قادر بر مطلب من
تَعْلَمُ حاجَتی فَاَسْئَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَیْهِ وَ
میدانی حاجت مرا پس سوال میکنم ترا بحق محمد و آل او که بر او و
عَلَیْهِمُ السَّلامُ لَمّا قَضَیْتَها لی و سوال میکنی حاجت خود را
بر ایشان باد درود مگر اینکه برآوری از برای من پس چنین که روایت کرده است
هشام بن سالم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که هر که نماز کند این دو رکعت را میان
شام و خفتن و دعا کند باین دعا و سوال کند از خدای تعالی حاجت خود را عطا کند او را
آنچه سوال کرده و باین که مشهور شده است نامیدن این دو رکعت به دو رکعت غفیله و
دو رکعت غفلت و دو رکعت صاحب غفلت و وجه این نیست که ساعتی که گذارده
میشود این دو رکعت در ان و آن میانه شام و خفتن است نامیده میشود ساعت غفلت
روایت کرده است رئیس المحدثین در فقیه از حضرت باقر علیه السلام که فرموده که هر کسی

کرد شیطان پراکنده میکند لشکر خود را در شب که هنگام غروب آفتاب تا بر طرف شدن
شفق و پراکنده میکند لشکر خود را از هنگامی که طلوع میکند صبح تا طلوع آفتاب و ذکر کرده
که پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرمودند بسیار کنید ذکر خدای عز و جل را درین دو ساعت و
التجا برید بخدا از شر شیطان و لشکر او و التجا بخدا بشید کودکان خود را درین دو ساعت
پس ظاهر شد که این دو ساعت غفلتند و روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب از
حضرت صادق علیه السلام که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که نافله گذارید در ساعت
غفلت و اگر چه بدو رکعت سبک باشد پس بدرستی که آنها میراث میگذارند خانه کرامت
را گفته شد ای رسول خدا کی است ساعت غفلت فرمود میانه مغرب و عشا و پوشیده نماند
که ظاهر حدیث که مراد و میانه مغرب و عشا میانه نماز مغرب با وقت نماز عشا است یعنی میانه
غروب آفتاب و بر طرف شدن شفق چنانکه دلالت میکند بر آن حدیث سابق یا میانه
نماز ها چنانکه وارد شده است در حدیث صحیح که اول وقت عشا بر طرف شدن شفق است
چنانکه بزودی خواهد آمد و ازین مستفاد میشود که وقت گذاردن دو رکعت غفیله میانه
مغرب و زایل شدن شفق است پس هرگاه بگذرد این وقت میکرده قضا و از آنجهت است
کردن آن در ساعت غفلت و در کیفیت که بخوانی در اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت
و در دوم بعد از حمد سوره قل هو الله احد پانزده مرتبه چنانچه روایت کرده است شیخ
طایفه از حضرت صادق علیه السلام که هر که بکند در هر شبی این را مزاحمت کند با بهشت
و خواند ثواب آنرا اگر خدای تعالی فصل و اول وقت عشا فارغ شدن از مغرب است
مشهور رکیده وقت فضیلت آن تا ثلث شب و وقت ادای آن تا گذاردن چهار رکعت
پیش از نصف شب سزاوار است بعد از فارغ شدن از دو رکعت غفیله انکه ملاحظه
شفق را پس اگر باقی باشد سزاوار نیست شروع در عشا تا آنکه بر طرف شود شفق

کرده‌اند شیخ طایفه و شیخ مفید با آنکه داخل میشود وقت عشا که پنهان شدن
شفق و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که اول عشا آخر مغرب است
روایت کرده است این را پس همه این سند صحیح و این محمول است بر استحباب تاخیر
تا رفتن شفق پس هرگاه تحقیق کردی بر طرف شدن شفق را پس سزاوار است که بجا
کنی بسوی اذان و اقامت بجا آورده دعاهای را که پیش از اقامت و بعد از آنست
پس از آن شروع کن در نماز عشا افتتاح کننده دعا خواننده چنانکه گذشت و
میخوانی در رکعت اول سوره اعلی یا شمس آنچه مانند اینها باشد در درازی چنانکه
روایت کرده است آنرا شیخ طایفه در تهذیب به سند صحیح و در رکعت دوم سوره توحید
مانند باقی نمازها و ذکر میکنی بجهة قنوت و قنوت میخوانی بآنچه گذشت در باب اول بآنچه خواهد
آمد در باب ششم و طول میدهی قنوت را و تعقیب را پس بدرستی که وقت وسیع است
پس میخوانی تعقیبهای را که مشترک است میان صبح اللّهمّ بحقّ محمّدٍ وآلِ
و شام و آنچه مخصوص نماز عشا است میخوانی خداوندا بحق محمد و آل
محمّدٍ صلِّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ ولا تؤمنّا مکرک
محمد رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و ایمن مگردان ما را از مکر خود و
ولا تُنسِنا ذکرک ولا تکشف عنّا سترک
و فراموش مکن ما را ذکر خود و بر مدار از ما پرده خود را
ولا تحرمنا فضلک ولا تُحلّ علینا غضبک ولا
و محروم مکن ما را از فضل خود و فرو میار بر ما غضب خود را و
تُباعِدنا من جوارک ولا تنقصنا من رحمتک
دور مگردان ما را از همسایگی خود و کم مکن ما را از رحمت خود

وَلَا تَنْزِعْ عَنَّا بَرَكَاتِكَ وَلَا تَمْنَعْنَا عَافِيَتَكَ وَأَصْلِحْ
از ما برکتهای خود را و منع مکن از ما عافیت خود را و اصلاح او و تکمیل

لَنَا مَا أَعْطَيْتَنَا وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْمُبَارَكِ
برای ما آنچه عطا کرده ما و زیاده کن ما را از فضل خود که با برکت و

الطَّيِّبِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَتِكَ
خوش و نیکو و خوب است و تغییر مده آنچه با ماست از نعمت تو

وَلَا تُؤْيِسْنَا مِنْ رَوْحِكَ وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ كَرَامَتِكَ
و نومید مگردان ما را از راحت خود و خوار مگردان ما را بعد از کرم خود

وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ
و گمراه مگردان ما را بعد از آنکه راه راست کردی ما را و ببخش ما را از

لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ بعد از آن میخوانی یکبار سوره فاتحه و قل هو الله احد
نزد خود رحمتی بدرستی که تویی تو بسیار بخشنده

و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
ده مرتبه و بعد از آن میگویی پاکست خدا و سپاس مر خدای راست

وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ ده مرتبه اللّٰهُمَّ صَلِّ
و نیست خدایی مگر خدا و خدا بزرگتر است خداوندا رحمت بفرست

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه بعد از آن میگویی اللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي
بر محمد و آل محمد خداوندا بگشا از برای من

أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَأَسْبِغْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ
درهای رحمت خود را و فراخ گردان بر من از حلال روزی خود

یا تمام گردان جم

وَمَتِّعْنِي بِالْعَافِيَةِ مَا أَبْقَيْتَنِي فِي سَمْعِي وَبَصَرِي
و بهره مند گردان مرا بعافیت مادام که باقی داری در گوش من و دیده من

وَجَمِيعِ جَوَارِحِي اللّٰهُمَّ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ
و همه اعضای من خداوندا آنچه با ماست از نعمت پس از جانب

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ يَا
نیست خدایی مگر تو طلب آمرزش میکنم از تو و توبه میکنم بسوی تو ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد از آن میگویی اللّٰهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ
رحیمترین رحیم کنندگان این دعای طلب روزیست خداوندا بدرستی که نیست

لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي وَإِنَّمَا أَطْلُبُهُ بِخَطَرَاتٍ
برای من علمی بموضع روزی من و بدرستی که طلب میکنم آن را باندیشها که

تَخْطُرُ عَلَىٰ قَلْبِي فَأَجُولُ فِي طَلَبِهِ الْبُلْدَانَ
در می آید بر دل من پس میگردم در طلب آن در شهرها

وَأَنَا فِيمَا أَطْلُبُ كَالْحَيْرَانِ لَا أَدْرِي أَفِي سَهْلٍ
و من در آنچه طلب میکنم مانند حیرانم نمیدانم آیا در هموار است

هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ أَمْ فِي بَرٍّ
آن یا در کوه است یا در زمین است یا در آسمان یا در بیابان

أَمْ فِي بَحْرٍ وَعَلَىٰ يَدَيْ مَنْ وَمِنْ قِبَلِ مَنْ وَقَدْ
یا در دریا و در دستهای کیست و از پیش کیست و بتحقیق

عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ وَأَسْبَابَهُ بِيَدِكَ
میدانم اینکه علم آن نزد تست و اسباب آن بدست تست

وَاَنْتَ الَّذِي تَعِيمُهُ بِلُطْفِكَ وَتُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ يَا

رَبِّ رِزْقَكَ لِي وَاسِعًا وَمَطْلَبَهُ سَهْلًا

وَمَاْخَذَهُ قَرِيبًا وَلَا تُعَنِّنِي بِطَلَبِ مَا لَمْ

تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقًا فَاِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي

وَاَنَا فَقِيرٌ اِلٰى رَحْمَتِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

مُحَمَّدٍ وَجُدْ عَلٰى عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ اِنَّكَ

ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُبَلِّغُنَا

بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَتُنْجِينَا بِهَا مِنْ

سَخَطِكَ وَالنَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ

اَرِنِي الْحَقَّ حَقًّا حَتّٰى اَتَّبِعَهُ وَاَرِنِي الْبَاطِلَ

بَاطِلًا حَتّٰى اَجْتَنِبَهُ وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مُتَشَابِهًا

فَاَتَّبِعَ هَوَايَ بِغَيْرِ هُدًى مِنْكَ وَاجْعَلْ

هَوَايَ تَبَعًا لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ وَخُذْ

لِنَفْسِكَ رِضًى مِنْ نَفْسِي وَاهْدِنِي لِمَا اخْتُلِفَ

فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ اِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ

اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ

وَاهْدِنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا اَعْطَيْتَ

وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ اِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضٰى

عَلَيْكَ وَيُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ تَمَّ نُورُكَ اللّٰهُمَّ
بر تو و زینهار میدهی و زینهار داده نمیشود بر تو تمامست نور تو خداوندا
فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَعَظُمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ
پس هدایت کرده پس تراست سپاس و بزرگست بردباری تو پس عفو کرده
فَلَكَ الْحَمْدُ وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ
پس مر تراست سپاس و گشوده دست خود را پس عطا کرده پس تراست سپاس
تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ وَ
اطاعت کرده میشوی ای پروردگار ما پس شکر میکنی و عصیان کرده میشوی ای پروردگار ما پس می آمرزی
تَسْتُرُ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ
و میپوشانی تو آنچنانکه ثنا کرده بر نفس خود به کرم
وَالْجُودِ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ
و جود ... تو
لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا
نیست پناهی و نه خلاصی از تو مگر بسوی تو نیست خدایی مگر
أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً
تو پاکی و میکنم ترا خداوندا حال آنکه بحمد تو مشغولم کرده ام بدی
وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ أَرْحَمُ
و ستم کرده ام بنفس خود پس بیامرز برای من و رحم کن مرا و تو رحم کننده‌ترین
الرَّاحِمِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
رحم کنندگانی نیست خدای مگر تو پاکی تو بدرستی که من بودم

مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَ
از ستم کنندگان نیست خدای مگر تو پاکی تو خداوندا و
بِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي يَا
حال آنکه مشغولم بحمد تو کرده ام بدی و ستم کرده ام بنفس خود پس بیامرز برای من ای
خَيْرَ الْغَافِرِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ
ای بهترین آمرزندگان نیست خدای مگر تو پاکی تو خداوندا
وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَتُبْ عَلَيَّ
حال آنکه مشغولم بحمد تو کرده ام بدی و ستم کرده ام بنفس خود پس قبول کن توبه را
إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
بدرستی که توئی تو بسیار قبول توبه کننده مهربان نیست خدای مگر تو
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ سُبْحَانَ
پاکی تو بدرستی که من بودم از ستم کنندگان پاکست
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى
پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند مشرکان و درود بر
الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
رسولان و سپاس خدای را که پروردگار عالمیانست خداوندا رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَيِّتْنِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَ
محمد و آل محمد و بروز آر شب مرا از جانب خود در عافیت
صَبِّحْنِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَاسْتُرْنِي مِنْكَ فِي
و در صبح آر مرا از جانب خود در عافیت و بپوشان مرا از جانب خود در

عافِيَةٍ وارزُقني تَمامَ العافِيَةِ ودَوامَ العافِيَةِ
عافیت و روزی کن مرا تمامی عافیت و همیشگی عافیت
والشُّكرَ على العافِيَةِ اللّهُمَّ إنّي أستَودِعُكَ
و شکر بر عافیت خداوندا بدرستی که من بسپارم ترا
نَفسي ودِيني وأهلي ومالي ووَلَدي وأهلَ
از نفس خود و دین خود و اهل خود و مال خود و فرزندان خود و اهل
حُزانَتي وكُلَّ نِعمَةٍ أنعَمتَ بِها عَلَيَّ أو
حرمت خود را و هر نعمتی که انعام کرده بآن بر من
تُنعِمُ فصَلِّ على مُحمَّدٍ وآلِ مُحمَّدٍ واجعَلني في
انعام خواهی کرد پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا در
كَنَفِكَ وأمنِكَ وكَلاءَتِكَ وحِفظِكَ
پناه خود و امان خود و نگاهبانی خود و نگاهداری خود
وحِياطَتِكَ وكِفايَتِكَ وسِترِكَ وذِمَّتِكَ
و محافظت خود و کارگذاری خود و پرده خود و زینهار خود
وجِوارِكَ وودائِعِكَ يا مَن لا تَضيعُ
و همسایگی خود و امانتهای خود ای کسی که ضایع نمیشود
وَدائِعُهُ ولا يَخيبُ سائِلُهُ ولا يَنفَدُ
امانتهای او و نومید نمیشود سوال کننده او و فانی نمیشود
ما عِندَهُ إنّي أدرَأُ بِكَ في نَحرِ أعدائي
آنچه نزد اوست بدرستی که من دفع میکنم بتو در نحرهای دشمنان خود



فكِدْ مَن كادَني وبَغى عَلَيَّ اللّهُمَّ مَن أرادَنا
پس مکر کن خداوندا هرکه مکر کند با من و ستم کند بر من خداوندا هرکه قصد کند ما را
فأرِدْهُ ومَن كادَنا فكِدْهُ ومَن نَصَبَ لَنا
پس قصد کن او را و کسی که کید کند با ما پس کید کن با او و هرکه بر پای دارد از برای ما
عَداوَةً فخُذهُ يا رَبِّ أخذَ عَزيزٍ مُقتَدِرٍ اللّهُمَّ
عداوت پس بگیر او را ای پروردگار من گرفتن غالب با اقتدار خداوندا
صَلِّ على مُحمَّدٍ وآلِ مُحمَّدٍ واصرِف عَنّي البَلِيّاتِ
رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان از من بلاها
والآفاتِ والعاهاتِ والنِّقَمِ ولُزومَ السُّقمِ
و آفتها و عاهتها و عقوبتها و لازم شدن بیماری
وزَوالَ النِّعَمِ وعَواقِبَ التَّلَفِ وما طَغى بِهِ
و زایل شدن نعمتها و از پی درآمدن تلف و آنچه طغیان کرده است بآن
الماءُ لِغَضَبِكَ وما عَتَت بِهِ الرّيحُ عَن أمرِكَ
آب از برای غضب تو و آنچه را از حد گذرانیده است بآن باد از امر تو
وما أعلَمُ وما لا أعلَمُ وما أخافُ وما لا
و آنچه را میدانم و آنچه را نمیدانم و آنچه را خوف دارم و آنچه را
أخافُ وما أحذَرُ وما لا أحذَرُ وما
خوف ندارم و آنچه را حذر دارم و آنچه را حذر ندارم و آنچه را
أنتَ أعلَمُ بِهِ اللّهُمَّ صَلِّ على مُحمَّدٍ وآلِ مُحمَّدٍ و
تو داناتری بآن خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد



فرج همی ونفس غمی وسل حزنی واکفنی
فرج کن هم مرا و برطرف کن غم مرا و زایل کن اندوه مرا و کفایت کن مرا
ما ضاق به صدری وعیل به صبری و
آنچه تنگ شده است به آن سینه من و مغلوب شده است به آن صبر من و
قلت فیه حیلتی وضعفت عنه قوتی و
کم شده است در آن چاره من و ضعیف شده است از آن قوت من و
عجزت عنه طاقتی وردتنی فیه الضرورة
عاجز است از آن طاقت من و برگردانیده است مرا در آن ضرورت
عند انقطاع الآمال وخیبة الرجاء من
نزد بریده شدن آرزوها و نومیدی امید از
المخلوقین الیک فصل علی محمد وآل محمد و
آفریده شدگان بسوی تو پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و
اکفنیه یا کافیا من کل شیء ولا یکفی منه
کفایت کن برای من از او ای کسی که بسنده است از همه چیز و بسنده نیست از او
شیء اکفنی من کل شیء حتی لا یبقی شیء
چیزی کفایت کن برای من هر چیزی را تا اینکه باقی نماند چیزی
یا کریم اللهم صل علی محمد وآل محمد و
ای بزرگوار خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و
ارزقنی حج بیتک الحرام وزیارة نبیک
روزی کن مرا حج خانه حرام خود و زیارت پیغمبر خود

صلواتك عليه وآله مع التوبة والندم اللهم
رحمتهای تو بر او و آل او باد با توبه و پشیمانی خداوندا
إني أستودعك نفسي وأهلي وولدي وإخواني
به درستی که من طلب نگاهداری میکنم از تو نفس خود را و اهل خود و فرزند خود و برادران خود را
واستكفيك ما أهمني وما لم يهمني و
و طلب کفایت میکنم از تو آنچه غمگین دارد مرا و آنچه غمگین ندارد مرا و
أسألك بخيرتك من خلقك الذي لا يمن به
سوال میکنم به برگزیده تو از آفریدگان تو آنچه را انعام میکند به آن
سواك يا كريم الحمد لله الذي قضى عني صلوة
غیر تو ای بزرگوار سپاس مر خدا را که ادا کرد از من نمازی را
كانت على المؤمنين كتابا موقوتا
که است بر مومنان فرض وقت قرار داده شده
اللهم أنت انقطع الرجاء إلا منك يا
خداوندا تویی تو بریده شده است امید مگر از تو ای
أحد من لا أحد له يا أحد من لا أحد له يا
کس کسی که نیست کسی از برای او ای کس کسی که نیست کسی از برای او ای
أحد من لا أحد له غيرك يا من لا يزيده
کس کسی که نیست کسی از برای او غیر تو ای کسی که زیاد نمیکند او را
كثرة العطاء إلا كرما وجودا يا من لا يزيد
بسیاری بخشش مگر کرم و جود ای کسی که زیاد نمیکند او را



كثرة العطاء الا كرما وجودا يا من
بسیاری بخشش گر کرم وجود ای کسی
لا یزیده کثرة العطاء الا کرما وجودا
که زیاده نمیکند او را بسیاری بخشش گر کرم وجود
صل علی محمد واهل بیته صل علی محمد واهل
رحمت بفرست بر محمد واهل بیت او رحمت بفرست بر محمد واهل
بیته صل علی محمد واهل بیته وافعل بی
بیت او رحمت بفرست بر محمد وال بیت او وبکن با من
کذا وکذا بعد از ان بیکذاری گونه راست خود را بر زمین و بیخوانی
فلان وفلان دعا را بعد از ان بیکذاری گونه چپ خود را بر زمین و بیخوانی
همین دعا را بعد از ان عود بیکنی بسجود و بیکذاری پیشانی خود را بر زمین و
بیخوانی همین دعا را وبعد از ان بیکوئی واین از ده دعائیست که دفع میشود از آن [illegible]
یا سابغ النعم یا دافع النقم یا باری النسم یا
ای وسیع کننده نعمتها ای دفع کننده عقابها ای آفریننده بندگان ای
مجلی الهمم یا مغشی الظلم یا کاشف الضر
دفع کننده اندوهها ای پوشاننده تاریکیها ای زایل کننده درد
والالم یا ذا الجود والکرم یا سامع کل
والم ای صاحب جود وکرم ای شنونده هر
صوت یا مدرک کل فوت یا محیی العظام
آوازی ای دریابنده هر فوت شده ای زنده کننده استخوانها

وهی رمیم ومنشئها بعد الموت صل علی محمد
وحال آنکه پوسیده باشند واحداث کننده آنها بعد از موت رحمت فرست بر محمد
وال محمد واجعل لی من امری فرجا ومخرجا
وال محمد وبگردان برای من از کار من گشایشی و بیرون رفتنی
یا ذا الجلال والاکرام بعد از ان دو رکعت وتیره را
ای صاحب بزرگی وگرامی داشتن بیکذاری نشسته وجایز است که آن را
ایستاده وهو مشهور در آنها نشستن است وذکر کرده اند بعضی از علمای که نشستن
افضلست از ایستادن ودر روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از
حضرت صادق علیه السلام که فرموده که گفتت بعد از عشا پدرم میکذارد آنها را وحال آنکه
نشسته بود ومن میکذارم آنها را وحال آنکه من ایستاده ام وعمل بر مشهور است وبیکشید
وقت این دو رکعت بکشیدن وقت عشا پس از نصف شب قضا میشود ومستحب
میکنی آنها را بهفت تکبیر با سه دعای مذکوره و بیخوانی در رکعت اول سوره ملک و در
در دوم سوره توحید و بیخوانی بعد از فراغ هر دعائی که خواهی باب نهم در آنچه
کرده میشود در هنگام وقت خواب تا نصف شب ودر آنچه بجا می آوری آن را از آداب
طهارت روایت کرده است رئیس المحدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که هر که
طهارت بکیرد بعد از ان بجای بکیر در خواب بستر خود شب بروز آورد وحال آنکه فراش او مانند
مسجد او باشد وذکر کرده اند علمای که جایز است تیمم برای خوابیدن هر چند قادر باشد بر
آب مانند تیمم از برای نماز جنازه واز اعمال سنتی نزد خوابیدن خواندن سوره
قل هو الله احد وقل یا ایها الکافرون است روایت کرده است این را نیز رئیس المحدثین در
فقیه وواقع شده است نیز از اصحاب عصمت سلام الله علیهم خواندن سوره قل هو الله احد

صد مرتبه چنانکه روایت کرده است آن ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از ابی بصیر که گفت
شنیدم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که میفرمود که هر که بخواند قل هو الله احد صد مرتبه در هنگامی
که میرود که بخوابد خود آمرزیده شود برای او آنچه قبل از آن کرده باشد پنجاه سال و روایت
کرده است در کافی نیز از آنحضرت علیه السلام که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که هر که
بخواند الهیکم التکاثر نزد خواب نگاه داشته شود از فتنه قبر و مراد از (?) آنکه بخواند
در هنگامی که بخوابد بر پهلو آنچه روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه بسند حسن از
محمد بن مسلم که گفت که فرمود بمن حضرت ابو جعفر علیه السلام که بِسْمِ اللهِ وَفِي
هر گاه بخوابد مرد بر جانب راست خود پس باید که بگوید — بنام خدا و در

سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
راه خدا و بر ملت رسول خدا رحمت کند خدا بر او

وَآلِهِ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَوَجَّهْتُ
آل او خداوندا بدرستی که من تسلیم کرده ام نفس خود را بسوی تو و گردانیده ام

وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَأَلْجَأْتُ
روی خود بسوی تو و واگذاشته ام کار خود را بسوی تو و تکیه داده ام

ظَهْرِي إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً
پشت خود را بسوی تو و توکل کرده ام بر تو از روی ترس

مِنْكَ وَرَغْبَةً لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا
از تو و رغبت نیست پناهی و محل خلاصی از تو مگر

إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَ
بسوی تو ایمان آورده ام بکتاب تو که فرو فرستاده و

بِرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ بعد از آن تسبیح بگوید تسبیح زهرا علیها السلام
برسول تو که فرستادهٔ ... است الحدیث و با آنکه مشهور استحباب
تسبیح زهراست علیها السلام در دو وقت یکی بعد از نماز و دیگری بعد از خوابیدن و ظاهر (?)
که وارد شده است نزد خوابیدن تقدیم سبحان الله است بر الحمد لله و ظاهر روایات
صحیحی که وارد است در باب تسبیح زهرا علیها السلام مطلقا اقتضا میکند تاخیر آنرا از آن
و بکی نیست ضبط کلام در این مقام هر چند بیرون است از وضع کتاب پس میگوئیم که بعضی
اختلاف کرده اند علمای ما قدس الله ارواحهم درین با اتفاق ایشان بر ابتدای آن
بالله اکبر زیرا که حدیث صحیح ابن سنان از حضرت باقر علیه السلام صریحست در ابتدای آن
و مذهب مشهور که برآنست عمل در تعقیبات تقدیم الحمد لله است بر سبحان الله و قایل است
رئیس محدثین و پدر او و ابن جنید بتاخیر آن از آن و در روایات از ائمه هدی علیهم السلام تسبیح
درین باب خالی نیست از اختلاف و روایت معتبری که ظاهر آن تقدیم الحمد لله است
بر اطلاق که وارد است آنچه را گفته شود بعد از نماز و آنچه را گفته شود نزد خوابیدن و دال است
آنکه روایت کرده است آن شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از محمد بن عذافر که
گفت داخل شدم با پدر خود بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام پس سؤال کرد او را پدرم
از تسبیح زهرا علیها السلام پس فرمود آنحضرت علیه السلام الله اکبر تا آنکه شمرد سی و چهار بار پس
گفت الحمد لله تا رسید بشصت و هفت مرتبه پس گفت سبحان الله تا آنکه رسید بصد
مرتبه میشمرد آنحضرت آنرا بدست مبارک خود یکجا و در روایتی که ظاهر آن تقدیم
بالحمد لله مخصوص است بآنچه کرده میشود نزد خوابیدن و این روایتی است که روایت
کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود بمردی از
بنی سعد که آیا حدیث نکنم شما را از خود و فاطمه بدرستی که بود او نزد من پس آب کشید



بجگیت تا اینکه اثر کرد در سینه او و خورد کرد آسیا تا اینکه اثر کرد در دستهای او و جاروب
کرد خانه را تا اینکه غبارآلود شد جامه‌هایش و آتش افروخت در زیر دیگ تا اینکه سیاه شد
جامه‌هایش پس رسید او را ازین ضرر سختی پس گفتم من با او که اگر بیائی پیش پدرت پس سؤال
کنی از او خدمتکاری که کفایت کند از تو تعب سختی آنچه تو در آنی ازین عمل پس آمد بخدمت
پیغمبر صلی الله علیه و آله پس یافت نزد آنحضرت جوانی چند پس شرم کرد و برگشت پس دانست
آنحضرت که بدرستی که او آمده است از برای حاجتی پس صباح پیش ما آمد و ما در لحاف خود
بودیم پس فرمود آنحضرت علیه السلام السلام علیکم پس ساکت شدیم ما و شرم کردیم بسبب حال خود
باز فرمود السلام علیکم پس ساکت شدیم و شرم کردیم بسبب حال خود باز فرمود السلام علیکم
پس ترسیدیم که اگر رد سلام نکنیم باو برگردد و چنین که او میکرد چنین سلام میکرد و برمیگشت
پس اگر اذن داده میشد داخل میشد و اگر نه برمیگشت پس گفتم من و علیک السلام ای رسول
خدای داخل شو پس داخل شد و نشست پیش سرهای ما و فرمود ای فاطمه چه بود حاجت تو دیروز
نزد محمد دیروز پس ترسیدم من که اگر جواب ندهم او را اینکه برخیزد پس بیرون آوردم سر
خود را پس گفتم والله من خبر میدهم ترا ای رسول خدای بدرستی که او آب کشید بمشک تا اینکه
اثر کرد در سینه او و گردانید آسیا را تا اینکه اثر کرد در دستهای او و جاروب کرد خانه
را تا اینکه غبارآلود شد جامه‌های او و آتش افروخت زیر دیگ تا اینکه سیاه شد جامه‌های
او پس من گفتم با او که اگر بیائی پیش پدرت پس سؤال کنی از او خدمتکاری که کفایت کند از
برای تو تعب آنچه تو در آنی ازین پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله آیا تعلیم نکنم شما را
آنچه او بهتر باشد از خدمتکار هرگاه فرا گیرید خواب خود را پس تکبیر گوئید سی و چهار مرتبه و تسبیح گوئید
سی و سه تسبیح و حمد کنید سی و سه مرتبه پس بیرون آورد فاطمه سر خود را و گفت راضی شدم از
خدا و رسول او و راضی شدم از خدا و رسول او و پوشیده نماند که این روایت صریح نیست

تقدیم تسبیح بر تحمید زیرا که واو افاده ترتیب نمیکند بلکه نیست آن مگر از برای مطلق جمع بنابر
مذهب صحیح چنانکه بیان شده است در اصول بلی ظاهر در تقدیم بحسب لفظ اقتضای آن میکند و تحمید بر
روایت سابقه صریح نیست در تقدیم تحمید بر تسبیح زیرا که لفظ ثم در اینجا از کلام راوی است
پس باقی نماند در آن مگر تقدیم لفظی پس منافات میان این دو روایت نیست مگر بحسب ظاهر
پس مراد از روایت حمل دوم بر اول بسبب صحت سند آن و قوت آن و ضعف بعضی روایات
ضعیفه چنانکه روایت کرده است ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود در تسبیح
ابتدا میکنی بتکبیر سی و چهار بار پس تحمید سی و سه بار پس تسبیح سی و سه بار و این روایت
صریحست در تقدیم تحمید بر تسبیح پس این موید ظاهر لفظ روایت صحیحه است پس حمل کرده میشود
روایت دیگر بر خلاف ظاهر آن تا اینکه برطرف شود منافات میان آنها چنانکه گفتیم پس
اگر گوئی تو که گفت عمل کردن بظاهر هر دو روایت باین که حمل کرده شود روایت اول
بر آنچه کرده میشود بعد از نماز و روایت دوم بر آنچه کرده میشود نزد خوابیدن و بنابر این
حاجت نیست بگردانیدن دوم از ظاهر آن پس چرا عدول کرده شد تو ازین و چگونه قایل
نشده ای این میگوئیم ما از برای اینکه نیافته ایم کسی را که قایل شده باشد بفرق میان تسبیح
در این دو حال بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از تتبع این است که هر یک ازین دو فرقه که قایل اند بتقدیم
تحمید و تاخیر آن قایل اند بآن مطلقا خواه واقع شود بعد از نماز یا پیش از خواب پس قول
بتفصیل احداث قول سیمست در برابر اجماع مرکب اما آنچه میگویند که احداث قول سیم ممنوع
نیست مگر وقتی که لازم آید از آن برطرف شدن آنچه اجماع است شده باشد بر آن مانند بیرون
وطی کرده شده بسبب عیب یا ارش زیرا که اتفاق کرده اند همه بعدم آن بخلاف آنچه چنین نیست
مثل قول بفسخ نکاح ببعضی از عیبها بتنهائی نه ببعضی دیگر زیرا که هر یک از دو قول بفسخ
در یک قسم و چنانکه در نجات زیرا که منافی نیست ازین مثل قول بصحت وقوعش

که آن نوع عیب ... واجب تعزیر منقطع الجون و کرا بالتمام یا بقدر که باقی مانده باشد قدر حشفه



وکشتن مسلمان بعرض نمی‌رسد از قول پرواز است بدوم و تقبیض اول پاره دیگر کفتن آن
پس جواب آن است که این تفصیل درست نیست که بمذهب سنیان و اما بنا بر آنچه ادا
بیان کرده اند اما به جهت اجماع ثابت آنست که کاشف است از دخول معصوم پس این
تفصیل معقول نیست چه مخالفت معصوم لازم می‌آید هرچند موافق باشد قایل هر یک از
فریقین در قسمی و قیاس کن باین مثال فروختن و کشتن را **فصل** و مروی است
بوده باشد خوابیدن تو بر جانب راست پس درستی که آن خواب مومنانست چنانکه روایت
کرده است ثقه الاسلام در کافی بسند صحیح از احمد بن اسحق که گفت گفتم بحضرت ابی محمد
یعنی حسن عسکری علیه السلام که فدیه شوم فدای تو بدرستی که من تمکین از برای چیزی که میرسد
بسبب خواب و خوابیدن ارادت کردم که سوال کنم پس آن تو را علیه السلام از آن پس بیاد از برای ان
آن پس فرمود آنحضرت و چه چیز است آن یا احمد پس گفتم روایت شده است از پدران
تو علیهم السلام که خواب پیغمبران بر قفاهای ایشانست و خواب مومنان بر جانبهای راست
ایشان و خواب منافقان بر جانبهای چپ ایشان و خواب شیاطین بر رویهای ایشان
پس فرمود آنحضرت علیه السلام چنین است این پس گفتم ای سید بدرستی که من جهد میکنم که
بخوابم بر جانب راست خود پس ممکن نمیشود مرا و نمیگیرد مرا خواب پس ساکت شد آنحضرت
ساعتی بعد از آن فرمود ای احمد نزدیک شو بمن پس نزدیک شدم پس فرمود که داخل کن دست
خود را زیر جامهای خود پس داخل کردم آنرا پس بیرون آورد دست خود را از زیر جامهای
خود پس گذاشت دست راست خود را بر جانب چپ من و دست چپ خود را بر جانب راست
من گفت احمد که پس نمیدانم که بخوابم بر جانب چپ خود از وقتی که کرد آنرا
با من آنحضرت علیه السلام و نمیگیرد مرا آن خوابی اصلا و از آنچه خوانده میشود در پهلو خوابیدن
آنست که روایت کرده است ثقه الاسلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام که هر که گوید

وقتی که میرود به خوابگاه خود الحمد لله الذی علا فقهر والحمد لله
سپاس مر خدایرا که بلند شده است پس غلبه کرده است و سپاس مر خدایرا
الذی بطن فخبر والحمد لله الذی ملک فقدر
که پوشیده است باطن پس از همه خبر دارد و سپاس مر خدایرا که مالک است پس تقدیر کرده است
والحمد لله الذی یحیی الموتی ویمیت الاحیاء
و سپاس مر خدایرا که زنده میکند مردهها را و میمیراند زندهها را
وهو علی کل شیء قدیر بیرون رود از گناهان مانند حالتی
و او بر همه چیز توانا است که زاییده است او را مادر او و روایت
شده است در کتاب مذکور از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود که هر که بخواند این
نزد خوابیدن شود از برای او نوری بسوی مسجد الحرام که در میان آن نور ملکه
باشند که استغفار قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی
کنند از برای او بگو ای محمد بدرستی که نیستم من مگر آدمی مثل شما و فرستاده شده بسوی من
انما الهکم اله واحد فمن کان یرجو لقاء
بدرستی که خدای شما خدائیست یکتا پس هر که داشته باشد امید ملاقات
ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة
پروردگار خود پس عمل کند عمل نیکو و شریک نگرداند بعبادت
ربه احدا و روایت شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق
پروردگار خود کسی را که فرموده که نیست بنده که بخواند آخر کهف وقتی که میخواهد بخوابد
مگر بیدار شود در ساعتی که میخواهد میفرماید که این از اسرار عجیبه مجرب است
نیست مگر مراد با آخر کهف آیات آخر است یعنی همین آیه که مذکور شده و هر گاه

اشتر و بیش از عقرب و مانند آن پس بگو آنچه روایت کرده است در کتاب مذکور از
حضرت باقر علیه السلام که هر که بگوید این کلمات را ایمن میشوم که برسد باو عقربی و گزنده‌ای
أعوذ بكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن
پناه میبرم بکلمات تامه خدا که تجاوز نمیکنند از آنها
بر ولا فاجر من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر
نیکوکاری و نه بدکاری از شر آنچه خلق کرده است و از شر آنچه آفریده است و از
كل دابة هو آخذ بناصيتها إن ربي على صراط
هر جنبنده که او گرفته است ناصیه او را بدرستی که پروردگار من بر راه
مستقيم و روایت کرده است در کتاب مذکور بسند صحیح از برای دفع احتلام از حضرت
روایت
صادق علیه السلام که فرموده که هر گاه بترسی از جنابت بگو در وقت خواب خود
اللهم إني أعوذ بك من الاحتلام ومن شر
خداوندا بدرستی که من پناه می‌آورم بتو از احتلام و از شر چیزها که
الأحلام ومن أن يتلاعب بي الشيطان في
در خواب دیده شود و اینکه بازی کنند با من شیطان در
اليقظة والمنام و روایت شده است در کتاب مذکور از برای ایمنی از آنکه
بیداری و خواب
فرود آید بر او خانه از حضرت امام رضا علیه السلام که فرموده
که گفت هیچکس که اراده کرده که بخواند که إن الله يمسك السموات
پس فرود آمده باشد بر او خانه بدرستی که خدا نگاه میدارد آسمانها
والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما
و زمین را که مبادا از زایل شوند و هر گاه که زایل شوند نگاه نمیدارد آنها را



من أحد من بعده إنه كان حليما غفورا
هیچ کسی بعد از خدا بدرستی که او هست بردبار بسیار آمرزنده
و روایت شده است در کتاب مذکور که پیغمبر صلی الله باسمك اللهم
علیه و آله هر گاه میرفت بجامه خواب خود میفرمود بنام تو خداوندا
أحيا وباسمك أموت پس هر گاه بیدار میشد از خواب
زنده میشوم و بنام تو میمیرم میفرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله
الحمد لله الذي أحياني بعد ما أماتني وإليه
سپاس مر خدایرا که زنده کرد مرا بعد از آنکه میرانید مرا و بسوی اوست
النشور و روایت شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق علیه
زنده شدن
السلام که فرموده هر گاه بشنوی آواز خروس پس بگو
سبوح قدوس رب الملائكة والروح
پاک و پاکیزه است بسیار منزه است پروردگار فرشتگان و روح است
سبقت رحمتك غضبك لا إله إلا أنت
پیشی گرفته است رحمت تو غضب ترا نیست خدایی مگر تو
سبحانك وبحمدك عملت سوءا وظلمت نفسي فا
پاکی تو و حال آنکه مشغول بحمد تو کرده‌ام بدی و ستم کرده‌ام نفس خود را پس
غفر لي إنه لا يغفر الذنوب إلا أنت
بیامرز برای من بدرستی که نمی‌آمرزد گناهان را مگر تو
و از آنچه سزاوار است کردن آن نزد خوابیدن سرمه کشیدن است بتحقیق
که روایت شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله سرمه میکشید با سنگی (?) که

تن و سر بکشند هرگاه به صحبت برود بکنار خواب خود و بتحقیق که روایت شده از حضرت
رضا علیه السلم که فرموده که هرکه بپسند ضعفی در دیده او پس سرمه کشد بهفت میل
نزد خوابیدن از اثمد چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ و روایت شده
هم از آنحضرت علیه السلم که فرموده که سرمه نزد خوابیدن امانت را ای که نازل شود
در چشم و روایت شده است که آنحضرت اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ
علیه السلم میخواند این دعا نزد سرمه کشیدن خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَنْ
بحق محمد و آل محمد اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه
تَجْعَلَ النُّوْرَ فِیْ بَصَرِیْ وَالْبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَ
بگردانی نور را در دیده من و بینائی را در دین من و
الْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِیْ وَالْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ
یقین را در دل من و اخلاص را در عمل من و سلامتی را
فِیْ نَفْسِیْ وَالسَّعَةَ فِیْ رِزْقِیْ وَالشُّکْرَ لَکَ
در نفس من و فراخی را در روزی من و شکر را برای تو
اَبَدًا مَّا اَبْقَیْتَنِیْ و روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن
همیشه چندانکه باقی داری مرا از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلم که هرگاه ببیند مردی
چیزی را در خواب که ناخوش دارد پس بگردد از جانبی اِنَّمَا النَّجْوٰی
که بران خوابیده بود و بگوید این آیه شریفه را بدرستی که نجوی راز گفتن
مِنَ الشَّیْطٰنِ لِیَحْزُنَ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَلَیْسَ بِضَآرِّهِمْ
از شیطان است تا اینکه محزون و اندوهناک کرده آنانرا که ایمان آورده و نیست ضرر رساننده

شَیْئًا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَعَلَی اللّٰهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ
بایشان چیزی مگر باذن خدا و بر خدا پس باید توکل کنند مومنان
بعد از ان بگوید عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهٖ مَلٰٓئِکَةُ اللّٰهِ
پناه می آورم بانچه پناه آورده اند بان فرشتگان خدا
الْمُقَرَّبُوْنَ وَاَنْبِیَآؤُهُ الْمُرْسَلُوْنَ وَعِبَادُهُ
که مقرب اند و پیغمبران مرسلان و بندگان
الصّٰلِحُوْنَ مِنْ شَرِّ مَا رَاَیْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّیْطٰنِ
که صالح اند از شر آنچه دیده ام و از شر شیطان
الرَّجِیْمِ باب ششم در آنچه که اراده میشود در میانه نصف شب تا طلوع صبح
رانده شده در این باب مقدمه است و چند فصل مقدمه بتحقیق که روایات بسیار
واقع شده است از اصحاب عصمت علیهم السلم در باب برخاستن شب و بیان فضیلت آن
روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیحی از حضرت صادق علیه السلم که فرموده که
شرف مومن برخاستن اوست در شب و عزت او استغنای اوست از مردم و روایت
کرده است نیز در کافی بسند حسن از عبدالله بن سنان که گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله
علیه السلم که میفرمود که سه چیز است که آنها فخر مومن و زینت اوست در دنیا و آخرت نماز در
آخر شب و مایوس بودن از آنچه در دستهای مردمست و یاری کردن او امام را از
آل محمد صلی الله علیه و آله و روایت کرده است نیز در کافی بسند حسن از آنحضرت علیه السلم که
قول خدای تعالی کانوا قلیلا من اللیل ما یهجعون که فرموده که بودند ایشان چنین که اندک شبها از ایشان
فوت میشد که برنمیخواستند و روایت کرده است نیز در کافی که آمد مردی نزد امیرالمومنین
پس گفت بدرستی که من بتحقیق که محروم ام از نماز شب پس امیرالمومنین علیه السلم فرمود که



مردی که چنین دید که وی گرده است تا آنکه مانند تو و روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب
به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام در قول خدای تعالی ان ناشئة اللیل هی اشد
وطأ و اقوم قیلا که فرمود که برخواستن اوست از رخت خواب خود که اراده نکرده باشد
که خدا را و روایت کرده است شیخ رحمه الله در تهذیب به سند صحیح نیز از آنحضرت علیه السلام که
نیست بنده که آنکه بیدار میشود در هر شب یک مرتبه یا دو مرتبه پس اگر برخواست و الا
نزدیک میشود شیطان میان پاهای خود را پس بول میکند در گوش او و آیا نمی بینید
احدی از شما که هرگاه برمیخیزد و نبوده است این از او برمیخیزد و حال آنکه گران و کند و
سنگین و کاهل است و روایت کرده است در تهذیب به سند صحیح نیز از عمر بن یزید
که او رسیده که او شنیده از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که میفرمود که به درستی که در شب
هر آینه ساعتی هست که موافق نمی افتد آن را بنده مسلمانی که نماز کند و دعا کند خدا را در آن
مگر آنکه مستجاب کند خدای تعالی برای او گفتم رحمک الله پس کدام ساعت است از شب
فرمود هرگاه بگذرد نصف شب و آن ثلث باقی و روایت کرده است رئیس المحدثین در فقیه
به سند صحیح از عبدالله بن سنان که او سوال کرده از حضرت صادق علیه السلام از قول خدای تعالی
سیماهم فی وجوههم من اثر السجود پس فرمود که آن بیداری در نماز است و روایت
اصحاب عصمت علیهم السلام در برخواستن شب بسیار است **فصل** هرگاه بیدار شوی
از خواب پس اول آنچه سزاوار است برای تو کردن آن اینست که سجده کنی از برای خدای
پس چنین که روایت شده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله هرگاه بیدار میشد از
خواب خود سجده میکرد خدا را بعد از آن بگو در حال سجده یا بعد از سر برداشتن

الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه
سپاس مر خدا را که زنده گردانید مرا بعد از آنکه میرانید مرا و بسوی او است

النشور الحمد لله الذی ردّ علیّ روحی لاحمده
بر انگیخته شدن سپاس مر خدا را که برگردانید بر من روح مرا تا اینکه سپاس گویم او را
واعبده و روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی به سند حسن از حضرت امام
و پرستش کنم او را محمد باقر علیه السلام که فرموده اند که هرگاه برخیزی در شب پس نگاه کن در
اطراف اللهم انه لا یواری عنک لیل ساج
آسمان و بگو خداوندا به درستی که نمی پوشاند از تو شب ساکن شده
ولا سماء ذات ابراج ولا ارض ذات مهاد
و نه آسمان صاحب برجها و نه زمین صاحب بسط
ولا ظلمات بعضها فوق بعض ولا بحر لجی تدلج
و نه تاریکیها که بعضی بالای بعضی باشد و نه دریای عظیمی میرود در او
بین یدی المدلج من خلقک تعلم خائنة الاعین
پیش کسی که در شب بجنبد از آفریدگان میدانی خیانات چشمها را
وما تخفی الصدور وغارت النجوم ونامت
و آنچه پنهان میکنند سینهها فرود آمده اند ستارهها و بخواب رفته اند
العیون وانت الحی القیوم لا تاخذک سنة
چشمها و تو همیشه زنده بخود برپایی فرا نمیگیرد ترا پینکی
ولا نوم سبحان الله رب العالمین واله
و نه خوابی تسبیح میکنم تسبیح خدا پروردگار عالمیان و معبود
المسلمین والحمد لله رب العالمین بعد از آن بخواند پنج
مسلمانان و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است آیه از آخر آل عمران



إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ

بدرستی که در آفریدن آسمانها و زمین و اختلاف

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ

شب و روز هر آینه علامتهاست برای صاحبان عقول آنانکه

يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ

یاد میکنند خدا را در حالتی که ایستاده اند و نشسته اند و بر پهلوهای خود

وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

و اندیشه میکنند در آفرینش آسمانها و زمین

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا

ای پروردگار ما نیافریدی تو این را باطل پاکی یاد میکنیم ترا پس نگاهدار ما را

عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ

از عذاب آتش ای پروردگار ما بدرستی که تو هر که را در آوری در آتش

فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

پس بتحقیق که رسوا کرده او را و نیست از برای ستمکاران از یاری کنندگان

رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ

ای پروردگار ما بدرستی که ما شنیدیم آواز کننده را که میخواند برای ایمان

أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا

که ایمان آورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما

ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ

گناهان ما را و ساقط کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با

الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ

نیکوکاران ای پروردگار ما و عطا کن با آنچه وعده کرده ما را بر تصدیق رسولان

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

و رسوا مکن ما را روز قیامت بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را

فصل هرگاه نصف شب بشود پس بتحقیق که داخل شده است وقت نماز شب و
گاهی تعبیر میکنند از نصف زوال نیز روایت کرده است پس شیخ در
فقیه که عمر بن حنظله سوال کرده از حضرت صادق علیه السلم پس گفته زوال روز
را میدانیم بروز پس چون بدانیم در شب پس فرمود آنحضرت علیه السلم که از برای
شب زوالیست مثل زوال آفتاب گفت پس بچه چیز بشناسیم آنرا فرمود بستارها
هرگاه منحدر شوند و ظاهر اینست که آنحضرت علیه السلم اراده کرده ستارهای
که طلوع کرده باشند نزد غروب آفتاب چنانکه گفته است شیخ ما شیخ شهید ره و مراد
بمنحدر شدن آنها شروع آنهاست در پائین آمدن و نماز شب اطلاق میشود در احادیث
گاهی بر هشت رکعت و گاهی بر یازده رکعت باضافه دو رکعت شفع و یک رکعت وتر
و گاهی بر سیزده رکعت باضافه دو رکعت نافله صبح و این نماز شب از سنتهائی
موکده است روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق
که فرموده که بود در وصیت رسول صلی الله علیه و آله بعلی علیه السلم ای علی وصیت میکنم
در باب نفس خود ترا بچند خصلت پس حفظ کن آنها را بعد از آن فرمود خداوندا یاری
کن او را و ذکر کرد چند از خصلتها تا آنکه فرمود علیک بصلوة اللیل علیک بصلوة اللیل
علیک بصلوة اللیل و علیک بصلوة الزوال علیک بصلوة الزوال و علیک بصلوة الزوال
و ظاهر اینست که آنحضرت صلی الله علیه و آله اراده کرده اند بنماز شب سیزده رکعت را که



زوال هشت رکعتی که نافله زوال است چنانکه گفته اند بعضی از علمای پس هرگاه خواهی که
شوی بسوی عبادت و بوده باشد ترا حاجتی تعجیل کنی پس ابتدا کن بآن اول پس هرگاه خواهی
که داخل چاه خلا شوی پس اگر بوده باشد در نقش انگشتری تو یا همراه تو هر جا که باشد نامی که
احترامی باشد پس داخل مکن آنرا با خود و همچنین درهمهای سفید را اگر در کیسه باشد بعد از آن
پیش بگذار پای چپ را نزد داخل شدن اگر بوده باشد آن خانه و اگر قضای حاجت کنی در صحرا
مثل صحراء و غیر آن پس پیش بگذار پای چپ را در موضعی که می نشینی در آن موضع و بگو

بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِيثِ

بنام خدا و بیاری خدا پناه می آورم بخدا از گندیده نجس پلید

الْمُخْبِثِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و اگر قضای حاجت کنی در فضای بی پرده

گیرنده مصاحبها پلید شیطان رانده شده بکن موضعی را که دیده نشود و در آن مخصوص
و باید که بوده باشد اعتماد و سنگینی تو در وقت تکیه بر پای چپ تو و سزاوار است
گشودن پای راست را و طول مده نشستن را و حرف مزن مگر برای حاجتی که خوف
آن داشته باشی یا خواندن آیة الکرسی یا الحمد لله رب العالمین یا حکایت اذان
یا ذکر خدای تعالی و بعد از آنکه فارغ شوی برخیز و بکش دست خود را بر شکم خود و بگو

الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي أَمَاطَ عَنِّي الْأَذَى وَهَنَّأَنِي طَعَامِي

سپاس مر خدای را که دور گردانید از من آزار را و گوارا گردانید برای من طعام مرا

وَشَرَابِي وَعَافَانِي مِنَ الْبَلْوَى و استبرا بکن یعنی بگذار انگشت

و شراب مرا و عافیت داد مرا از بلا میان از نزد مقعده و انگشتی از اثنا عشر
ذکر بعد از آن بگذاری انگشت شهادت را زیر ذکر و انگشت شهادت را بالای آن و بیفشاری
بقوت آنرا سه مرتبه بعد از آن بیفشاری حشفه را سه مرتبه و تنحنح کن در حال استبرا و هرگاه

خواهی که استنجا کنی الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوراً

و آب پس بگو سپاس مر خدای را که گردانید آب را پاک کننده و

وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً و استنجا بکن بدست چپ خواه استنجا کنی با آب

و نگردانید آنرا نجس خواه بکلوخ و مانند آن و اگر در دست تو انگشتری باشد
که نگین آن از سنگ زمزم باشد پس بیرون کن آنرا و باید که بوده باشد شستن مقعده
بانگشت بنصر یعنی انگشتی که پهلوی انگشت کوچک است و مزن دست راست را بر کرانه
کن در غیر متعدی از غایط یعنی اگر بجوانب و اطراف مقعده نرسیده باشد آب را بر
الیدین و جمع میان آب و کلوخ بهتر است در متعدی و غیر آن و بشو مخرج غایط را تا اینکه
کنی بعد از آن بگو

اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعِفَّهُ وَاسْتُرْ

در حال استنجا خداوندا بازدار فرج مرا از حرام و عفیف گردان آنرا و بپوشان

عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ و مقدم دار شستن مخرج غایط را

عورت مرا و حرام گردان مرا بر آتش شستن مخرج بول

پس اگر پاک نشود محل به آن و بر جای بیرون آمدن
پس هرگاه بیرون آیی از خلا پس پیش بگذار پای راست را و بگو نزد بیرون آمدن

الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ وَأَبْقَى فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ

سپاس مر خدای را که شناسانید بمن لذت آنرا و باقی گذاشت در بدن من قوت آنرا

وَأَخْرَجَ عَنِّي أَذَاهُ يَا لَهَا نِعْمَةً يَا لَهَا نِعْمَةً يَا لَهَا نِعْمَةً

و بیرون کرد از من آزار آنرا ای عجب نعمتی ای عجب نعمتی

لَا يَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا پس هرگاه بیرون آمدی از خلا

که قادر نیستند قادران شمردن آنرا ابتدا کن بمسواک بعد از آن

بنماز وضوی کامل چنانکه گذشت در باب اول بعد از ان خود را خوشبوی ساز پس تحصیل کن بوی خوش که روایت
شده است از حضرت صادق علیه السلم که فرموده که بود از برای پیغمبر صلی الله علیه و آله مشکی
هرگاه وضو میساخت میگرفت از دست خود و جا ل اگر آن نه بود و روایت شده است
نیز از آنحضرت علیه السلم که فرموده که دو رکعت که گذاری آنرا با بوی خوش کرده فضیلت
از هفتاد رکعت که بگذاری آنرا بی بوی خوش و با اگر بوی خوش کردن سنت است از برای
هر نمازی نیست مخصوص بنماز شب و دعاهای آن پس هرگاه وضو ساختی و بوی خوش
کردی پس بنشین رو بقبله و بخوان دعای حضرت زین العابدین علیه السلم که میخواند آنرا در دل شب

الهی غارت نجوم
ای خدای من فرو رفته اند ستارهای

سمائک ونامت عیون انامک وهدأت اصوات
آسمان تو و خواب رفته اند چشمهای آفریدگان تو و ساکن شده است صداهای

عبادک وانعامک وغلّقت الملوک علیها
بندگان تو و چهارپایان تو و بسته اند پادشاهان بر روی خود

ابوابها وطاف علیها حراسها واحتجبوا
درهای خود را و میگردد بر دور انها نگاهبانان انها و پوشانیده شده اند

عمّن یسألهم حاجة او ینتجع منهم فائدة
از کسی که سوال کند از ایشان حاجتی یا طلب کند از ایشان فایده

وانت الهی حیّ قیّوم لا تأخذک سنة ولا
و توای خدای من همیشه زنده بخود برپائی که فرو نمیگیرد ترا پینکی و نه

نوم ولا یشغلک شیء عن شیء ابواب سمائک
خوابی و نه مشغول میسازد ترا چیزی از چیزی درهای آسمان تو

لمن دعاک مفتّحات وخزائنک غیر مغلقات
از برای هر که بخواند ترا گشوده شده اند و خزانهای تو بسته نشده اند

وابواب رحمتک غیر محجوبات وفوائدک
و درهای رحمت تو باز داشته نشده اند و فایدهای تو

لمن سألک غیر محظورات بل هی مبذولات
برای کسی که سوال کند ترا منع کرده نشده اند بلکه آنها داده شده اند

الهی انت الکریم الذی لا تردّ سائلا من
ای خدای من تویی کریمی که رد نمیکنی سوال کننده از

المؤمنین سألک ولا تحتجب عن احد منهم
مومنان که سوال کند ترا و پوشیده نمیشوی از کسی از ایشان

ارادک لا وعزّتک وجلالک ولا تختزل
که قصد کند ترا چنین نیست قسم بعزت تو و بزرگی تو و تعویق افتاده نمیشود

حوائجهم دونک ولا یقضیها احد غیرک اللهم
حاجتهای ایشان نزد تو و بر نمی آورد انها را کسی غیر از تو خداوندا

وقد ترانی ووقوفی وذلّ مقامی بین یدیک تعلم
و بتحقیق که می بینی مرا و ایستادن مرا و خواری جایگاه مرا پیش روی تو و میدانی

سریرتی وتطّلع علی ما فی قلبی وما یصلح به
سر مرا و آگاهی بر آنچه در دل من است و آنچه صلاح میگردد به آن

امر آخرتی ودنیای اللهم انّ ذکر الموت و
کار آخرت من و دنیای من خداوندا بدرستیکه یاد مرگ و

أَهْوَالِ الْمُطَّلَعِ وَالْوُقُوفِ بَيْنَ يَدَيْكَ تَغَصَّنِي مَطْعَمِي

هولهای عرصه قیامت و ایستادن در پیش روی تو که در کرده بر من خوردن

وَمَشْرَبِي وَأَغَصَّنِي بِرِيقِي وَأَقْلَقَنِي عَنْ وِسَادِي

و آشامیدن مرا و گره کرده در گلوی من آب دهن و بی‌آرام کرده جدا شده مرا از بالش من

وَمَنَعَنِي رُقَادِي كَيْفَ يَنَامُ مَنْ يَخَافُ

و منع کرده است از خواب مرا چگونه بخوابد کسی که می‌ترسد از

مَلَكَ الْمَوْتِ فِي طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَطَوَارِقِ

ملک الموت در وارد شوندگان در شب و وارد شوندگان

النَّهَارِ بَلْ كَيْفَ يَنَامُ الْعَاقِلُ وَمَلَكُ

در روز بلکه چگونه بخوابد عاقل و حال آنکه ملک

الْمَوْتِ لَا يَنَامُ لَا بِاللَّيْلِ وَلَا بِالنَّهَارِ وَ

الموت نمی‌خوابد نه در شب و نه در روز و

يَطْلُبُ رُوحَهُ بِالْبَيَاتِ وَفِي آنَاءِ

طلب میکند روح او را در شب و در اثنا

السَّاعَاتِ و بسجود میرفتند آنحضرت علیه السلم بعد از این دعا و پیشانی

ساعتها و روی مبارک خود را بخاک میمالید و میفرمودند

أَسْأَلُكَ الرَّوْحَ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ

سوال میکنم ترا رحمت و راحت نزد مرگ و عفو کن

عَنِّي حِينَ أَلْقَاكَ و میگذاردند پیش از نماز دو رکعت که میخواندند در رکعت

از من هنگامی که ملاقات کنم ترا اول قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون

بعد از آن لبند میکردند دستهای مبارک خود را بجگر و دعا میکردند و تو هرگاه

بگذاری این دو رکعت را پس خوبست که بخوانی این دعا را که روایت کرده است

دیلمی محدثین در کتاب امالی از ابی الدرداء که شنیده بود از حضرت

امیر المؤمنین علیه السلم که میخواندند این دعا را در دل شب ای خدای من

إِلٰهِي كَمْ مِنْ مُوبِقَةٍ حَلُمْتَ عَنْ مُقَابَلَتِهَا بِنَقِمَتِكَ وَ

بسا معصیت هلاک کننده که بردباری کرده از برابر آن انداختن بعقاب خود و

كَمْ مِنْ جَرِيرَةٍ تَكَرَّمْتَ عَنْ كَشْفِهَا بِكَرَمِكَ

بسا از گناهی که کرم ورزیدی از سوال کردن آن بکرم خود

إِلٰهِي إِنْ طَالَ فِي عِصْيَانِكَ عُمْرِي وَعَظُمَ

ای خدای من اگر دراز گشته است در عصیان تو عمر من و بزرگ

فِي الصُّحُفِ ذَنْبِي فَمَا أَنَا مُؤَمِّلٌ غَيْرَ غُفْرَانِكَ

در نامه‌ها گناه من پس نیستم من امید دارنده غیر آمرزش ترا

وَلَا أَنَا بِرَاجٍ غَيْرَ رِضْوَانِكَ إِلٰهِي أُفَكِّرُ

و نه من طمع دارنده‌ام غیر خشنودی ترا ای خدای من اندیشه میکنیم

فِي عَفْوِكَ فَتَهُونُ عَلَيَّ خَطِيئَتِي ثُمَّ أَذْكُرُ

در عفو تو پس آسان میشود بر من گناه من پس یاد می‌آورم

الْعَظِيمَ مِنْ أَخْذِكَ فَتَعْظُمُ عَلَيَّ بَلِيَّتِي آهِ

عظمت از گرفتن تو پس بزرگ میشود بر من بلیه من آه

إِنْ أَنَا قَرَأْتُ فِي الصُّحُفِ سَيِّئَةً أَنَا نَاسِيهَا

اگر من بخوانم در نامه‌ها گناهی را من فراموش کرده‌ام آن را

وأنت محصيها فتقول خذوه فيا له من مأخوذ

و تو حفظ کننده آن ازو پس گوئی بگیرید او را پس ای تعجب [illegible] گرفته شده

لا تنجيه عشيرته ولا تنفعه قبيلته آه من نار

که خلاص نکند او را قوم او و سود ندهد او را قبیله او آه از آتشی که

تنضج الأكباد والكلى آه من نار نزاعة

می پزد جگرها و گرده ها را آه از آتشی که میکند پوست

للشوى آه من غمرة من لهبات لظى

سر را آه از فرو گیرنده از زبانهای آتش جهنم

خواهی بعد از آن برخیز [illegible] نماز شب و تحقیق که جمع کرده اند علمای ما بر اینکه اول وقت آن نصف
شب است و اینکه هر چند نزدیک شود به صبح خواندن افضل پس اگر طلوع کند آن کذارده
باشد چهار رکعت تمام کند سبک باقی [illegible] تنهای سوره و مقصود او مشهور است که
جایز است تقدیم آن بر نصف شب از برای کسی که عذری داشته باشد لیکن قضای آن
افضل است از تقدیم پس [illegible] شروع [illegible] اللهم إني أتوجه إليك

کنی در نماز [illegible] خداوندا بدرستیکه من رو آورده ام بسوی تو

بنبيك نبي الرحمة وآله وأقدمهم بين يدي

بواسطه پیغمبر تو پیغمبر رحمت و آل او و مقدم میدارم ایشانرا پیش

حوائجي فاجعلني بهم وجيها في الدنيا و

حاجتهای خود پس بگردان مرا بایشان آبرومند در دنیا و

الآخرة ومن المقربين اللهم ارحمني بهم

آخرت و از مقربان خداوندا رحم کن مرا بحق ایشان

ولا تعذبني بهم واهدني بهم ولا تضلني بهم

و عذاب مکن مرا بحق ایشان و هدایت کن مرا بحق ایشان و گمراه مکن مرا بحق ایشان

وارزقني بهم ولا تحرمني بهم واقض لي حوائج

و روزی ده مرا بحق ایشان و محروم مکن مرا بحق ایشان و برآور برای من حاجتهای

الدنيا والآخرة إنك على كل شيء قدير و

دنیا و آخرت بدرستی که تو بر همه چیز بغایت توانائی و

بكل شيء عليم بعد از آن ابتدا کن برکعت اول بهفت تکبیر [illegible] و دعاهای آنها

بهمه چیز دانائی — و افضل آنست که بخوانی در آن بعد از حمد سوره قل هو الله احد سی
مرتبه و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون و در شش رکعت باقی سورهای دراز
مثل سوره انعام و کهف و انبیا و یس و حم ها و آنچه مانند آنها باشد در درازی و
جایز است در نمازهای سنتی خواندن سوره ها از روی مصحف هر چند از بر داشته باشی
غیر آن سوره را [illegible] در نمازهای واجبی پس جایز نیست آن مگر اینکه هیچ سوره حفظ نداشته
باشی و بعضی گفته اند در آنها نیز جایز است مطلقا و این قول ضعیف است و اگر تنگ شد
وقت تو از سورهای کافیست حمد و قل هو الله احد در هر رکعتی و مرتبه است اقتصار بر حمد تنها
[illegible] نوافل [illegible] تحقیق اتفاق کرده اند علمای ما بر اینکه قنوت چنانکه سنت است در
نمازهای واجبی سنت است در هر رکعت دومی از نوافل نیز [illegible] روایت کرده است ثقة
الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق صلوات الله علیه اللهم اغفر
و کافیست در قنوت اینکه بگوئی — خداوندا بیامرز

لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا في الدنيا

ما را و رحم کن ما را و عافیت ده ما را و عفو کن از ما در دنیا

وَالآخِرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ چنانکه در یکی از دعات
و آخرت پرستی که تو بر هر چیز نهایت توانائی از ثقة الاسلام در
کافی نیز از آنحضرت علیه السلام بسند حسن روایت شده است کافی بودن
تسبیح نیز در قنوت و سنت است بلند خواندن قنوت هرچند در نوافل روز باشد و
سزاوار است طول دادن آن خصوصا در نماز شب زیرا که وقت در آن وسعتی دارد
و بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود
که هرکه از شما درازتر باشد قنوت او در دار دنیا درازتر است راحت او در روز قیامت
و بتحقیق که آورده است سید جلیل رضی الدین علی بن طاوس در کتاب مهج الدعوات
پاره از قنوتهای دراز که قنوت میکرده اند بآنها ائمه سلام الله علیهم و نفرین میکرده اند
در آنها بر دشمنان این دین و باکی نیست که کوتاهی قنوت را از روی کتاب مانند آن منع
شده است ازین در فرایض و از دعاهای مختصر که لایقست که خوانده شود و الهی
در قنوت نوافل و فرایض آنست که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام ای خدای من

كَيْفَ اَدْعُوكَ وَقَدْ عَصَيْتُكَ وَكَيْفَ لَا
چگونه بخوانم ترا و حال آنکه بتحقیق عصیان کرده ام ترا و چگونه
اَدْعُوكَ وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِي وَاِنْ كُنْتُ
نخوانم ترا و حال آنکه بتحقیق شناخته ام دوستی ترا در دل خود و اگرچه بوده ام
عَاصِيًا مَدَدْتُ اِلَيْكَ يَدًا بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً
عصیان کننده دراز کرده ام بسوی تو دستی را که بگناهان لبالب است
وَعَيْنًا بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً مَوْلَايَ اَنْتَ عَظِيمُ
و چشمی را که بامید بلند شده است ای پروردگار من تو بزرگ





رحمتك انطقني باستقالتك والامل لآلائك
رحمت تو گویا کرده است مرا بطلب فسخ کردن تو و امید بسوی نعمت‌های تو
ورفقك شجعني على طلب امانك وعفوك ولي
و مدارای تو جرات داده است مرا بر طلب امان تو و عفو تو و از برای
يا رب ذنوب قد واجهتها اوجه الانتقام و
ای پروردگار گناهانی که بتحقیق روبرو کرده است آنها را رویهای انتقام و
خطايا قد لاحظتها اعين الاصطلام واستوجبت
خطاهائی که بتحقیق نگریسته است آنها را دیده‌های استیصال و سزاوار شده‌ام
بها على عدلك أليم العذاب واستحققت
بآنها بر عدل تو الم رساننده عذاب را و مستحق شده‌ام
باجتراحها مبير العقاب وخفت تعويقها
بسبب کسب آنها هلاک کننده عقاب را و خوف دارم از تعویق انداختن آنها
لاجابتي وردها اياي عن قضاء حاجتي
اجابت مرا و برگردانیدن آنها مرا از برآوردن حاجت من
وابطالها لطلبتي وقطعها لاسباب رغبتي
و باطل کردن آنها طلب مرا و بریدن آنها اسباب رغبت مرا
من اجل ما انقض ظهري من ثقلها وبهظني
بواسطه آنچه سنگین کرده است پشت مرا از گرانی آنها و گران کرده
من الاستقلال بحملها ثم تراجعت ربي الى
از استقلال بر داشتن آنها پس باز رجوع کردم ای پروردگار من بسوی

حلمك عن الخاطئين وعفوك عن المذنبين
بردباری تو از خطاکاران و عفو تو از گناهکاران
ورحمتك للعاصين فاقبلت بثقتي متوكلا
و رحمت تو برای عاصیان پس رو آورده‌ام باعتماد خود توکل کننده
عليك طارحا نفسي بين يديك شاكيا
بر تو اندازنده نفس خود را پیش روی تو شکوه کننده
بثي اليك سائلا ما لا استوجبه من تفريج
اندوه خود را بسوی تو سوال کننده آنچه را سزاوار آن نیستم از زایل کردن
الهم ولا استحقه من تنفيس الغم مستقيلا
هم و آنچه مستحق آن نیستم از بر طرف کردن غم طلب فسخ کننده
اياك واثقا مولاي بك اللهم فامنن علي
از تو اعتماد دارنده ای مولای من بتو خداوندا پس منت گذار بر من
بالفرج وتطول علي بسهولة المخرج وادللني
بگشایش و تفضل کن بر من بآسانی بیرون شدن و راه نما
برأفتك على سمت المنهج وازلقني بقدرتك
بمهربانی خود براه راست و بلغزان مرا بقدرت خود
عن الطريق الاعوج وخلصني من سجن الكرب
از راه کج و خلاص کن مرا از زندان اندوه
باقالتك واطلق اسري برحمتك وطل علي
بگذشتن خود و بگشای بند مرا برحمت خود و منت گذار بر من

برضوانك وجد علي باحسانك واقلني عثرتي
بخشنودی خود وجود کن بر من بسبب احسان خود و درگذران از من لغزش مرا

وفرّج كربتي وارحم عبرتي ولا تحجب دعوتي
و دفع کن اندوه مرا و رحم کن اشک مرا و منع مکن دعای مرا

واشدد بالاقالة ازري وقوّ بها ظهري و
و سخت کن بدرگذشتن قوت مرا و قوی گردان بآن پشت مرا و

اصلح بها امري واطل بها عمري وارحمني
اصلاح کن بآن امر مرا و دراز کن بآن عمر مرا و رحم کن مرا

يوم حشري ووقت نشري انك جواد كريم
روز حشر من و وقت برانگیختن من بدرستی که تو بسیار بخشنده کریم

رؤف رحيم (وبيخوان نماز هر دو ركعت) اللهم اني
مهربان رحیمی (از هشت رکعت این دعا) خداوندا بدرستی که من

اسئلك ولم يسأل مثلك انت موضع مسئلة
سوال میکنم ترا و سوال کرده نشده است مثل تو و تو موضع سوال

السائلين ومنتهى رغبة الراغبين ادعوك
سوال کنندگانی و نهایت رغبت رغبت کنندگانی میخوانم ترا

ولم يدع مثلك وارغب اليك ولم يرغب
و خوانده نشده است مثل تو و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده است

الى مثلك انت مجيب دعوة المضطرين و
بسوی مثل تو توئی اجابت کننده دعای بیچارگان و



ارحم الراحمين اسئلك بافضل المسائل و
و رحیم‌ترین رحم کنندگان سوال میکنم ترا بهترین سوالها و

انجحها واعظمها يا الله يا رحمن يا رحيم و
برآمده‌ترین آنها و بزرگترین آنها ای خدای ای بسیار مهربان ای بسیار رحم کننده

باسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمك
بنامهای نیکوی تو و مثلهای بلند تو و نعمتهای تو

التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك و
که شمرده نمیشوند و بگرامی‌ترین نامهای تو بر تو و

احبها اليك واقربها منك وسيلة و
محبوب‌ترین آنها بسوی تو و نزدیکترین آنها از تو از روی مرتبه و

اشرفها عندك منزلة واجزلها لديك
شریفترین آنها نزد تو از روی منزلت و عظیم‌ترین آنها پیش تو

ثوابا واسرعها في الامور اجابة وباسمك
از روی ثواب و سریعترین آنها در امرها از روی اجابت و بنام

المكنون الاكبر الاعز الاجل الاعظم
پنهان کرده شده عظیم‌تر عزیزتر جلیل‌تر بزرگ‌تر

الاكرم الذي تحبه وتهواه وترضى
گرامی‌تر که دوست میداری آن را و میخواهی آن را و خشنود میشوی

به عمن دعاك وبكل اسم هو لك في
بآن از کسی که میخواند ترا و بهر نامی که آن از برای تست در



التوراة والانجيل والزبور والفرقان العظيم
توریة و انجیل و زبور و قران عظیم
وبكل اسم دعاك به حملة عرشك و
و بهر نامی که خوانده اند ترا بآن بردارندگان عرش تو و
ملائكتك وانبياؤك ورسلك و
فرشتگان تو و پیغمبران تو و رسولان تو
اهل طاعتك من خلقك ان تصلي على محمد
اهل طاعت تو از آفریدگان تو اینکه رحمت فرستی بر محمد
وآل محمد وان تعجل فرج وليك وابن وليك
و آل محمد و اینکه تعجیل کنی راحت حجت خود و فرزند حجت خود
وتعجل خزي اعدائه وان تفعل بي كذا وكذا
و تعجیل کنی خواری دشمنان او را و اینکه بکنی با من فلان و فلان
بعد از آن تسبیح بکنی تسبیح فاطمه علیها السلام و سجده نمائی بعد از آن هر دعا که [illegible]
از آن سجده بکنی دو سجده شکر و خوب است که بخوانی در یکی از آنها این دعا را [illegible]
الهي وعزتك وجلالك وعظمتك لو اني منذ
ای خدای من قسم بعزت تو و بزرگی تو و عظمت تو اگر پرستش من بودی
بدعت فطرتي من اول الدهر عبدتك دوام
از اول زمان چنین که [illegible] از اول زمان چنین که عبادت کرده بودم ترا مدام
خلود ربوبيتك بكل شعرة في كل طرفة
همیشگی پروردگاری ترا بهر موی در هر چشم

عين سرمد الابد بحمد الخلائق وشكرهم اجمعين
زدنی همیشه روزگار بحمد خلایق و شکر ایشان همگی
لكنت مقصرا في بلوغ اداء شكر خفي نعمة من
بودم تقصیر کننده در رسیدن ادای شکر پنهان نعمتی از
نعمك علي ولو اني كربت معادن حديد
نعمتهای تو بر من و اگر بر پستی کوه من کنده بودی کانهای آهن
الدنيا بانيابي وحرثت ارضيها باشفار عيني
دنیا را بنیشهای خود و زراعت کرده بودم زمینها را بکنارهای چشم خود
وبكيت من خشيتك مثل بحور السموات و
و گریه کرده بودم از ترس تو مثل دریاهای آسمانها و
الارضين دما وصديدا لكان ذلك قليلا
زمینها خون و خوناب هرآینه بودی آن اندکی
في كثير ما يجب من حقك علي ولو انك
در بسیاری آنچه واجب است از حق تو بر من و اگر اینکه تو
الهي عذبتني بعد ذلك بعذاب الخلائق
ای خدای من عذاب میکردی مرا بعد از آن بعذاب خلایق
اجمعين وعظمت للنار خلقي وجسمي وملأت
همگی و بزرگ گردانیده بودی از برای آتش اندام مرا و جسم مرا و پر کرده بودی
طبقات جهنم مني حتى لا يكون في النار
طبقهای جهنم را از من تا اینکه نبود در آتش

معذب غیری ولا یکون لجهنم حطب
عذاب کرده شده غیر از من و نمی‌شود از برای جهنم هیمه
سوای لکان ذلک بعدلک علی قلیلا فی
بجز من هر آینه بودی این بعدالت تو بر من اندکی در
کثیر ما استوجبه من عقوبتک
بسیاری آنچه سزاوارم از عقوبت تو
یا الله یا الله صل علی محمد وآله وارحمنی
ای خدای ای خدای رحمت بفرست بر محمد و آل او و رحم کن مرا
وثبتنی علی دینک ودین نبیک ولا تزغ قلبی
و ثابت دار مرا بر دین تو و دین پیغمبر تو و میل مده دل مرا
بعد اذ هدیتنی وهب لی من لدنک رحمة
بعد از آنکه هدایت کردی مرا و ببخش مرا از نزد خود رحمتی
انک انت الوهاب اللهم انت الحی
بدرستی که تویی تو بسیار بخشنده خداوندا تویی همیشه زنده
القیوم العلی العظیم الخالق الرازق المبدئ
بخود برپا بلند مرتبه بزرگ آفریننده روزی دهنده
المحیی الممیت البدئ البدیع لک الکرم و
زنده کننده میراننده ابتدا کننده و نو پدید آورنده برای تست کرم و
لک الجود ولک المن ولک الامر وحدک لا
برای تست جود و برای تست نعمت و برای تست فرمان تنهای نیست

شریک لک یا خالق یا رازق یا محیی یا ممیت یا
انباز مر ترا ای آفریننده ای روزی دهنده ای زنده کننده ای میراننده ای
بدیع یا رفیع اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
نو پدید آورنده ای بلند مرتبه سوال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد
وان ترحم ذلی بین یدیک وتضرعی الیک و
و اینکه رحم کنی خواری مرا پیش روی تو و فروتنی مرا بسوی تو و
وحشتی من الناس وانسی بک
رمیدن مرا از مردم و انس مرا بتو
اللهم انی اسئلک بحرمة من عاذ بک ولجأ
خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا بحرمت هر که پناه آورده بتو و التجا
الی عزک واستظل بفیئک واعتصم بحبلک
بسوی عزت تو و آمده بزیر سایه تو و دست زده بریسمان تو
ولم یثق الا بک یا جزیل العطایا یا مطلق الاساری
و اعتماد ننموده مگر بتو ای بزرگ عطاها ای رها کننده اسیرها
یا من سمی نفسه من جوده وهابا ادعوک
ای کسی که نامیده است نفس خود را از جود خود بسیار بخشنده میخوانم ترا
راغبا وراهبا وخوفا وطمعا والحاحا و
رغبت کننده و ترسنده و خوف دارنده و طمع دارنده و الحاح کننده و
الحافا وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا و
اصرار کننده و فروتنی کننده و تملق کننده و ایستاده و نشسته و



رَاكِعاً وَسَاجِداً وَرَاكِباً وَمَاشِياً وَذَاهِباً
رکوع کننده و سجود کننده و سواره و پیاده و رونده
وَجَائِياً وَفِي كُلِّ حَالاتِي أَسْأَلُكَ أَنْ
و آینده و در همه حالتهای من سوال میکنم ترا اینکه
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا
رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بکنی با من فلان و فلان
و یاد میکنی حاجت خود را بعد از آن سجده میکنی و در سجده شکر میخوانی در آنجا بعد از
آنچه را که گذشت **فصل** و بعد از که فارغ شدی از نافله بجهت شب برخیزی برای دو رکعت شفع
یک رکعت وتر و افضل اوقات آن نماز میانه صبح صادق و کاذب است چنانچه گذشت در باب اول
و از ذکر صبح صادق و کاذب که وارد شده است در آن از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بدانکه شایع بر زبانهای علمای متاخرین اطلاق وتر است بر رکعت سیم شب نماز بمجموع
و شایع در احادیث که وارد شده از اصحاب عصمت سلام الله علیهم ... چنانکه
روایت کرده است آن شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که او
حضرت باقر علیه السلام میخوانده اند در وتر قل هو الله احد در هر سه رکعت آن و چنانکه
روایت کرده است نیز در تهذیب بسندی موثق از آنحضرت علیه السلام که فرموده که پیغمبر
میکرده اند هشت رکعت زوال و چهار رکعت بعد از زوال و هشت رکعت بعد از آن و چهار
رکعت عصر و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از مغرب و عشای آخر چهار رکعت و
نماز شب سه رکعت وتر و دو رکعت فجر و نماز صبح دو رکعت تا آخر حدیث و چنانکه
روایت کرده است آن شیخ محدثین بسندی صحیح از حفص بن سالم حناط که گفته
شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود که باکی نیست اینکه بگذارد مرد دو رکعت از

بعد از آن برود و بیاورد حاجت خود را و برگردد و بگذارد دیگر رکعت را و همچنین غیر اینها
احادیث بسیار است و اما اطلاق وتر بر رکعت سیم شبها پس آن در احادیث کمتر است
لیکن بسیار است در عبارتهای متاخرین علمای ما قدس الله ارواحهم و اما قدما پس اکثر
ایشان تعبیر میکنند از آن بمفرده وتر چنانکه تعبیر کرده است از آن شیخ طایفه در مصباح
و غیر او و از اینجا ظاهر میشود که کسی که نذر کند نماز وتر را ... بیرون نمی آید از عهده ...
سه رکعت و ظاهر میشود که آنچه ذکر کرده است آن را شیخ جلیل ابو علی طبرسی عطر الله مرقده در
کتاب مجمع البیان از وجه نامیدن سوره فاتحه بسبع المثانی با اینکه مثنی میشود و قرائت آن
در نماز واجبی و سنتی کلامیست درست خالی از قصور و آنچه اعتراض کرده اند بر او
این کلیه ... وتر وارد و نیست والله اعلم و میخوانی در هر یک از دو رکعت شفع بعد از حمد سوره
قل هو الله احد و اگر خواهی میخوانی قل اعوذ برب الفلق در رکعت اول و قل اعوذ برب الناس
در رکعت دوم و پس که سلام دادی اِلٰهِي تَعَرَّضَ فِي هَذَا اللَّيْلِ
پس بخوان این دعا را ای خدای من متعرض شده اند مر ترا در این شب
الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ فِيهِ الْقَاصِدُونَ وَأَمَّلَ
متعرض شوندگان و قصد کرده اند ترا در این قصد کنندگان و امید دارند
فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِي هَذَا
فضل ترا و احسان ترا طلب کنندگان و مر تراست در این
اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزُ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبُ
شب عطاها و صلهها و بخششها و موهبتها
تَمُنُّ بِهَا عَلَى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمْنَعُهَا
منت میگذاری بآنها بر هر که میخواهی از بندگان خود و منع میکنی آنها را

مَن لَم تَسبِق لَهُ العِنايَةُ مِنكَ وَها اَنا ذا

از کسی که پیشی گرفته است برای او عنایت از تو و اینک منم این

عَبدُكَ الفَقيرُ اِلَيكَ المُؤَمِّلُ فَضلَكَ وَمَعرُوفَكَ

بنده تو محتاج بسوی تو امیدوار فضل تو و احسان تو

فَاِن كُنتَ يا مَولايَ تَفَضَّلتَ في هذِهِ اللَّيلَةِ

پس اگر بوده باشی ای پروردگار من چنین که تفضل کرده باشی در این شب

عَلى اَحَدٍ مِن خَلقِكَ وَعُدتَ عَلَيهِ بِعائِدَةٍ

بر کسی از خلق خود و احسان کرده باشی برا و بچیزی

مِن عَطفِكَ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبينَ

از شفقت خود پس رحمت بفرست بر محمد و آل او که پاکیزه گان

الطّاهِرينَ الخَيِّرينَ الفاضِلينَ وَجُد عَلَيَّ

پاکان بسیار خیر کنندگان فاضلانند و جود کن بر من

بِطَولِكَ وَمَعرُوفِكَ يا رَبَّ العالَمينَ وَصَلَّى

بتفضل خود و احسان خود ای پروردگار عالمیان و رحمت کناد

اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ وَآلِهِ الطّاهِرينَ

خدا بر محمد خاتم پیغمبران و آل او که پاکانند

الَّذينَ اَذهَبَ اللهُ عَنهُمُ الرِّجسَ وَطَهَّرَهُم

آنکه برده است خدای از ایشان رجس را و پاک گردانیده است ایشانرا

تَطهيراً اِنَّ اللهَ حَميدٌ مَجيدٌ اَللّهُمَّ اِنّي

پاک گردانیدنی بدرستی که خدا ستوده شده بزرگ است خداوندا بدرستی که من

اَدعُوكَ كَما اَمَرتَ فَاستَجِب لي كَما

میخوانم ترا چنانکه امر کرده پس اجابت کن برای من چنانکه

وَعَدتَ اِنَّكَ لا تُخلِفُ الميعادَ بعد از آن برخیز برای

وعده کرده بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را سجده و در سجده

کن بهفت تکبیر باسم دعای آنها و میخوانی در آنها بعد از حمد قل هو الله احد صد مرتبه

بعد از آن بلند میکنی دستهای خود را و قنوت میخوانی و حال اینکه بگوئی

بانچه روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه بسند صحیحی از معروف بن خربوذ

از احدهما یعنی حضرت باقر یا صادق علیهما السلام که فرموده بگو در قنوت وتر

لا اِلهَ اِلَّا اللهُ الحَليمُ الكَريمُ لا اِلهَ اِلَّا اللهُ

نیست خدای که خدای برده بار کریم نیست خدای که خدای

العَلِيُّ العَظيمُ سُبحانَ اللهِ رَبِّ السَّماواتِ السَّبعِ

بلند مرتبه بزرگ پاک است خدا پروردگار آسمانهای هفتگانه

وَرَبِّ الاَرَضينَ السَّبعِ وَما فيهِنَّ وَما بَينَهُنَّ وَ

و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه در میان آنهاست

رَبِّ العَرشِ العَظيمِ اَللّهُمَّ اَنتَ اللهُ نُورُ السَّماواتِ

پروردگار عرش بزرگ خداوندا تو ئی خدای نور آسمانها

وَالاَرضِ وَاَنتَ اللهُ عِمادُ السَّماواتِ وَالاَرضِ

و زمین و تو ئی خدای ستون آسمانها و زمین

وَاَنتَ اللهُ قِوامُ السَّماواتِ وَالاَرضِ وَاَنتَ اللهُ

و تو ئی خدای بپای دارنده آسمانها و زمین و تو ئی خدای

وَاَنتَ اللهُ زَينُ السَّماواتِ وَالاَرضِ وَاَنتَ اللهُ جَمالُ السَّماواتِ وَالاَرضِ

و تو ئی خدای زینت آسمانها و زمین و تو ئی خدای جمال آسمانها و زمین

صريخ المستصرخين وأنت الله غياث المستغيثين
فریادرس فریاد رس طلبان و تو ئی خدای غیاث مستغیثان
وأنت الله المفرج عن المكروبين وأنت الله
و تو ئی خدای گشایش دهنده اندوهناکان و تو ئی خدای
المروح عن المغمومين وأنت الله مجيب دعوة
فرح بخشنده از غمناکان و تو ئی خدای اجابت کننده دعای
المضطرين وأنت الله إله العالمين وأنت الله
بیچارگان و تو ئی خدای معبود عالمیان و تو ئی خدای
الرحمن الرحيم وأنت الله كاشف السوء و
بسیار بخشنده مهربان و تو ئی خدای رفع کننده ناخوشی و
أنت الله بك تنزل كل حاجة يا الله ليس
تو ئی خدای که بتو فرود آورده میشود هر حاجتی ای خدای بر
يرد غضبك إلا حلمك ولا ينجي من عقابك
نگرداند غضب ترا مگر حلم تو و خلاص نکند از عقاب تو
إلا رحمتك ولا ينجي منك إلا التضرع إليك
مگر رحمت تو و نجات نمیدهد از تو مگر فروتنی کردن بسوی تو
فهب لي من لدنك يا إلهي رحمة تغنيني بها
پس ببخش از برای من از نزد خود ای خدای من رحمتی که بی نیاز گردانی مرا بآن
عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها
از رحمت کسی که غیر تو باشد بقدرتی که بآن

أحييت جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت
زنده کرده همه آنچه را در شهرهاست و بآن بر می انگیزانی مرده
العباد ولا تهلكني غما حتى تغفر لي و
بندگان را و هلاک مگردان مرا از غم تا اینکه بیامرزی مرا و
ترحمني وتعرفني الاستجابة في دعائي و
رحم کن مرا و بشناسانی مرا مستجاب شدن را در دعای من و
ارزقني العافية إلى منتهى أجلي وأقلني عثرتي
روزی کن مرا عافیت تا منتهای اجل من و درگذران لغزش مرا
ولا تشمت بي عدوي ولا تمكنه من
و شماتت مده از من دشمن مرا و متمکن مساز او را از
رقبتي اللهم إن رفعتني فمن ذا الذي يضعني
گردن من خداوندا اگر بلند کنی مرا پس کیست آنکه پست کند مرا
وإن وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وإن
و اگر پست کنی مرا پس کیست آنکه بلند کند مرا و اگر
أهلكتني فمن ذا الذي يحول بينك وبيني أو
هلاک کنی مرا پس کیست آنکه مانع شود میان تو و میان من و
يتعرض لك في شيء من أمري وقد علمت
متعرض شود مر ترا در چیزی از امر من و بتحقیق دانسته ام
أن ليس في حكمك ظلم ولا في نقمتك
آنکه نیست در حکم تو ستمی و نه در عقاب تو



عجلة وانما يعجل من يخاف الفوت

تعجیل و جز این نیست که تعجیل میکند کسی که میترسد از فوت

وانما يحتاج الى الظلم الضعيف وقد

و نیست محتاج بستم مگر ضعیف و بتحقیق

تعاليت عن ذلك يا الهي فلا تجعلني للبلاء

برتری تو از آن ای خدای من پس مگردان مرا از برای بلا

غرضا ولا لنقمتك نصبا ومهلني ونفسني

نشانه و نه از برای عقوبت خود برپای داشته و مهلت ده مرا و گشایش ده مرا

واقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء على اثر بلاء

و درگذر از لغزش مرا و لاحق مگردان بمن بلای در عقب بلا

فقد ترى ضعفي وقلة حيلتي استعيذ

پس بتحقیق که می بینی ضعف مرا و کمی چاره مرا پناه می آورم

بك الليلة فاعذني واستجير بك من النار

بتو در همین شب پس پناه ده مرا و زینهار میجویم بسوی تو از آتش

فاجرني واسئلك الجنة فلا تحرمني

پس زینهار ده مرا و سوال میکنم ترا بهشت پس محروم مگردان مرا

پس بعد از آن دعا کن خدا را بانچه دوست داری و استغفار کن خدا را [illegible] مرتبه نیست آخر حدیث و سنت است که دعا کنی برای چهل کس از برادران خود [illegible] پس میگوئی اللهم اغفر لفلان وفلان تا آخر ایشان و بعد از آن میگوئی استغفر ربی و اتوب الیه [illegible] استغفر را بدست راست خود [illegible]

که چپ را [illegible] دست چپ خود را چنانکه روایت کرده است آنرا پس میگوئی [illegible] هفتاد مرتبه [illegible]

استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم لجميع

طلب آمرزش میکنم از خدا آنکه نیست خدای مگر او همیشه زنده و بخود برپا از برای همه

ظلمي وجرمي واسرافي على نفسي واتوب اليه

ظلم من و جرم من و افراط من بر نفس خود و توبه میکنم بسوی او

بعد از آن میگوئی رب اسأت وظلمت نفسي وبئس ما صنعت

ای پروردگار من بد کردم و ستم کردم بر نفس خود و بد چیزیست آنچه کردم

وهذه يداي يا رب جزاء بما كسبت و

و اینست دستهای من ای پروردگار من برای جزای آنچه کسب کرده‌ام و

هذه رقبتي خاضعة بما اتيت وها انا ذا بين

اینست گردن من فروتنی کننده برای آنچه بجا آورده‌ام و اینک منم در

يديك فخذ لنفسك من نفسي الرضا حتى ترضى

پیش روی تو پس بگیر از برای نفس خود از نفس من رضا تا اینکه راضی شوی

لك العتبى لا اعود بعد از آن میگوئی العفو العفو [illegible] رب

از برای توست رضا برنمیگردم بعد از آن میگوئی ای پروردگار من

اغفر لي وارحمني وتب علي انك انت

بیامرز مرا و رحم کن مرا و قبول کن توبه را بدرستی که تو آنی تو

التواب الرحيم وسنت است طول دادن قنوت [illegible]

بسیار قبول توبه کننده و مهربان [illegible] آنچه را پیش گذشت ذکر آن در شب [illegible]

پس اگر دست داشته باشد وقت خواندن این دعا را که میخواند و از حضرت زین
العابدین چنانکه روایت کرده است آنرا پس همچنین در کتاب الی آن است

سَیِّدِی سَیِّدِی هٰذِهِ یَدَایَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَیْكَ
ای سید من ای سید من اینست دستهای من تحقیق دراز کرده ام آنها را بسوی تو
بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً وَعَیْنَایَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً وَ
که گناهان در آن لبالب است و چشمهای من از امید دراز شده است و
حَقٌّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلاً أَنْ تُجِیبَهُ بِالْكَرَمِ
سزاوار است مر کسی را که بخواند ترا با پشیمانی فروتنی کننده اینکه جواب کنی او را بکرم
تَفَضُّلاً سَیِّدِی أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِی فَأُطِیلَ
از روی تفضل ای سید من آیا از اهل بدبختی آفریده مرا پس دراز کنم
بُكَائِی أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِی فَأُبَشِّرَ
گریه خود را یا از اهل نیکبختی آفریده مرا پس مژده دهم
رَجَائِی سَیِّدِی أَلِضَرْبِ الْمَقَامِعِ خَلَقْتَ
آرزوی خود را ای سید من آیا از برای زدن گرزها خلق کرده
أَعْضَائِی أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِیمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِی
اعضای مرا یا از برای آشامیدن حمیم خلق کرده امعای مرا
سَیِّدِی لَوْ أَنَّ عَبْداً اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلَاهُ
ای سید من اگر اینکه بنده توانا است گریختن از خداوند خود
لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِینَ مِنْكَ لَكِنِّی أَعْلَمُ أَنِّی
هر آینه بودم من اول گریزندگان از تو لیکن من میدانم بدرستیکه

لَا أَفُوتُكَ سَیِّدِی لَوْ أَنَّ عَذَابِی مِمَّا یَزِیدُ فِی
فوت نمیشوم ترا ای سید من اگر اینکه بودی عذاب من از آنچه زیاد میکرد در
مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ غَیْرَ أَنِّی أَعْلَمُ
پادشاهی تو هر آینه سؤال میکردم ترا صبر بر آن تا اینکه بدرستیکه من میدانم
أَنَّهُ لَا یَزِیدُ فِی مُلْكِكَ طَاعَةُ الْمُطِیعِینَ وَلَا
اینکه زیاد نمیکند در پادشاهی تو طاعت اطاعت کنندگان و
تَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِیَةُ الْعَاصِینَ سَیِّدِی مَا
کم نمیکند از آن معصیت عصیان کنندگان ای سید من چیستم
أَنَا وَمَا خَطَرِی هَبْ لِی بِفَضْلِكَ وَجَلِّلْنِی
من و چیست قدر من ببخش مرا بفضل خود و بپوشان مرا
بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِیخِی بِكَرَمِ وَجْهِكَ
به پرده خود و درگذر از تهدید من بکرم ذات خود
إِلٰهِی وَسَیِّدِی ارْحَمْنِی مَصْرُوعاً عَلَى الْفِرَاشِ
ای خدای من و سید من رحم کن مرا در حالی که افتاده باشم بر فراش
تُقَلِّبُنِی أَیْدِی أَحِبَّتِی وَارْحَمْنِی مَطْرُوحاً عَلَى
بگردانند مرا پهلو به پهلو دستهای دوستان من و رحم کن مرا در حالی که انداخته باشم بر
الْمُغْتَسَلِ یُغَسِّلُنِی صَالِحُ جِیرَتِی وَارْحَمْنِی مَحْمُولاً
غسلگاه غسل دهد مرا صالح همسایگان من و رحم کن مرا در حالیکه برداشته باشم
قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِی وَارْحَمْ
بتحقیق گرفته باشند خویشان اطراف جنازه مرا و رحم کن

فِي ذٰلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحْشَتِي وَغُرْبَتِي وَ
در آن خانهٔ تاریک وحشت مرا و غریبی مرا و
وَحْدَتِي
تنهائی مرا
اَللّٰهُمَّ اِنَّ كَثْرَةَ الذُّنُوبِ
خداوندا بدرستی که بسیاری گناهان
تَكُفُّ اَيْدِيَنَا عَنِ انْبِسَاطِهَا اِلَيْكَ بِالسُّؤَالِ
باز میدارد دستهای ما را از گشادن آنها بسوی تو به سؤال
وَالْمُدَاوَمَةَ عَلَى الْمَعَاصِي تَمْنَعُنَا عَنِ التَّضَرُّعِ
و مداومت بر معاصی منع میکند ما را از فروتنی
وَالْاِبْتِهَالِ وَالرَّجَاءَ يَحُثُّنَا عَلَى سُؤَالِكَ يَا
و ابتهال و آرزو حریص میکند ما را بر سؤال تو ای
ذَا الْجَلَالِ فَاِنْ لَمْ يَعْطِفِ السَّيِّدُ عَلَى عَبْدِهِ
صاحب بزرگی پس اگر شفقت نکند خداوند بر بندهٔ خود
فَمِمَّنْ يَبْتَغِي النَّوَالَ فَلَا تَرُدَّ اَكُفَّنَا الْمُتَضَرِّعَةَ
پس از که طلب کند عطا پس مگردان کفهای ما را که تضرع کننده اند
اِلَيْكَ بِبُلُوغِ الْاٰمَالِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى اَشْرَفِ
بسوی تو به رسیدن آرزوها و رحمت کن خدا بر اشرف
الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الطَّاهِرِينَ
پیغمبران و رسولان محمد و آل او که پاکانند



پس هرگاه فارغ شدی از نوشتن بگو که هٰذَا مَقَامُ مَنْ حَسَنَاتُهُ
این مقام کسیست که نیکوئیهای او
نِعْمَةٌ مِنْكَ وَسَيِّئَاتُهُ بِعَمَلِهِ وَذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَ
نعمتی است از تو و بدیهای او بکرده او و گناه او بزرگ و
شُكْرُهُ قَلِيلٌ اِلٰهِي طُمُوحُ الْاٰمَالِ قَدْ خَابَتْ
شکر او کم است ای خدای من بلند شدنهای امیدها بتحقیق نومید شده اند
اِلَّا لَدَيْكَ وَمَعَاكِفُ الْهِمَمِ قَدْ تَقَطَّعَتْ
مگر نزد تو و اقامتهای عزیمتها بتحقیق بریده شده اند
اِلَّا عَلَيْكَ وَمَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ سَمَتْ اِلَّا
مگر بر تو و راههای عقلها بتحقیق بلند شده اند مگر
اِلَيْكَ فَاِلَيْكَ الرَّجَاءُ وَاِلَيْكَ الْمُلْتَجَا يَا اَكْرَمَ
بسوی تو پس بسوی تست آرزو و بسوی تست پناه ای گرامی ترین
مَقْصُودٍ وَيَا اَجْوَدَ مَسْئُولٍ هَرَبْتُ اِلَيْكَ بِنَفْسِي
قصد کرده شده و ای بخشنده ترین سؤال کرده شده گریختم بسوی تو بنفس خود
يَا مَلْجَأَ الْهَارِبِينَ بِاَثْقَالِ الذُّنُوبِ اَحْمِلُهَا
ای پناه گریزندگان با سنگینیهای گناهان در حالی که برداشته ام آنها را
عَلَى ظَهْرِي وَمَا اَجِدُ لِي اِلَيْكَ شَافِعًا سِوَى
بر پشت خود و نمی یابم از برای خود بسوی تو شفاعت کننده غیر
مَعْرِفَتِي بِاَنَّكَ اَقْرَبُ مَنْ رَجَاهُ الطَّالِبُونَ
دانستن من اینکه تو نزدیکترین کسی که آرزو داشته اند او را طلب کنندگان



وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْمُضْطَرُّونَ وَأَمَّلَ مَا لَدَيْهِ الرَّاغِبُونَ
و پناه آورده بسوی او بیچارگان و امید دارند آنچه را نزد او است رغبت کنندگان
يَا مَنْ فَتَقَ الْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ وَأَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ
ای کسی که شکافته است عقلها را بشناخت خود و روان کرده است زبانها را بحمد خود
وَجَعَلَ مَا امْتَنَّ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ كِفَاءً
و گردانیده است آنچه نعمت داده است بآن بر بندگان خود مانندی
لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَجْعَلْ
از برای بجا آوردن حق او رحمت بفرست بر محمد و آل او و مگردان
لِلْهُمُومِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلًا وَلَا لِلْبَاطِلِ عَلَى
از برای غمها بر عقل من راهی و نه از برای باطل بر
عَمَلِي دَلِيلًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
عمل من دلیلی برحمت تو ای رحیم‌ترین رحم کنندگان بعد از آن دو سجده
یکی و تشهد ... پس هرگاه سلام دادی پس تسبیح کن تسبیح زهرا علیها السلام
بعد از آن بخوان این دعا را که معروف است بدعای ...
أُنَاجِيكَ يَا مَوْجُوداً فِي كُلِّ مَكَانٍ لَعَلَّكَ
مناجات میکنم با تو ای یافت شده در هر مکانی امید است که
تَسْمَعُ نِدَائِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَقَلَّ حَيَائِي
بشنوی ندای مرا پس بتحقیق که بزرگ است جرم من و کم است حیای من
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَيَّ الْأَهْوَالِ أَتَذَكَّرُ وَ
ای مولای من ای مولای من کدام یک از هولها را یاد کنم و

أَيَّهَا أَنْسَى وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلَّا الْمَوْتُ لَكَفَى
کدام یک را فراموش کنم و اگر نبوده باشد مگر موت هر آینه کفایت است
كَيْفَ وَمَا بَعْدَ الْمَوْتِ أَعْظَمُ وَأَدْهَى
چگونه و حال آنکه بعد از مرگ عظیم‌تر است و بزرگتر است
مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ حَتَّى مَتَى وَإِلَى مَتَى أَقُولُ
ای مولای من ای مولای من تا کی و تا چند گویم
لَكَ الْعُتْبَى مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى ثُمَّ لَا تَجِدُ
از برای تو عتبی مرتبه بعد از مرتبه پس باز نیابی
عِنْدِي صِدْقاً وَلَا وَفَاءً فَيَا غَوْثَاهُ ثُمَّ وَا
نزد من راستی و نه وفائی پس ای داد و باز ای
غَوْثَاهُ بِكَ يَا اللهُ مِنْ هَوًى قَدْ غَلَبَنِي وَمِنْ
داد بتو ای خدا از خواهشی که بتحقیق غلبه کرده است بر من و از
عَدُوٍّ قَدِ اسْتَكْلَبَ عَلَيَّ وَمِنْ دُنْيَا قَدْ
دشمنی که بتحقیق برجسته است بر من و از دنیائی که بتحقیق
تَزَيَّنَتْ لِي وَمِنْ نَفْسٍ أَمَّارَةٍ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا
زینت داده است برای من و از نفسی که بسیار امر کننده است ببدی مگر آنچه
رَحِمَ رَبِّي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ إِنْ كُنْتَ
رحم کرده باشد پروردگار ای مولای من ای مولای من اگر بوده چنین که
رَحِمْتَ مِثْلِي فَارْحَمْنِي وَإِنْ كُنْتَ قَبِلْتَ
رحم کرده باشی مثل مرا پس رحم کن مرا و اگر بوده چنین که قبول کرده باشی



مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا من لم
ازل اتعرف منه الحسنى يا من يغذيني بالنعم
صباحاً ومساءً ارحمني يوم آتيك فرداً
اليك بصري مقلداً على قد تبرّأ جميع الخلق
مني نعم وابي وامي ومن كان له كدي و
سعيي فان لم ترحمني فمن يرحم في القبر وحشتي
ومن ينطق لساني اذا خلوت بعملي و
سألتني عما انت اعلم به مني فان قلت نعم
فاين المهرب من عدلك وان قلت لم افعل
قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك

عفوك يا مولاي قبل ان تلبس الابدان
سرابيل القطران عفوك عفوك يا مولاي
قبل ان تغل الايدي الى الاعناق يا ارحم
الراحمين بعد از آن سجده اللهم صل على محمد و
آله وارحم ذلي بين يديك وتضرعي اليك و
وحشتي من الناس وانسي بك يا كريم يا
كائناً قبل كل شيء يا مكون كل شيء يا
كائناً بعد كل شيء لا تفضحني فانك بي عالم
ولا تعذبني فانك علي قادر اللهم اني اعوذ
بك من كرب الموت ومن سوء المرجع



فِي الْقُبُورِ وَمِنَ النَّدَامَةِ يَوْمَ الْقِيمَةِ أَسْئَلُكَ
عِيشَةً هَنِيَّةً وَمِيتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَباً كَرِيماً
غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ اللَّهُمَّ مَغْفِرَتُكَ أَوْسَعُ
مِنْ ذُنُوبِي وَرَحْمَتُكَ أَرْجَى عِنْدِي مِنْ عَمَلِي
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي يَا حَيّاً لَا يَمُوتُ

فصل و بعد از آنکه فارغ شدی از نماز و وتر و آنچه متعلق بآن است بر میخیزی برای
دو رکعت نافلهٔ صبح و چنانچه آنها را دساسین و بعد از آنکه پنهان کرده میشوند
در نماز شب چنانکه روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت
رضا علیه السلام که بکن آنها با نماز شب را و ظاهر کشیدن وقت آنها است تا طلوع
سرخی چنانکه متضمن آنست بعضی روایات و چنانکه قائل شده اند بآن جماعتی از
علمای قدس الله ارواحهم هر چند افضل اوقات آنها میان صبح کاذب و صادق است
و میخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد
پس بگاه سلام دادی بخواب بر پهلوی راست و متوجه بروشی که میت را در لحد
میگذارند و بگذار بگو دست خود را اِسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللهِ

الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاعْتَصَمْتُ
بِحَبْلِ اللهِ الْمَتِينِ وَأَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ
الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَشَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
رَبِّيَ اللهُ رَبِّيَ اللهُ رَبِّيَ اللهُ آمَنْتُ بِاللهِ تَوَكَّلْتُ
عَلَى اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ
عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ
جَعَلَ اللهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً حَسْبِيَ اللهُ وَنِعْمَ
الْوَكِيلُ اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ وَلَهُ حَاجَةٌ إِلَى
مَخْلُوقٍ فَإِنَّ حَاجَتِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ وَحْدَكَ
لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ



الصباح الحمد لله فالق الاصباح الحمد لله ناشر

صبح سپاس مر خدایرا شکافنده صبحها سپاس مر خدایرا پراکنده

الارواح الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله جاعل

روحها سپاس مر خدایرا قسمت کننده روزی سپاس خدایرا گرداننده

اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا ذلک

شب آرام گیرندگان و آفتاب و ماه را حساب این است

تقدیر العزیز العلیم اللهم صل علی محمد و

تقدیر غالب دانا خداوندا رحمت بفرست بر محمد و

ال محمد واجعل فی قلبی نورا وفی بصری نورا

آل محمد و بگردان در دل من نوری و در دیده من نوری

وعلی لسانی نورا ومن بین یدی نورا ومن

و بر زبان من نوری و از پیش روی من نوری و از

خلفی نورا وعن یمینی نورا وعن شمالی نورا

پشت سر من نوری و از جانب راست من نوری و از جانب چپ من نوری

ومن فوقی نورا ومن تحتی نورا واعظم لی

و از بالای من نوری و از پایین من نوری و بزرگ گردان برای من

النور واجعل لی نورا امشی به فی الناس ولا

نوررا و بگردان برای من نوری که راه روم بآن در میان مردم و

تحرمنی نورک یوم القیمة بعد از ان بخوان آیة الکرسی و سوره

محروم مگردان مرا از نور خود روز قیامت پنج آیه از آخر آل عمران ان فی خلق

السموات والارض تا آنکه لا تخلف المیعاد و بعد از ان می نشینی و تسبیح میکنی تسبیح

حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها بعد از ان میگویی صد مرتبه

سبحان ربی العظیم وبحمده استغفر الله ربی و

تسبیح میکنم تسبیح پروردگار خود که بزرگست و حال آنکه حمد میکنم او را آمرزش میطلبم از خدا پروردگار خود و

اتوب الیه بعد از ان میگویی بسم الله الرحمن الرحیم لا حول

توبه میکنم بسوی او هفت مرتبه بنام خدای بخشاینده مهربان نیست حول

ولا قوة الا بالله العلی العظیم بعد از ان سجده میکنی و در سجده میگویی

و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ و میگویی در آنجا آنچه بر سبیل

سجده طولانی دعا که پیش گذشت و دعا کن بعد از آن اللهم رب الفجر و

از برای برادران مومن خود پس میگویی خداوندا ای پروردگار صبح و

اللیالی العشر والشفع والوتر واللیل اذا یسر و

شبهای ده گانه و جفت و طاق و شب هرگاه برود و

رب کل شیء واله کل شیء وخالق کل

پروردگار هر چیز و معبود هر چیز و آفریننده هر

شیء وملیک کل شیء صل علی محمد واله و

چیز و مالک هر چیز رحمت بفرست بر محمد و آل او و

افعل بی وبفلان وفلان ما انت اهله و

بکن با من و بفلان و فلان آنچه تو سزاوار آنی و

لا تفعل بنا ما نحن اهله فانک اهل التقوی

مکن با ما آنچه ما سزاوار آنیم پس بدرستی که تو سزاوار پرهیزگاری

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ و سزاوار است که بخوانی بعد از فراغ از نماز شب یعنی
و سزاوار آمرزشی سیزده رکعت این دعا را که میخواندند حضرت سید
العابدین علیه السلام و این اللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِا
از دعاهای صحیفه کامله است خداوندا ای صاحب پادشاهی باقی به
الْخُلُودِ وَالسُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ جُنُودٍ وَلَا
دوام و سلطنت غالب بی لشکرها و بی
أَعْوَانٍ وَالْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَخَوَالِي
مددها و عزت پاینده بر گذشتن روزگارها و سالهای
الْأَعْوَامِ وَمَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ عَزَّ
رفته و زمانهای گذشته و روزها غالب
سُلْطَانُكَ عِزّاً لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِيَّةٍ وَلَا مُنْتَهَى
سلطنت تو غلبه گرفت طوری را ابتدایی و نه منتهایی
لَهُ بِآخِرِيَّةٍ وَاسْتَعْلَى مُلْكُكَ عُلُوّاً
مر او را آخریتی و بلند است پادشاهی تو بلندی که
سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ وَلَا
افتاده اند همه چیزها پایین تر از رسیدن بنهایت آن و
يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى
نمی رسد پایین ترین پایه آنچه مخصوص گردانیده خود را بآن از بلندی نهایت
نَعْتِ النَّاعِتِينَ ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ وَ
وصف وصف کنندگان گم شده است در تو صفتها و

تَفَسَّخَتْ دُونَكَ النُّعُوتُ وَحَارَتْ فِي كِبْرِيَائِكَ
باطل شده است نزد تو نعتها و حیران شده است در بزرگواری تو
لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ
باریکیهای اندیشها همچنین تو توئی خدای اول
فِي أَوَّلِيَّتِكَ وَعَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ
در اولیت خود و بر این نحو توئی همیشه [illegible]
وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلاً الْجَسِيمُ أَمَلاً خَرَجَتْ
و منم بنده ضعیف در عمل بزرگ در امید بیرون رفته
مِنْ يَدَيَّ أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ
از دست من اسباب پیوندها مگر پیوند کرده است آنرا
رَحْمَتُكَ وَتَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا
رحمت تو و بریده شده است از من رشتهای امیدها مگر آنچه من
مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ قَلَّ عِنْدِي مَا أَعْتَدُّ بِهِ
دست زننده ام بآن از عفو تو کمست نزد من آنچه بشمار در آورم آنرا
مِنْ طَاعَتِكَ وَكَثُرَ عَلَيَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ
از طاعت تو و بسیار است بر من آنچه اقرار کنم بآن از
مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ
معصیت تو و تنگ نیست بر تو عفو کردن از بنده خود
وَإِنْ أَسَاءَ فَاعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفَ
و اگرچه بد کرده باشد پس عفو کن از من خداوندا و بتحقیق مطلع شده است



على خفايا الاعمال علمك وانكشف
بر کردارهای پنهان علم تو وآشکارا شده است
كل مستور دون خبرك ولا تنطوي عنك
هر پوشیده نزد آگاهی تو و در نوردیده نمیشود از تو
دقائق الامور ولا تعزب عنك غيبات
باریکیهای کارها و غایب نمیگردد از تو رازهای
السرائر وقد استحوذ علي عدوك الذي
پنهان و بتحقیق که غالب شده است بر من دشمن تو که
استنظرك لغوايتي فانظرته واستمهلك الى
مهلت طلبیده است از برای گمراهی من پس مهلت داده او را و مهلت طلبیده از تو
يوم الدين لاضلالي فامهلته فاوقعني و
روز قیامت برای گمراه کردن من پس مهلت داده او را پس انداخته مرا
قد هربت اليك من صغائر ذنوب موبقة
بتحقیق که گریختم من بسوی تو از گناهان خورد که حبس کننده اند
وكبائر اعمال مردية حتى اذا قارفت
و از عملهای بزرگ که هلاک کننده اند تا چون نزدیکی کردم
معصيتك واستوجبت بسوء سعيي سخطتك
معصیت ترا و سزاوار شدم بسبب بدی سعی خود غضب ترا
فتل عني عذار غدره وتلقاني بكلمة كفره
پیچید از من عنان حیله خود را و پیش آمد مرا بکلمه کفرش

اشاره است بآنچه حکایت کرده است خدای تعالی بقول خود اذ قال للانسان اکفر فلما کفر قال انی بریء منک

وتولى البراءة مني وادبر موليا عني فاصحرني
و بیزاری جست از من و برگشت اعراض کننده از من پس در صحرا انداخت
لغضبك فريدا واخرجني الى فناء نقمتك
غضب تو تنها و بیرون کرد مرا بسوی ساحت عقاب تو
طريدا لا شفيع يشفع لي اليك ولا خفير يؤمنني
رانده شده نه شفیعی که شفاعت کند مرا بسوی تو و نه زنهار دهنده ای که امان دهد مرا
عليك ولا حصن يحجبني عنك ولا ملاذ الجأ
بر تو و نه جای محکمی که مانع شود مرا از تو و نه پناهی که پناه برم
اليه منك فهذا مقام العائذ بك ومحل
بسوی او از تو پس اینجا مقام پناه آورنده است بتو و جای
المعترف لك فلا يضيقن عني فضلك ولا
اعتراف کننده است بگناه از برای تو پس در تنگی مکند از من فضل تو و
يقصرن دوني عفوك ولا اكن اخيب
کوتاهی نکند نزد من عفو تو و نباشم بی بهره ترین
عبادك التائبين ولا اقنط وفود الآملين
بندگان تو که توبه کننده اند و نه نومیدترین گروه وارد شوندگان که امیدوارند
واغفر لي انك خير الغافرين اللهم انك
و بیامرز مرا بدرستی که تو بهترین آمرزندگانی خداوندا بدرستی که تو
امرتني فتركت ونهيتني فركبت وسول
امر کردی مرا پس ترک کردم و نهی کردی مرا پس ارتکاب کردم و آراسته

لِيَ الْخَطَاءَ خَاطِرُ السُّوٓءِ فَفَرَّطْتُ وَلَا أَسْتَشْهِدُ

بهر من خطا را اندیشه بد پس تقصیر کردم و گواه نمیگیرم

عَلَى صِيَامِي نَهَارًا وَلَا أَسْتَجِيرُ بِتَهَجُّدِي لَيْلًا وَ

بر روزه داشتن خود در روز را و پناه نمیبرم بشب زنده داشتن خود شبی را و

لَا تُثْنِي عَلَيَّ بِإِحْيَائِهَا سُنَّةٌ حَاشَا فُرُوضِكَ

ثنا نمیکند بر من سنتی بزنده داشتن آن مگر فرضهای تو

الَّتِي مَنْ ضَيَّعَهَا هَلَكَ وَلَسْتُ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

که هر که ضایع گذاشت آنها را هلاک شد و نیستم من که وسیله جویم بسوی تو

بِفَضْلِ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيرِ مَا أَغْفَلْتُ مِنْ وَظَائِفِ

بفضل نافله با وجود بسیاری از آنچه غافل شدم از شرایط

فُرُوضِكَ وَتَعَدَّيْتُ عَنْ مَقَامَاتِ حُدُودِكَ

فرضهای تو و در گذشته ام از مقامهای حدود تو

إِلَى حُرُمَاتٍ انْتَهَكْتُهَا وَكَبَائِرِ ذُنُوبٍ

بسوی حرمتهای که مبالغه کردم در دریدن آنها و بزرگ گناهانی

اجْتَرَحْتُهَا كَانَتْ عَافِيَتُكَ لِي مِنْ فَضَائِحِهَا

که کسب کردم آنها را بود عافیت تو مرا از رسوائی آنها

سِتْرًا وَهٰذَا مَقَامُ مَنِ اسْتَحْيَى لِنَفْسِهِ مِنْكَ

پرده و این مقام کسی است که شرمنده است از برای نفس خود از تو

وَسَخِطَ عَلَيْهَا وَرَضِيَ عَنْكَ فَتَلَقَّاكَ بِنَفْسٍ

و خشم دارد بر نفس خود و خشنود است از تو پس پیش آمده است ترا بنفسی

خَاشِعَةٍ وَرَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ وَظَهْرٍ مُثْقَلٍ مِنَ

فروتنی کننده و گردنی پستی نماینده و پشتی گران بار از

الْخَطَايَا وَاقِفًا بَيْنَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ

خطاها ایستاده میانه رغبت بسوی تو و ترس

مِنْكَ وَأَنْتَ أَوْلَى مَنْ رَجَاهُ وَأَحَقُّ مَنْ خَشِيَهُ

از تو و تو بهترین کسی که امید داشته باشد و سزاوارترین کسی که ترسند از او

وَاتَّقَاهُ فَأَعْطِنِي يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ وَآمِنِّي

و پرهیز نماید پس عطا کن مرا ای پروردگار من آنچه آرزو دارم و ایمن گردان مرا

مَا حَذِرْتُ وَعُدْ عَلَيَّ بِعَائِدَةِ رَحْمَتِكَ إِنَّكَ

از آنچه حذر میکنم و احسان کن بر من بصله رحمت خود بدرستی که تو

أَكْرَمُ الْمَسْؤُولِينَ اللّٰهُمَّ وَإِذْ سَتَرْتَنِي

کریمترین سوال کرده شدهائی خداوندا و چون پوشانیدی مرا

بِعَفْوِكَ وَتَغَمَّدْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي دَارِ الْفَنَاءِ

بعفو خود و فرو گرفتی مرا بفضل خود در سرای فنا

بِحَضْرَةِ الْأَكْفَاءِ فَأَجِرْنِي مِنْ فَضِيحَاتِ

بحضور امثال پس پناه ده مرا از رسوائی

دَارِ الْبَقَاءِ عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ

سرای بقا نزد ایستادنگاههای حاضران از

الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالرُّسُلِ الْمُكَرَّمِينَ

فرشتگان مقربان و رسولان گرامی داشته شده

والشهداء والصالحين من جار كنت
شهیدان و صالحان از همسایه که بودم چنین که
أكاتمه سيئاتي ومن ذي رحم كنت
پوشانیدم ازو گناهان خود را و از خویشی که شرم
أحتشم منه في سريرتي لم أثق بهم رب
میداشتم ازو در کارهای پنهانی خود اعتماد نداشتم باشان پروردگار
في الستر علي ووثقت بك رب في المغفرة
در پوشانیدن بر من و اعتماد کرده بودم ای پروردگار در آمرزیدن
لي وأنت أولى من وثق به وأعطى من رغب
مرا و تو بهترین کسی که اعتماد داشته شده باشد باو و دهنده ترین کسی که رغبت کند
إليه وأرأف من استرحم فارحمني
بسوی او و مهربانترین کسی که رحمت کرده باشد پس رحم کن مرا
اللهم وأنت أحدرتني ماء مهينا من
خداوندا و تو پایین آوردی مرا از آبی خوار از
صلب متضائق العظام حرج المسالك إلى
پشتی تنگ در هم رفته استخوانهای تنگ راههاش بسوی
رحم ضيقة سترتها بالحجب تصرفني حالا
رحم تنگ که پوشیده آنرا به پردها و میگردانی مرا از حالی
عن حال حتى انتهيت بي إلى تمام الصورة
بحالی تا اینکه رسانیدی مرا به تمام شدن صورت



وأثبت في الجوارح كما نعت في كتابك
و ثابت گردانیدی در من اعضا چنانکه وصف کرده در کتاب خود
نطفة ثم علقة ثم مضغة ثم عظما ثم
اول نطفه پس از آن پاره خونی پس از آن پاره گوشتی پس از آن استخوان پس
كسوت العظام لحما ثم أنشأتني خلقا آخر
پوشانیدی استخوانها را گوشتی پس آفریدی مرا خلق دیگر
كما شئت حتى إذا احتجت إلى رزقك
چنانکه خواستی تا چون محتاج شدم بروزی تو
ولم أستغن عن غياث فضلك جعلت لي
و بی نیاز نبودم از فریادرسی فضل تو گردانیدی برای من
قوتا من فضل طعام وشراب أجريته
قوتی از زیادتی خوردنی و آشامیدنی که جاری ساختی آنرا
لأمتك التي أسكنتني جوفها وأودعتني
از برای کنیز خود که ساکن گردانیده بودی مرا در شکم او و امانت گذاشته بودی مرا
قرار رحمها ولو تكلني يا رب في تلك
در قرار رحم او و اگر وامیگذاشتی مرا ای پروردگار در این
الحالات إلى حولي أو تضطرني إلى قوتي
حالها بقدرت من یا ناچار میساختی مرا به قوت من
لكان الحول عني معتزلا ولكانت القوة
هرآینه بودی قوت از من کناره گیرنده و هرآینه بودی قوت

مِنّي بَعِيدَةً فَغَذَوْتَني بِفَضْلِكَ غِذاءَ الْبَرِّ

از من دور پس غذا دادی مرا بفضل خود غذا دادن مهربان

اللَّطِيفِ تَفْعَلُ ذٰلِكَ بي تَطَوُّلاً عَلَيَّ اِلىٰ

لطف کننده میکنی اینها را با من از روی تفضل بر من تا این

غايَتي هٰذِهِ لا اَعْدَمُ بِرَّكَ وَلا يُبْطِئُ بي حُسْنُ

غایت که رسیده‌ام کم نمیکنم مهربانی ترا و درنگ نمیکند بمن نیکوئی

صَنِيعِكَ وَلا يَتَاَكَّدُ مَعَ ذٰلِكَ ثِقَتي فَاَتَفَرَّغَ

احسان تو و نیست محکم با وجود این اعتماد من تا بپردازم

لِما هُوَ اَحْظىٰ لي عِنْدَكَ قَدْ مَلَكَ الشَّيْطانُ

بآنچه آن بهره‌ور تر است برای من نزد تو بتحقیق که مالک شده است شیطان

عِناني في سُوءِ الظَّنِّ وَضَعْفِ الْيَقِينِ

عنان مرا در بد گمانی و سستی یقین

فَاَنَا اَشْكُو سُوءَ مُجاوَرَتِهِ لي وَطاعَةَ

پس شکوه میکنم از بدی همسایگی او مرا و فرمان بردن

نَفْسي لَهُ وَاَسْتَعْصِمُكَ مِنْ مَلَكَتِهِ وَاَتَضَرَّعُ

نفس من او را و چنگ میزنم بتو از تسلط او و زاری میکنم

اِلَيْكَ في اَنْ تُسَهِّلَ اِلىٰ رِزْقي سَبِيلاً فَلَكَ

بسوی تو در اینکه آسان گردانی بسوی من راه روزی مرا پس مر تراست

الْحَمْدُ عَلَى ابْتِدائِكَ بِالنِّعَمِ الْجِسامِ وَاِلْهامِكَ

سپاس بر ابتدا کردن تو بنعمتهای بزرگ و در دل انداختن تو

الشُّكْرَ عَلَى الْاِحْسانِ وَالْاِنْعامِ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ

شکرگزاری بر احسان و انعام را پس رحمت بفرست بر محمد

وَآلِهِ وَسَهِّلْ عَلَيَّ رِزْقي وَاَنْ تُقَنِّعَني بِتَقْدِيرِكَ

و آل او و آسان گردان بر من روزی مرا و اینکه قانع گردانی مرا باندازه کردن

لي وَاَنْ تُرْضِيَني بِحِصَّتي فِيما قَسَمْتَ لي وَاَنْ

کرده برای من و اینکه خشنود سازی مرا بحصه من از آنچه قسمت کرده برای من و اینکه

تَجْعَلَ ما ذَهَبَ مِنْ جِسْمي وَعُمُري في سَبِيلِ

بگردانی آنچه رفته است از بدن من و عمر من در راه

طاعَتِكَ اِنَّكَ خَيْرُ الرّازِقِينَ اَللّٰهُمَّ اِنّي

طاعت تو بدرستی که تو بهترین روزی دهندگانی خداوندا بدرستی که من

اَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ تَغَلَّظْتَ بِها عَلىٰ مَنْ عَصاكَ

پناه میگیرم بتو از آتشی که غلیظ گردانیده او را بر کسی که عصیان کرده ترا

وَتَوَعَّدْتَ بِها مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضاكَ وَمِنْ

و وعید فرموده بآن کسی را که بیرون رفته است از رضای تو و از

نارٍ نُورُها ظُلْمَةٌ وَهَيِّنُها اَلِيمٌ وَبَعِيدُها

آتشی که نور آن تاریکیست و آسانی آن دردناکست و دور آن

قَرِيبٌ وَمِنْ نارٍ يَاْكُلُ بَعْضَها بَعْضٌ وَيَصُولُ

نزدیک و از آتشی که میخورد بعضی از آن بعضی را و حمله میکند

بَعْضُها عَلىٰ بَعْضٍ وَمِنْ نارٍ تَذَرُ الْعِظامَ

بعضی از آن بر بعضی و از آتشی که وامیگذارد استخوانها را

رميما وتسقي اهلها حميما ومن نار لا تبقي
پوسیده و آب میده و اهل خود را آب گرم و از آتشی که رحم میکند
على من تضرع اليها ولا ترحم من استعطفها
بر کسی که فروتنی کند بسوی آن و رحم میکند کسی را طلب مهربانی کند از او
ولا تقدر على التخفيف عمن خشع لها واستسلم
و قادر نیست بر سبک کردن از کسی که فروتنی کند آن را و فرود آرد
اليها تلقى سكانها باحر ما لديها من اليم
که مرا آنرا پیش آورد ساکنانش را گرمترین آنچه نزد اوست از عقاب
النكال وشديد الوبال واعوذ بك من
دردناک و مصیبت سخت و پناه میگیرم بتو از
عقاربها الفاغرة افواهها وحياتها
عقربهای آن که واکرده اند دهنهای خود را و از مارهای آن
الصالقة بانيابها وشرابها الذي يقطع
که میزنند نیشهای خود را و از شراب آن که پاره میکند
امعاء وافئدة سكانها وينزع قلوبهم
رودها و دلهای ساکنان آن را و میکند دلهاشان را
واستهديك لما باعد منها واخر عنها اللهم
و راه میجویم از تو بسوی آنچه دور کرداند از آتش موخر سازد از آن خدا
صل على محمد واله واجرني منها بفضل رحمتك
رحمت بفرست بر محمد و آل او و پناه ده مرا از آن آتش بفضل رحمت خود

واقلني عثراتي بحسن اقالتك ولا تخذلني يا خير
و در گذران از من لغزشهای مرا به نیکوئی در گذشتن و خوار مگردان مرا ای بهترین
المجيرين انك تقي الكريهة وتعطي الحسنة
پناه دهندگان بدرستی که تو نگاه میداری ناخوشی را و عطا میکنی خوبی را
وتفعل ما تريد وانت على كل شيء قدير
و میکنی آنچه را میخواهی و تو بر همه چیز نهایت توانائی
اللهم صل على محمد واله اذا ذكر الابرار
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او هرگاه یاد کرده شوند نیکوکاران
وصل على محمد واله ما اختلف الليل والنهار
و رحمت بفرست بر محمد و آل او چندانکه تردد کنند شب و روز
صلوة لا ينقطع مددها ولا يحصى عددها
رحمتی که بریده نشود مدد آن و شمرده نشود عدد آن
صلوة تشحن الهواء وتملأ الارض والسماء
رحمتی که پر کند هوا را و لبالب سازد زمین و آسمان را
صلى الله عليه حتى يرضى وصلى الله عليه
رحمت کند خدا بر او تا اینکه خشنود شود و رحمت کند خدا بر او
واله بعد الرضا صلوة لا حد لها و
و آل او بعد از خشنود شدن رحمتی که حدی نباشد آن را و
لا منتهى بقدرتك يا ارحم الراحمين
نه منتهائی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

خاتمه سزاوار است از برای نمازگزارنده ملاحظه معانی و کلمهای نماز و دعاهای آن و
تعقیبهای آن و آنچه خوانده میشود در آن و اینکه نبوده باشد ذکرا و دعای او محض
حرکت دادن زبان بی ملاحظه معانی که قصد کرده شده است از آنها پس بوده باشد
حال او مثل حال عربی که بگوید کلام فارسی را بی آنکه داند معنی آنچه را میگوید و مثل حال ساهی
یا مصروع هرگاه بگوید چیزی بی اینکه بگذرد معانی آن بخاطر او و کافیست در تنبیه
نمازگزارنده و تحریص او بر ملاحظه معانی آنچه میگوید در نماز قول خدای تعالی
یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة وانتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون یعنی
ای جماعتی که ایمان آورده اید نزدیک مشوید نماز را و حال آنکه مست باشید تا اینکه
بدانید آنچه را میگویید والله تعالی یعلم و روایت کرده است شیخ محدثین از حضرت
صادق علیه السلام که فرموده که هر که نماز بگذارد دو رکعت که داند آنچه را میگوید در
آنها بر گردد و حال آنکه نباشد میان او و میان خدای تعالی گناهی مگر اینکه آمرزیده
شده باشد آن برای او و ما بتوفیق خدای تعالی بیان کردیم در بابهای گذشته
آنچه را محتاج است به بیان و شرح کردیم آنچه را احتیاج دارد بشرح از ذکرهای
نماز و بعضی از آنچه خوانده میشود در آن و قنوت کرده میشود بعد از آن از تعقیبات
و به تحقیق که ختم کردیم کتاب خود این را بتفسیر فاتحه از برای امید نیکویی و برای
اینکه نبوده چیزی آنچه گفته میشود در نماز و پیش از آن و بعد از آن از آنچه ذکر کردیم آنرا
درین کتاب تفسیر کرده شده و شرح کرده شده آسان فرا گرفتن آن بر برادران
دین و دوستان یقین و بر خدا توکل میکنیم و باو یاری میجوییم ۞ تا اینجا قلم شکسته رقم بر
ترجمه کلام شیخ رحمه الله اقدام نمود و چون بعد ازین در تفسیر فاتحه اطناب فرموده
و ذکر کرده اند تحقیقی چند که منتفع نمیشود از آن مگر کسی که او را بهره از علم بوده باشد

پس معلوم میشود که
در نماز باید دانست
آنچه گفته میشود

غرض این قلیل البضاعة از ترجمه این کتاب شریف عموم النفع شمول الفایده
آن بود که نسبت بهمه طوایف انام از خواص و عوام یکسان بوده باشد
پس اولی و انسب چنین نمود که سوره فاتحه نیز مانند
دعاهای سابقه و مثل آنها ترجمه شود و
جاهائی که احتیاج به توضیحی
باشد در حاشیه قلمی نماید
پس باین نهج سلوک
نمود

تم

بتاریخ
یوم الاربعا پنجم
شهر جمادی الاول سنه ۱۲۳۴ الهجری
نوزدهم هفده و جلالی که چهار سال
او [illegible] که بود شد الحمد لله رب العالمین
از تحریر [illegible] ترجمه و شروح متن و حواشی
این رساله شریفه فارغ گردید
الحمد لله اولا و آخرا
بنده گناهکار
محمد [illegible]
غفر له و لوالدیه
و احسن الیهما و الیه

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بسیار بخشنده مهربان

الحمد لله رب العالمین

سپاس مر خدای را پروردگار عالمها

الرحمن الرحیم مالک یوم الدین

بسیار بخشاینده مهربان صاحب روز جزا

ایاک نعبد و ایاک نستعین

همین ترا عبادت میکنیم و همین از تو یاری می جوئیم

اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت

هدایت کن ما را براه راست راه آنانی که انعام کرده

علیهم غیر المغضوب علیهم و لا الضالین

برایشان نه خشم کرده شده برایشان و نه گمراهان

دعاء حضرت صاحب
الامر عليه السلام والاكرام
بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم ارزقنا توفيق الطاعة
وبعد المعصية وصدق ا
لنية وعرفان الحرمة واكـ
رمنا بالهدى والاستقا
وسدد السنتنا بالصواب
والحكمة واملا قلوبنا بالعلم
والمعرفة وطهر بطوننا عن

الحرام والشبهة واكفف ايدينا
عن الظلم والسرقة واغضض
ابصارنا عن الفجور والخيانة
واسدد اسماعنا عن اللغو
والغيبة وتفضل على علمائنا
بالزهد والنصيحة وعلى المتعلمين
بالجهد والرغبة وعلى المستمعين
بالاتباع والموعظة وعلى
مرضى المسلمين بالشفاء والراحة
وعلى موتاهم بالرافة والرحمة

وعلى المشايخ بالوقار والسكينة و
على الشباب بالانابة والتوبة
وعلى النساء بالحياء والعفة
وعلى الاغنياء بالتواضع والسعة
وعلى الفقراء بالصبر والقناعة
وعلى الغزاة بالنصر والغلبة و
على الاسراء بالخلاص والرا
حة وعلى الامراء بالعدل وا
لشفقة وعلى الرعية بالانصاف
وحسن السيرة وبارك اللهم للحجاج
والزوار في الزاد والنفقة

واقض ما اوجبت عليهم من الحج
والعمرة بجودك وفضلك ورحمتك
وكرمك يا ارحم الراحمين يا الله

بتاريخ ۸ ر ۹ ر ۲۰ [illegible]

گردید هر که خواند از ما طمع دارم بدو
بیاد ... [illegible]

